



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

جهود حدیثی تابعیات و مرویات شان در کتب سته

(رساله ماستری)

محصل: عابده «مجیدی»

استاد رهنما: د. محمد اسماعیل لیب «بلخی»

سال: ۱۴۰۰ هـ. ش. ۱۴۴۲ هـ. ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعيات و قانون
پروگرام ماستري تفسير و حديث



دولت جمهوري اسلامي افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

جهود حديثي تابعيات و مرويات شان در كتب

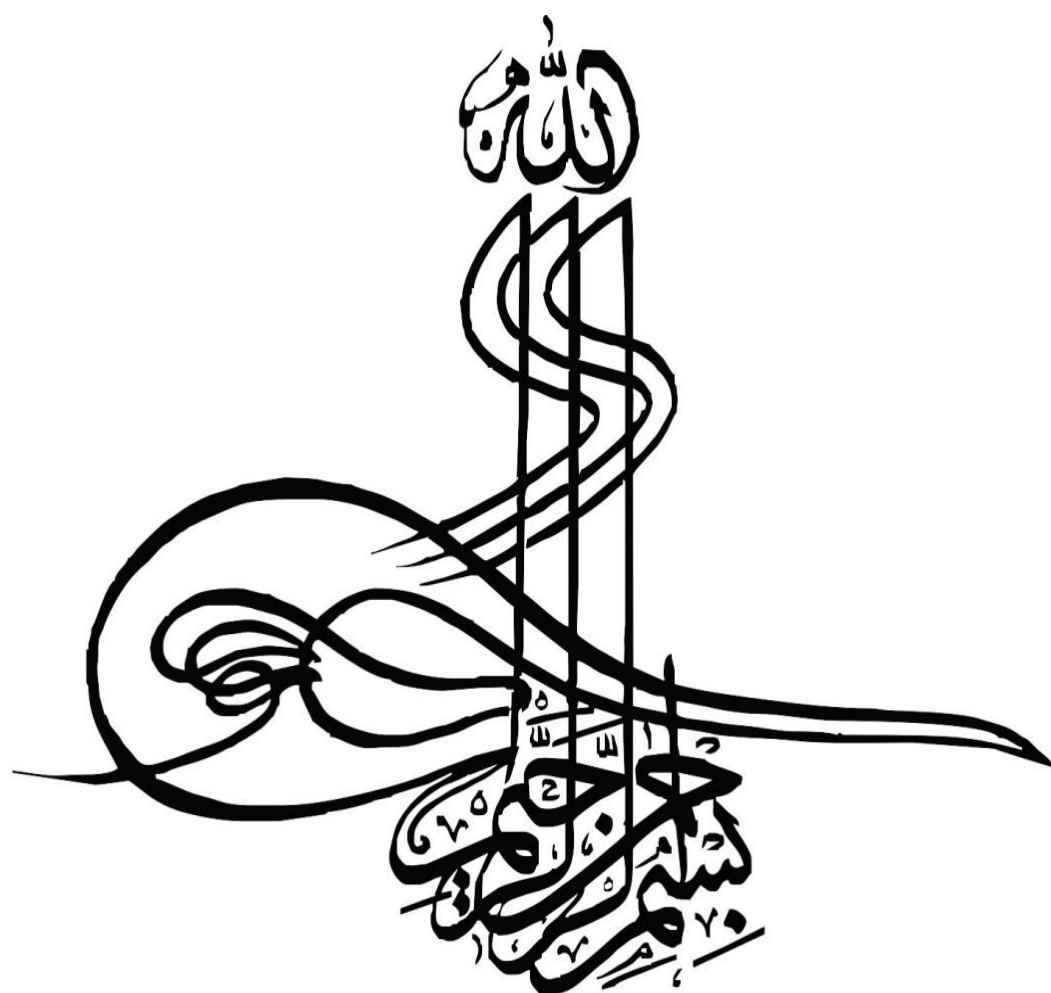
سته

(رساله ماستري)

محصل: عابده «مجیدی»

استاد رهنما: د. محمد اسماعیل لیب «بلخی»

سال: 1400 هـ ش. 1442 هـ ق





پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات وقانون

دپیارتمنت تفسیر وحديث

بورده ماستري

تصديق نامه

محترم عابده مجیدی بنت اختر محمد ID نمبر Sh-mst-97-371 محصل دور چهارم تفسیر وحديث، ازپایان نامه ماستري خویش زیر عنوان: جهود حدیثی تابعیات و مرویات شان در کتب سته به روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۴/۲ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و از نظر هیأت ژوری مستحق ۹۴ (نمره به عدد) نود و چهار (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

امضاء اعضای هیأت ژوری:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور اسماعیل احدی	عضو هیأت	
۲	استاد محمد نعیم جلیلی	عضو هیأت	
۳	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	

..... معاون علمی

..... آمر بورده ماستري

اهداء

این اثر را که اولین ثمره ای علمی بنده است؛ در قدم نخست :

- به روان مبارک و ملکوتی ناجی بشریت، و سر چشمه هدایت عالم انسانیت، رسول الله – صلی الله علیه و سلم . -
- به مادر محبوب و دوست داشتنی ام ، که خداوند حفظش نموده و شفایش دهد .
- ای مادر محبوبم ! ای کسیکه بخاطر من همه چیز را فدا کردی ، چگونه باشد که بخشش و فدا کاری و مهربانی هایت را فراموش کنم !
- ای کسیکه دعاء های نیک ات پیوسته مرا در مراحل مختلف زندگی دستگیری نموده است ، خداوند برایت بهترین پاداش نصیب کند .
- به پدر مهربانم ! که خداوند حفظش نماید!
- از خداوند منان مسألت دارم که عمرت را با برکت گرداند ، و عاقبت خیر را نصیب تو و من و جمله مسلمانان جهان گرداند.
- به استاد معزز و رهنمایم که برایم حیثیت پدر معنوی را داشته ، و درین سفر تا سر منزل مقصود با حوصله مندی همراهی ام کرد .
- به استاد محترم جناب فضل الهادی وزین که در انتخاب موضوع و دسترسی به مصادر و مراجع کمک و رهنمایی ام نموده است .

سپاس و تشکر

ثنا و ستایش مر خدایی راست که صاحب نعمت های زیادی است، که هیچ نعمتی بدون توفیق او به پایه کمال نمیرسد . و درود بی پایان بر روان پاک سرور کاینات، محمد - صلی الله علیه و سلم - کسیکه ایان مؤمن ، بدون ایان و محبت و دوست داشتن شان مورد قبول و تأیید الله سبحانه قرار نمی گیرد.

الله منان را بخاطر تمام نعمت هایش سپاسگذارم ، از جمله نعمت های بی حسابش، یکی هم مساعد ساختن زمینه تحصیل آنهم در شریف ترین رشته (تفسیر و حدیث) دو چشمه صاف و ناب وحی الهی که ابدًا خشکیدن را در آن راهی نیست ، برایم فراهم آورد ، از ذات بی مثالش مسألت میدارم تا اخلاص و توفیق عمل را نصیبم نماید .

و به اساس فرموده رسول الله - صلی الله علیه و سلم - : «من لم يشكر الناس ، لم يشكر الله» ^(۱)

ترجمه : « هر کس از مردم تشکر و قدر دانی ننماید ، خداوند را سپاسگذاری نکرده است » ، لازم میدارم:

- در قدم نخست از پوهنتون خوش اسم ، و با رسالت سلام ، که زمینه تحصیل را بطور عموم برای جوانان ، و به خصوص طبقه اناث ، در بهترین محیط و شرایط ، آراسته با روح و تعلیمات اسلامی فراهم نموده ، تقدیر نمایم ، و از خداوند برای تمام اعضای محترم این کانون علمی ، سلامتی و توفیقات مزید خدمت را استدعاء مینمایم . آرزو دارم شاهد روزی در زندگی باشم که این کانون علم و عالم پرور زمینه ای تحصیل در درجه دکتورا را مساعد سازد ، تا توانسته باشم به این هدف عالی ام وصل شوم . که البته برای این موفقیت شان از ته دل دعاء میکنم!
- ضمناً از تمام اساتید محترم و بزرگوارم که در دوره ماستری ، به اخلاص تمام و امانتداری کامل بنده را تدریس و رهنمایی نموده اند ، اظهار سپاس و تشکر نمایم ، و از خداوند کریم برایشان علم مزید توأم با عمل ، و عمر پر بار و یاری دینش نصیب نماید .
- و همچنان از استاد معزز و محترم پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی ، که در طول مدت نوشتن رساله هذا ، با رهنمایی های عالمانه و دلسوزانه شان ، با سعه ای صدر و جبین گشاد ، قدم به قدم درین سفر معنوی رهنمایی ام نموده ، اظهار سپاس و قدر دانی نمایم ، و از الله متعال خواهانم که تمام جهودش را در ترازوی حسناتش قرار داده ، و پاداش بی حساب را در دنیا و آخرت برایش ارزانی فرماید.

(۱) أبو عیسی ، محمد بن عیسی ، ترمذی سلمی ، [ت 279] ، الجامع الصحیح سنن الترمذی ، تحقیق : احمد شاکر ، ناشر : دار إحياء التراث العربی ، باب الشکر لمن أحسن إلیک (ج/4، ص 339، شماره 1955)، و آلبانی در کتاب "صحیح الجامع" (6541) آنرا صحیح دانسته است.

- جا دارد از تمام اعضای فامیل محترم ام ، خصوص والدین گرامی و دوست داشتنی ام اظهار سپاس و قدر دانی نمایم که با حمایت های مادی و معنوی شان بنده را مساعدت و همیاری نموده اند . از الله سبحانه برایشان خیر و برکت دارین را استدعاء مینمایم .
- در اخیر ، از تمامی دوستان و همصنفان مرحله ماستری که به گونه های مختلف در امر نوشتن رساله دستگیری ام نموده اند ، اظهار امتنان و تشکر نموده ، و از خداند مهربان برای همه شان اجر جزیل را مسألت نموده ، امید وارم که الله منان مرا همراه شان در بهشت و قرار گاه رحمت خویش محشور گرداند.

چکیده (خلاصه)

موضوع علم حدیث در ذات خود دارای اهمیت و فضیلت خاص می باشد ، و اما تحقیق در مورد زنان تابعیات که بعد از عصر صحابیات دومین نسل برتر می باشند ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است ؛ چون عموماً افکار عامه در مورد زنان در راستای علوم شریعت به گونه ای است که گویا زنان در کنج خانه ها قرار گرفته ، و جز انجام عبادات و مسولیت های خانه و همسر داری نقشی نداشته اند . در حالیکه بعد از تتبع در کتب نقش شان درین مورد آشکار و هویدا می گردد.

تحقیق هذا از نوع استقرائی و تحلیلی است به این معنی که نخست در مورد اسماء تابعیات تتبع و تحقیق صورت گرفته ، و بعد از آن برای پیدا کردن مرویات شان در کتب سته با استفاده از مکتبه شامله ، جستجو و تحقیق نموده ام ، تا بدین طریق از حیث کثرت و قلت روایت ، نخست در صحیحین و بعد در کتب سنن اسماء شان ترتیب شود ، بعد از آن جهت شناخت مختصر هر یک از تابعیات و سیرت و حال شان از حیث جرح و تعدیل به کتب مشهور تراجم و سپس به کتب جرح و تعدیل مراجعه نموده ام .

بعد از حصر و جمع آوری احادیث و تخریج نمودن شان از کتب سته ، برای بیان نمودن درجه و حکم حدیث نیاز بود که به کتب معتبر چون کتاب البانی مراجعه کردیم ، و سپس بالای آن عده احادیثی که بطور نمونه برای هر یک از تابعیات آورده شده از حیث صحت و ضعف و حسن ، و یا غریب بودن بالایشان حکم صورت گرفته است .

علاوه بر این در رابطه به جهود تابعیات در روایت و درایت به تمام کتب احادیث و کتب تراجم مراجعه شده ، و تا حد توان تمام روایاتی را که در مورد رحلات شان و تحمل و اداء و نقش شان در رسانیدن احادیث جمع آوری و نقل نموده ام.

فهرست عناوین

عنوان

صفحه

1	مقدمه.....
2	اسباب اختیار موضوع (ضرورت تحقیق).....
3	اهمیت موضوع.....
3	سوالات تحقیق.....
4	پیشینه تحقیق.....
4	روش تحقیق.....
7	فصل اول.....
8	مبحث اول : تعریف جهود ، روایت و درایت:.....
9	مطلب اول : تعریف جهود در لغت.....
10	مطلب دوم : تعریف درایت در لغت و علم حدیث.....
11	مطلب سوم : تعریف روایت در لغت و علم حدیث.....
13	مبحث دوم : تعریف تابعی ، فضیلت و بهترین شان.....
14	مطلب اول : تعریف تابعی در لغت و اصطلاح.....
16	مطلب دوم : فضیلت تابعیات.....
21	مطلب سوم : بهترین تابعیات.....
28	فصل دوم : نقش تابعیات در خدمت سنت.....
29	مبحث اول : نقش تابعیات در روایت حدیث.....
35	مبحث دوم : نقش تابعیات در درایت حدیث.....
36	مطلب اول : کبار تابعیات.....
41	مطلب دوم : اوساط تابعیات.....

46	مطلب سوم : صغار التابعيات
48	مبحث دوم : نقش تابعيات در درايت حديث
53	مبحث سوم: تلاش ها و مشقت های تابعيات در علم حديث
54	مطلب اول : تحمل و اداء نزد تابعيات
57	مطلب دوم : رحلات تابعيات
64	فصل سوم: مرويات تابعيات در کتب ستة
65	مبحث اول : مرويات آنعده تابعياتي که به اسم شان معروف اند
67	مطلب اول : مرويات شان در صحيحين
67	1- مرويات عمره بنت عبد الرحمن در صحيحين :
71	2 - مرويات زينب بنت أبي سلمة مخزومي در صحيحين :
73	3 - مرويات صفیه بنت شبیه در صحيحين :
75	4- مرويات فاطمة بنت منذر در صحيحين:
78	5 - مرويات حفصة بنت سيرين در صحيحين :
79	6- مرويات معاذة بنت عبدالله عدويه در صحيحين :
80	7 - مرويات أم درداء هجيمة بنت حبي در صحيحين :
83	8- مرويات عائشه بنت طلحه در صحيحين :
84	9- مرويات خيرة أم حسن بصري در صحيحين :
85	10- مرويات صفية بنت ابي عبيد در صحيحين :
86	11- مرويات عائشه بنت سعد ابن سعد ابن أبي وقاص در صحيحين:
87	12- مرويات هند بنت حارث فراسيه در صحيحين:
88	13 - مرويات أم كلثوم بنت ابي بكر صديق - رضي الله عنه - در صحيحين :
88	14 - مرويات مرجانه در صحيحين :
89	15- مرويات هولة يا هالة در صحيحين :

- 16- مرویات حفصة بنت عبدالرحمن ابن ابوبکر صدیق در صحیحین : 90
- 17 - مرویات أمینه بنت أنس بن مالک انصاری در صحیحین : 90
- مطلب دوم : مرویات تابعیات در سنن أربعة: 91
- 1- مرویات عمرة بنت عبدالرحمن در سنن أربعة : 91
- 2- مرویات صفیه بنت شیبہ در سنن أربعة : 97
- 3- مرویات زینب بنت ابو سلمة در سنن أربعة : 100
- 4 - مرویات هجیمة بنت حی (أم درداء صغری) در کتب سنن : 105
- 5- مرویات حفصة بنت سیرین در سنن أربعة : 108
- 6- مرویات عائشه بنت طلحه در سنن أربعة : 111
- 7- مرویات فاطمة بنت المنذر در سنن أربعة : 114
- 8- مرویات معاذة بنت عبدالله عدویة در سنن أربعة : 116
- 9 - مرویات خیرة أم حسن البصري در کتب سنن : 119
- مرویات جسرۃ بنت دجاجة در کتب سنن : 125
- 13 - مرویات حفصة بنت عبدالرحمن در کتب سنن : 128
- 14- مرویات أم کلثوم بنت ابی بکر در کتب سنن : 130
- 15 - مرویات عائشة بنت سعد ابن أبي وقاص در کتب سنن : 131
- 16 - مرویات أمیة بنت عبدالله در کتب سنن: 133
- 17 - مرویات مرجانة در کتب سنن : 135
- 18- مرویات رباب بنت صلیع در کتب سنن : 136
- 19 - مرویات حمیده بنت عبید بن رفاعة أنصاریة در کتب سنن : 138
- 20 - مرویات هند بنت حارث در کتب سنن : 140
- 21 - مرویات سعدی بنت عوف در کتب سنن : 141
- 22 - عُدیسه بنت اهبان : 142

- 23 - مرویات مُسَّة اُزدیه در کتب سنن : 143
- 24 - مرویات زینب بنت کعب بن عجرة در کتب سنن : 145
- 25 - مرویات سمیه بصریه در کتب کتب سنن : 147
- 26 - مرویات کریمه بنت همام در سنن : 148
- 27 - مرویات آمنه در کتب سنن : 149
- 28 - مرویات اسماء بنت زید ابن خطاب قرشی عدوی در کتب سنن : 149
- 29 - مرویات أسماء بنت سعید ابن زید در کتب سنن : 150
- 30 - مرویات أمیه بنت أبي صلت غفاري در کتب سنن : 150
- 31 - مرویات بُنانة مولاة عبدالرحمن ابن حبان أنصاري در سنن : 151
- 32 - بُنانة بنت یزید العبشمیه در سنن : 152
- 33 - بهیسة فزاریة: 152
- 34 - بهیة : 153
- 35 - جمیلة بنت عَبَّاد : 154
- 36 - حبیبة بنت میسرة : 154
- 37 - حسناء بنت معاویة بصریة: 154
- 38 - حکیمة بنت أمیمة بنت رقیقة: 155
- 39 - حُکیمة بنت أمیة بن اخنس بن عبید: 155
- 40 - حُمیدة: 156
- 41 - حُمیضة بنت شمردل: 156
- 42 - حَمیضة بنت یاسر: 157
- 43 - دُحیبة بنت عَلیبة عَنبریة: 157
- 44 - رباب جده عثمان بن حکیم أنصاری: 158
- 45 - رقیة بنت عمرو: 158

- 46 - رُمَيْثَة: 159
- 47 - رُمَيْثَة بنت الحارث بن طفيل بن سخبرة أزدية: 159
- 48 - زينب السهمية: 160
- 49 - زينب بنت نبيط مدنية أنصارية: 161
- 50 - زينب بنت نصر: 161
- 51 - سارة بنت مقسم ثقفية: 161
- 52 - سائبة مولاة فاكه ابن مغيرة مخزومي: 163
- 53 - سلمى بكريّة: 163
- 54 - سلمى عمه عبدالرحمن بن أبو رافع: 164
- 55 - شعثاء بنت عبدالله أسدى كوفى: 164
- 56 - صفية بنت جرير: 164
- 57 - صفية بنت حارث: 166
- 58 - صفية بنت عصمة: 166
- 59 - صفية بنت عطية: 167
- 60 - صفية بنت عُليّة عنبرية: 167
- 61 - ضباعة بنت مقداد ابن أسود: 168
- 62 - طلحة أم غراب: 168
- 63 - عالية بنت سُبَيْع: 169
- 64 - عَقِيلَة بنت أسمر بنت مضر: 169
- 65 - عَقِيلَة مولاة بني فزارة: 170
- 66 - عمرة عمه مقاتل بن حَيَّان نبطي: 170
- 67 - فاخنة أم موسى: 171
- 69 - قِرْصافة دُهَيْلية: 172

- 70 - قُرَيْبَةُ بنت عبد الله ابن وهب بن زمعة ابن الأسود الأسدية: 172
- 71 - قَمِير بنت عمرو كوفية: 173
- 72 - كِبْشَة بنت كعب بن مالك أنصاري: 173
- 73 - كَبْشَة بنت أبي مریم: 174
- 75 - كَلْثَم قرشية: 175
- 76 - ام كلثوم: 175
- 77 - أم كلثوم لثية مكية: 176
- 78 - كَيْسَة بنت أبو بكر نفع ثقفية ، بصرية مولاى رسول الله - صلى الله عليه و سلم - : 176
- 79 - لَوْلُؤَة مولاة أنصار: 177
- 80 - لیلی أنصارية مولاة أم عمارة نسيبة بنت كعب بن عمرو: 177
- 81 - لیلی بنت مالک: 178
- 82 - مجيبة باهلیة بنت عبد الله بن حارث: 178
- 83 - مُسَيِّكَة مكية أم يوسف: 179
- 84 - مغيرة بنت حسان تمیمیة: 180
- 85 - مُنَيَّة بنت عبید أبي برزة أسلمي: 180
- 86 - میمونة بنت ولید بن حارث بن عامر أنصاری: 181
- 87 - ندبة مولاة میمونة: 181
- 88 - هند بنت شَرِیک بن زَبَّان أنصارية: 182
- 89 - هند بنت وازع بن زارع: 182
- 90 - هُنَيْدَة: 183
- جدول اسمای تابعیات که به اسم شان معروف اند ، با مرویات شان در کتب سته 184
- مبحث دوم : مرویات آن عده تابعیاتی که به کنیه شان معروف اند : 192
- مطلب اول مرویات شان در صحیحین : 193

- 1 - أم يعقوب أسدي: 194
- 1 - أم زيد بن أسلم: 194
- 2 - أم عمرو بنت عبدالله بن زبير بن عوام: 195
- ب - در صحيح مسلم : 195
- مبحث دوم : مرويات شان در كتب سنن : 195
- 1 - أم مساور الحميري: 195
- 2 - أم أبان بن صمعة: 196
- 4 - أم بلال بنت هلال أسلمي مدني: 197
- 5 - أم جحدريّة بصرية: 198
- 6 - أم الحرير: 198
- 7 - أم أم حكيم بن أسيد: 199
- 8 - أم حُميد: 200
- 9 - أم خطاب بن صالح أنصاري: 200
- 10 - أم داود بن صالح تَمَّار: 201
- 11 - أم ذرة مولاة عائشة - رضي الله عنها: 202
- 12 - أم سالم بنت مالك راسبية: 202
- 13 - أم شراحيل: 203
- 14 - أم عاصم: 203
- 15 - أم عبد الحميد مولاي بنى هاشم: 204
- 16 - أم عبدالله بن بريدة: 204
- 17 - أم عبدالرحمن بن عبدالله بن كعب بن مالك: 205
- 18 - أم عبدالملك بن أبي محذورة: 205
- 19 - أم عون بنت محمد بن جعفر بن أبي طالب قرشي: 206

206	20 - أم محمد ابی یحییٰ أسلمی:
207	21 - أم محمد بن سائب بن برکة مکي:
207	22- أم محمد بن عبدالرحمن بن ثوبان قرشي عامري:
207	23 - أم محمد بن قيس:
208	24 - أم منبوذ:
209	جدول اسمای تابعیاتی که به کنیه شان معروف اند ، با مرویات شان در کتب سته
212	نتیجه گیری
213	پیشنهادات
214	فهرست منابع
219	فهرست آیات قرآنی
220	فهرست احادیث نبوی
226	فهرست أعلام

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا. مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ ، وَ مَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ ، وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسَلُهُ .

أما بعد !

اللَّهُ متعال در قرآن عظیم الشأن میفرماید : { وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ } [التوبة رقم الآية 71].

ترجمه « و مردان مومن و زنان ایمان دار بعضی ایشان کارسازان بعضی دیگر اند امر میکنند به کار پسندیده ، و منع میکنند از بدی و بر پا میدارند نماز را و میدهند زکات ، و اطاعت می کنند الله و فرستاده ی او را ، همین گروه (بزودی) رحم کند ایشانرا الله ، به تحقیق الله غالب ، خداوند حکمت است » .

بدون تردید زن در خانه نبوت صاحب رأی ، محل مشوره و حکمت و بصیرت ، و بلاخره محل نشر و پخش سنت و روش رسول - صلی الله علیه و سلم - بود .

این بخاطر آنست که زن نیمی از پیکر جامعه انسانی را تشکیل داده ، و مولد نیم دوم جامعه بوده ، از حیثیت خیلی والا و قابل احترام در نقش مادر ، خواهر ، فرزند و همسر برخوردار میباشد . و اسلام اولین دین و آیین است که به آنها توجه جدی نموده و در هر مقام مزایا و امتیازات مورد نیاز را برایشان عطاء نموده است .

بدین لحاظ است که دشمنان ما دانسته اند که زن از بزرگترین قوت ، و تأثیر گذاری در جامعه اسلامی برخوردار بوده است ، لذا شب و روز مصروف نقشه های گمراه کننده و به فساد کشانیدن آنها در معرفی کردن زنان بد اخلاق فاسق و فاجر بحیث الگو های فریب دهنده ، و پر ساختن اوقات عزیز شان در برنامه ریزی های مبتذل ، و فحشاء اند ، تا توانسته باشند او را از حرکت و مسیر رسیدن بسوی رضوان خدا و بهشت پر از نعمت باز داشته ، و فلجش سازند .

برای رسیدن به این هدف شوم ، و برای فاسد کردن زن هر راهی را پیموده ، و زیر شعار های دروغین و میان تهی ، چون حقوق زن ، و مساوات میان زن و مرد ، آنها را به قهقراء می کشانند. لذا نیاز است که جهت بیداری زنان ، الگو های بی نظیر تابعیات تاریخ صدر اسلام که به شهادت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بهترین قرن و نسل انسانی بوده اند ، و در ادای رسالت دینی از برادران شان یک گامی هم به عقب نماندند ، به معرفی گرفته شوند ، تا در جهت بیداری این قشر تأثیر گذار گامی برداشته باشیم . چون در روزگاری که ما در آن زندگی می کنیم گمان میرود که به بحران الگو ها مواجه هستیم ، بدین لحاظ نوشتن در باره این بزرگان و کنار زدن پرده از صفحات روشنی که بر پیشانی تاریخ با نور نوشته اند ، از واجباتی است که وضعیت این عصر بر ما لازم گردانیده است .

چون اصلاح وضعیت اسلام معاصر تنها با پیروی از همان روشی که مسلمانان صدر اسلام بر آن بودند ، میسر خواهد شد

تردیدی نیست که زنان صدر اسلام در تمام عرصه های زندگی در روشنی تعلیمات اسلام گام به گام با مرد ها قدم برداشته و ایفای رسالت مینمودند ، خصوص در حوزه تعلیم و تعلم سنت و احادیث رسول الله - صلی الله علیه و سلم - ، و همان فرموده رسول الله - صلی الله علیه و سلم - « إنما النساء شقائق الرجال » ⁽¹⁾ .

ترجمه : « جز این نیست که زنان همتای مردانند » ، را عملاً با جهود شان به اثبات برسانند. بدین لحاظ درین رساله موجز و کوتاه تا حد توان کوشش شده در مورد زحمات و تلاشهای خستگی ناپزیر بانوان تربیت یافتگان دستان پر توان أمهات المؤمنین و صحابیات ، که همان تابعیات اند بحث و تحقیق نمایم .

چون همه میدانیم که سنت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بعد از قرآن مصدر دوم شریعت اسلام ، و وحی الهی ، و متضمن احکام تشریعی و توجیهات تربیوی میباشد ؛ به همین لحاظ خواستم در مورد جهود زنان در راستای حدیث بنویسم ، تا از یکطرف توانسته باشم برای زنان عصر خود الگوهای تأثیر گذار را با مرویات شان در مشهور ترین کتب حدیثی که بنام کتب سته مشهور اند ، به معرفی گرفته باشم ، و از طرف دیگر خود را درین دعای خیر پیامبر محبوبم - صلی الله علیه و سلم - شریک ساخته باشم ، جایکه میفرماید : « نضر الله امرأ سمع منا حدیثاً فحفظه حتی یبلغه فرب مبلغ احفظ من سامع » ⁽²⁾ .

ترجمه : « الله متعال شاداب و خرم بدارد کسی را که از ما حدیثی بشنود و حفظ کند و به دیگران ابلاغ نماید ؛ چه بسا کسی که - حدیث - به او میرسد ، آنرا بهتر از شنونده اش دریابد » .

اسباب اختیار موضوع (ضرورت تحقیق)

اسباب اختیار موضوع : " جهود حدیثی تابعیات و مرویات شان در کتب سته " قرار ذیل است :

- 1- علاقه مندی خاص بنده به احادیث رسول الله - صلی الله علیه و سلم - که بدون تردید نوشتن درین موضوع خالی از اجر ثواب نمی باشد ، و از طرفی دوست داشتم نقش زنان را در رسانیدن حدیث رسول الله - صلی الله علیه و سلم - به بررسی بگیرم ، که بدون تردید به نتیجه که توقع آنرا داشتم ، رسیدم .
- 2- پرداختن به نقش ایجابی تابعیات در نشر و پخش دین . تبارز دادن جهود زنان صدر اسلام در مورد سنت ، و توجه و حرص شان به گرفتن احادیث ، و رسانیدن آن به نسل بعدی ، که همانا تبع تابعیات میباشد .

(¹) ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی ، سنن أبی داود ، ناشر : دار الکتب العربی - بیروت ، باب فی الرجل یجد البلة فی منامه ، (ج 1/ص 95 ،

شماره 236) . حکم حدیث ، صحیح (السلسلة الصحيحة للألبانی ، 219/5) .

(²) احمد بن حنبل ابو عبدالله شیبانی ، مسند لامام احمد بن حنبل ، تحقیق : شعب ارنؤوط ، ناشر : مؤسسة الرسالة - القاهرة ، (ج 1/ص 437 ، رقم 4157) ، سنن ترمذی (34/5 ، شماره 2657) میگوید : حدیث حسن صحیح است .

- 3- عدم موجودیت کتب در موضوع هذا ، خصوصا به زبان دری ، لذا خواستم با این رساله به قدر توان قاصر م ، از روی سعی و تلاش تابعیات و در زدودن غبار از کارنامه های شان ، که امروزه تقریبا به باد فراموشی سپرده شده بود ، خدمتی کرده باشم .
- 4- حصر و جمع آوری مرویات تابعیات از کتب سته ، و حکم نمودن بالای احادیث شان از حیث صحت و ضعف ، از معتبر ترین کتب حدیث .
- 5- معرفی نمودن الگو هایی از علم ، و تقوا و فقاہت برای نسل معاصر .
- 6- بیان ارزش احادیث رسول الله - صلی الله علیه و سلم - که با کمال امانت داری یک نسل آنرا به نسل بعدی تحویل میداد .
- 7- پاس داشتن از تلاش و سعی آن زنانیکه در اخذ و نقل حدیث نقش کلیدی داشتند .

اهمیت موضوع

- از جمله نکات مورد توجه در انتخاب عنوان « جهود حدیثی تابعیات و مرویات شان در کتب سته » قرار ذیل است:
- تبارز دادن نقش زنان تابعیات در رسانیدن سنت ، و اینکه آنها حلقه دوم در سند حدیث ، و به اساس شهادت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - خیر القرون بودند .
- بر علاوه از نقش زنان در مورد حدیث ، به معرفی گرفتن شان از خلال کتابهای معتبر تراجم حسب نیاز .
 - بیان کردن نوعیت مرویات تابعیات از حیث قبول و رد ، و همچنان نقل کردن اقوال علمای جرح و تعدیل در مورد شان .
 - ترغیب و تشویق نمودن زنان به الگو گیری از زنان تابعیات در پخش و نشر حدیث رسول الله - صلی الله علیه و سلم - ؛ و زنده کردن سنت و روش زنان سلف ، و آنانیکه پس از ایشان آمدند ، بطوریکه یکی از علمای معاصر به نام د. محمد اکرم ندوی ، همت کرده و بیشتر از (9) هزار راویان احادیث از زنان را در کتاب خود به اسم " الوفاء بأسماء النساء " در (43 مجلد) جمع نموده است ؛ و این در حالیست که امروز خواهران مسلمان ما (10) حدیث را با سند حفظ ندارند .
 - رد به آن عده مردان زن ستیزی که با تعلیم و تحصیل زنان مخالفت نموده ، و آنها را از حق اصلی و ادای فرضی از فرایض دین شان ، که حصول علم است ، محروم می سازند .

سوالات تحقیق

- موضوع تحقیق حاضر عبارت از پرداختن به جهود حدیثی تابعیات و مرویات شان در کتب سته میباشد ؛ به این اساس سوال اساسی تحقیق حاضر این خواهد بود که :

- آیا زنان نسل دوم اسلام در گرفتن و رسانیدن احادیث رسول الله - صلی الله علیه و سلم - نقش خود را داشته اند ، و چگونه ؟

- اینکه مجموع مرویات شان در صحیحین و سنن اربعه به چند میرسد ، و تفصیل مرویات شان در آنچه که بخاری و مسلم ، و سنن اربعه اتفاق نموده ، و در آنچه که تفرد نموده اند به چه تفصیل میباشد .

- تحمل و اداء در عصر تابعیات چگونه بود ؟

- آیا زنان جهت تعلیم و تعلم احادیث ، به رحلات علمی پرداخته اند یا خیر ؟

- یا اینکه آیا توانسته اند مفهوم حدیث : « النساء شقائق الرجال » را عملاً به نمایش بگذارند ؟

- آیا زنان تابعیات در تعلم حدیث علاوه بر تلامیذ اناث ، برای مردان هم تحدیث مینمودند ؟

پیشینه تحقیق

همانطوریکه میدانیم از زمان تدوین علم حدیث تا عصر حاضر کتب زیادی در مورد رجال حدیث که شامل مردان و زنان میشود ، در قرون مختلف خصوصاً در قرون ثلاثه نوشته شده ، و در عصر حاضر تا اندازه ای درین موضوع کتب و رسائل به رشته تحریر در آمده که البته بیشتر به زبان عربی میباشد ؛ و تا جاییکه جستجو کردم کتابی را در زبان فارسی که به شکل مفصل به جد و جهد علمی ، وحدیثی زنان تابعیات پرداخته باشد نیافتم ؛ هر چندی که در مورد نقش امهات المؤمنین و زنان صحابیات در مورد احادیث رسول الله - صلی الله علیه و سلم - یک مقدار معلومات به شکل کتب در دست است .

اما آنچه مربوط به شیوه بحث و تحقیق بنده درین رساله می شود ، دست یافتن به پنج رساله در موضوع هذا ، که البته از آنها بیشتر استفاده برده ام ؛ که عبارت از :

- 1- دور المرأة في خدمة الحديث في القرون الثلاثة الأولى ، تألیف : آمال قرداش بنت الحسین .
- 2- تراجم طبقة المحدثات و مرویاتهن فی الكتب الستة ، تألیف : عالیة بنت عبدالله بالطو .
- 3- عناية النساء بالحديث النبوي ، تألیف : أبي عبیده مشهور بن حسن آل سلمان .
- 4- جهود المرأة في نشر الحديث و علومه ، إعداد : د. عفاف عبدالغفور حمید .
- 5- جهود التابعيات في القرون الثلاثة الهجرية الأولى في نشر الحديث النبوي ، تألیف : صباح ثابت الأمير .

روش تحقیق

در مورد روش تحقیق در این رساله باید گفت که : بنده در این رساله مناهج مختلف تحقیق را تجربه نموده ام ، چون :

- منهج استقرائی : پیدا کردن اسمای آنعده تابعیاتی که در علم حدیث سهم ارزنده داشتند ، و سپس تتبع شان در کتب سته پیرامون هریک از این تابعیات ، تا به مرویات شان به شکل مفصل دست یافته و ترتیب دادن شان به اساس کثرت و قلت روایت .
- منهج تحلیلی و نقدی : نقل اقوال علمای جرح و تعدیل در باره هر کدام ، و حکم نمودن بالای آنعده احادیثی که به شکل نمونه بعد از معرفی شان آورده شده است .
- منهج معرفی تابعیات : توجه به ترجمه مختصر هر یک از تابعیات محدثات که شامل اسم ، کنیه ، نسب ، فضیلت ، تولد و وفات ، با ذکر شیوخ و تلامیذ شان ، و ذکر اقوال علماء در مورد اتفاق شان بر تابعیه بودن شان و بیان اختلاف در مورد شان ، صورت گرفته است .
- منهج در مرویات تابعیات در کتب سته : بعد از معرفی مختصر هر یک از تابعیات که به اسم شان معروف اند ، نخست آوردن مرویات شان در صحیحین ، اول در صحیح بخاری (با آوردن یک حدیث همراه با ترجمه آن بحیث نمونه ، و دادن حواله به بقیه مرویات در صحیح بخاری) ، سپس در صحیح مسلم ، به شیوه ای که در صحیح بخاری ذکر شد ، پرداخته شده . باید گفت که ترتیب اسمای تابعیات در صحیحین به اساس کثرت و قلت صورت گرفته است .
- تمام مرویات هر تابعیه خواه به شکل نمونه آورده شده ، و یا بشکل حواله آمده از مصادر اصلی شان تخریج شده است .
- در ترجمه احادیث به زبان دری ، به کتاب صحیح بخاری (ترجمه د. طاهر لاوژه) ، و ریاض الصالحین (ترجمه عبدالله خاموش هروی) مراجعه شده و یکتعداد احادیث را به اساس فهم قاصر خودم از زبان عربی ، ترجمه کردم ، امیدوارم حق آنرا ادا کرده باشم .
- مجموع مرویات هر یک جدا جدا ذکر شده ، و سپس تعداد مرویات شان که امام بخاری و امام مسلم به آن اتفاق کرده اند ، و یا تفرد نموده اند ، به شکل مفصل بیان شده است .
- همچنان بالای آنعده احادیث که بطور نمونه از کتب سنن آورده شده ، بالای شان حکم صورت گرفته است .
- منهج ترتیب اسماء تابعیات که به اسم شان معروف اند ، در مبحث دوم که تحت عنوان : مرویات شان در کتب سنن ، تا شماره (27) به اساس کثرت و قلت روایت ترتیب شده ، ولی بعد از این شماره به اساس حروف معجم ترتیب و تنظیم شده است .
- و این منهج در اسمای آنعده تابعیاتی که به کنیه شان معروف اند ، به جز ار سه نفر که (آنهم چون یا بشکل متصل و یا معلق در صحیح بخاری) آمده ، باقی همه به اساس حروف معجم ترتیب شده است .
- باید گفت که ترتیب کتب سنن هم به اساس فضیلت شان در نظر گرفته شده است ، بطوریکه اول سنن ابی داود ، دوم سنن ترمذی ، سوم سنن نسائی و چهارم سنن ابن ماجه ، میباشد .

- و در قسمت ذکر احادیث نمونه برای هر یک از تابعیات ، در سند حدیث ، از همانجا که نام تابعیه آمده گرفته شده ، و ماقبل آن برای جلوگیری از طولانی شدن سند حدیث ، حذف شده است .
- جهت خلاصه سازی مرویات تابعیاتی که به اسم شان معروف اند ، یا به کنیه شان ، بعد از هر یک از مباحث فوق ، جدولی تنظیم شده که در آن بطور فشرده به مجموع مرویات هر یک شماره وار پرداخته شده است .
- در جدول های خلاصه اسماء و مرویات تابعیات ، مجموع مرویات هر یک ازین تابعیات ، اعم از آنانیکه به اسم شان معروف اند و هم آنانیکه به کنیه شان ، به صورت کلی در کتب سته در نظر گرفته شده است ؛ مثلاً : مجموع مرویات عمّره بنت عبدالرحمن در کتب سته به (53) حدیث میرسد ، که در حدود (23) در صحیح بخاری ، (28) حدیث در صحیح مسلم ، و همینطور در کتب سنن ، در ابی داود (21) ، در ترمذی (7) ، در نسائی (23) و در ابن ماجه (23) میباشد ، و این بدین معنی است که بسیاری از مرویاتش طوری است که در نقل آن هر شش کتاب ، و یا در پنج و چهار و یا سه و دو کتاب اتفاق صورت گرفته است . و به همین منوال مجموع مرویات همه ای تابعیات میباشد .
- در صورت ضرورت ، بعضی واژه های متن حدیث با استفاده از کتب لغت نامه معرفی شده است .
- در ترجمه اعلام ، بیشتر از کتاب " سیر أعلام النبلاء " و از " طبقات الشافعية " و " البدایة و النهایة " و نیز " الأعلام للزركلی " ندرتاً ، استفاده شده ، و فقط در یک و یا دو مورد از لنک های معتبر گوگل کار گرفته شده ، آنهم به دلیل عدم دسترسی به تراجم شان ، در کتب متذکره .
- به همین ترتیب در بخش فهارس ، فهرست آیات را به ترتیب سوره ها ، و سپس ترتیب آیات در بین هر سوره در نظر گرفته شده است . و فهرست احادیث و اعلام به اساس حروف معجم ترتیب شده ، و در فهرست منابع و مصادر ترتیب به اساس حروف معجم میباشد .

فصل اول

مفاهیم و کلیات

در این فصل دو مبحث می‌باشد:

مبحث اول : تعریف جهود ، روایت و درایت .

مبحث دوم : تعریف تابعی ، فضیلت و بهترین شان.

مبحث اول : تعریف جهود ، روایت و درایت:

در این مبحث سه مطلب می باشد :

مطلب اول : تعریف جهود در لغت .

مطلب دوم : تعریف درایت در لغت و علم حدیث.

مطلب سوم : تعریف روایت در لغت و علم حدیث .

مطلب اول : تعریف جهود در لغت

الجُهد: به ضم جیم ، معنی طاقت و توانایی و وسعت را افاده میکند ، و در تنزیل عزیز آمده : {وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ} [سوره توبه آیه 79] ، ترجمه : « و آنانیکه نیافتند چیزی را مگر به اندازه توان شان » .

و جهد مُقل : تحمل مشقت با مال کم معنی میدهد، طوری که در حدیث میاید : « أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ جُهْدُ الْمُقِلِّ »⁽¹⁾.
ترجمه : « بهترین صدقه ، صدقه اندک که بواسطه زحمت بدست آمده باشد، است »⁽²⁾.

الجَهد : به فتح جیم ، بمعنی : مشقت ، و به ضم آن : بمعنی وسعت و توانایی میباشد⁽³⁾.
و در کتاب مختار الصحاح : الجَهد : مشقت معنی شده ، طوری که گفته میشود : (جَهَدَ) دابته و (اجهدها) وقتی در سیر حیوان را بالاتر از توان بار کند و خسته اش نماید.

و (جُهدَ) الرجل : که فاعل آن مسمی نباشد فهو (مجهود) صیغه مفعول است به معنی : هر آن چیزیکه بالایش زحمت زیاد کشیده شده باشد ، و (جاهد) فی سبیل الله، در راه الله جهاد کرد، (مجاهدة) و (جهادا) و (الاجتهاد) و (التجاهد) بمعنی بذل مساعی و تلاش معنی میشود⁽⁴⁾.

در ترجمه مفردات قرآن آمده است: (الجُهد و الجَهد) یعنی طاقت و نیرو و مشقّت و سختی⁽⁵⁾.
گفته شده - جَهد با فتحه حرف (ج) یعنی مشقّت و سختی و با ضم حرف (ج) یعنی کوشش گسترده و وسیع باندازه طاقت ، پیرامون این معنی در باره انسان خدای تعالی گوید : { وَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ } [سوره توبه آیه 79] و {وَ

(¹) سنن ابی داود، (ج2/ص129/شماره 1677) ، حکم حدیث : امام البانی در إرواء الغلیل گفته (ج3/ص321) : حدیث صحیح است.
(²) إبراهيم مصطفى، أحمد الزيات، حامد عبد القادر، محمد النجار ، المعجم الوسيط ، تحقيق / مجمع اللغة العربية ، ناشر : دار الدعوة ، بيروت ، 1404 هـ ، (ج1 / ص124) .
(³) محمد عميم احسان مجددي برکتی ، التعريفات الفقهية، ناشر دار الكتب العلمية ، 1424-2003 م ، (ج1 / ص246) .
(⁴) رازی ، محمد بن أبي بكر بن عبد القادر ، زين الدين، أبو عبد الله، [ت666هـ] ، مختار الصحاح ، تحقيق : يوسف الشيخ محمد، 1420هـ / 1999م ، المكتبة العصرية - الدار النموذجية، بيروت - صيدا ، چاپ سوم ، (ج1/ ص123).
(⁵) راغب ،الحسين بن محمد ، أبو القاسم ، [ت502هـ] مفردات الفاظ القرآن ، تحقيق : صفوان عدنان الداودي، دار القلم، الدار الشامية - دمشق بيروت، چاپ اول 1412هـ ، (ص:510).

أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ} [سوره انعام آیه 109] یعنی : «سوگند خوردند و تأیید نمودند که بیشتر از وسع و نیرویشان بکوشند و مومن شوند» .

(اجتهاد) یعنی خود را با صرف نیرو و تحمل سختی و مشقت واداشتن است . عرب گوید : (جهدتُ رأیی و أجهدتَه) فکر و اندیشه ام را با تفکر، قدرت بخشیدم.

علمای حنفیه در تعریف «اجتهاد» دو نظر دارند ؛ بعضی گفته اند : اجتهاد عبارت از بذل مجهود در طلب می باشد ، و بعضی می گویند: بذل وسع و طاقت در طلب حکم شرعی است ⁽¹⁾ پس میتوان گفت : مراد از جهود تابعیات در حدیث ، سعی و تلاش پیگیر و خسته ناپزیر تابعیات جهت حفظ و رسانیدن احادیث رسول الله – صلی الله علیه وسلم - برای دیگران میباشد ، که طبعاً برای رسیدن درین راه زحمات زیادی متحمل شده و توانسته اند بار مسئولیت شانرا حمل نمایند.

مطلب دوم : تعریف درایت در لغت و علم حدیث

درایت در لغت : « درى الشیء دریا و درایة » و دریا بمعنی : افهام و داناندن طرف مقابل است.

در فرهنگ ابجدی ، عربی - فارسی ⁽²⁾ آمده « دَرِیَّاً و دَرِیَّاً و دَرِیَّه و دَرِیَّه و دَرِیَّاناً و دَرِیَّاناً و دَرِیَّاً و دَرِیَّه » ، ([دری] الشیء و بالشیء) یعنی به دانش او رسید ، - (دَرِیَّاً الصید) از شکار پنهان شد و آنرا فریب داد ، «دَرِیَّه» این مصدر بیش از سایر مصادر این کلمه بکار می رود.

و الدرایة [دری] : مصدر «دَرِی» است «عن درایة» با علم و آگاهی .

در فرهنگ معین : «درایة» به معانی ذیل آمده است :

⁽¹⁾ ضیاءالدین نخشبی، عارف قرن هشتم، سلوك الملوك ، با مقدمه و تصحیح و تعلیق: دکتر غلام علی آریا، ناشر: کتابخانه زوآر، چاپ اول، زمستان 1369 (ص: 101) .

⁽²⁾ بستانی، فدواد افرام، مترجم : مهیار، استاد رضا ، فرهنگ أبجدي عربي- فارسي ترجمه المنجد الابجدي ، ناشر : مکتبه اسلامی، تهران، چاپ اول 1385 هـ ش ، (ص: 1038).

1- دریافت، آگاهی. 2- مزاج، عادت. 3- سرشت، نهاد. 4- دانستن، دریافتن⁽¹⁾.

علم حدیث درایه: عبارت از قوانینی است که بوسیله آن احوال سند و متن دانسته شده، و توسط همین قوانین میتوان به شناخت مقبول از مردود، و رسیدن به مراد حدیث را به سادگی حاصل نمود⁽²⁾.

ابن حجر میگوید⁽³⁾: "عبارت از شناخت قواعد معرفه به حال راوی و مروی میباشد"⁽⁴⁾.

حاجی خلیفه⁽⁵⁾ علم حدیث درایه را اینگونه تعریف نموده است: "عبارت از علميست که از معنی و مفهوم الفاظ و مقصد حدیث بحث کرده، مبنی بر قواعد زبان عربی و ضوابط شرعی و موافق بر احوال نبی - علیه السلام -؛ و علميست که برای محدث فهم و إدراک حدیث را ممکن میگرداند⁽⁶⁾".

مطلب سوم: تعریف روایت در لغت و علم حدیث

روایت در لغت: مطلق نقل است. «روی الحديث و الشعر رواية» حدیث و یا شعر را برای دیگری نقل و حکایت مینماید⁽⁷⁾.

⁽¹⁾ حسن عمید، فرهنگ عمید، ناشر: مؤسسه انتشارات امیر کبیر - تهران، سال: 1369، (ص 634).

⁽²⁾ سید عبد الماجد غوری، معجم المصطلحات الحديثية، دار ابن کثیر، دمشق، سوريا (ص 497).

⁽³⁾ شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علي بن محمد بن محمد بن علی بن محمود کنانی، عسقلانی مصری، شیخ الاسلام، امیرالمؤمنین در حدیث، در [773] در فسطاط تولد و در [852] وفات یافته است. از اساتیدش ابراهیم بن احمد تنوخی، سراج الدین بلقینی و ابن ملقن را میتوان نام برد. و تلامیذ مشهورش شمس الدین سخاوی و قاسم بن قطلوبغا میباشد. از تصانیف مشهورش: "الدرر الكامنة في اعيان المائة الثامنة"، "نزهة النظر بشرح نخبة الفكر" و "تقريب التهذيب" میباشد. (الجواهر و الدرر في ترجمة شيخ الإسلام ابن حجر العسقلاني، مؤلف: شمس الدين محمد بن عبد الرحمن السخاوي).

⁽⁴⁾ تدريب الروای، (ص 5).

⁽⁵⁾ مصطفى بن عبدالله كاتب جلیبی قسطنطینی، مشهور به حاجی خلیفه، که به نام ملا کاتب جلیبی هم شناخته میشد، رئیس کاتب اسرار سلطان مراد چهارم و وزیر مالیه عهد وی، در فسطاطین در [1609] تولد، و در [1657] وفات نمود. از کتابهای مشهورش: "كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون"، و "لوامع النور في ظلمة أطلس"، میباشد، (<https://shamela.ws>).

⁽⁶⁾ (كشف الظنون، حاجی خلیفه، تحقیق: محمد شرف الدین یا التقایا، ناشر: دار إحياء التراث العربی، كشف الظنون، ج 1/ص 636).

⁽⁷⁾ ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، جال الدین، أبو الفضل، [ت 711هـ]، لسان العرب، دار صادر - بیروت، چاپ سوم، 1414 هـ، (ج 14

ص 348).

و در قاموس محیط آمده: «روئ من الماء واللبن كرضى» بواسطه آب و شیراز تشنگی خود را سیراب کرد، به وزن روی مانند رضى است. «رِيا و رِئاً و روى و تروى و ارتوى رِئاً» که همه این صیغه ها معنی آب گرفتن و سیراب شدن را افاده مینماید (1).

و در المصباح المنیر "روي" به معنی: «روى من الماء يروى رِئاً» و اسم آن «الرِى» با کسره، که با همزه و تضعیف متعدی میشود، پس گفته میشود «أرويته و رويته فارتوى و تروي» آبش دادم پس سیراب شد، آمده است. در فرهنگ عمید «روایه» به معنی: نقل کردن خبر یا حدیث، یا سخن از کسی، بازگو کردن سخن کسی، و نیز به معنی حدیث، خبر و حکایت آمده که جمع آن روایات میباشد (2).

و «روى البعير الماء يرويه من باب رمى» شتر آب نوشید و سیراب شد، و حرف هاء برای مبالغه است، سپس لفظ «الرواية» برای هر حیوانیکه آب را انتقال میدهد اطلاق میشود، و از همینجاست که میتوان گفت: «رويتُ الحديث» یعنی حدیث را نقل کردم و برداشتم (3).

و علم حدیث روایة: عبارت از نقل حدیث و إسناد آن بسوی کسیکه به آن منسوب است، به یکی از صیغه های اداء، مانند حدثنا و أخبرنا و عن. که مناسبت بین معنی لغوی و اصطلاحی آن آشکار میباشد. شرح تعریف: معنی نقل آن: یعنی گرفتن آن و رسانیدن آن. به این اساس، و اگر کسی آنرا نقل نکند راوی گفته نمیشود. ومعنى «استاده آن بسوی کسیکه به آن منسوب است» یعنی نسبت دادن آن به گوینده آن (4).

(1) فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، مجد الدین، أبو طاهر، [ت 817 هـ]، القاموس المحيط، تحقیق: محمد نعیم العرقسوسی، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت - لبنان، 2005 - 1426، چاپ هشتم، مادة: روى (ج 4/ ص 337).

(2) فرهنگ عمید، (ص 712).

(3) فیومی، أحمد بن محمد بن علی، أبو العباس [ت 770 هـ] المصباح المنیر، دارالمعارف - القاهرة، چاپ اول، تحقیق: عبد العظیم الشناوی، 1404 هـ، مادة: روى، (ص: 39).

(4) أبو شهبة، محمد بن محمد، الوسيط فی علوم و مصطلح الحديث، ناشر: دار المعرفة للنشر و التوزيع، (ص: 39).

و خیر آبادی، دکتر ابو اللیث، معجم المصطلحات الحديثية و اشهر المصنفين فيه، ناشر: دار النفائس، (ص 67 و 68).

ابن اکفانی^(۱) میگوید: عبارت از علمیت مشتمل بر اقوال رسول الله - صلی الله علیه و سلم - . و گفته میشود ،
 بغیر از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - به قول و فعل و تقدیر و صفت اصحاب هم ثابت میشود (2).
 ابن جاعه^(۳) میگوید: " عبارت از أصول و قواعد معرفی کننده به حال راوی و مروی است " (4).

مبحث دوم : تعریف تابعی ، فضیلت و بهترین شان
 در این مبحث سه مطلب است :
 مطلب اول : تعریف تابعی در لغت و اصطلاح .
 مطلب دوم : فضیلت تابعیات .
 مطلب سوم : بهترین تابعیات .
 مطلب چهارم : معرفی کتب سته .

۱ . در سنجار شمال عراق تولد ، و در [749]
 را نام برد . (كشف الظنون ، حاجی خلیفه ،
 4) .

۲ . ابنه ، ابو عبدالله ، بدرالدین ، فرزندش بنام
 163/1) . از تصانیفش میتوان ، "التبیین فی

(۱) ابو عبدالله شمس الدین م
 وفات شده اند . از مؤلفاتش میتوان
 الطبعة الأولى (مكتبة المثنی بغداد)
 (۲) سید عبدالماجد غوری ، مع
 (۳) محمد بن ابراهیم بن سعد اذ
 عزالدین بن جاعه ، در [639] در ح
 مبهات القرآن " و "الضیاء الكامل فی
 (۴) تدرب الراوی ، (ج 1 / ص 0

مطلب اول : تعریف تابعی در لغت و اصطلاح

تعریف تابعی در لغت : تابعی منسوب به تابع است ، و تابع اسم فاعل از ماده : " تَبَعَ يَتَّبِعُ تَبْعاً " ، طوریکه گفته میشود : " فلانٌ تَبَعَ فلاناً " یعنی به او خود را رسانید یا پیروی وی نمود ؛ یا جای قدم کسی قدم گذاشت ، یا به تعقیب کسی رفتن است ^(۱) .

و « تَبِعْتُ الشَّيْءَ تَبِيعاً » یعنی پیروی و تابعداری کردم چیزی را بشکل دوامدار ، و از نقش قدمهایش اتباع کردم . « تَطْلُبُهُ مُتَّبِعاً لَهُ » خواست او را برای اتباع برگزیند.

و همچنان « تَتَّبِعُهُ تَتَّبِعْتَهُ تَتَّبِعاً » بمعنی رفتن به دنبال و پی در پی تعقیب نمودن او ، تا با آنها یکه قبلاً گذشته اند بپیوندد ^(۲).

تعریف تابعی در اصطلاح :

در مورد تعریف اصطلاحی تابعی اختلاف است ، از جمله :

تابعی عبارت از کسی است که با صحابه صحبت نموده باشد .

این تعریف را خطیب بغدادی ^(۳) اختیار نموده است.

پس در این تعریف تنها اکتفاء به دیدن و لقاء نکرده ، بر خلاف حال صحابی با رسول الله – صلی الله علیه وسلم - ، بلکه صحبت طویل را لازم میداند ^(۴).

^(۱) سید عبدالماجد غوری ، المیسر فی علم الرجال ، ناشر : دار الشاکر للطباعة و النشر و التوضیح ، سلانجور – مالیزیا ، (ص ۹۵).

^(۲) لسان العرب (ج ۱ / ص ۱۱۲) . محمد بن عبدالرزاق ، مرتضی زبیدی ، تاج العروس من جواهر القاموس ، ناشر : طبعة الکویت و (ج ۱ / ص

۹۸) ، و ، محمد بن یعقوب فیروز آبادی ، مجدالدین ، القاموس المحیط ، ناشر : مؤسسة الرسالة ، سال نشر : ۱۴۲۶-۲۰۰۵ ، (ج ۱ / ص ۸۷).

^(۳) ابوبکر احمد بن علی بن ثابت بن احمد بن مهدی بغدادی ، مؤرخ و محدث مشهور ، در سنه [۳۹۲] هجری در قریه هنیقیه (شهری است نزدیک مدائن) تولد شد ، و در قریه درزیجان جنوب غرب بغداد نشأت یافت ، و در [۴۶۳] در بغداد وفات نمود . از اساتیدش محمد بن عیسی ابو بکر برقانی ، و حسن بن علی سابوری ، و ابا نعیم حافظ را میتوان نام برد . و از تلامیذ مشهورش ابو بکر برقانی ، ماورودی ، حمیدی ، و هبة الله بن اکفانی میباشد . دارای تصانیف زیاد میباشد از جمله " تاریخ بغداد " و " الکفایة فی علم الروایة " . (سیر أعلام النبلاء ، طبقه ۲۴ / ص ۲۷۰-۲۸۳)

^(۴) تدریب الراوی للسیوطی ، (ج ۲۰ / ص ۲۷۵).

یا تابعی به کسی اطلاق میشود که با صحابی ملاقی شده باشد هر چندی که با او صحبت نداشته باشد .

یا به عبارت واضح تر میتوان گفت : " تابعی " عبارت از کسی است که یک یا بیشتر از یک صحابه را دیده باشد ،

، در حالیکه به شخص رسول الله - صلی الله علیه و سلم - ایان داشته باشد ^(۱) .

و این مذهب حاکم ^(۲) است ، که نزدیک به تعریف ابن صلاح میباشد ^(۳) .

و اما در نزد ابن حجر - رحمه الله - در کتاب " نخبه الفکر " : عبارت از هر آن کسی است که با یکی از صحابه روبرو شده باشد.

و صحیح آن است که طول صحبت درین ملاقات شرط نمی باشد ، پس کسیکه صحابه را ملاقات نموده و در حال اسلام از دنیا رفته باشد، بالایش اسم تابعی اطلاق میشود ^(۴).

در فرهنگ عمید، «تابعی» منسوب به تابع و تابعه، در اسلام مسلمانی را میگویند که صحابی را دیده و از او پیروی کرده باشد، و «تابعین» یا تابعون: جمع تابع است ^(۵) .

این را باید افزود که بعضی شان بر بعضی دیگر فضیلت دارند، مانند که در میان اصحاب این تفاضل و برتری یک امر پذیرفته شده میباشد.

(^۱) المیسر فی علم الرجال، (ص ۹۵).

(^۲) محمد بن عبدالله بن حمدویه بن نعیم بن الحکم، ابو عبدالله بن البیع ضبی طهمانی نيسابوری، امام حافظ و ناقد، شیخ محدثین، متولد سنه [321] هجری، در نیشاپور تولد و در سال [405] وفات یافت. از اساتیدش در علم حدیث: پدرش کسی بود که امام مسلم را دیده بود، و دارقطنی، محمد بن علی مذكر و ابو علی حسین بن علی نيسابوری میباشد. و از وی، دارقطنی، و ابو بکر بیهقی و ابو الفتح بن ابی الفوارس استماع حدیث نموده اند. از تصنیفات مشهورش میتوان از: "علوم الحدیث"، "المستدرک علی الصحیحین" و "الإکلیل فی الحدیث" را نام برد. (سیر اعلام النبلاء، طبقة الثانية والعشرون، ج ۱۷، ص ۱۶۲-۱۷۷)

(^۳) مقدمة ابن صلاح مع شرحها التقييد والإيضاح، (ص ۲۷۲).

(^۴) ابو الفضل، شهاب الدین، احمد بن علی بن حجر عسقلانی [852]، نخبه الفکر فی مصطلح أهل الأثر، تحقیق: عبدالحمید بن صالح بن قاسم، ناشر: دار ابن حزم، (ج ۴/ ص ۷۲۷).

(^۵) فرهنگ عمید، (ص ۴۰۲).

خلاصه کلام ائمه بزرگوار در مورد تعریف تابعی، همان اکتفاء به دیدن صحابی بدون طول صحبت میباشد؛ إلا اینکه ابن حبان این صحبت را در سنی شرط میگذارد که بتواند حفظ نماید؛ و اگر قبل از آن صورت گرفته باشد، بطوریکه حفظ کرده نتواند بر این دیدار حکم مرتب نمیشود^(۱).

به اساس تعریفات فوق، تابعیه به کسی گفته میشود که با صحابه ملاقات کرده باشد.

که البته تعداد زیادی از زنان تابعیات با امهات المؤمنین به خصوص با حضرت عایشه صدیقه - رضي الله عنها - دیدن نموده، و از فیض و برکت علمی شان بهره کافی گرفته اند؛ و در پهلوی آن با زنان دیگر از صحابیات و صحبت داشته، و روایات زیادی را نقل نموده اند که همه آن در کتب سنن، جوامع و مسانید موجود است^(۲).

مطلب دوم: فضیلت تابعیات

تابعیات در فضیلت و مقام همان جایگاه را دارند که تابعین از آن برخوردارند، زیرا همانگونه که در تمام صیغه های خطاب قرآنی که متوجه مردان هست، زنان هم شامل اند؛ نیز تمام احادیث که دلالت بر بیان فضیلت تابعین میکند، بدون تفکیک تابعیات هم در آن شامل میباشد؛ چون اسلام دینی است که مساوات و برابری را به معنی واقعی آن میان مرد و زن برقرار نموده است.

فرع اول: فضیلت تابعیات در قرآن

خداوند در کتاب عزیز خود فضیلت صحابه را بیان نموده، و هر کسی که به احسان از آنها پیروی مینماید، شامل این فضیلت میشوند، که طبعاً در مرتبه دوم پس از صحابه تابعین میباشد، و در این فضیلت سهیم اند،

(^۱) دور المرأة في خدمة الحديث، (ص ۱۱۲).

(^۲) آمال قرداش بنت الحسين، دور المرأة في خدمة الحديث في القرون الثلاثة الاولى، ناشر: الدوحة، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، ۱۹۹۹م، (ص ۱۱۲).

طوری که میفرماید: { والسابقون الأولون من المهاجرين والأنصار والذين اتبعوهم بإحسان رضي الله عنهم ورضوا

عنه و أعد لهم جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها أبدا ذلك الفوز العظيم } [سوره توبه آیه 100].

ترجمه: «و سبقت کنندگان (بسوی نیکی) پیشینان از مهاجرین و انصار، و آنانیکه پیروی کردند ایشانرا به نیکی، راضی شده از ایشان الله و راضی شدند ایشان از او، و مهیا ساخته الله برایشان جنتهای را که جاری است زیر (درختان) آنها جویها، جاوید باشند در آن همیشه، اینست کامیابی بزرگ».

ملاحظه میشود که این آیت مشتمل بر جامع ترین ثناء و توصیف الله سبحانه بر سابقین اولین از مهاجرین و انصار و تابعینی که از آنها به احسان پیروی نموده اند میباشد، تا آنجاییکه از آنها اظهار رضایت نموده و به جنات نعیم عزت شان بخشیده است (1).

علامه شنقیطی - رحمه الله - (2) میگوید:

آنانیکه از گذشتگان خویش در احسان اتباع و پیروی نموده اند، در خیر نیز با آنها شریک و سهیم اند؛ مانند این فرموده او تعالی: { و آخرین منهم لما يلحقوا بهم } [سوره جمعه، آیه 3].

ترجمه: «و نیز مبعوث گردانید آن رسول را برای مردمان دیگر از ایشان (بنی آدم) که هنوز نپیوسته اند با ایشان». و این فرموده: { والذين جاؤوا من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالإيمان } [سوره حشر آیه 10] ترجمه: «و آنانیکه آمدند بعد از ایشان، میگویند ای پروردگار ما بیامرز ما را و آن برادران ما را که سبقت نمودند بر ما در ایمان آوردن».

جای دیگر میفرماید: { والذين آمنوا من بعد و هاجروا و جاهدوا معكم فأولئك منكم } [سوره انفال آیه 75].

(1) اسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی دمشقی، [ت 774]، تفسیر القرآن العظیم، ناشر: دار ابن حزم، (ج 2/ص 331).

(2) محمد امین بن محمد مختار بن عبدالقادر جنکی شنقیطی، مدرس و مفسر، در [1325] در شنقیط تولد و در [1393] وفات یافت. از جمله تألیفاتش، "أضواء البيان في تفسير القرآن"، منهج و دراسات لآيات الأسماء والصفات، میباشد. (الأعلام للزركلي، ج 6/ص 45).

ترجمه : « و آنانیکه ایمان آوردند پس از این ، و هجرت کردند و جهاد کردند همراه شما، پس این جماعه از شما است » (1) .

شیخ حافظ حکمی - رحمه الله - (2) میگوید :

خداوند متعال در آیه دهم سوره حشر مقام صحابه را از حیث منزلت و افضلیت ترتیب داده ، متعاقبا به ذکر اینگونه می پردازد : { والذین جاؤوا من بعدهم } [سوره حشر آیه 10] .

ترجمه « و آنانیکه آمدند بعد از ایشان » (3) .

فرع دوم : فضیلت تابعین در سنت نبوی

در سنت نبوی احادیث زیادی در فضیلت تابعین آمده از جمله :

«عن ابي سعيد الخدري - رضي الله عنه - ، عن النبي - صلى الله عليه و سلم - قال : " يأتني على الناس زمان يغزوا فئام من الناس ، فيقال لهم : فيكم من رأى رسول الله ؟ فيقولون : نعم ، فيفتح لهم ، ثم يغزوا فئام من الناس ، فيقال لهم : فيكم من رأى من صحب رسول الله ؟ فيقولون : نعم ، فيفتح لهم " » (4) .

ترجمه : « بر مردم قرار است زمانی بیاید که یک گروه بزرگی از مردم به جنگ آماده می شوند ، پس برایشان گفته میشود : آیا در میان تان کسی است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - را دیده باشد ؟ آنها میگویند : آری ، پس برایشان گشوده میشود ؛ باز یک جمع غفیر برای جنگ آماده میشوند ، گفته میشود که آیا در میاتتان کسی

(1) اضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن ، شنفیطی ، ناشر : مكتبة علوم و الحكم ، مدينة منورة ، (ج 2/ص 474).

(2) حافظ بن احمد حکمی ، از علماء اهل سنت و جماعت ، و از اعلام مشهور شبه جزیره عرب ، منسوب به قبيله حکم ، در [1343] هجری تولد ، و در [1377] وفات یافتند. از مصنفات مشهورش " دلیل ارباب الفلاح لتحقیق فن الاصطلاح " و " اللؤلؤ المکنون فی احوال الأسانید و المتون " میباشد . (الشیخ عبدالله القرعانی و دعوتہ فی جنوب المملكة السعودیة ، ص 56 ، تألیف موسی بن حاسر بن احمد السهلی) .

(3) حکمی ، حافظ بن أحمد بن علي الحکمي [ت 1377هـ] ، معارج القبول بشرح سلم الوصول إلى علم الأصول ، تحقیق : عمر بن محمود أبو عمر ، ناشر : دار ابن القيم - الدمام ، السعودیة ، چاپ اول ، 1410 هـ - 1990 م ، (ج 2/ص 486).

(4) صحیح البخاری ، باب : فضائل اصحاب النبي، (ج 3/ص 7/شماره 3649) .

است که اصحاب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - را دیده باشد ، است ؟ میگویند : آری ، پس آنجا هم برایشان گشوده میشود .»

«عن عمران بن الحصين - رضي الله عنه - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - " خير امتي قرنى ، ثم ، ثم الذين يلونهم ، ثم الذين يلونهم "» (1).

ترجمه: «بهترین امتم کسانی اند که در قرن من اند ، باز آنانیکه به تعقیب شان آمدند، و سپس کسانی که بعد از آنها آمدند .»

حافظ ابن حجر - رحمه الله - میگوید:

مراد از قرن نبی - علیه الصلاة والسلام - در حدیث ، صحابه است ، واما قرن تابعین ، اگر از سنه صدم به بعد مراد باشد به اندازه هشتاد و یا هفتاد سال میباشد ؛ و آنانیکه بعد از تابعین آمدند به اندازه پنجاه سال میباشد . ازین محاسبه دانسته میشود که مدت قرن به اساس اعمار هرزمان ، مختلف میباشد. والله اعلم (2).

حاکم - رحمه الله - میگوید: " بهترین مردم از حیث قرن بعد از اصحاب کرام کسانی اند که اصحاب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - را دیده و از آنها دین و سنت را فرا گرفته اند " (3) .

«عن واثلة بن الاسقع - رضي الله عنه - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - "لا تزالون بخير ما دام فيكم من رأيي و صاحبني، والله لا تزالون بخير ما دام فيكم من رأي من رأيي ، و صاحب من صاحبي "» (4).

(1) امام ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه جعفی بخاری ، [ت256]، الجامع الصحیح ، ناشر : دارالفکر للطباعة للنشر و التوزیع ، صحیح البخاری ، کتاب و باب فضائل اصحاب النبی ، (ج3/ص1335/شماره 365) ، امام ابی حسین ، مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیسابوری ، صحیح مسلم ، ناشر : دار الفکر - بیروت ، کتاب فضائل الصحابة، باب : فضل الصحابة، (ج4/ص1964/شماره 2535).

(2) عسقلانی ، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر ، أبو الفضل [ت852هـ] ، فتح الباری شرح صحیح البخاری ، ترقیم: محمد فؤاد عبدالباقي، مراجعه: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، ناشر: دار الحديث - القاهرة، چاپ اول ، 1379 هـ ، (ج6/ص7).

(3) معرفة علوم الحديث ، (ص42).

(4) ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابراهیم ، ابی شیبة کوفی ، مصنف ابن ابی شیبة ، ناشر : الفاروق الحديثة للطباعة و النشر ، 1428-2008 ، (ج12/ص178/شماره 2463) ، حکم حدیث : امام البانی در السلسلة الاحادیث الصحیحة (ج13/ص86/شماره 2383) گفته : صحیح است.

ترجمه: « همیشه در خیر میباشید تا وقتی که در میان تان کسانی باشند که مرا دیده اند ، و سوگند بخدا که همیشه در خیر هستید تا وقتی که در میان تان آنانی باشند که دیده اند کسانی را که مرا دیده باشند » .

و « عن دينار بن عبد الله مولى أنس بن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم وآله وسلم طوبى لمن رآني ومن آمن بي ومن رأى من رأني » (1) .

ترجمه: « از دينار بن عبدالله مولای انس بن مالک - رضي الله عنه - روایت است که میگوید : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : خوش به حال کسی که مرا دیده و کسی که به من ایمان آورده ، و کسی که دیده باشد کسی را که مرا دیده است » .
مبارکپوری (2) میگوید :

ظاهر حدیث بیانگر تخصیص بشارت برای صحابه و تابعین میباشد (3) .

« خطب عمر بن الخطاب - رضي الله عنه - يوماً فقال : ان رسول الله - صلى الله عليه و سلم - قام في مثل مقامي هذا ، فقال : الا احسنوا إلى أصحابي ثم الذين يلونهم ، ثم الذين يلونهم » (4) .

(1) حافظ أبي قاسم سليمان بن أحمد بن أيوب لخمى طبراني متوفي سنة 360 هـ، ناشر : دار الكتب العلمية بيروت - لبنان ، المعجم الصغير للطبراني، (ج2/ص33 شماره 43) .
(2) ابو علا محمد عبدالرحمن بن عبدالرحيم مبارکپوری ، متوفای سال [1353] است . از کتابهای مشهورش میتوان ، "أبكار المنن في تنقيد آثار السنن" ، و "تحقيق الكلام في وجوب القراءة خلف الإمام" را نام برد . (نزهة الخواطر ، الحسنی ، ج8/ص1272) .
(3) تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، محمد بن عبدالرحمن بن عبدالرحيم ، دار الكتب العلمية - بيروت (ج10/ص361) .
(4) مسند احمد بن حنبل، (ج1/ص26)، نسائي ، أحمد بن شعيب بن علي ، أبو عبد الرحمن، [ت303هـ] ، سنن الكبرى ، تحقيق : مكتب تحقيق التراث الاسلامي، 1432 هـ ، دار المعرفة ، بيروت ، لبنان ، چاپ اول، (ج5/ص387 /شماره 9219)
قزوينی ، محمد بن يزيد ابن ماجه ، أبو عبدالله ، [ت273هـ] سنن ابن ماجه ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، مكتب العلمية ، بيروت ، لبنان چاپ اول 1404 هـ ، (ج2/ص791 /شماره 2364) .
و حاكم نيسابوري ، محمد بن عبدالله ، أبو عبدالله [ت405هـ] ، المستدرک على الصحيحين ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، دار الكتب العلمية - بيروت ، چاپ اول 1411 هـ - 1990 م ، (ج1/ص114) . حکم حدیث : امام ذهبی موافقت نموده است ، و ملا علی قاری گفته : اسنادش صحیح است (المرقاة (ج11/ص276) ، و امام البانی در السلسلة الاحادیث الصحيحة (ج1/ص792 /شماره 430) گفته : صحیح است .

ترجمه: «عمر بن خطاب - رضي الله عنه - روزي خطبه ایراد فرموده و گفت: هر آینه رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در جایگاه که من هستم ایستاده و فرمود: آگاه باشید که به اصحاب من نیکی کنید، باز به آنانیکه بعد از ایشان آمدند، و بعد به آنانیکه بعد از آنها آمدند».

این حدیث صراحتاً به فضیلت صحابه، تابعین و اتباع شان اشاره دارد.

"این حدیث فضیلت صحابه و تابعین را اثبات مینماید" (1).

در مورد فضیلت تابعین از امام عبد الرحمن بن ابی حاتم رازی - رحمه الله - (2) در مقدمه جرح و تعدیل نقل میشود که میگوید:

"تابعین مردمانی بودند که بعد از صحابه جانشین شان گشتند؛ آنها کسانی اند که الله تعالی ایشانرا برای اقامه دین خود برگزید، و برای حفظ فرائض، حدود و امر و نهی خود خاص شان گردانید؛ آنها بندگان نیک و با تقوی و والگوهای بی مثال در حفظ و اقامه سنت بوده، حیثیت امامان در فضل و علم و حفظ سنت را داشته اند، رحمت رحمت الله شامل حالشان باد" (3).

مطلب سوم: بهترین تابعیات

ابو بکر بن ابی داود (4) میگوید:

"سید تابعیات: حفصه بنت سیرین، عَمَرة بنت عبد الرحمن، و ام درداء ضغری میباشد" (1).

(1) عمدة القاري شرح صحيح البخاري، بدرالدین عینی، دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ اول 1404 هـ، (ج 11/ص 429).

(2) محمد بن ادریس بن منذر بن داود بن مهران، امام و حافظ، ناقد و شیخ محدثین حنضلی غطفانی، در [195] تولد از اساتیدی چون: عبدالله بن موسی، محمد بن عبدالله انصاری و اصعمی سماع نموده و از وی ابو زرعه دمشقی، ابراهیم حربی و ابو عبد الرحمن نسائی روایت مینمایند (سیر أعلام النبلاء، ج 13/ص 247، الطبقة الخامسة عشر).

(3) رازی، عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر، ابن أبي حاتم، أبو محمد، [ت 327هـ]، مقدمة الجرح والتعديل لابن أبي حاتم رازی، تحقیق: ابی همام محمد بن علي الصومعي البيضاوي، ناشر: دار الكتب العلمية بيروت- لبنان، چاپ اول، 1433 هـ (ج 1/ص 8).

(4) عبدالله بن سلیمان بن اشعث، امام، علامه و حافظ، شیخ بغداد، ابوبکر سجستانی، در [230] متولد و در [316] وفات نموده است. از پدرش، و احمد بن صالح، و محمد بن بشار روایت نموده و از وی ابن حبان، ابو احمد حاکم، و ابو حسن دار قطنی روایت مینمایند. (سیر أعلام النبلاء، الطبقة الخامسة عشر: ج 13 / 222).

که اینک در مورد شخصیت علمی و حدیثی هر یک به شکل مختصر می پردازیم :

حفصة بنت سیرین :

فقیهه ، عالمه و زاهده ، أم هزیل انصاری بصری ، خواهر محمد بن سیرین بود ، وی توانست قرآن را در عمر سالگی حفظ نماید . ابن سیرین هر گاه در فهم و قرائت قرآن به مشکلی بر می خورد میگفت : " نزد حفصة رفته و شوید چگونه آنرا قرائت مینماید " (2) .

برای افتخار شان همینقدر کافی است که او از جمله شاگردان انس بن مالک بود، که از او حدیث را گرفته علاوه بر انس ، از سلمان بن عامر ضبی ، ربیع بن زیاد حارثی ، ابی عالیہ ریاحی و خیره ام حسن بصری روایت نموده است . واز او کبار تابعین چون : ایوب سختیانی ، قتاده ،عاصم احول ، خالد حذاء و برادرش محمد بن سیرین و عائشه بنت سعد اخذ حدیث نموده اند (3) .

ایاس بن معاویه (4) میگوید :

" در میان زنان تابعیات کسی را نیافتم که بر حفصة بنت سیرین برتری داشته باشد " .

برایش گفته شد: حسن و ابن سیرین چگونه ؟ گفت : " اما من هیچکسی را بر وی برتری نمیدهم " (5) .

در تفسیر صاحب رای و نظر ویژه بود ، قول عاصم است که چون برای فراگیری نزد شان حاضر میشدیم ؛ حجاب خود را میگرفت و اینگونه بر روی خود نقاب میزد؛ برایش میگفتیم : خدای بر تو رحم نماید، از رخصت الله

(1) عمر بن علی بن احمد انصاری ، ابن ملقن سراج الدین ابو حفص ، المقنع فی علوم الحدیث ، تحقیق : عبدالله بن یوسف جدیع ، ناشر : دار فواز للنشر ، 1413 - 1992 م ، (ج2/ص513) .

(2) ابن جوزی ، عبدالرحمن بن علی بن محمد جوزی قرشی بغدادی ، ابو فرج ، صفة الصفوة ، تحقیق : خالد مصطفی طرطوسی ، ناشر: دار الكتاب العربي ، 2013 م ، (ج4/ص25) .

(3) فزاری ، إبراهيم بن محمد بن الحارث بن أساء ابن خارجة ، ابو اسحاق، [ت188هـ] کتاب السیر ، تحقیق : د. فاروق حمادة ، دار القاسم ، دمشق، چاپ اول ، 1425هـ ، (ج 4/ص507) .

(4) علامه ابو واصله ، ایاس بن معاویه ، در سنه [121] هجری در حالیکه به سن کهولت رسیده بود وفات یافت . از پدرش و انس و ابن مسیب و سعید بن جبیر روایت میکند، و از وی خالد حذاء ، شعبه و حماد بن سلمه روایت مینمایند . (سیر أعلام النبلاء ، الطبقة الثالثة ، ج5/155) .

(5) محمد بن احمد بن عثمان بن قایاز ، شمس الدین ذهبی [ت 1274] سیر أعلام النبلاء ، تخريج احادیث : شعيب أرنؤوط ، تحقیق : مأمون صاعرجی ، ناشر : مؤسسة الرسالة ، (507/4) .

چرا استفاده نمیکنی ، که میفرماید : [وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ] (سورة النور (60).

ترجمه : « و بر زنان از کار افتاده ای که امید ازدواج ندارند گناهی نیست که لباسهایشان را فرونهند درحالیکه زینتی را آشکار نکنند».

وآن عبارت است از جلباب ، میگوید: برای ما میگفت : بعد ازین چه ؟ سپس میگفت ، خدا در ادامه آن میفرماید : [وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ].

ترجمه : « و چنانچه پاکدامنی ورزند برایشان بهتر است، و خداوند شنوای داناست» ، و میگفت که آن اثبات جلباب است (1).

در زهد و عبادت نظیر نداشت ؛ در موردش میاید : که به مسجد و مصلی خانگی خود داخل شده ، نماز های ظهر، عصر ، مغرب و عشاء و صبح را اداء میکرد و در جایش می نشست تا اینکه آفتاب طلوع میکرد و نماز اشراق را بجا میاورد ، و برای امور خانه از آنجا بیرون شده و به مجرد وقت ظهر دوباره به مصلای خود برمیگشت ، و همین گونه حالش با روزه های نوافل میبود (2) .

و در مورد کرامت شان میاید : چون برای نماز شب بر میخواست فتیله (چراغ) خود را روشن مینمود ، گاهی هم میشد که چراغش سرد و خاموش میشد ، ولی خانه برایش روشن و منور میگشت ، تا اینکه روشنی صبح آنرا زایل میکرد (3).

عجلی (1) در موردش میگوید : " تابعیه مدنیة ثقه " (2).

(1) عالیة بنت عبد الله بالطو، تراجم طبقة المحدثات من التابعيات و مروياتهن في الكتب الستة ، ناشر : دار المجتمع للنشر و التوزيع ، چاپ : اول ، سال طبع : 1430 - 2009 م ، (ص 77-78).

(2) صفة الصفوة ، (24/4) .

(3) صفة الصفوة ، (26/4) .

ابن حبان (3) در جمله ثقات حساب شان میکند ، و دار قطنی او را در جمله تابعیات می‌شمارد . و ابن حجر در موردش میگوید : " ثقة ، من الثالثة " ، که بعد از سال صدم هجری وفات یافت (4) .

عَمْرَة بنت عبد الرحمن :

عمره بنت عبد الرحمن بن سعد بن زُرارَه انصاریه مدنیّه در آغوش حضرت عایشه - رضي الله عنها- پرورش یافته (ملازمت شانرا نموده اند) ، از او و ام سلمه ، و ام حبیبه - رضي الله عنهن - روایت حدیث نموده ، همچنان از رافع بن خدیج ، عبید بن رفاعه ، مروان بن حکم و حمنه بنت جحش روایت دارد .

با عبدالرحمن بن حارثه بن نعمان بن مالک ازدواج نمود ، که بعد از مدتی محمد بن عبدالرحمن مشهور به ابو رجال تولد شد .

واز او فرزندش ابورجال ، برادرش محمد بن عبدالرحمن انصاری ، برادر زاده شان یحیی بن عبدالله بن عبدالرحمن ، سعد بن سعید انصاری ، محمد بن شهاب زهري ، عروه بن زبیر ، عمرو بن دینار ، یحیی بن سعید انصاری و فاطمه بنت منذر روایت مینمایند (5) .

ابن ابی مریم (1) از ابن معین نقل میکند که وی در حقش میگفت : " ثقة حجة " . و عجلی میگفت : " مدنیّه تابعیه ثقة " (2) .

(1) منتخب الدین ابوالفتح ، اسعد بن ابی الفضائل محمود بن خلف بن احمد عجلي اصفهانی شافعی ، در سال [515] در اصفهان دیده به جان گشود ، و در سنه [600] در اصفهان وفات یافت . از تلامیذ مشهورش : ابو نزار ربیعہ یمنی ، حافظ ضیاء و ابن خلیل و جماعه میباشد . و از آثارش میتوان آفات "الوعاظ" و "شرح مشکلات الوجیز" را نام برد . (سیر أعلام النبلاء ، الطبقة الحادية و الثلاثون ، ج 21/ص 402-403) .

(2) ابو عبدالله محمد بن سعد بن منیع هاشمی (به اساس ولاء)، بصری بغدادی [ت 230]، الطبقات الكبرى، تحقیق : محمد عبدالقادر عطاء ، ناشر: دارالکتب العلمیة - بیروت ، طبع اول ، سال 1410-1990 ، (484/8) .

(3) ابو حاتم محمد بن حبان بن معاذ تمیمی دارمی بستی ، در سنه دو صد و هفتاد چند تولد، و در [354] در سیستان وفات نمود . شیوخش : ابی عبدالرحمن نسائی ، ابن خزیمه و محمد بن خریم میباشد از جمله تلامیذش ، ابو عبدالله بن منده ، و ابو عبدالله حاکم را میتوان نام برد . از تصانیفش میتوان به طور نمونه از "الأأنواع و التقاسیم" ، و "كتاب التاريخ" و "كتاب الضعفاء" را نام برد . (سیر أعلام النبلاء ، الطبقة العشرون ، ج 16/ص 93) .

(4) ابن حجر عسقلانی ، احمد بن علی بن محمد کنانی عسقلانی ، ابو فضل شهاب الدین بن حجر ، [ت 852] ، تقریب التهذیب ، محقق : ابو اشبال صغیر احمد پاکستانی ، ناشر : دار العاصمة ، 1421 ، تقریب التهذیب (شماره 8659/ص 1349) .

(5) تراجم طبقة المحدثات ، (ص 341-342) .

ابن حجر در کتاب "تقریب التهذیب" میگوید: "ثقة، من الثالثة" (3).

او از جمله کسانی است که امیر المؤمنین عمر بن عبد العزیز⁽⁴⁾ برای جمع آوری احادیثش دستور اکید فرموده، به محمد بن ابوبکر محمد بن حزم نوشت: "أن أنظر ما كان من حديث رسول الله - صلى الله عليه و سلم - أو سنة ماضية أو حديث عمرة فإني خشيت دروس العلم و ذهاب أهله" (5).

ترجمه: «اینکه در مورد احادیث و سنت رسول الله - صلى الله عليه و سلم - و احادیث عمره بنگر، و آنرا بنویس، چونکه من از نابودی علم، و رفتن اهل آن (علماء) میترسم».

و این گفته شان: "هیچ کسی عالمتر به حدیث حضرت عایشه - رضي الله عنها - به غیر از عمره نیست". در سنه (98) هجرت وفات نمود. (6).

ام الدرداء الصغرى :

از زنان عالم و فقیهات، از اهل دمشق شام بود، همسر ابو درداء - عویمر بن زید - رضي الله عنه -، اسم شان هجیمه بوده و گفته میشود: هجیمه است.

(1) ابو محمد سعید بن حکم جمحی، محدث سر زمین مصر در سال [144] تولد، و در [224] وفات نموده است. از نافع بن عمر جمحی، مالک و لیث روایت نموده، و از وی بخاری، احمد بن عبدالله عجالی روایت کرده است. (سیر أعلام النبلاء، الطبقة الحادية عشر، ج 10/ص 328).

(2) ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی بن محمد کتانی عسقلانی، ابو فضل شهاب الدین بن حجر، [ت 852] تهذیب التهذیب، ناشر: المعرف (ج 12/ص 438).

(3) تقریب التهذیب، (شماره 8742/ص 1365).

(4) عمر بن عبدالعزیز، بن مروان بن حکم بن ابی العاص بن أمیه بن عبد شمس بن عبد مناف، ابو حفص امام و حافظ، علامه، و شخصیت زاهد و عابد، امیر المؤمنین، قرشی اموی در سنه [61] تولد و در [101] هجری رحلت نمود، اساتیدش در علم حدیث عبارت از: عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، سائب بن زید و سهل بن سعد میباشد، و اما از تلامیذش میتوان، سعید بن مسیب، ابی سلمه بن عبدالرحمن و خوله بنت حکیم را نام برد. (سیر أعلام النبلاء، الطبقة الثانية 88/ص 114).

(5) الطبقات الكبرى، (387)، و بیهقی، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى، أبو بكر، [ت 458هـ] المدخل الى السنن الكبرى، تحقیق: د. محمد ضیاء الرحمن الأعظمی، ناشر: دار الخلفاء للكتاب الإسلامی - الكويت، چاپ اول، 1422 هـ (423 - 424، رقم 782).

(6) الطبقات الكبرى، (ج 8/ص 480)، و تهذیب التهذیب (ج 12/ص 436).

ابو درداء دو همسر داشت ، که به هردوی شان ام درداء گفته میشد ؛ اما کبری همان صحابه بود ، و مراد از صغری تابعیه میباشد ، که ابو درداء پس از وفات ام درداء صحابه ، با ام درداء تابعیه در زمان خلافت عثمان بن عفان ازدواج نمود . نا گفته نباید گذاشت که اسم ام درداء صحابه خیره بنت ابی حدرد اسلمی بود . در مجالس قراء و حفاظ قرآن می نشست ، آیات و علوم آنها از زبان بزرگان صحابه فرا میگرفت.

از همسر شان - قاضی و سید قراء دمشق - ، و ابو هریره ، سلمان فارسی و ابی مالک اشعری و فضاله بن عبید روایت نموده است . و جمع زیادی از علم شان بهره برده ند ، چون زید بن اسلم و رجاء بن حیوه ، مکحول شامی ، یونس بن میسره ، و ابو قلابه (1).

باری عبدالملک بن مروان در حلقه درسی شان حضور داشت ، و غلامش را که تأخیر کرده بود، لعنت کرد ؛ ام درداء نصیحتاً برایش عرض نمود : " لا تفعل یا امیر المؤمنین ! فإني سمعت أبا الدرداء يقول : سمعت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - يقول : « لا یدخل الجنة لعان » (2).

ترجمه : « ای امیر المؤمنین این کار را نکن ، چون من از ابو درداء شنیدم که میگفت : از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که ایشان میفرمودند : شخص بسیار لعنت کننده به بهشت داخل نمیشود» .

و از اقوال مشهورش در زهد میاید که میگوید : " عبادت را در هر چیزی طلب نمودم ، ولی هیچ چیزی به اندازه مجالس ذکر شفا دهنده صدر و آرامش دهنده قلبم را نیافتم " (3).

امام ذهبی (4) در تذکرة الحفاظ ، او را بعد از حضرت عائشه - رضي الله عنها - ذکر نموده ، و به ذکر نامش از میان همه ای محدثات بسنده کرده است ؛ که این برای مقام و منزلتش کفایت میکند . (1).

(1) احمد خلیل جمعه ، نساء من عصر التابعین ، ناشر : دار ابن کثیر ، (ج 2/ص 107-112).

(2) جلال الدین سیوطی ، عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد بن سابق الدین خضیری سیوطی ، تاریخ الخلفاء ، ناشر : وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - قطر ، (ص : 245).

(3) صفة الصفوة ، (4/296) و

(4) ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایاز ذهبی ، ابو عبدالله ، امام ، حافظ و مؤرخ ، متولد سنه [673] ، که البته وفات شان در سنه [748] اتفاق افتاد . از جمله شیوخش : ابو زکریا بن صیروفی و ابن ابی الخیر میباشد ، تعداد زیادی از او استماع حدیث نموده اند از جمله : ابن کثیر)

در مورد عبادت و شب زنده داری شان حکایت میشود که : نماز های شب (تهجد) را با مجموعه ای از زنان در جماعت میگذاشت ، آنقدر قیامش را طولانی میکرد که قدمهایش تورم میکرد ، و گاهی هم بخاطر رفع خستگی قیام طولانی ، خویش را به ریسمان آویزان میکرد (2) .

حافظ ابن حجر میگوید : " ثقة ، من الثالثة " ، و در سنه (81) وفات یافت (3) .

صاحب تفسیر) ، و تاج الدین ابو نصر و عبدالوهاب بن علی سبکی . (طبقات شافعية ، 9- 103-110). از تصانیف مشهورش میتوان به ذکر "میزان الاعتدال" ، "سیر أعلام النبلاء" ، و "تاریخ الإسلام" ، اکتفاء نمود . (الأعلام للزركلي ، 5/326) .

(1) تذكرة الحفاظ ، (ج1/ص53) .

(2) سیر أعلام النبلاء ، (4/278) .

(3) تقریب التهذیب ، (شماره 8827/ص1380) .

فصل دوم : نقش تابعیات در خدمت سنت

در این فصل دو مبحث است :

مبحث اول : نقش تابعیات در روایت حدیث.

مبحث دوم : نقش تابعیات در درایت حدیث.

مبحث اول : نقش تابعیات در روایت حدیث

همانطوریکه میدانیم علم حدیث از مهمترین و اشرف ترین علوم بوده ، مصدر دوم بعد از قرآن در تشریع است ، خداوند میفرماید : (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا) [سورة الاحزاب آیه 21] ، ترجمه : «هر آینه هست برای شما در تعلیم رسول الله پیروی نیک برای کسیکه امید میدارد (ثواب) خداوند و روز آخرت را، و یاد میکند خدا را بسیار».

و در جای دیگر میفرماید : (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) [سورة:الحشر : الایة 7] ، ترجمه : « و آنچه بدهد شمارا پیغمبر ، پس بگیرید آنرا ، و آنچه منع کند شمارا از آن ، پس بگذارید (باز ایستید) ».

به اساس این دساتیر اکید قرآنی بود که اصحاب کرام از نخستین روز های دعوت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برای تلقی و گرفتن حدیث ، گاهی بطریق سماع و یا مشافهه و گاهی هم بطریق مشاهده ، توجه و اهتمام میورزیدند ؛ و زمانیکه حدیثی را فرا میگرفتند آنرا در میان شان مذاکره مینمودند. بطور مثال :

قال انس بن مالک - رضي الله عنه - : « كنا نكون عند النبي - صلى الله عليه وسلم - فنسمع منه الحديث ، فإذا قمنا تذاكرناه فيما بيننا حتى نحفظه » (1).

ترجمه : انس بن مالک - رضي الله عنه - میگوید : « زمانیکه در نزد رسول الله - صلی الله علیه و سلم - حضور میداشتیم ، حدیث شانرا می شنیدیم ، و چون از نزدش مرخص میشدیم ، آنرا باهم مذاکره مینمودیم تا اینکه حفظش میکردیم».

باید گفت که این توجه و اهتمام تنها از جانب مردان نبوده ، بلکه زنان نیز درین زمینه توجه لازم به خرج میدادند ؛ یا خوب است بگوییم که مشارکت شان در روایت حدیث و تبلیغ آن منحیث یک وجیبه دینی پذیرفته شده بوده ، که در

(1) أحمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی ابو بکر، الجامع لأخلاق الراوی وآداب السامع، ناشر : مکتبة المعارف - الرياض ، 1403تحقیق : د. محمود الطحان(ج1/ص236).

میدان عمل میخواستند این گفته رسول الله - صلی الله علیه و سلم - را تحقق ببخشند ، که میفرمود : « عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ بَلَّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً » ⁽¹⁾ .

ترجمه : « از ابن عمر - رضي الله عنه - مروی است که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود : از من برسائید و لو به اندازه یک آیه هم باشد .

به دلیل اینکه رسول الله صلی الله علیه و سلم - آنها را ، در روز های آغازین دعوت آشکار شان ، درست پس از نزول آیه : { وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ } ، [سورة الشعراء ، آیه 214] ، ترجمه : « و بترسان قبیله نزدیک خود را » ، بار مسئولیت تکالیف شریعت را مساویانه میان شان تقسیم کرد ؛ جایی که همه را بدون تفکیک بین خود و بیگانه ، و زن و مرد متوجه نموده فرمود : « یا معشر قریش اشتروا أنفسکم من الله لا أغني عنکم من الله شیئا یا بني عبدالمطلب لا أغني عنکم من الله شیئا یا عباس بن عبدالمطلب لا أغني عنک من الله شیئا یا صفیة عمة رسول الله لا أغني عنک من الله شیئا یا فاطمة بنت رسول الله سلینی ما شئت لا أغني عنک من الله شیئا » ⁽²⁾ .

ترجمه : « ای گروه قریش نفس تانرا از الله بخريد (نجات دهید) ، زیرا من چیزی را از جانب خدا از شما دفع کرده نمیتوانم ، ای فرزندان عبدالمطلب از عذاب خدا چیزی را از شما دفع کرده نمیتوانم ، و ای صفیه عمه رسول الله از تو چیزی از جانب الله را دفع نمیتوانم کرد ، ای فاطمه ! هر چه از من بخواهی خواسته میتوانی ، ولی متوجه باش که من پدرت چیزی از عذاب خدا را از تو دفع نخواهم کرد » .

به اساس این فرموده های رسول معظم - صلی الله علیه و سلم - بود که زنان در نشر و پخش دعوت الهی ، و سنت نبوی کمر همت بسته و ادای رسالت نمودند . که البته در مقدم و پیشاپیش شان ازواج مطهرات قرار داشت . در حقیقت آنها الگو هایی بودند که نزدیک بود الگو های دیگر در آنها نا پدید شود ، علی الخصوص حضرت عایشه - رضي الله عنها - که از جمله مکررین در روایت حدیث ، و در میان زنان در رده اول جایگاه خود را تثبیت نموده بود ؛ مجموعه مرویات شان به (2210) حدیث میرسید ؛ این در حالیکه که شخصیت فقهی شان در جای خود امتیاز دیگری هست .

در درجه بعدی در میان ازواج مطهرات میتوان از حضرت ام سلمه - رضي الله عنها - نام برد ، که مجموعه مرویات شان (387) حدیث میباشد ⁽³⁾ .

⁽¹⁾ صحیح بخاری ، باب ما ذکر عن بنی اسرائیل (ج 3/ص 1275 ، شماره 3274) .

⁽²⁾ صحیح مسلم ، باب فی قوله (و انذر عشیرتک الأقربین) ، (ج 1/ 192 ، شماره 351) .

⁽³⁾ آل سلمان ابی عبیده مشهور بن حسین ، (1994م) ، عناية النساء بالحديث النبوي ، دار ابن عفان / السعودية ، (ص 119)

با اینصورت نمیتوان از توجه و حرص صحابیات در اخذ، تعلیم و تعلم حدیث چشم پوشی نمود، که البته ازواج مطهرات مطمئن ترین مرجع برایشان میبود، به آنها مراجعه نموده و در مورد قضایای خیلی مهم بویژه موارد که مربوط به حریم شخصی شان میشد، استفسار مینمودند، و هیچگاهی حیاء مانع دانستن مسایل دین شان نمیشد. و در بسا حالات نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به کمال جرئت حضور یافته واز ایشان در مورد دقیق ترین مسائل وقضایای فقهی چون، طهارت، غسل و حیض و...سؤال مینمودند. به گونه مثال:

ام سلمه - رضي الله عنها - روایت مینماید که: «جاءت أم سليم إلى رسول الله - صلی الله علیه وسلم -، فقالت: يا رسول الله! إن الله لا يستحيي من الحق، فهل على المرأة من غسل إذا احتلمت؟ فقال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - : (إذا رأت الماء). فغطت أم سلمة، تعني وجهها وقالت: و تحتلم المرأة؟ فقال: نعم، تربت يمينك، ففيم يشبهها ولدها»^(۱).

ترجمه: «ام سلیم نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: ای رسول الله! خداوند از گفتن حق حیاء نمیکند، آیا در صورت احتلام بالای زن غسل فرض میشود؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: آری چون آب ببیند. ام سلمه روی خود را پوشانید و گفت: آیا زن احتلام میشود؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: دست ات خاک آلود باد، چگونه است که فرزندش به او مشابعت دارد».

نتیجه ای همه تلاشها برای فراگیری علم شرعی، منجر به این شد تا شخصیت های بزرگ صحابه در باریکترین قضایا به این زنها مراجعه نموده، و حل مطلب نمایند، بطور مثال: روایت میشود که عمر بن خطاب - رضي الله عنه - نزد أم المؤمنین حفصه - رضي الله عنها - آمد و برایش عرض نمود: "از امر مهمی که مرا در اشکال انداخته از تو میپرسم، به امید اینکه در رفع آن کمک ام نمایی، وآن اینکه، یک زن چه مقداری دوری شوهر را تحمل کرده میتواند؟ حفصه به عنوان حیاء سر خود را به پایین انداخت، عمر گفت: خدای از گفتن حق حیاء نمیکند. بعد اشاره کنان

^(۱) سنن ابی داود، کتاب الطهارة، باب الرجل يجد البلة في منامه (ج۱/ص ۹۵، شماره ۲۳۶) حکم الحديث: قال الأرناؤوط: حسن لغيره، سنن ابی داود - دارالرسالة العالمية ۱۷۱/۱.

عرض نمود: " سه ماه و نهایت چهار ماه " ، بعد از این حضرت عمر به تمام مجاهدین که در سنگر های جهاد و

دور از خانه و همسر بسر میبردند، دستور داد : ازین به بعد افراد نظامی بیشتر از چهار ماه در سنگر ها نمانند " (1)

این زنان نخبه و دانشمند در تحقیق مسایل علمی ، برای معرفت احکام دین و تمسک به سنت ، با عوام مردم به مناظره علمی می نشستند . بگونه مثال : ام فضل ، اختلافی را که میان مردم در مورد روزه عرفه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - واقع شده بود ، مدبرانه حل نموده ، و به آن نقطه پایان گذاشت : « عَنْ أُمِّ الْفَضْلِ بِنْتِ الْحَارِثِ أَنَّ نَاسًا تَمَارَوْا عِنْدَهَا يَوْمَ عَرَفَةَ فِي صَوْمِ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ بَعْضُهُمْ هُوَ صَائِمٌ. وَقَالَ بَعْضُهُمْ لَيْسَ بِصَائِمٍ. فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ بِقَدَحٍ لَبَنٍ وَهُوَ وَقِفٌ عَلَى بَعِيرِهِ بِعَرَفَةَ فَشَرِبَ » (2).

ترجمه : « از ام فضل بنت حارث روایت است که : مردم در مورد روزه عرفه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - با او اختلاف نمودند ، بعضی شان میگفت که او روزه است ، و بعض دیگر اصرار داشتند که روزه نیست . او میگوید : برایش گیلان از شیر فرستادم در حالیکه در میدان عرفات بالای حیوانش ایستاد بود، و از آن نوشید .»

ابن حجر میگوید : " از فواید این حدیث اثبات مناظره علمی میان زنان و مردان حاصل می شود (3) . درحمل این رسالت بزرگ ، تابعین و تابعیات نیز با رعایت امانت داری کامل در نقل و نشر سنت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - ادای مسؤولیت نموده ، و برای نسلهای بعدی شان آنرا به میراث گذاشتند.

درین میانه همانگونه که شخصیت های بزرگی از مردان ، چون سعید بن مسیب ، حسن بصری ، مسروق بن

اجدع و ... تبارز نمود، زنان محدثه و فقیهه نیز همچون : عمه بنت عبد الرحمن ، خیره ام حسن بصری ، ام درداء

صغری و غیرهم ، که در فصل قبلی از آنها یاد آوری صورت گرفت ، برای خدمت به سنت مطهر کمر همت بسته ، و

با تلاش های خستگی ناپذیر شان ثابت ساختند که زنان با وجود مسؤولیت های خانه و پرورش فرزندان ، در تمام

میادین میتوانند همراکاب با مردان در امور خیر شانه به شانه حرکت نمایند ، و عملاً تفسیر این آیه قرآنی باشند ، که

خداوند میفرماید : {وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

(1) صحیح مسلم، باب خروج النساء الى المساجد ، (جزء 1/ صفحه 327) . فتح الباری (ج4/23).

(2) صحیح البخاری ، کتاب الحج ، باب الوقوف على الدابة بعرفة (ج 248/2 شماره 248) و صحیح مسلم ، کتاب الحج ، باب استحباب الفطر للحاج يوم العرفة (ج2/791 ، شماره 110) .

(3) فتح الباری ، (4/238) ، د.عفاف بنت عبد الغفور حمید ، جهود المرأة في نشر الحديث و علومه ، مجلة جامعة أم القرى لعلوم الشريعة و اللغة العربية و آدابها 1427 هـ (ص 6) .

وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [سوره توبه 71]

ترجمه : « و مردان مؤمن و زنان ایابدار بعضی شان کار سازان بعضی دیگرند ، امر میکنند به کار پسندیده و منع میکنند از بدی، و بر پا میدارند نماز را و میدهند زکات را ، و اطاعت میکنند الله و فرستاده او را ، همین گروه (به زودی) رحم کند ایشانرا الله ، به تحقیق الله غالب ، خداوند حکمت است ».

میتوان بگونه نمونه ، به ذکر چند نمونه در ذیل اکتفاء نمود :

1 - از طریق ابن جریج روایت است که میگوید : " أخبرني لیلی بنت سعد ، أنها رأت عائشة تصلي في درع و خمار و إزار مؤتزرة به " (1).

ترجمه : « لیلی بنت سعد برایم گفت که او عائشه - رضي الله عنها - را در نماز گذاشتن دید ، در حالیکه پیراهن، خمار و لنگ بر تن داشت ».

2- از ریطة حنفیه روایت است که میگوید : « أمتنا عائشة في الصلاة ، فقامت وسطنا » (2).

ترجمه : « مادر مان عائشه - رضي الله عنها - در نماز با ما بود، پس در وسط ما ایستاد شد ».

3- « عن أميمة بنت النجار قالت : كن أزواج النبي - صلى الله عليه وسلم - يتخذن عصائب فيه الورس و الزعفران، فيعصبن بها رؤسهن أسافل أشعارهن على جباههن قبل أن يحرمن، ثم يحرمن كذلك فيعرقن فيه » (3).

ترجمه : « از امیمه بنت نجار روایت است که میگوید : ازواج نبی - صلى الله عليه وسلم - پارچه ای را که خوشبویی و زعفران داشت به زیر موی پیشانی می بستند ، البته قبل از احرام ؛ و سپس در همین حال نیت احرام نموده و در آن عرق میکردند ».

(¹) الطبقات الكبرى، (ج10/ص4926) ترجمه لیلی بنت سعد. درجه حدیث : مدار حدیث لیث بن ابی سلیم است ، و او ضعیف میباشد، به این لحاظ ابن حجر حدیثش را ضعیف قرار داده است (الدرایة 169/1).

(²) البصري : أبو سعيد بن الأعرابي أحمد بن محمد بن زياد بن بشر بن درهم الصوفي، معجم ابن الأعرابي، تحقيق وتخريج: عبد المحسن بن إبراهيم بن أحمد الحسيني، الناشر: دار ابن الجوزي، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1997 م، 651/2. رقم: 1295.

(³) الطبقات الكبرى ، (ج8/ص482) ترجمة أميمة بنت نجار.

4- «و عن صفية بنت زياد قالت: رأيتني ميمونة ، و أنا أغسل ثوبي من الحيضة ، قالت : ما كنا نفعل هذا، إنما كنا نحته حتاً " أي الحك . و سمعت ميمونة تقول : لا بأس بعرق الحائض » (1).

ترجمه: « صفیه بنت زیاد میگوید : میمونه مرا در حالی دید که لباسم را می شستم ، گفت : " ما که چنین نمیکردیم ، فقط آنرا میآلیدیم " . و از میمونه شنیدم که میگفت : "عرق حائض پاک است" .

5- « وعن تملك أنها سألت أم سلمة ، فقالت : " إذا وضعت السكين في الخبز فأذكرني إسم الله و كلي » (2).

ترجمه: « از تملک که یکتا از تابعیات است ، روایت میشود که او از ام سلمه - رضي الله عنها - پرسید ، گفت : چون کارد را در نان گذاشتی نام خدا را یاد کرده و از آن بخور».

6- « و قالت ظبية بنت العلل : " دخلت على عائشة فجاءها سائل ، فأعطته حبة من عنب ، ثم نظرت إلينا و قالت: إني أراكن تعجن من هذا، إن في هذا مثاقيل ذر كثيرة » (3) .

ترجمه : « ظبیه بنت معلل میگوید: به نزد عائشه - رضي الله عنها - رفته بودم ، سائلی آمد، برایش یکدانه انگور داد ، سپس به ما نظر کرده و گفت: دارم شمارا میبینم که ازین کارم متعجب هستید، در حالیکه پاداش آن بس بزرگ است».

(¹) همان (ج8/ص493) ترجمه صفیه بنت زیاد .

(²) الطبقات الكبرى ، (ج8/ص493) ترجمه تملک .

(³) همان ، (ج8/ص490) ترجمه ظبیه .

مبحث دوم : نقش تابعیات در درایت حدیث

در این مبحث سه مطلب است :

مطلب اول : کبار تابعیات

مطلب دوم : أوساط تابعیات

مطلب سوم : صغار التابعیات

مطلب اول: کبار تابعیات

هدف از کبار تابعیات عبارت از کسانی اند که در قرن اول زیسته، واز کبار و صغار صحابیات روایت نموده اند، که البته غالباً تا اواخر قرن اول صحابه در قید حیات بوده اند. و آخرین صحابه که وفات یافته است، امة بنت خالد بنت سعید بن عاص که به ام خالد مشور بود، میباشد، او یکتا از زنان با فضیلت در میان صحابیات بوده، تولد شان در حبشه صورت گرفته و چند سال در آنجا سپری نمود و همراه با مهاجرین حبشه در یکی از دو کشتی به مدینه منوره آمد، با زبیر بن عوام ازدواج نمود، و بصورت مجموعی هفت حدیث رسول الله - صلی الله علیه و سلم - را روایت نموده است؛ که از آنجمله دو حدیثش را امام بخاری در صحیح خود نقل نموده، و نیز اصحاب سنن چون ابو داود و نسائی از او روایت ها دارند (1).

در کتب سیر در موردش گفته میشود که، تا نزدیک سالهای نود هجری حیات داشت. این ادعاء را روایتی چون: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برایشان لباسی هدیه فرموده و سه مرتبه گفتند: «أبلي و أخلقي» (2)، ترجمه: «لباس جدید بپوشی، و مزید جدید بپوشی»، که کنایه از طول عمر وی میباشد.

علت عدم شهرت و نشر و پخش روایات تابعیات علی الخصوص آنانیکه وفات شان زود تر صورت گرفته، موجودیت صحابه و صحابیات میباشد، زیرا تابعین مجال تعلیم و تعلم حدیث را برای اصحاب و اگذار کرده بودند، چون آنها به اساس گواهی شخص رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بهترین قرن بودند،

(1) دور المرأة في خدمة الحديث، (ص96-97).

(2) صحیح البخاری، باب الخمیصة السوداء، ج5/ص2191، شماره: 5485. حاکم نیشاپوری، محمد بن عبدالله بن حمدویه بن نعیم ضبی، طهمانی نیشاپوری، مشهور به "حاکم"، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین للحاکم، محقق: مصطفی عبدالقادر عطاء، ناشر: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، سال 1422-2002، باب البیوع، (ج2/ص326، شماره 2367).

واز طرفی کسانیکه خواهان گرفتن حدیث میبودند ، دوست میداشت که سند اش عالی باشد ، لذا به عوض شنیدن

از تابعی ، به شهرهای دیگر سفر مینمود و مستقیماً آنرا از صحابه اخذ مینمود^(۱) .

(^۱) دور المرأة في خدمة الحديث ، (ص ۹۷-۹۸) .

1 - خیره ام حسن بصری (مولای ام سلمه - رضي الله عنها) :

از جمله راویان مقبول در روایت حدیث شناخته میشود ، اخلاق کریانه و سیرت بسیار نیکو ، و منبع فضایل اخلاقی بود . در عهد خلافت عمر بن خطاب با یسار ازدواج کرد ، ثمره این پیوند تقدیم دو مرد بزرگ مزین به علم و معرفت و زهد ، به جهان اسلام شد :

اول : حسن بن ابو حسن یسار تابعی بصری انصاری ، شیخ اهل بصره ، و سید اهل زمان خود در علم و عمل .

دوم : سعید ابن ابو حسن یسار بصری ، از جمله ثقات تابعین .

وی از عائشه و ام سلمه - رضي الله عنها - و دیگر امهات المؤمنین روایات دارد ، واز او تعداد زیادی از مردان چون : دو فرزندش و علی بن جدعان ، معاویه بن قره مزنی که همه خیار تابعین اند روایت مینمایند. واز زنان : حفصه بنت سیرین ام هزیل انصار از او نقل حدیث نموده اند (1) .

ابن حجر در موردش گفته : "مقبولة من الثانية" (2) . ابن سعد وی را در جمله راویانی که از همسران رسول الله - صلی الله علیه و سلم - روایت نموده قرار داده است (3) ، و ابن حبان در ثقات می خواندش (4) .

2- زینب بنت کعب بن عجره :

از جمله روات حدیث است ، که از همسرش ابو سعید ، و خواهرش فریعه بنت مالک روایت مینماید ، برادر زادهایش سعید بن اسحاق ، و سلیمان بن محمد بن کعب از او روایت کرده اند (5) .

و اما ابن حجر میگوید : "هي مقبولة ، من الثانية" (6) .

(1) تهذيب الكمال ، (166/35) ، الطبقات الكبرى ، (476/8) ، نساء من عصر التابعيات ، (ج1 / ص 161-163) .

(2) تقريب التهذيب ، (ج2/ص596) .

(3) الطبقات الكبرى ، (476/8) .

(4) همان (216/4) .

(5) اعلام النساء (ج2/ص104) .

(6) تقريب التهذيب (ج2/ص600) .

3 - صفیه بنت ابو عبید ابن مسعود ثقفی :

همسر عبدالله بن عمر ، یکی از زنان صالح و عابده تابعیات است . گفته میشود : زمان رسول الله - صلی الله علیه و سلم - را درک کرده ، و لیکن دار قطنی ⁽¹⁾ آنرا انکار نموده است .

عجلی از ثقات قرارش داده است ⁽²⁾ . از عایشه ، ام سلمه ، عمر و قاسم بن محمد بن ابوبکر روایت مینماید .

واز او فرزند شوهرش سالم بن عبدالله ، نافع مولای همسرش ، عبدالله بن دینار ، عبدالله بن صفوان بن امیه ، و موسی بن عقبه و غیره روایت مینمایند ⁽³⁾ .

4 - زینب بنت نبیط :

گفته میشود : بنت سلیط ، همسر انس بن مالک . در موردش گفته میشود : برایش صحبت حاصل شده بود ، و اما ابن حبان وی را در جمله ثقات تابعیات می‌شمارد ⁽⁴⁾ . بیشترین روایات از طریق همسرش انس بن مالک ، و جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام ، وضباعه بنت زبیر می‌باشد . و از او حمید طویل و کثیر بن زید اسلمی و محمد بن عماره بن حزم و عبدالله بن تمام روایت مینمایند ⁽⁵⁾ .

5 - أم کلثوم بنت ابوبکر صدیق - رضي الله عنه - :

مادر شان حبیبه بنت خارجه انصاریه خزرجه ؛ خواهر حضرت عائشه و اسماء بنت ابی بکر - رضي الله عنهما - ، همسر طلحه - رضي الله عنه - می‌باشد .

(1) ابو حسن ، علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود بن نعان بن دینار بن عبدالله بغدادی ، محدث ، از اهل محله دار قطن بغداد ، در 306 تولد ، و در 385 به عمر 79 سالگی وفات نمود . از ابی قاسم بغوی ، ابی بکر بن ابی داود و ابی بکر بن زیاد نیشاپوری روایت مینماید ، و از او حافظ ابو عبدالله حاکم و حافظ عبدالغنی و ابو نعیم اصفهانی نقل حدیث نموده اند . از تصانیف مشهورش میتوان به ذکر کتاب " المؤتلف والمختلف " و " التتبع " اکتفاء نمود . (سیر أعلام النبلاء ، الطبقة الحادية والعشرون ، ج 16/ص 450) .

(2) تقریب التهذیب ، (شماره 8722 ، ص 1360) .

(3) سیر أعلام النبلاء ، (302/3) ، اعلام النساء ، (ج 2/ص 346-347) .

(4) تقریب التهذیب ، (شماره 8695 ، ص 1356) .

(5) جمال الدین ابو حجاج المزی [ت 742] ، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال ، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت ، چاپ اول ، 1980م ، (ج 35/ص 189) .

بعد از وفات پدرش دنیا آمد ، در حالیکه ابوبکر صدیق - رضي الله عنه - در مورد وی به عائشه چنین توصیه نمود :
 (إستوصي بها خيرا) ، یعنی در موردش وصیت خیر کن . و مستقیماً تحت پرورش و تربیت خاص ام المؤمنین حضرت
 عائشه - رضي الله عنها - قرار گرفت ، بعد از مدت زمان اندک ، از جمله زنان محدثه و فقهیه تبارز کرده ، و جایگاه
 خود را در میان آنانیکه از او بیشتر روایت میشد ، تثبیت نمود . از حضرت عائشه من باب (رواية الإخوة و الأخوات) ،
 روایت نموده . و از جمله تابعیاتی است که افتخار روایت از کبار صحابه را دارد ، که از جمله میتوان از جابر بن
 عبدالله انصاری یاد نمود . از او فرزندش ابراهیم بن عبدالرحمن بن عبدالله بن ربیعہ مخزومی ، و طلحه بن یحیی بن
 طلحه ، و مغیره بن حکیم صنعانی روایت نمودند (1) .

امام مسلم در صحیح ، و ترمذی در سنن از او نقل مینمایند .

ابن حجر در موردش میگوید : " ثقة ، من الثانية " (2) .

مطلب دوم : اوساط تابعیات

هدف از اوساط تابعیات عبارت از آنعده زنانی از تابعیات است که در جزء اول سده دوم هجری ، یعنی قبل از سنه
 (150) هجری زندگی نموده اند ، که مشتمل بر اوساط و صغار تابعیات میباشند . نا گفته نباید گذاشت که عصر
 مذکور در تاریخ اسلام بنام عصر زرین و طلایی شهرت داشت . ویژگی این عصر همانگونه که جلوتر بدان پرداختیم ،
 توجه جدی علماء به مسائل فقهی و کثرت روایت حدیث ، و نیز تدوین آن شهرت بسزایی داشت . بیشترین زنانیکه
 درین دوره قد علم نمودند ، شاگردان مکتب حضرت عائشه و میمونه - رضي الله عنهما - میباشند ، و مادون شان کسانی
 اند که با صحابه پیوند نزدیک قرابت داشته ، و بیشتر از آنها سمع حدیث نموده اند (3) .

و میتوان بطور نمونه در ذیل از بعض شان بشکل فشرده یاد آوری نمود:

(1) تهذیب التهذیب ، (477/2) ، نساء من عصر التابعیات ، (ج2/ص12 و 13)

(2) تقریب التهذیب (شماره 8857 ، ص1384) .

(3) دور المرأة في خدمة الحديث ، (ص: 114) .

که در مقدمه شان : حفصه بنت سیرین ، عمره بنت عبدالرحمن ، و ام درداء صغری از جمله بزرگان اوساط تابعیات قرار دارند ، که ما قبلا در فصل اول تحت عنوان افضل تابعیات از آنها یاد آوری نمودیم ، واینک چند تن دیگر شانرا بگونه ای نمونه به معرفی میگیریم :

- عائشه بنت طلحه

عائشه بنت طلحه بن عبیدالله تیمیه ، مادر عمران ، خواهر زاده عائشه - ام کلثوم - نوه صدیق - رضی الله عنهم - بود ⁽¹⁾ .

او یکی از بانوان عصر تابعیات ، و از زنان دانشمند و فقهی بود ، در زیبایی و جمال در میان زنان عصر خود نظیر نداشت ، مادر عمران و خواهر یحیی بن طلحه ، پدرش طلحه بن عبیدالله ، و مادرش ام کلثوم بنت ابوبکر میباشد . این بانوی فهیم و اندیشمند در دامن پر مهر و محبت بیت نبوت ، بخصوص شخص اول این خانه ، عائشه بنت صدیق - رضی الله عنها - پرورش یافت .

از عائشه روایت مینماید ، طلحه بن عبدالله ، طلحه بن یحیی ، معاویه بن اسحاق ، عطاء بن ابی رباح و عمر بن سعید از او روایت کرده اند ⁽²⁾ .

یحیی بن معین در موردش گفته : " ثقة و حجة " ⁽³⁾ ، و عجلی میگوید : " تابعة مدنية و ثقة " ⁽⁴⁾ ابن حبان در ثقات قرارش داده ⁽⁵⁾ ، ابن حجر در موردش گفته : " ثقة ، من الثالثة " ⁽⁶⁾ .

ابو زرعه دمشقی ⁽⁷⁾ میگوید : مردم از او به خاطر فضیلت و ادب شان زیاد روایت نموده اند .

⁽¹⁾ سیر أعلام النبلاء (شماره 147، ج 4/ ص 369).

⁽²⁾ سیر أعلام النبلاء ، (ج 4/ ص 370، الطبقة الثانية) .

⁽³⁾ تهذیب الکمال ، ، (237/35) .

⁽⁴⁾ الثقات (ص/521ر 2102) .

⁽⁵⁾ التقريب (750، 8236) .

⁽⁶⁾ تقريب التهذيب (شماره 8735، ص 1364) .

⁽⁷⁾ ابو زرعه ، عبدالرحمن بن عمرو بن عبدالله بن صفوان بن عمرو نصری دمشقی ، شیخ ، امام و محدث ، متولد قبل از سنه [200] در دمشق ، و خانه شان نزدیک باب جابیه بود . و در مورد وفاتش ابن زبیر ، و اهل دمشق میگویند که : در سال [281] وفات یافته است . از جمله اساتیدش : ابی

نیز از جمله زنان محدودی است که اشعار زیادی سروده ، و به اشعار و به اخبار عرب و تاریخ آن بهره ای کافی داشت ، و تا حدی به علم نجوم هم دسترسی داشت (1) .

2 - معاذ بنت عبدالله عدویه :

این بانوی فهیم ، برد بار و اندیشمند و گرامی که ما از آن سخن میگوییم ، از فقهاء و اهل زهد بصره ، همسر صله بن اشیم بود . از شاگردان شهیر أم المؤمنین عائشة - رضي الله عنها - در روایت حدیث ، و نیز از علی بن ابی طالب ، هشام بن عامر ، و ام عمرو بنت عبدالله بن زبیر روایت نموده است . از او ابو قلابه جرمی ، و قتاده و یزید رشک ، و ایوب و عاصم احوّل و سلیمان بن عبدالله بصری روایت مینایند .

در عبادت و بندگی زبان زد زنان عهد خود بود ، طوریکه در موردش روایت میشود ، که چون صبح میشد ، میگفت : " دقیقاً این روز مرگم است " ، و از تلاش و سعی در عبادات آرام نمیگرفت تا اینکه شب داخل میگشت ؛ و چون خیمه شب بر همه جا گسترده میشد ، میگفت : " این واپسین شب زندگی من است " ، لذا تا فجر در عبادت و ذکر خدای بیدار میماند (2) .

گفته میشود که ، در یک شبانه روز ششصد رکعت نماز برپا میداشت . او میگفت : " در حیرتم از چشمیکه میخواهد ، در حالیکه قرار است مدت طولانی را در قبر بخواهد " (3) .

و چون در یکی از جنگها ، همسرش صله ، و فرزندش به شهادت رسید ، زنان زیادی برای تعزیت نزدش جمع شده بودند ، برایشان میگفت : " اگر برای تهنیت گفتن آمدید ، پس خوش آمدید ، و اما اگر جز این باشد ، لطفاً بر گردید " (1) .

نعیم فضل بن دکین ، و احمد بن حنبل و یحیی بن معین میبایست . از تلامیذ مشهورش میتوان ، ابو داود ، ابو بکر بن ابی داود و ابو جعفر طحاوی را ذکر نمود .

مؤلفاتش مشهورش عبارت از : "العلل في الحديث" و کتاب "التاریخ" نام را برد . (سیر أعلام النبلاء ، الطبقة الخامسة عشر ، ج 13/ص 312-316)

(1) تهذیب التهذیب ، (452/12) ، أعلام النساء ، (ج 3/ص 154) .

(2) أعلام النساء (ج 4/ص 60-62) .

(3) صفة الصفوة ، (4/ص 23) .

ابن حجر در موردش میگوید: "ثقة، من الثالثة" ⁽²⁾.

(¹) سير أعلام النبلاء، (شماره 200، ج 4/ص 509).

(²) تقريب التهذيب، (شماره 8782، ص 1372).

3 - حفصة بنت عبد الرحمن بن ابي بكر :

از زنان تابعی ثقة بوده ، معظم روایاتش از طریق پدر بزرگش ابوبکر صدیق ، و عمه اش أم المؤمنین عائشه - رضي الله عنها - ، و خاله شان ام سلمه بطریق سماع میباشد . تلامیذ شان در روایت حدیث ، عبارت اند از : یوسف بن ماهک ، عون بن عباس ، و عراق بن مالک و عبدالرحمن بن سابط ، میباشد. امام مسلم ، ابو داود ، ترمذی و ابن ماجه روایاتش را در کتب سته نقل نموده اند (1).

امام عجلّی (2) او را از جمله تابعیات ثقات می‌شمارد ، و ابن حبان این قول را تأیید مینماید (3).

ابن حجر میگوید : " ثقة ، من الثالثة " (4).

4 - فاطمه بنت منذر بن زبیر بن عوام بن خویلد بن اسد بن عبدالعزی :

این بانوی دانشمند از روایات ثقة حدیث محسوب میشود ، چون از خلال دو چشمه صاف ، یعنی قرآن و حدیث تغذیه شده بود . ولادت شان در سال (48) هجری صورت گرفته است.

برای افتخار شرافت نسبی او کافیهست که نواسه اسماء دختر ابوبکر - رضي الله عنها - است . از او و ام سلمه - رضي الله عنها - و عمره بنت عبدالرحمن روایت مینماید ، و از شاگردانش در روایت میتوان از همسر شان هشام بن عروه متوفی (146) یا (145) هجری ، محمد بن سوجه و محمد بن اسماعیل بن یسار و عجلّی را نام برد (5).

بخاری ، مسلم ، ابوداود و ترمذی ، ابن ماجه و نسائی در کتب شان روایاتش را نقل نمودند.

ابن حجر میگوید : " ثقة ، من الثالثة " (1) .

(1) أعلام النساء ، (ج1/ ص : 274).

(2) ابو حسن احمد بن عبدالله بن صالح بن مسلم ، عجلّی کوفی ، [182-261] از جمله علمای حدیث و جرح و تعدیل در نزد اهل سنت و جماعت میباشد ، کوفی الاصل بوده اما در طرابلس زندگی نموده و در همانجا وفات یافت . از شیوخش میتوان ، ابو نعیم فضل بن دکین ، یحیی بن مهین و احمد بن حنبل را نام برد ، و از جمله تلامیذش : فرزندش صالح بن احمد و سعید بن اسحاق میباشد . (سیر أعلام النبلاء ، ج21/ ص402 ، الطبقة الحادية و الثلاثون) .

(3) تهذیب التهذیب (ج12/ ص410).

(4) همان (شماره 8660 ، ص1349) .

(5) أعلام النساء ، (ج1/ ص : 146) .

اتفاقا اینها و امثال شان زنانی اند که در روایت حدیث و نشر آن حیثیت ستون را داشته اند . البته شایان ذکر است که علاوه بر اینها تعداد زیادی از زنانی دیگری هم اند ، که در روایت و درایت حدیث جایگاه خود را ثابت نموده اند ، ولی در شهرت به پای این بزرگان نرسیده اند ، چون : جسر بنت دجاجة عامریه ، مسته ام سبتة ، هند بنت حارث فزاریه ، ام جحد عامریه ، کریمه بنت همام ، قمیر همسر مسروق بن اجدع ، هند بنت شریک ، میتة بنت حارث بن طفیل و عائشه بنت عجرد (2) . که ترجمه مختصر شان در فصل سوم میاید .

مطلب سوم : صغار التابعیات

مراد از صغار تابعیات آنده زنانی است که با یکی از صغار صحابه ، آنهم به دلیل تأخر وفات شان ملاقات نموده ، واز آنها یک یا دو حدیث روایت نموده باشند (3) ، که میشود در ذیل بشکل مختصر و بطور نمونه چند تن شانرا به معرفی گرفت :

1 - شعشاء بنت عبدالله أسدی کوفی :

از عبدالله بن ابی اوفی روایت نموده ، واز او سلمه بنت رجاء در روایت تفرد نموده است . ابن ماجه در کتاب خود این روایت را نقل میکند (4) .

ابن حجر میگوید : " لا تُعرف ، من الخامسة " (5) .

2 - عقیله فزاریه :

جده علی بن غراب ، مولای بنی فزاره و راویه از روات حدیث بود ، از سلامه بنت حر از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت نموده ، واز او طلحه ام غراب روایت میکند (1) .

(1) تقریب التهذیب (شماره 8756 ، ص 1368) .

(2) دور المرأة في خدمة الحديث ، (ص: 116-117)

(3) همان ، (ص 117) .

(4) أعلام النساء ، (ج 2/ ص 297) ، تراجم طبقة المحدثات من التابعيات ، (ص: 262) .

(5) تقریب التهذیب ، (شماره 8715 ، ص 1359) .

ابن حجر میگوید : " لا يعرف حالها ، من الخامسة " (2).

در کتب سته تنها یک روایت دارد ، که ان شاء الله در فصل سوم به ذکر آن می پردازیم .

3- مغیره بنت حسان تمیمیه :

از زمره محدثین بوده ، از حضرت انس روایت دارد ، واز او برادرش حجاج بن حسان تمیمی روایت مینماید(3).

ابن حجر میگوید : " مقبولة ، من الخامسة " (4).

4 - أم عمرو بنت عبدالله بن زبیر :

ام عمرو بنت عبدالله بن زبیر بن عوام قریشی اسدی ، از جمله تابعیات و روات حدیث میباشد . ابن حجر در

موردش میگوید : " مقبولة ، من الرابعة " (5).

5 - حبیبہ بنت ابن ابی خيثم أم حبيب :

از موالی بنی فھر بوده ، از ام کرز کعبی (صحابه) روایت دارد ، واز او مولایش عطاء ابن ابی رباح روایت کرده

است . ابن حبان از جمله ثقات محسوب اش میکند (6) .

ابن حجر میگوید : " مقبولة ، من الرابعة " (7). ابو داود و نسائي روایاتش را نقل میکنند .

(1) أعلام النساء ، (ج 2 / ص : 325) .

(2) تقريب التهذيب ، (شماره 8741 ، ص 1364) .

(3) أعلام النساء ، (ج 5 / ص 65)

(4) تقريب التهذيب ، (شماره 8783 ، ص 1372) .

(5) تقريب التهذيب ، (شماره 8848 ، ص 1382) .

(6) أعلام النساء ، 243/1 .

(7) تقريب التهذيب ، (شماره 8657 ، ص 1349) .

6 - رقيه بنت عمرو ، و گفته میشود : بنت عمر بن سعيد (1) :

روایت شان از ابن عمر میباشد ، عبدالله بن عمر سعیدی از او روایت میکند . ذہبی در جمله مجهولات قرارش میدهد ، سبط بن عجمی (2) او را مجهول عین میخواند ، و ابن حجر در موردش میگوید : " مقبولة من الرابعة " (3).

مبحث دوم : نقش تابعیات در درایت حدیث

زمانیکه صفحات افتخار آفرین و زرین تاریخ زنان صدر اسلام را ورق میزنیم ، ملاحظه میشود که آنها در تمام میداین ادای رسالت نموده ، علی الأخص در عرصه های تعلیم و تعلم سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - ، ید طولا داشتند ، و همانگونه که در روایت حدیث توجه و جدیت به خرج میدادند، در درایت آن نیز با مردان امت برابری کردند ، بطوریکه به معانی و مفاهیم احادیث پی برده ، واز مفاهیم آن استفاده بهینه مینمودند ، ودر صورت عدم تفقه با کبار صحابه به مناقشه می نشستند .

که میتوان بطور نمونه به یکی ازین موارد پرداخت : زمانیکه ابن مسعود حدیث : « لعن الله الواشيات و المستوشيات ، و المتنمصات ، و المتفلجات للحسن المغيرات للحسن ، المغيرات خلق الله تعالى » (4) . ترجمه : « لعنت خدا بالای زنانیکه خالکوبی مینایند، و زنانیکه این عمل بالای شان انجام میشود، و بر زنانیکه ابروان خود را باریک نموده میبردارند، وزنانیکه میان دندانهایشانرا جهت زیبایی فاصله میندازند تا جلوه نمایی کنند » .

(1) تهذيب الكمال ، (ج35/ص174) .

(2) ابو ذر موفق الدین احمد بن ابراهیم بن محمد بن خلیل حلبی شافعی ، از مؤرخین مشهور عصرش در سنه [818] در حلب تولد شد، ودر [884] وفات یافت . از شیوخ مشهورش ، ابن حجر عسقلانی و ابراهیم بن محمد بن خلیل طرابلسی میباشد ، ابراهیم بن احمد کردی قصری شهاب الدین احمد بن احمد حاضری تصانیف مشورش عبارت از التوضیح لمبهمات الجامع الصحیح و مصابیح الجامع الصحیح میباشد . (الأعلام خيرالدین زرکلی ، طبعه : دار العلم للملايين ، ج1/ص88) .

(3) تراجم طبقة المحدثات من التابعيات،(ص: 209) .

(4) صحیح بخاری ، (ج6/ص147 ، شماره 4886) ، صحیح مسلم ، (ج6/ص166 ، شماره 5695) ، سنن ابو داود ، (ج4/ص126 ، شماره 4171) . سنن نسائی ، (ج4/ص484 ، شماره 1157) .

وقتی این حدیث به زنی از قبیله بنی اسد که او را ام یعقوب میگفتند ، رسید ، نزد ابن مسعود آمده و گفت : خبر شدم که تو بر چنین و چنان زنها لعنت نموده ای؟ عبدالله گفت : چرا لعنت نکنم آنانی را که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - لعنت نموده است؟ حال آنکه این در کتاب الله است ، آن زن گفت : من که تمام قرآن را خوانده ام ولی چنین موردی را نیافتم . ابن مسعود گفت : اگر میخواندی حتما آنرا میافتی ، خداوند متعال میفرماید : { وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا } (سوره حشر آیه 7)

ترجمه : « و آنچه بدهد شمارا پیغمبر ، پس بگیرید آنرا ، و آنچه منع کند شمارا از آن ، پس بگذارید (باز ایستید) » ، زن گفت : همسرت دارد بعضی از امور متذکره انجام میدهد ، ابن مسعود گفت : رفته او را ملاحظه کن . او نزد همسر ابن مسعود رفت ، ولی چیزی ازین موارد در او ندیده برگشت و گفت : ملاحظه ای ندارم ، ابن مسعود گفت : اگر چنین چیزی در او میبود ابد با او ازدواج نمیکردم .

با تمام این ، عده ی از این بانوان افتخار آفرین ، در علم حدیث و فقه به درجات بزرگ از فضل و بزرگی رسیده بودند ، و نظیر خود شاگردانی را تقدیم جامعه نموده که از طرف همه پذیرفته شده بودند ، چون عمره بنت عبدالرحمن ، که از شاگردان ممتاز عائشه - رضي الله عنه - به شمار میرفت ، و از فقه و از دانش استاد خود حظ کافی گرفته بود . عمر بن عبد العزيز در موردش میگوید : " احدی عالمتر به حدیث عائشه - رضي الله عنها - ، نسبت به عمره بنت عبدالرحمن باقی نمانده (1) .

قاسم بن محمد (2) به ابن شهاب زهري (1) میگفت : " ای جوان ! دارم تشنه علم میبینم ، آیا تو را به ظرف آن رهنمایی نکنم ؟ گفت : آری ؟ گفت : " با عمره ملازمت بفرما ، چون در آغوش گرم علمی عائشه - رضي الله عنها - پرورش یافته است " . وی می افزاید : " وقتی حضورش شرفیاب شدم ، او را بمثابه بحری که آبش کم نمیشد ، یافتیم " .

(1) تقریب التهذیب ، (ج12/ص466)

(2) قاسم بن محمد بن خلیفه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - ابی بکر صدیق عبدالله بن ابی قحافه ، قریشی تیمی بکری مدنی ، حافظ و حجت وقتش در مدینه ، در زمان خلافت علی (سنه 35) تولد یافته و در آغوش عمه اش عایشه صدیقه پرورش یافت ، و در سال [107] هجری وفات

همچنان محمد بن شهاب زهري در موردش ميگويد: " نزد عمره شرفياب شدم ، يافتم او را گويا بحري است كه خشكيدن ندارد " (2).

و اما در مورد حفصه بنت سيرين ، اياس بن معاويه ميگويد: " كسي را نيافتم كه بر او برتري دهم " (3).

ميمون (4) در موردش گفته: " مدت سي سال در مصلاي خود باقي ماند كه جز براي قيلوله ، و قضاي حاجت بيرون نميشد " (5).

همچنان حفصه يگانه زني در بصره بود كه در حل قضايا و سوالات همه به وي مراجعه مينمودند . حتي برادرش ابن سيرين چون در قرآن به مشكلي بر مي خورد ميگفت: " نزد حفصه برويد و ببينيد كه چگونه آنرا قراست ميكند " (6). او كسي بود كه در سن دوازده سالگي قرآن را حفظ نموده بود . و ديگر اينكه وي شاگرد انس ابن مالك و كبار علماي صحابه بوده ، و از طرفي كبار تابعين از او بهره اي حديث بردند ، چون عاصم احوول و خالد حزاء (7).

نمود . از عائشه و پدرش ، و ابن مسعود ، و ابن عباس و ابو هريره روايت حديث مينمايد ، و از او جمع كثيري روايت مينمايد كه ميتوان از فرزندش عبدالرحمن ، شعبي و زهري و ابن مليكه نام برد . (سير أعلام النبلاء ، الطبقة الثانية ، ج5/ص54).

(1) محمد بن مسلم بن عبدالله بن شهاب بن عبدالله بن حارث بن زهره ، قرشي زهري مدني ، امام و حافظ زمانش ، در سال پنجاه يا پنجاه و يك هجري تولد شد ، و در سنه [123] يا [124] هجري وفات نمود ، در شام سكونت ميكرد . استاتيدش در اخذ حديث: عطاء بن ابي رباح ، ايوب سختياني و ليث بن سعد ميباشد و از تلاميذ مشهورش ميتوان از: عبدالرحمن اوزاعي ، و مالك بن انس نام برد (سير أعلام النبلاء ، الطبقة الثالثة ، ج5/ص327).

(2) سير أعلام النبلاء، (508/4).

(3) سير أعلام النبلاء، (508/4).

(4) ابو ايوب الجزري رقي ، گفته ميشود كه در سال وفات علي بن ابي طالب در سنه [40] تولد ، و در سال [117] وفات كه زني از قبيله بني نصر بن معاويه در كوفه آزادش كرد ، كه بعدا در رقه زندگي ميكرد . از ابو هريره ؛ عائشه و ابن عباس و ابن عمر روايت نموده و از وي حميد طويل سليان اعمش و اوزاعي روايت ميكند . (سير اعلام النبلاء الطبقة الثانية ، ج5/ص72-74).

(5) سير أعلام النبلاء ، (509/4).

(6) صفة الصفوة (25/4).

(7) سير أعلام النبلاء، (507/4).

و اینک معاذه - رحمها الله - که مرویاتش از احادیث در کتب سته حجت شمرده شده ، و هیچگاهی حلقه درسی شان از شاگردان تهی نمیبود ، جعفر بن کیسان ^(۱) میگوید : " معاذه را میدیدم که نشسته در حالیکه زنان به اطرافش حلقه میزدند " ^(۲) .

و ام درداء صغری - همسر ابو درداء - که امام ذهبی در " تذکرة الحفاظ " ^(۳) ، به ذکر ترجمه اش پرداخته ، که غیر از او و ترجمه ام المؤمنین عائشة - رضي الله عنها - از کس دیگری یاد نکرده ، بدون تردید این عمل دلیل بر قدر و جایگاه بزرگ علمی او میباشد .

ابن کثیر در مورد ام درداء میگوید : "تابعية عالمة فقهية " ^(۴) .

در مورد عائشه بنت طلحه میاید که وی میگوید : " برای عائشة - رضي الله عنها - در حالیکه در نزدش می بودم ، و مردم از هر طرف میامدند ، و از جایگاهی که نزد وی داشتم مرا قدر می نمودند ، همراه باهدایا سوالهای خود را کتباً میفرستادند ، میگفتم : این هدیه فلان و کتابت فلان است (سوالی که نیاز به پاسخ دارد) برایم میگفت : دخترکم جوابش بده و رهنمایی اش کن ، و هم ثواب و عوض هدایای شانرا اداء کن " ^(۵) . ^۶

اعتقاد عائشه - رضي الله عنها - بالای عائشه بنت طلحه ، دال بر فقاها و علمیت و جایگاه فتواء وی در قضایای خیلی مهم ، میباشد .

(^۱) جعفر بن کیسان ، ابو معروف ، مؤذن ، بصری مولی بنی عدی از جمله راویان ثقة حدیث از عمره بنت قیس و معاذة بنت عبدالله روایت مینماید ، و از او فضل بن عمرو بن حاد بن زهیر و حوثره بن أشرس روایت مینمایند . (<http://hadith.islam-db.com>) .

(^۲) الطبقات الكبرى (ج ۸/ص ۴۸۳)

(^۳) تذکرة الحفاظ ، (۱/ ۵۳) .

(^۴) النهایة ، (۹/ ۴۷) .

(^۵) الأب المفرد ، (ص ۳۸۲) .

مبحث سوم: تلاش‌ها و مشقت‌های تابعیات

در علم حدیث

درین مبحث دو مطلب است :

مطلب اول : تحمل و اداء نزد تابعیات

مطلب دوم : رحلات تابعیات

مطلب اول : تحمل و اداء نزد تابعیات

قبل از اینکه الفاظ تحمل و اداء را در نزد تابعیات مورد بحث قرار بدهیم ، لازم می‌داریم به تعریف فشرده ای از تحمل و اداء بپردازیم .

تحمل : عبارت از نقل حدیث غیر به یکی از طریقه های معتبر میباشد . که این (غیر) در عرف محدثین عبارت از شیخ میباشد ، که در روشنی این معنی ، میتوان به تعریف مفصل آن چنین پرداخت : عبارت از نقل حدیث از شیخ ، به یکی از طریقه های معتبر میباشد ، که شرط اساسی آن تمیز و ضبط است ^(۱) .

و اما اداء : عبارت از روایت حدیث برای غیر میباشد ، که (غیر) در نزد محدثین عبارت از طالب است . و از شروط آن : عدالت و ضبط میباشد ، به این مفهوم که شخص ، مسلمان ، عاقل ، بالغ و سالم از اسباب فسق و خوارج مروه باشد ، (اعمالی که انجام دادن باعث کسر شخصیت انسان میشود) .

البته تحمل از خود طرق و کیفیت های مختلف داشته ، بطوریکه نزد ابن صلاح ^(۲) هشت طریقه است ، که بنام طرق تحمل یاد میشود ، و آن عبارت از :

سماع از شیخ ، قرائت بر شیخ ، اجازه ، مناو له ، مکاتبه ، اعلام ، وصیت و وجاده میباشد ^(۳) .

البته طرق مذکور در مجرای قوانین قبل از تدوین جاری نبود ، چون که این طرق از دست آورد های بعد از عصر تدوین میباشد .

(^۱) الوسيط في علوم و مصطلح الحديث ، (ص: 95-95) .

(^۲) عثمان بن مفتی صلاح الدين عبدالرحمن بن عثمان بن موسى كزدي شهرزوري موصلي شافعي ، تقى الدين ابو عمرو ، امام ، حافظ و شيخ الإسلام ، در سال [577] در شهر روز تولد و در [645] بعد از عمر (66) سالگی وفات و در مقبره صوفيه در دمشق دفن شد . اساتيدش : عبيدالله بن سمين ، نصر بن سلامه هيتي و عبدالمحسن بن طوسي ، واز تلاميذ شان : شمس الدين بن نوح مقدسي ، قاضي تقى الدين بن رزين و علامه تاج الدين عبدالرحمن میباشد . (سير أعلام النبلاء ، الطبقة الرابعة و الثلاثون ، ج 23/ص 140-144) .

(^۳) الوسيط غي علوم و مصطلح الحديث ، (ص : 97- 115) .

هر گاه خواسته باشیم در مورد صیغه های فوق در نزد تابعیات صحبت نماییم ، ضرورت میببینیم یک مرور گذرا به صیغه های تحمل و اداء در نزد اساتید کرام شان که عبارت از امهات المؤمنین و صحابیات اند داشته باشیم . تا توانسته باشیم پیوند میان این دو نسل برگزیده را در تحمل و اداء خوبتر درک نماییم .

زنان عصر نبوت ، در پهلوی مسؤولیتهای زندگی و خانوادگی برای فراگیری علم و دانش شریعت ، بویژه احادیث رسول الله - صلی الله علیه وسلم - توجه خاص داشتند، که البته این توجه شان نمایانگر اطاعت و امتثال شان از رسول - علیه الصلاة والسلام - بود ، زیرا آنها نیکو میدانستند که گم شده خود را چگونه بدست بیاورند ، خصوصا وقتی که با مشکل و امر جدیدی مقابل میشدند.

پس کیفیت تحمل احادیث نبوی در عصر صحابیات به گونه های ذیل صورت می پذیرفت:

- الف : تشکیل مجالس عام و خاص برای طبقه زنان ، و مشخص نمودن روز های خاص برای تعلیم دادن ، که ازین طریق مشافهتا از رسول - علیه الصلاة والسلام - می شنیدند.
- ب : قدوم و آمدن شان به خانه های رسول الله - صلی الله علیه وسلم - جهت استفسار و حل سؤالهائشان ، چون رفتن زینب همسر عبدالله بن مسعود ، و سوال شان در مورد انفاق زن بالای همسر (1).
- ج : غنیمت شمردن لقاء و دیدن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - حتی در راه و مسیر شان ، چون سوال شان در مسیر راه حج ، در حالیکه رسول - علیه الصلاة والسلام - بر راحله خویش سوار بود ، طوریکه این واقعه با زنی بنام خثعمیه رخ داد ، و سوال او در مورد انجام دادن حج به نیابت از پدر شان (2) ... نیز روبرو شدن زنیکه طفلش را به آغوش کشیده و جویای این میشد که آیا حج فرزندش صحت مییابد ؟ (3).

(1) صحیح البخاری، (ج2/ص531 ، شماره 1393) ، صحیح ابن خزيمة (ج4/ص107 ، شماره 2462)

(2) صحیح البخاری، کتاب الحج ، باب وجوب الحج، (ج2/ص104).

(3) صحیح مسلم (ج2/ص974 / شماره 409).

د: گاهی هم خود صحابه شاهد حادثه یا موقفی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آنرا اتخاذ میکرد ، و یا تایید فعل صحابه ، و یا اصدار حکم جدید ، میبود .

و: حجه الوداع زمینه را برای هزاران مرد و زن مهیا نمود ، تا خود شان بلا واسطه از شخص رسول الله - صلی علیه وسلم - شنیده ، ببینند و جویا شوند، و آنرا بدیگران برسانند (1) .

و اما تحمل و اداء بعد از عصر نبوت (عصر تابعیات) صورتهای ذیل را به خود گرفت :

مشافهه (سماع و شنیدن) : بیشترین روایات ازینطریق به نسل بعدی منتقل می شد.

طوریکه قبلاً اشاره کردیم که بیشترین زنان تابعیات شاگردان امهات المؤمنین و صحابیات بودند ، با آنها در مدینه سکونت داشتند ، مشافهتا از آنها استماع مینمودند.

مکاتبه : سبب مروج شدن این نوع تحمل و اداء ، گسترش دامنه فتوحات اسلامی و داخل شدن گروه های مختلف مردم به دین ، و پیش آمدن مسایلی جدید و حل طلب که غالباً به علماء و رؤس علم آنرا راجع مینمودند ، و از طرف آنها مکاتباً جواب را اخذ مینمودند ، شد ، که البته این رسائل مشتمل بر اقوال افعال و تقریرات رسول الله - صلی الله علیه وسلم - میبود . هر چند در آغاز امر این عمل تحدیث پنداشته نمیشد ، و به مثابه فتوی بود، ولی بعد ها مضامین و موضوعات آن حیثیت تحدیث را گرفت ، زیرا اجازه در آن متحقق بود (2) .

میشود که ازین نوع تحمل و اداء به مکاتبه عمره بنت عبدالرحمن به حسین بن علی - رضی الله عنه - ، که در آن او را به لزوم جماعت فرا خوانده ، گفت: گواهی میدهم به آن روایتی که از عائشه که او از رسول - علیه الصلاة والسلام - شنیده که فرمودند : « یقتل حسین بأرض بابل » (3).

(1) جهود المرأة في نشر الحديث و علومه ، (ص، 23) .

(2) دور المرأة في خدمة ال ، (ص ، 162-168).

(3) امام العالم حافظ أبو اقسام علي بن حسن بن هبة الله بن عبد الله شافعي معروف بابن عساكر [499 هـ - 571 هـ] ، تاریخ دمشق ، دراسة وتحقیق : علي شیری ، ناشر : دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع ، (ج 4/ص 332-333).

ترجمه: «حسین در سرزمین بابل کشته میشود»، بسنده کرد.

الوجاده: بعضی از صحیفه های صحابه و تابعین بدست رسیده بود، که بعداً آنرا وجاداً به دیگران نقل و اخبار
اخبار مینمودند، طوریکه با عبدالله بن احمد بن حنبل پیش آمد که در آن از صیغه وجاده چنین یاد آوری میکند: "وجدت في كتاب أبي" أو "بخط أبي" یعنی: "در کتاب پدرم یافتم" یا "به خط پدرم یافتم" (1)
وجاده در صورتی روایت می شود که نه با شیخ ملاقات کرده و نه هم او را دیده باشد.

الإجازة: این طریقه زمانی مورد توجه قرار گرفت که احادیث با اسانید در کتب موثق تدوین و جمع آوری شد.
ازین روش زیادتیر جهت تسهیل و تیسیر شیخ و تلمیذ صورت میگرفت، زیرا قرائت و خواندن تمام کتاب از جانب
تلمیذ برای استاد کاری بس دشوار بود (2).

مطلب دوم: رحلات تابعیات

سفرهای علماء جهت اخذ علم، بخصوص علم حدیث، از ویژگی های امت مسلمة شمرده میشود، بگونه ای که
وقتی حدیثی را میشنیدند به آن اکتفاء نکرده، تلاش مینمودند نزد خود شخص رفته و بلا واسطه از او بشنوند، و برای
این هدف مسافتهای خیلی طولانی و جهد سفر را متحمل میشدند، که این عمل شان نمایانگر احتیاط در روایت، و
نمادی از تواضع شان در اخذ علم میباشد.

امام بخاری (3) در ادب مفرد، احمد (1) و ابو یعلی (2) در مسند، و بیهقی (3) در المدخل از طریق عبیدالله بن
محمد، که او از جابر بن عبدالله - رضي الله عنه - شنید که میگفت: برایم حدیث مردی که او از رسول الله - صلی الله

(1) تاریخ بغداد، (ج 14/440).

(2) دور المرأة في خدمة الحديث، (ص: 162-166).

(3) محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، ابو عبدالله، در شوال سال [194] در بخارا تولد و در [256] در خرتنگ وفات شد. از
تصنیفاتش: "الجامع الصحيح"، "الأدب المفرد" و "التاریخ الكبير"، "التاریخ الأوسط" و "التاریخ الصغير". (سير أعلام النبلاء، الطبقة الرابعة عشرة،
ج 12/ص 392).

علیه وسلم - شنیده بود رسید، اشتری خریداری نموده و بار خود را بر آن بستم ، و مسافت یکماه را پشت سر گذاشته ، تا اینکه به شام موصلت کردم ، پشت دروازه عبدالله بن انیس رسیده ، دق الباب نموده ، به دروازه بان گفتم : " برای عبدالله بگو که جابر پشت در است ". گفت : ابن عبدالله ؟ گفتم : " آری ". ایشان به دروازه برآمده و همدیگر را به آغوش کشیده و گفتم : " برایم رسیده که از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - حدیثی داری ، به خود ترسیدم ازینکه قبل از شنیدن آن بمیرم ، لذا خواستم آنرا از شما بشنوم " ، او گفت از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میفرمود: « يحشر الله العباد ، أو الناس عراة غرلاً بهماً ، قلنا : ما بهماً ؟ قال : ليس معهم شيء ، ثم يناديهم ربهم بصوت يسمعه من بعد كما يسمعه من قرب : أنا الديان ، لا ينبغي لأحد من أهل الجنة ، ولا لأحد من أهل النار عنده مظلمة حتى أقصه منه حتى اللطمة ، قلنا : كيف ، وإنما تأتي الله عراة غرلاً بهماً ؟ قال : بالحسنات و السيئات » (4).

ترجمه : « خداوند بندگان یا انسانهارا در حالی حشر مینماید که برهنه و ختنه ناشده و بهم هستند ، گفتیم : منظور از بهم چیست؟ گفت: چیزی به همراه ندارند (دست خالی) ، باز خدای شان آنچنان ندا سر میدهد که دور شان آنگونه میشوند که نزدیکشان شنیده : " منم آن ذات چیره و غالب ، برای احدی از اهل جنت نسزد که در آن داخل شود ، و نه برای یکی از اهل دوزخ ، که بدوزخ درآید ، در حالیکه بر کسی ظلمی روا داشته هر چند لطمه

(¹) ابو عبدالله ، احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد ذهلی شیبانی مروزی بغدادی ، در [164] در شهر بغداد تولد ، و در [241] وفات نموده است . از شیوخش : حماد بن زید ، علی بن مدینی ، و ابی بکر بن ابی شیبه ، یحیی بن معین ، ابو زرعه دمشقی و ابراهیم حری از جمله شاگردانش میباشد . (سیر اعلام النبلاء ، الطبقة الثانية عشر ، ج 11/ص 177) .

(²) ابو یعلی ، احمد بن علی بن مثنی بن یحیی تمیمی موصلی ، در سنه [307] به عمر (97) سالگی وفات یافت . از احمد بن حاتم طویل ، و احمد بن منیع و ابراهیم بن محمد بن عرعة سماع نموده ، و از وی ابو عبدالرحمن نسائی ، ابو حاتم بن حبان و طبرانی روایت و نقل حدیث مینمایند . (سیر اعلام النبلاء ، الطبقة السابعة عشر ، ج 14/ص 175) .

(³) ابو بکر احمد بن حسین بن علی بن موسی خسرو جردی ، خراسانی ، بیهقی متولد [384] ، و وفات شان در سال [458] اتفاق افتاد . از ابی عبدالرحمن سلمی ، حاکم ابی عبدالله ، و ابی بکر بن فورک سماع نمود . "السنن الكبير" ، "السنن والآثار" و "الترغیب و ترهیب" از مؤلفاتش میباشد . (سیر اعلام النبلاء ، الطبقة الرابعة والعشرون ، ج 18/ص 163) .

(⁴) صحیح البخاری ، (ج 6: ص 2719) ، و مسند أحمد بن حنبل ، (ج 3 / ص 495) .

ای بیش نباشد ". گفتیم : این چگونه باشد در حالیکه لخت ، و ختنه نشده و دست خالی خالی آمدیم ؟ گفت : با نیکی ها و بدی ها (یعنی این قصاص در تقسیم نیکی ها و بدی ها صورت میگیرد) « .

نیز امام بیهقی درین مقام به سفر حضرت موسی - علیه السلام - بسوی خضر استدلال مینمایند ، که این روایت در صحیح بخاری نقل شده (1) .

و همینطور بعد از اصحاب ، نسل تربیت یافته ای دست شان ، تابعین و من بعدهم در نقش قدمهایشان گامهای رساتری برداشته و این ثروت عظیم را از ضیاع و فراموشی با رحلات علمی شان حفظ نمودند.

تابعی جلیل القدر ابو عالیہ (2) میگوید : " ما روایات اصحاب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را در بصره استماع مینمودیم ، به آن راضی نمی گشتیم تا اینکه عزم سفر بسوی مدینه کرده و از خود شان آنرا می شنیدیم " (3) .

عامر بن شراحیل شعبی (4) ، امام تابعین ، بخاطر گرفتن سه حدیث بطرف مکه عزم سفر نمود. او میگوید : کاش با کسیکه پیامبر - علیه السلام - را ملاقی شده روبرو شوم ، و یا یکی از اصحاب رسول الله علیه و سلم - را ملاقات مینمودم (5) .

از امام احمد بن حنبل از دو مردیکه یکی آن برای طلب علم ملازمت استاد خود نموده ، و دوم برای گرفتن آن به شهرها و امصار سفر مینماید پرسیدند که کدام یک بهتر است ؟ گفت : آنکه سفر مینماید.

(1) صحیح البخاری (ج1/ص36).

(2) رفیع بن مهران ، ابو عالیہ ریاحی بصری ، از موالی زنی از بنی ربیع بود ، زمان حیات پیامبر - علیه السلام - را یافته ، و در خلافت ابوبکر ایان آورد . از عمر ، علی ، ابن مسعود ، و عائشه و ابن عباس نقل حدیث میکند . امام بخاری میگوید که در سنه [93] وفات نمود . (سیر أعلام النبلاء ، الطبقة الأولى من کبراء التابعین ، ج 4/ص 208) .

(3) الجامع لأخلاق الروای ، (ج 2/ص 226).

(4) عامر بن شراحیل بن ابو عمر همدانی شعبی ، گفته میشود که در سنه [21] یا [28] تولد ، از سعد بن ابی وقاص ، ابی هریره ، و عائشه و عبدالله بن عمر روایت نموده و از وی ابو حنیفه ، عطاء بن سائب و مکحول شامی روایت مینمایند . (سیر أعلام النبلاء ، الطبقة الثانية ، ج 4/ص 295) .

(5) احمد ابن علی بن ثابت بغدادی ابو بکر، الرحلة في طلب الحديث ، ناشر : دار الكتب اتعلمية - بیروت ، چاپ اول ، 1395 ، تحقیق : نور الدین عتر، (ص 196) .

ناگفته نباید گذاشت که سلسله این سفرها تا نزدیکهای قرن ده ادامه داشت ، ولی متأسفانه همت ها به سستی گرایید ، و رفته رفته طلاب علم حدیث ، به علمای شهر خود بسنده نمودند ، و از رحلات علمی صرف نظر نمودند . به امید روزیکه این سنت با برکت یکبار دیگر در بین امت بخواب خفته بیدار گردیده ، و علماء و طلاب دست آوردهای چشمگیر دست یافته ، این خلای علمی را جبران نمایند (1)

درینجا بطور نمونه ، از رحلات زنان تابعی برای نشر و گسترش سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - میشود پرداخت :

1 - ام سالم بنت مالک راسبیه بصریه :

از جمله راویان حدیث است ، که عصر عائشه - رضي الله عنها - را یافته ، و روایت او را نقل میکند . از او مولایش جعفر بن برد راسی روایت نموده است (2) . ابن حجر در موردش میگوید : " مقبولة ، من الثالثة " (3) . ابن سعد (4) در طبقات خود نقل مینماید : " او ده مرتبه از بصره بسوی مکه احرام بسته ، و در مدینه با حضرت عائشه ملاقات ، و از او استماع نموده است " . این مثال بیانگر اینست ، که زنان در پهلوی ادای فریضه دین (حج و عمره) ، ازین گرد همایی سالیانه برای تحمل و ادای حدیث خوب بهره برده اند (5) .

2 - جسرہ بنت دجاجه :

(1) الوسيط في علوم و مصطلح الحديث ، (ص: 182- 183) .

(2) أعلام النساء ، (ج2/ص144) .

(3) تقريب التهذيب ، (شماره 8832، ص1381) .

(4) ابن منيع ، ابو عبدالله بغدادی ، حافظ ، علامه و حجت ، كاتب الواقدي و الطبقات الكبير ، بعد از سنه [160] ، و گفته میشود در [168] ، تولد شده است ، از ابن عيينه ، وكيع و ابی معاوية سماع نموده ، و از ابو بكر بن ابی دنیا ، حارث بن ابی اسامه و ابو قاسم بغوی نقل حدیث مینمایند . (سير أعلام النبلاء ، الطبقة الثانية عشرة ، ج 10/ص664) .

(5) دور المرأة في خدمة الحديث ، (ص 136) .

جَسره - به فتح جیم و اسکان نون مهمله - بنت دجاجة ، عامریه کوفیه ، از زنان عابده و زاهده عصر خود بود . از جمله زنان تابعی ثقة بوده ، که از عائشه و ابو ذر غفاری ، علی و ام سلمه استماع نموده است . واز او قدامه ابن عبدالله عامری ، و افلت بن خلیفه عامری و مخدوج ذهلی روایت مینایند (1).

ابن حجر در موردش میگوید : " مقبولة ، من الثالثة " (2).

او خود میگوید : چهل مرتبه فیض عمره را نصیب شدم ، و درین رفت و آمدها ، به ملاقات جمعی از اصحاب شرف یاب شدم . مثلاً در زَبَدَه با ابوذر ، در مدینه با ام سلمه . در حالیکه کوفی الاصل میباشد .

ظاهراً این سفرها برای ادای عمره بوده ، ولی در حقیقت سفر علمی در جهت حمل و نشر حدیث شمرده میشود (3).

3 - ذقره بنت غالب راسبیه بصریه :

از طریق ام عبدالرحمن بنت اذینه قاضی بصری ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت میکند (4) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الثالثة " (5) .

او میگوید : با عائشه در حال طواف بودم ، زنی را مشاهده کرد که در لباسهایش چیزی بشکل صلیب معلوم میشد ، عائشه برایش گفت : " دورش افکند ، واین سخن را دو بار تکرار کرد ، زیرا رسول الله - صلی الله علیه و سلم - وقتی چنین چیزی را میدید آنرا تکه و پاره مینمود " (6).

4 - ام درداء صغری هجینه (7) :

(1) أعلام النساء، (ج 1/ص 193).

(2) تقریب التهذیب ، (شماره 8649، ص 1348) .

(3) دور المرأة في خدمة الحديث ، (ص: 137) .

(4) تهذیب الکمال، (ج 35/ص 168) .

(5) تقریب التهذیب ، (شماره 8679، ص 1353) .

(6) طبقات ابن سعد ، (ج 8/ص 491) .

(7) ترجمه شان در فصل اول تحت عنوان افضل تابعیات گذشت .

از ام المؤمنین عائشه روایت میناید . پر واضح است که عائشه گاهی به دمشق سفر نکرده ، طوریکه ذهبی در کتاب "سیر" بدان اقرار میکند (1) . در حالیکه ام درداء در دمشق زندگی داشت ، در سنه (83) هجری ، پس از ادای فریضه حج به سرزمین مسکونی اش برگشته ، و جهان را وداع گفت. این درحالیست که وفات عائشه در سنه (58) صورت گرفته . معلوم میشود که ام درداء غیر ازین سفر، قبلاً به مدینه سفری داشته که در آن عائشه را دیده و شنیده است (2) .

از طرفی عادت ام درداء بعد از وفات شوهرش این بود که ایام یکسال را بدو تقسیم نموده بود ، طوریکه شش ماه در بیت المقدس مشغول عبادت تعلیم و تعلم میبود ، و شش ماه بعد در دمشق شام سرزمین اصلی اش مستوطن میشد ، در خلال اقامتش در بیت المقدس طرف عزت و اکرام خلیفه وقت عبدالملک بن مروان ، قرار میگرفت.

روایت میشود که او گهگاهی با عبدالملک در صخره بیت المقدس نشسته ، مشغول ذکر و موعظه . تحدیث میبود ، تا اینکه آذان مغرب اعلام میشد ؛ برخاسته بر عبدالملک تکیه کنان به مسجد داخل شده و در بخش مخصوص زنان به خواندن نمازجماعت مشغول میشد (3).

در روایتی میاید که : در سفری که از بیت مقدس به دمشق داشت ، برای جوانی که جلو حیوانش را بدست داشت گفت : ای سلیمان ! برای کوه ها وعده الهی را بشنوان ، وی میگوید : " صدایم را به خواندن این آیت :

[وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً] (سوره کهف آیه 47).

ترجمه : و (یاد کن) روزی را که روان کنیم کوه‌ها را ، و ببینی زمین را ظاهر شده ، بلند نمودم " .

(¹) سیرأعلام النبلاء، (ج 3/ص 193).

(²) نساء من عصر التابعین (ج 2/ص 124).

(³) امام عالم حافظ أبي قاسم علي بن حسن ابن هبة الله بن عبد الله شافعي معروف به ابن عساكر، [499 - هـ - 571 هـ]، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الامائل أو اجتاز بنواحيها من واديينها وأهلها، تحقيق : علي شيري ، ناشر : دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، (ص 435) و سیر أعلام النبلاء (ج 4/ص 279) .

و باری در یکی از سفر هایش ، در وادی از وادی ها در حال گذر بود ، در حالیکه اسماعیل بن عبیدالله⁽¹⁾ در معیتش قرار داشت ، برایش گفت : ای اسماعیل بخوان ، او هم آیت : { أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ } [سوره مؤمنون آیه 115] . ترجمه : « آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریدیم ، و اینکه شما به سوی ما باز گردانیده گردانیده نشوید » ، را برایش قرائت نمود ، که بعد هر دو به سجده افتیده و سخت گریه میکردند .

این مثالها دلیل رحلات علمی ام درداء را تثبیت میکند (2) .

5 - ام الکرام :

راویه از روایت حدیث مییاشد ، از او حکم بن حجل روایت نموده است (3) .

«عن أم الکرام - رحمها الله - : أنها حجت فلقیت امرأة بمكة فقالت کان جدي عند النبی صلی الله علیه وسلم وأنا معه وعليها قرطان من ذهب فقال النبی صلی الله علیه وسلم شهابان من نار» (4) .

ترجمه : « در موسم حج با زنی که خیلی حشم و بزرگی داشت ، بر میخورد که از زیوارت جز نقره چیزی دیگر به سر و صورت ندارد ، وقتی علت را جویا میشود ، زن میگوید : من با جد بزرگم نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بودم در حالیکه گوشه‌هایم گوشواره طلا داشت ، فرمود : " دو شهابی از آتش " .

6 - عائشه بنت طلحه : در یک وفدی متشکل از زنان بطرف دار الخلافه سفر می نمود ، در برخی ازین سفرها بر هشام بن عبد الملک داخل شد ، که از طرف خلیفه مورد احترام و اکرام قرار گرفت (5) .

(1) اسماعیل بن عبیدالله بن ابی مهاجر ، ابو عبد الحمید دمشقی ، در [132] وفات نموده است . از سائب بن یزید ، انس بن مالک و ام درداء سماع نموده ، از وی ، اوزاعی و سعید بن عبدالعزیز روایت دارند . (سیر أعلام النبلاء ، الطبقة الثالثة ، ج 5/ص 213) .

(2) نساء من عصر التابعین ، (ج 2/ص 115)

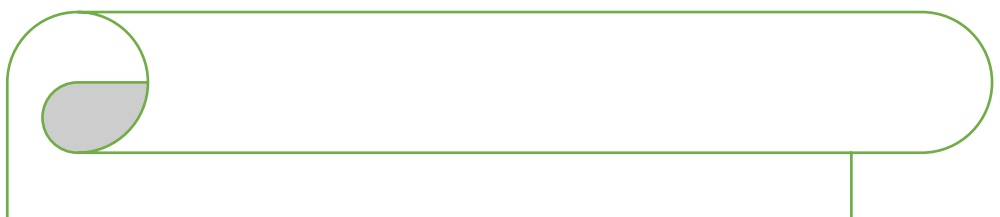
(3) أعلام النساء ، (ج 4/ص 238)

(4) ابو عبدالله اسماعیل بن محمد بن ابراهیم جعفی بخاری ، التاريخ الكبير ، ناشر : دارالکتب العلمیة - بیروت ، باب : 2 ، (ج 2/ص 163 ، شماره 2661) . مسند احمد بن حنبل ، باب حدیث امرأة رضي الله عنها ، (ج 6/ص 421 ، شماره 27406) . إسنادش ضعیف است از جهت جهالة أم کرام .

(5) سیر أعلام النبلاء (شماره 147 ، ج 4/ص 369) .

و مثالهای دیگری ازین قبیل ، بیانگر این حقیقت است که سفرهای حج و عمره بهترین فرصت برای اخذ حدیث در نزد زنان آن عصر بشمار میرفت.

مسئله دیگری که از خلال این رحلات حاصل میشود ، این است که بیشتر این سفرها تا قبل از سنه (62) مدینه منوره بسنده میشد ، آنهم به علت فضیلت و موجودیت أمهات المؤمنین ، و تعداد زیاد صحابه . ولی بعد از آن ، روایات زیادتیر شکل تخصصی را بخود میگیرد ؛ بدین مفهوم که مراکز جدید علمی در غیر از مدینه تأسیس شد ؛ کوفه که در آن اصحاب عبدالله بن مسعود ، در بصره شاگردان انس بن مالک ، در شام شاگردان معاذ بن جبل و ابو درداء ، و در مصر که در آن اصحاب عمرو بن عاص ؛ بحیث معلمین به رسانیدن احادیث ادای مسئولیت مینمودند . اینجا بود که در روایت نوعی از توازن بوجود آمد ، و تمرکز زیادی که به مدینه بود، به خفت انجامید ؛ مگر برای کسیکه همت عالی داشته و خواهان اسناد عالی ، و بیان علت و تحقیق در روایت حدیث را میداشت (1).



مطلب اول : مرویات شان در صحیحین

1- مرویات عمره بنت عبد الرحمن^(۱) در صحیحین :

الف - مرویات عمره در صحیح بخاری :

مجموع مرویات عمره در صحیح بخاری به (23) حدیث متصلاً و دو حدیث معلقاً ، که در (20) حدیث با مسلم اتفاق دارد ، و در (3) متفرد است . که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث بصورت اجمال میپردازیم :

1- «عَنْ عَمْرَةَ عَنْ عَائِشَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ أُمَّ حَبِيبَةَ اسْتَحْيَضَتْ سَبْعَ سِنِينَ فَسَأَلَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ذَلِكَ فَأَمَرَهَا أَنْ تَغْتَسِلَ فَقَالَ هَذَا عِرْقٌ فَكَانَتْ تَغْتَسِلُ لِكُلِّ صَلَاةٍ»^(۲)

ترجمه : « از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید : ام حبیبه مدت هفت سال استحاضه بود ، درین باره از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - پرسید ، رسول خدا - صلى الله عليه وسلم - برایشان دستور دادند که (پس از حیض) غسل کند . و سپس فرمود: این خون رگ است . اما ام حبیبه برای هر نماز غسل میکرد .»

2- کتاب المساجد، باب ذکر البیع والشرء على المنبر في المسجد ، 174/1، شماره : (456).

3- کتاب الشهادات، باب الشهادة على الأنساب والرضاع ، 936/2 ، شماره (2503)، کتاب النکاح ، باب و آمهاتکم اللائی أرضعنکم 1960/5، شماره : (4811) .

4- کتاب الحيض ، باب عرق الإستحاضة (75/1)، شماره : (327) .

5- کتاب الکسوف ، باب الركعة الأولى في الكسوف أطول (356/2) ، شماره : (1046).

6- کتاب الحج ، باب من قلد القلائد بيده (609/2) ، شماره : (1613).

7- کتاب الصلح ، باب هل يشير الإمام بالصلح 963/2 ، شماره : (2558).

8- کتاب صفة الصلاة ، باب خروج النساء إلى المساجد بالليل والغسل ، 173/1 ، شماره (867).

9- کتاب الجنائز ، باب ما يرخص من البكاء من غير نوح ، (80/2) ، شماره : (1289).

10- کتاب الجماعة ، باب إذا كان بين الإمام وبين القوم حائط أو سترة ، 179/1، شماره : (178).

11- کتاب الاعتكاف، باب إعتكاف النساء ، (715/2)، رقم (1928) ، کتاب الاعتكاف ، باب الأخبية في المسجد (257/2)، شماره : (257).

12- کتاب طب ، باب أرقية النبي صلى الله عليه وسلم - 133/7 ، شماره : (5745) ،

(^۱) معرفي شان در فصل اول تحت عنوان افضل تابعيات گذشت .

(^۲) صحیح البخاري ، کتاب الحيض ، باب عرق الإستحاضة ، (ج 1 / 75، شماره 327) .

كتاب الحدود، باب في قوله تعالى : والسارق والسارقة ،(2492/6)، شماره: (6407).

13- كتاب الحج ، باب ذبح الرجل البقر عن نسائه من غي أمرهن ، 611/2 ، شماره: (1623) ، كتاب الجهاد ، باب الخروج آخر الشهر ، 1079/3 ، شماره: (2793).

14- كتاب التوحيد ، باب ما جاء في دعاء النبي أمته إلى التوحيد، 2686/6 ، شماره: (6940).

15- كتاب الجنائز ، باب ما ينهى عن النوح والبكاء، والزجر عن ذلك 440/1، شماره: (1243).

16- كتاب الحيض ، باب المرأة تحيض بعد الإفاضة 73/1 ، شماره: (328).

17- كتاب الإعتكاف ، باب لا يدخل البيت إلا لحاجة 48/3 ، شماره: (2029).

18- كتاب الحج ، باب فتل القلائد للبدن و البقر، 169/2 ، شماره: (1698).

19- كتاب التطوع ، باب ما يقرأ في ركعتين الفجر، 75/2 ، شماره: (1171).

20- كتاب الجمعة ، باب وقت الجمعة إذا زالت الشمس 307/1 ، رقم (861).

21- كتاب صفة الصلاة ، باب خروج النساء إلى المساجد بالليل والغسل 173/1 ، رقم (869).

22- كتاب الأدب ، باب الوصاة بالجار، 2239/5 ، شماره: (5669).

23- كتاب الأضاحي ، باب ما يؤكل من لحوم الأضاحي 2116/5 ، شماره: (5250).

دو حدیث عمره بنت عبدالرحمن را امام بخاری در صحیح خود به شکل تعلیق ⁽¹⁾ آورده است :

1- كتاب التفسير ، باب إذا جاءكم المؤمنات مهاجرات 1856/4.

2- كتاب الأنبياء ، باب الأرواح جنود مجندة 213/3 ، شماره: (3158).

ب - مرویات عمره بنت عبدالرحمن در صحیح مسلم :

مجموع مرویات عمره در صحیح مسلم به (28) حدیث میرسد ، که در (20) با بخاری اتفاق دارد و در (8)

متفرد است ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- «عن عمرة بنت عبدالرحمن ، عن أم هشام بن حارثة – رضي الله عنها - قالت: أخذت (ق والقرآن المجید) من

في رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم الجمعة وهو يقرأ بها على المنبر في كل جمعة» ⁽²⁾.

(¹) حدیث معلق در لغت: اسم مفعول از (علّق الشيء بالشئ) ، یعنی ربط دادن به چیزی ، و یا آنرا معلق ساختن را گویند . و اما در اصطلاح اهل حدیث : عبارت از حدیثی است که از آغاز و مبدأ اسنادش یک راوی، و یا بیشتر به ترتیب حذف شده باشد . (علوم الحدیث ، لابن الصلاح ، ص 69، تیسیر مصطلح الحدیث ، لدكتور محمود الطحان ص 68) .

(²) صحیح مسلم ، كتاب الجمعة ، باب تخفيف الصلاة و الخطبة ، (595/2 ، شماره 50)

- ترجمه: «از عمره بنت عبدالرحمن، از ام هشام بن حارثه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید: [ق والقرآن المجید] را از زبان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - شنیدم ، در حالیکه آنرا بالای منبر در هر روز جمعه میخواند» .
- 2- کتاب الأضاحي ، باب بيان ما كان من النهي عن أكل لحوم الأضاحي 80/6 ، رقم (5215).
- 3- کتاب الرضاع ، باب يحرم من الرضاعة ما يحرم من النسب 1068/2 ، رقم (1444).
- 4- کتاب الحيض ، باب المستحاضة ، غسلها و صلاتها 263/1 ، رقم (64).
- 5- کتاب الكسوف ، باب ذكر عذاب القبر من صلاة الكسوف 621/2 ، رقم (903).
- 6- کتاب الحج ، باب إستحباب بعث الهدى 90/4 ، رقم (3268).
- 7- کتاب المساقات ، باب الوضع من الدين 1191/3 ، (1557).
- 8- کتاب المساجد ، باب إستحباب التبكير بالصبح في أول الوقت 119/2 ، رقم (1491).
- 9- کتاب الجنائز ، باب الميت يعذب ببكاء أهله 645/2 ، رقم (932).
- 10- کتاب الإعتكاف ، باب متى يدخل من أراد الإعتكاف في معتكفه 831/2 ، رقم (6).
- 11- کتاب السلام ، باب إستحباب الرقية من العين 1724/4 ، رقم (54).
- 12- کتاب الحدود ، باب حد السرقة و نصابها 1312/3 ، رقم (1684).
- 13- کتاب الحج ، باب وجوه إحرام 876/2 ، رقم (25).
- 14- کتاب صلاة المسافرين ، ، باب فضل قراءة قل هو الله أحد 200/2 ، رقم (1926).
- 15- کتاب الحج ، باب الطيب للمحرم عند الإحرام 10/4 ، رقم (2881).
- 16- کتاب الجنائز ، باب التشديد في النياحة 644/2 ، رقم (30).
- 17- کتاب الحج ، باب وجوب طواف الوداع 94/4 ، رقم (2390).
- 18- کتاب الحيض ، باب جواز غسل الحائض رأس زوجها و ترجيله 167/1 ، رقم (711).
- 19- کتاب صلاة المسافرين و قصرها ، باب جواز النافلة قاعدا و قائما 505/1 ، رقم (731).
- 20- کتاب الحج ، باب الهدى و أن باعته لا يصير محرما 89/4 ، رقم (89).
- 21- کتاب صلاة المسافرين ، باب إستحباب ركعتي الفجر 501/1 ، رقم (742).
- 22- کتاب الجمعة ، باب وجوب غسل الجمعة 581/2 ، رقم (847).
- 23- کتاب الصلاة ، باب خروج النساء إلى المساجد إذ لم يترتب عليه فتنة 329/1 ، رقم (445).
- 24- کتاب البر و الصلة ، باب الوصية بالجار 36/8 ، رقم (6852).
- 25- کتاب البر و الصلة ، باب ثواب المؤمن فيما يصيبه من مرض ، أو حزن 1991/4 ، رقم (51).

- 26- كتاب الصيام ،باب عن صوم يوم الفطر و يوم الأضحى 153/3 ، رقم (2732).
- 27- كتاب الرضاع ، باب التحريم بخمسة رضعات 1075/2 ، رقم (24،25).
- 28- كتاب الأشربة ، باب في إدخال التمر و نحوه من الأقوات 123/6 ، رقم (5458).

2- مرویات زینب بنت ابی سلمه مخزومی (1) در صحیحین :

الف - در صحیح بخاری :

مجموع مرویات زینب بنت ابو سلمه در صحیح بخاری به (15) حدیث میرسد ، که در (13) حدیث با مسلم

اتفاق دارد ، و در (2) متفرد است ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- « عن زینب ابنة أم سلمة عن أم سلمة رضي الله عنها - قالت : يا رسول الله ، ألي أجر أن أنفق على بني أبي سلمة إنما هم بني ؟ فقال : " أنفقي عليهم ، فلك أجر ما أنفقت عليهم » (2) .

ترجمه : «از زینب دختر آم سلمه ، از آم سلمه - رضي الله عنه - روایت است که گفت:

یا رسول الله ، آیا در صورت انفاق کردن از مالم بر اولاد های ابو سلمه که فرزندان خودم اند ، اجر است ؟ فرمودند : " بالای شان مصرف کن ، که درین انفاق برای تو اجر است »

2- کتاب الطب ، باب رقیة العین 2167/5 ، رقم (5407).

3- کتاب الطلاق ، باب و أولات الأحمال أجلهن أن يضعن حملهن 2037/5 ، رقم (5012).

4- کتاب النکاح ، باب أمهاتکم اللاتی أرضعنکم 1961/5 ، رقم (4813).

5- کتاب الحيض ، باب النوم مع الحائض وهي في ثيابها 122/1 ، رقم (316).

6- کتاب المظالم ، بابایثم من خاصم في باطل وهو يعلمه 867/2 ، رقم (2326).

7- کتاب العلم ، باب الحياء في العلم 38/1 ، رقم (130).

8- کتاب المساجد ، باب إدخال البعير في المسجد لليلة 100/1 ، (464).

9- کتاب الطلاق ، باب الکحل للحادة 243/5 ، رقم (5025).

(1) ابن اسد بن عبدالاسد مخزومی ، از تابعیات مطرح فقهی ، ربیب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - خواهر عمر بن ابو سلمه ، خواهر رضاعی زبیر ، مادرش ام سلمه همسر رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بوده؛ بعد از وفات پدرش ابو سلمه در حبشه متولد شد . (أسد الغابة ، 132/7) و از اساتیدش در روایت حدیث ، ام سلمه والده ماجده شان ، حضرت عائشه ، حبیبه بنت ام حبیبه ، زینب بنت جحش و ام حبیبه بنت ابوسفیان - رضي الله عنهن - میباشد.

واز تلامیذش : میتوان ابو عبیده بن عبدالله بن زمعه و محمد بن عمرو ، عطاء و حمید و عروه بن زبیر ، و علی بن حسین بن علی را میتوان نامبرد. قریب سنه [74] وفات یافت . (سیر أعلام النبلاء ، ج/3 ص200)، و در نماز جنازه اش ابن عمر شرکت داشت . (تقریب التهذیب ، شماره 8694، ص1356) . در مورد صحبت اش اختلاف است : ابن حبان (الثقات 271/4)، و ابن اثیر (اسد الغابة ، 132/7)، و ذهبی (تجريد أسماء الصحابة ، 272/2، ر(2376))، و ابن حجر (الإصابة ، 96/8) وی را از جمله صحابیات قرار داده ، و ابن سعد (الطبقات الكبرى ، 461/8) از کسانی که از ازواج مطهرات استماع نموده قرارش داده ، و عجلی (الثقات ، 520، ر(2098)) در موردش میگوید : "تابعیة مدنیة ثقة " ، و دارقطنی (ذکر أسماء التابعین ، 146/1، ر(351)) او را از جمله تابعیات بر شمرده است .

(2) کتاب الزکاة ، باب الزکاة علی الزوج والإیتام في الحجر ، (533/2 ، رقم 1398).

- 10- کتاب المناقب ، باب قوله تعالى [يا أيها الناس إنا خلقناكم من ذكر و أنثى...] ما ينهى عن دعوى الجاهلية 1278/3 ، 1288 رقم (3302)، (3303).
- 11- کتاب الفتن ، باب قول النبي صلى الله عليه وسلم "ويل للعرب من شر قد اقترب" 2589/6 ، رقم (6650)، (6716)، (3403)، (3168).
- 12- کتاب الطلاق ، باب تحد المتوفى عنها زوجها أربعة أشهر 59/7 ، رقم (5335).
- 13- کتاب الطلاق ، باب تحد المتوفى عنها زوجها أربعة 2043/5 ، رقم (5024).
- 14- کتاب الطلاق ، باب الكحل للحادة 2043/5 ، رقم (5025).
- 15- کتاب المغازي ، باب غزوة الطائف 156/5 ، رقم (4324).

ب - مرويات شان در صحيح مسلم :

مجموع مرويات زينب بنت ابو سلمه در صحيح مسلم به (15) حديث ميرسد ، که در (13) حديث با بخاری اتفاق دارد ، و در (2) متفرد است ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حديث ، بصورت اجمال ميپردازيم :

1- «عَنْ زَيْنَبِ ابْنَةِ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى فِي بَيْتِهَا جَارِيَةً فِي وَجْهِهَا سَفْعَةً فَقَالَ اسْتَرْقُوا لَهَا فَإِنَّ بِهَا النَّظْرَةَ⁽¹⁾ » .

ترجمه : « از زينب دختر ابو سلمه رضی الله عنه روايت است که رسول الله -صلى الله عليه وسلم- کنیزی را در خانه دید ، در حالیکه در رویش اثری بود ، که نمایانگر گزند چشم بود؛ فرمود : بر او رقيه نماييد چونکه بر او نظر شده » .

- 2- کتاب الرضاع ، باب رضاعة الكبير 169/4 رقم (169).
- 3- کتاب الرضاع ، باب تحريم الریبة و أخت المرأة 166/4 ، رقم (3161).
- 4- کتاب الحيض ، باب القدر المستحب من الماء في غسل الجنابة 215/1 ، رقم (324).
- 5- کتاب الزكاة ، باب الصدقة على ذي القرابة 587/1 ، رقم (1001).
- 6- کتاب الأفضية ، باب الحكم بالظاهر 129/5 ، رقم (5472).
- 7- کتاب الحيض ، باب وجوب الغسل على المرأة بخروج المنى منها 172/1 ، رقم (738).

(¹) صحيح مسلم ، کتاب الطب ، باب استحباب الرقية ، (4/1725 ، شماره 2197) .

- 8- کتاب الحج ، باب جواز الطواف علی بعیر و غیره 68/4، رقم (3137).
- 9- کتاب الطلاق ، باب وجوب الإحداد في عدة الوفاة 1124/2، رقم (61).
- 10- کتاب الآداب ، باب إستحباب تغییر الاسم القبیح 173/6، رقم (5732).
- 11- کتاب الفتن ، باب إقتراب الفتن 2207/4، رقم (1،2).
- 12- کتاب الطلاق ، باب وجوب الإحداد 202/4، رقم (3799).
- 13- کتاب الطلاق ، باب وجوب الإحداد في عدة الوفاة 1123/2، رقم (58،59،62).
- 14- کتاب الطلاق ، باب .جوب الإحداد في عدة الوفاة 1125/2، رقم (1488).
- 15- کتاب السلام ف باب منع المخنث من الدخول علی النساء الأجانب 1715/4، رقم (32).

3 - مرویات صفیه بنت شبیه⁽¹⁾ در صحیحین :

الف - مرویات شان در صحیح بخاری :

مجموع مرویات صفیه بنت شبیه در صحیح بخاری به (9) حدیث متصلاً ، و یک حدیث معلقاً میرسد ، که در (6) حدیث با مسلم اتفاق دارد ، و در (3) متفرد است ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- «عَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ شَيْبَةَ أَنَّ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا كَانَتْ تَقُولُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ { وَلَيَضْرِبَنَّ بِخُمْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ } أَخَذْنَ أَزْرَهُنَّ فَشَقَّقْنَهَا مِنْ قَبْلِ الْحَوَاشِي فَخَتَمْنَ بِهَا⁽²⁾ ».

(¹) فقیه عالمه ، خواهر عبدالرحمن و مصعب فرزندان بنی شبیه ، مادر منصور بن عبدالرحمن ، میباشد. از اساتیدش ازواج مطهرات - رضوان الله علیهن اجمعین - ، و عبدالله بن خطاب و اسماء بنت ابی بکر میباشد. و اما تلامیذ شان که از وی روایت مینمایند ؛ عبدالله بن ابی ثور ، میمون بن مهران و ابراهیم بن مهاجر ، بدیل بن میسر و بدیل بن ابی ثور قناده ، و ام صالح را میتوان نام برد. (تهذیب الکمال ، 211/35 ، رقم (7874)).

امام مسلم او را از جمله زنانی قرار داده که از شخص رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت نموده اند. (الطبقات ، 217/1).

اما ابن سعد او را از جمله کسانی که از ازواج مطهرات روایت مینماید ، حساب میکند . (طبقات الکبری ، 469/8).

و امام دارقطنی از تابعیاتش خوانده است . (ذکر أسماء التابعین (181/1)) . و قول راجح تابعی بودنش را تأیید مینماید.

(²) صحیح بخاری ، کتاب التفسیر ، باب سورة النور 1783/4، رقم (4481).

ترجمه: « از صفیه بنت شبیه روایت است ، که عائشة - رضي الله عنها - میگوید: چون این آیه نازل شد (باید رو سری های خود را بر گردن های خود فرو اندازند) ، زنان حاشیه دامن های خود را پاره کرده ، و به آن سینه های خود را پوشانیدند » .

2- کتاب اللباس ، باب الوصل فی الشعر 2217/5 ، رقم (5591).

3- کتاب الحيض ، باب قراءة الرجل في حجر إمرأته و هي حائض 67/1 ، رقم (297).

4- کتاب النكاح ، باب من أُولم بأقل من شاة 24/7 ، رقم (5172).

5- کتاب الأطعمة ، باب من أكل حتى شبع 2058/5 ، رقم (5068).

6- کتاب الحيض ، باب ذلك المرأة نفسها إذا تطهرت من الحيض 70/1 ، رقم (314).

7- کتاب الغسل ، باب من بدأ بشق رأسه الأيمن في الغسل 107/1 ، رقم (273).

8- کتاب اللباس ، باب الوصل في الشعر 2217/5 ، رقم (5590).

9- کتاب العلم ، باب الحياء في العلم ، 38/1 ، رقم (130).

و فقط یک حدیث شانرا بشکل تعلیق آورده است :

کتاب الجنائز ، باب الأذخر والحشيش في القبر 452/1 ، رقم (1284).

ب- مرویات شان در صحیح مسلم :

مجموع مرویات صفیه در صحیح مسلم به (11) حدیث میرسد ، که در (6) با بخاری اتفاق دارد و در (5) متفرد است ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- « عَنْ مَنْصُورِ بْنِ صَفِيَّةَ أَنَّ أُمَّهُ حَدَّثَتْهُ أَنَّ عَائِشَةَ - رضي الله عنها - قالت :

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَتَكَبَّرُ فِي حَجْرِي وَأَنَا حَائِضٌ ثُمَّ يَفْرَأُ الْقُرْآنَ » (1) .

(1) صحیح مسلم ، کتاب التوحید ، باب جواز غسل الحائض رأس زوجها (246/1 ، رقم 301).

ترجمه : « از منصور فرزند صفیه روایت میشود که ، مادر برایش از عائشة - رضي الله عنها- روایت میکند که ، میگفت : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در آغوش من تکیه کرده ، به تلاوت قرآن مشغول میشد ؛ در حالیکه من حائضه میبودم .»

2- کتاب اللباس والزينة ، باب تحريم فعل الواصلة والمستوصلة 166/6 ، رقم (5935).

3- کتاب الفضائل ، باب فضائل أهل البيت 1883/4 ، رقم (61).

4- کتاب اللباس والزينة ، باب التواضع في اللباس 1649/3 ، رقم (2081).

5- کتاب الزهد والرقائق ، 2283/4 ، رقم (31،30).

6- کتاب الحيض ، باب إستحباب إستعمال المغتسلة من الحيض فرصة 263/1 ، رقم (60).

7- کتاب الكسوف ، باب ما عرض على النبي في صلاة الكسوف 33/3 ، رقم (2144).

8- کتاب اللباس والزينة ، باب تحريم فعل الواصلة 165/6 ، رقم (5687).

9- کتاب إستحباب إستعمال المغتسلة من المحيض فرصة 185/1 ، رقم (180).

10- کتاب الحج ، باب وجوه الإحرام 88/2 ، رقم (134).

11- کتاب الفضائل ، باب فضائل أهل بيت النبي - صلى الله عليه وسلم - 1883/4 ، رقم (61).

4- مرويات فاطمة بنت منذر ⁽¹⁾ در صحيحين:

الف- مرويات شان در صحيح بخارى:

مجموع مرويات فاطمه بنت منذر در صحيح بخارى به (8) ميرسد ، كه در (5) حديث با مسلم اتفاق دارد ، و در (3) متفرد است ، كه ذيلاً به ذكر كتاب و باب و شماره حديث ، بصورت اجمال ميپردازيم :

1- « عن هشام بن عروة قال حدثني فاطمه ، عن أسماء - رضي الله عنها- :

أن امرأة قالت : يا رسول الله أن لي ضرة فهل علي جناح إن تشبعت من زوجي غير الذي يعطيني . فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم (المتشبع بما لم يعط كلابس ثوبي زور ⁽¹⁾) .»

(¹) ترجمه شان در فصل دوم زیر عنوان اوساط تابعيات گذشت.

ترجمه : « از هشام بن عروه مرویست که میگوید : فاطمه برایم از أسماء - رضي الله عنها - روایت میکند که زنی گفت : یا رسول الله من هوو (هم باغ) دارم ، اگر از طرف شوهرم به آنچه به من نداده تظاهر کنم ، آیا برای من گناهی خواهد بود ؟ رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمودند: " تظاهر کننده ای که به او چیزی داده نشده است مانند پوشنده دو لباس دروغین است " .

2- کتاب الزکاة ، باب التحریض علی الصدقة 915/2، رقم (1366)

3- کتاب الصوم ، باب إذا أفطر فی رمضان ثم طلعت الشمس 692/2، رقم (1858).

4- کتاب الوضوء ، باب غسل الدم 91/1، رقم (225).

5- کتاب الجهاد ، باب حمل الزاد فی الغزو 1087/3، رقم (2817).

6- کتاب الطب ، باب الحمى من فیح جهنم ، 2162/5 رقم (5392).

7- کتاب اللباس ، باب الوصل فی الشعر ، 2218/5 رقم (5597).

8- کتاب العلم ، باب من أجاب الفتيا بإشارة اليد والرأس 44/1 رقم (86)، کتاب الکسوف ، باب صلاة النساء مع الرجال فی الکسوف 358/1 رقم (1005)

ب - مرویات شان در صحیح مسلم :

مجموع مرویات فاطمه بنت منذر در مسلم به (7) میرسد ، که در (6) حدیث با بخاری اتفاق دارد ، و در (1) متفرد است ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم

1- «و عن فاطمة بنت منذر - رحمها الله - قالت:

أن أسماء بنت أبي بكر - رضي الله عنها - أنها كانت تؤتي بالمرأة الموكوعة فتدعو بالماء، فتصبه في جيبها و تقول إن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال: "أبردوها بالماء"، و قال: "إنها من فيح جهنم" (2).

(1) صحیح بخاری ، کتاب النکاح ، باب المتشیع بما لم یئل (2001/5، رقم (4921).

(2) - صحیح مسلم ، کتاب السلام ، باب لكل داء دواء ، 1722/4 رقم (82).

ترجمه : « از فاطمه بنت منذر روایت است که میگوید : وقتی نزد اسماء زنی آورده میشد که تب میداشت ، اسماء آب را میخواست و در گریبان او می انداخت و می گفت : که رسول الله – صلى الله عليه و سلم – فرمود : " تب را توسط آب سرد بسازید ، و میگفت : تب از گرمی جهنم میباشد " .

2- کتاب الزکاة ، باب الحث على الإنفاق 713/2 رقم (1029).

3- کتاب الحيض ، باب نجاسة الدم وكيفية غسله 240/1 رقم (291).

4- کتاب الآداب ، باب إستحباب التحنیک 1690/3 رقم (25).

5- کتاب اللباس والزينة ، باب تحريم الواصلة والمستوصلة 1676/3 رقم (2124).

6- کتاب الکسوف ، باب ما عرض على النبي صلى الله عليه وسلم من أمر الجنة والنار 624/2 رقم (11).

7- کتاب اللباس والزينة ، باب النهي عن التزوير في الثياب 1681/3 رقم (127).

5 - مرویات حفصه بنت سيرين (1) در صحيحين :

الف- در صحيح بخارى:

مجموع مرويات حفصه بنت سيرين در صحيح بخارى به (7) حديث ميرسد ، كه در هر (7) حديث با مسلم اتفاق دارد ، كه ذيلاً به ذكر كتاب و باب و شماره حديث ، بصورت اجمال ميپردازيم :

1- « عَنْ حَفْصَةَ عَنْ أُمِّ عَطِيَّةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ : نَهَيْتُنَا عَنْ اتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَلَمْ يُعْزَمْ عَلَيْنَا (2) » .

ترجمه : « از حفصه ، از ام عطيه - رضي الله عنها - ميگويد : ما زنان از رفتن به دنبال جنازه ها منع شديد ، ولي اين كار بر ما واجب نشد » .

2- كتاب الجنائز ، باب ما يلقي شعر المرأة خلفها 425/1 رقم (1204) ، كتاب الجنائز ، باب ما يجعل في آخره 424/1 رقم (1200) ، كتاب الجنائز ، باب هل تكفن المرأة في إزار الرجل 423/1 رقم (1199)

كتاب الجنائز ، باب ما يستحب أن يغسل وترا 423/1 رقم (1196).

3- كتاب الأحكام ، باب بيعة النساء 2637/6 رقم (2715).

4- كتاب الطب ، باب مات يذكر في الطاعون 2165/5 رقم (5400).

5- كتاب الزكاة ، باب قدر كم يعطي من الزكاة و الصدقة ومن أعطى شاة 524/2 رقم (1377).

6- كتاب الحيض ، باب الطيب للمرأة عند غسلها من الحيض 119/1 رقم (307).

7- كتاب العيدين ، باب إذا لم يكن لها جلباب في العيد 333/1 رقم (937).

ب - مرويات شان در صحيح مسلم :

مجموع مرويات حفصه بنت سيرين در صحيح مسلم به (8) حديث ميرسد ، كه در (7) حديث با بخارى اتفاق دارد ، و در يك روايت تفرد نموده ، كه ذيلاً به ذكر كتاب و باب و شماره حديث ، بصورت اجمال ميپردازيم :

1- « عَنْ حَفْصَةَ بِنْتِ سِيرِينَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ - رضي الله عنها - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - « الطَّاعُونَ شَهَادَةٌ لِكُلِّ مُسْلِمٍ (1) » .

(1) معرفي شان در فصل اول تحت عنوان بهترين تابعيات گذشت.

(2) صحيح بخارى ، كتاب الجنائز ، باب أتباع النساء الجنائز (87/2 رقم 1278).

ترجمه: «از حفصه بنت سیرین، از حضرت انس -رضی الله عنه- روایت است که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: مرگ طاعون برای مسلمان به مثابه شهادت است».

2- کتاب الجنائز، باب غسل الميت 646/2 رقم (36).

3- کتاب الجنائز، باب التشديد في النياحة 11/2 رقم (33).

4- کتاب الزكاة، باب إباحة الهدية للنبي صلى الله عليه وسلم، ولعبد المطلب 756/2 رقم (173).

5- کتاب الجهاد والسير، باب الغازيات يرضخ لهن ولا يسهم 199/5 رقم (4793).

6- کتاب الطلاق، باب وجوب الإحداد في عدة الوفاة 205/4 رقم (3815).

7- کتاب صلاة العيدين، باب إباحة خروج النساء إلى العيدين 606/2 رقم (1211).

8- کتاب الجائز، باب نهى النساء عن أتباع الجنائز 47/3 رقم (2210).

6- مرويات معاذة بنت عبدالله عدويه (2) در صحيحين :

الف : مرويات شان در صحيح بخارى:

مجموع مرويات معاذة در صحيح بخارى به (2) حديث متصلاً، و يك روايت معلقاً ميرسد، كه در هر (2) حديث با امام مسلم اتفاق دارد، كه ذيلاً به ذكر كتاب و باب و شماره حديث، بصورت اجمال ميپردازيم :

1- عن معاذة - رحمها الله - :

أن امرأة قالت لعائشة أتجزئ إحداها صلاتها إذا طهرت ؟ فقالت أحرورية أنت ؟ كنا نحيض مع النبي صلى الله عليه وسلم فلا يأمرنا به أو قالت فلا نفعله» (3).

ترجمه: «از معاذة روايت ميشود كه زني به حضرت عائشه - رضي الله عنها - پرسيد، آيا يكي از ما پس از پاك شدن از حيض نماز هاي فوت شده را قضاء بياورد ؟ گفت : آيا تو حروريه (4) هستي ؟ ما زنان حائض ميشديم و همراه پيامبر

(1) صحيح مسلم، كتاب الإمامة، باب بيان الشهادة 52/6 رقم (5053).

(2) معرفي مختصر شان در فصل دوم تحت عنوان اوساط تابعيات از پيش گذشت.

(3) صحيح بخارى، كتاب الحيض، باب لا تقضي الحائض الصلاة 122/1 رقم (315).

(4) طايفه اي از خوارج كه منسوب به حروراء نزديك كوفه ميباشد، كه با تحكيم حضرت علي مخالفت نموده و راه تشديد و افراط را در پيش گرفتند، تا اينكه از دين دور شدند. (المعجم الوسيط، ج 1/ص 334).

صلی الله علیه وسلم - بودیم ، رسول خدا به ما دستور این کار را نداد ، یا اینکه ما چنین کاری نمی کردیم (قضای نماز ها را بجا نمی آوردیم) .».

2- کتاب التفسیر ، باب قوله تعالى [ترجي من تشاء منهم و تتوي إليك من تشاء] 1798/4 رقم (4511).

و یک روایت شانرا امام بخاری بشکل معلق آورده است :

- کتاب اللباس ، باب لبس الحریر ، 219/5 رقم (5496).

ب- مرویات شان در صحیح مسلم :

مجموع مرویات معاذه در صحیح مسلم به (6) حدیث میرسد ، که در (2) حدیث با بخاری اتفاق دارد ، و در (4) حدیث تفرد نموده است ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- «عن مُعَاذَةَ أَنَّهَا سَأَلَتْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - كَمْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يُصَلِّي صَلَاةَ الضُّحَى قَالَتْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَيَزِيدُ مَا شَاءَ» ⁽¹⁾ .

ترجمه : « از معاذة روایت است که از عائشة - رضي الله عنها - پرسید ، که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - نماز ضحی را چند رکعت میگذاشتند ؟ گفتند : چهار رکعت ؛ و اگر میخواستند به آن می افزودند .».

2- کتاب الحيض ، باب وجوب قضاء الصوم على الحائض دون الصلاة 265/1 رقم (68).

3- کتاب الطلاق ، باب بيان أن تخير إمرأته لا يكون طلاقاً إلا بالنية 1103/2 رقم (1476).

4- کتاب الصيام ، باب استحباب صيام ثلاثة أيام من كل شهر 818/2 رقم (194).

5- کتاب الحيض ، باب القدر المستحب من الماء 6/1 رقم (46).

6- کتاب الأشربة ، باب النهي عن الانتباز في المزفت ، 94/6 رقم (5291).

7 - مرویات أم درداء هجيمة بنت حبي ⁽²⁾ در صحیحین :

الف- مرویات شان در صحیح بخاری :

⁽¹⁾ - صحیح مسلم ، کتاب صلاة المسافرين ، باب إستحباب صلاة الضحی (157/2 رقم 1696).

⁽²⁾ ترجمه مختصر شان در فصل اول زیر عنوان افضل تابعیات گذشت .

مجموع مرویات أم درداء در صحیح بخاری به (2) حدیث متصلاً ، و (3) روایت معلقاً میرسد ، که در (1) حدیث با مسلم اتفاق دارد ، و در (1) حدیث تفرد نموده است ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- « عن أم الدرداء - رحمها الله - قالت : تقول دخل على أبو الدرداء وهو مغضب فقلت ما اغضبك فقال والله ما اعرف من أمة محمد صلى الله عليه وسلم شيئاً إلا إنهم يصلون جميعاً» (1).

ترجمه : « از ام درداء - رحمها الله - روایت است که میگوید : ابو درداء در خانه من داخل شد ، در حالیکه خشمگین بود . گفتم : چه چیزی تو را به خشم آورده است ؟ گفت : سوگند به الله از امت پیامبر - صلى الله عليه و سلم - چیزی را جز اینکه نماز را به جماعت می خوانند ، نمی بینم » .

2- کتاب الصوم ، باب إذا صام أياماً من رمضان ثم سافر 686/2 رقم (1843).

و اما روایات شانرا که امام بخاری معلق آورده :

1- کتاب التوحيد ، باب لا تحرك به لسانك 2736/6.

2- کتاب الصوم ، باب إذا نوى بالنهار صوما 679/2 .

3- کتاب التفسير ، باب تفسير سورة الرحمن 1846/4.

ب- مرویات شان در صحیح مسلم :

مجموع مرویات أم درداء در صحیح مسلم به (3) حدیث میرسد ، که در هر (1) حدیث با بخاری اتفاق دارد ، و در (2) حدیث تفرّد نموده ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- «عن أم الدرداء ، عن أبي الدرداء - رضي الله عنه - قال :

قال رسول الله صلى الله عليه و سلم ما من عبد مسلم يدعو لأخيه بظهر الغيب إلا قال الملك ولك بمثل» (2).

ترجمه : « ز ابو درداء - رضي الله عنها - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : هیچ مسلمانی نیست که برای برادرش در غیاب او دعاء میکند ، مگر اینکه ملائکه میگویند : و برای تو هم مثل آن باشد » .

2- کتاب الصيام ، باب التخيير في الصوم والفطر في السفر 145/3 رقم (2687).

3- کتاب البر والصلة والأدب ، باب النهي عن لعن الدواب و غيرها 2006/4 رقم (85).

(1) صحیح بخاری ، کتاب الجماعة و الإمامة ، باب فضل صلاة الفجر في جماعة (232/1 ، باب 622).

(2) صحیح مسلم ، کتاب الذکر ، باب فضل الدعاء للمسلمين بظهر الغيب (2094/4 رقم 86،87).

8- مرویات عائشه بنت طلحه ⁽¹⁾ در صحیحین :

الف- مرویات شان در صحیح بخاری :

مجموع مرویات عائشه بنت طلحه در صحیح بخاری به (2) حدیث میرسد ، که در (1) حدیث با مسلم اتفاق دارد، و در (1) حدیث تفرد نموده ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1 - «عن عائشة بنت طلحة عن عائشة أم المؤمنين رضي الله عنها أنها قالت :

يا رسول الله نرى الجهاد أفضل العمل أفلا نجاهد ؟ قال (لا لكن أفضل الجهاد حج مبرور » ⁽²⁾ .

ترجمه: « از عائشه بنت طلحه ، از عائشه ام المؤمنین - رضی الله عنها- روایت است که او گفت : یا رسول الله ! به نظر ما جهاد پر فضیلت ترین عمل است ؛ پس آیا اجازه میدهید به جهاد برویم ؟ فرمود : خیر ، بهترین جهاد برای شما حج مبرور است ».

2- کتاب الجهاد ، باب فضل الجهاد و السیر ، 1026/2 رقم (2632) .

ب: مرویات شان در صحیح مسلم :

مجموع مرویات عائشه بنت طلحه در صحیح مسلم به (3) حدیث میرسد ، که در (1) حدیث با بخاری اتفاق دارد ، و در (2) حدیث تفرد نموده ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- «عن عائشة بنت طلحة عن عائشة أم المؤمنين – رضي الله عنها - قالت :

دعي رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى جنازة صبي من الأنصار فقلت يا رسول الله طوبى لهذا عصفور من عصفائر الجنة لم يعمل السوء ولم يدركه قال أو غير ذلك يا عائشة إن الله خلق للجنة أهلاً خلقهم لها وهم في أصلاب آبائهم وخلق للنار أهلاً خلقهم لها وهم في أصلاب آبائهم » ⁽³⁾ .

ترجمه : « از عائشه بنت طلحه ، از عائشه - رضة الله عنها - مرویست که میگوید : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در جنازه طفلی از انصار فراخوانده شد ؛ گفتم : یا رسول الله ! خوش به حالش ، او گنجشکی از گنجشکان بهشت است ، چون گناهی را مرتکب نشده و نه به آن رسید . فرمود : آیا غیر از این چیزی دیگری ای عایشه ! ، بدون تردید

⁽¹⁾ معرفی شان در فصل دوم تحت عنوان اوساط تابعیات گذشت.

⁽²⁾ صحیح بخاری ، کتاب الحج ، باب فضل الحج المبرور (533/2 رقم 1448)، کتاب الجهاد ، باب فضل الجهاد والسیر (1026/2 رقم 2632)

⁽³⁾ صحیح مسلم ، کتاب القدر ، باب کل مولود یولد علی الفطرة ، و حکم موت أطفال الکفار و أطفال المسلمین (2050/4 رقم 30،31).

خداوند برای جنت کسانی را آفرید که اینها را خاص بخاطر جنت آفرید ، در حالیکه آنها در پشت (صلب) پدرانشان بودند . و کسانی را بخاطر دوزخ آفرید ، که اینها را خاص بخاطر دوزخ آفرید ، در حالیکه آنها در پشت (صلب) پدرانشان بودند .»

2- کتاب الفضائل ، باب فضائل زینب أم المؤمنین 1907/4 رقم (101).

3- کتاب الصیام ، باب جواز الصوم النافلة بنية من النهار قبل الزوال 808/2 رقم (1154).

9- مرویات خیرة أم حسن بصری (¹) در صحیحین :

الف- مرویات شان در صحیح بخاری:

مجموع مرویات خیرة ام حسن بصری در صحیح بخاری به (2) حدیث میرسد ، که در هر دو حدیث با مسلم اتفاق نموده :

1- « عن خيرة - رحمها الله - :

أنها أبصرت أم سلمة تصب الماء على بول الغلام ما لم يطعم ، فإذا طعم غسلته ، وكانت تغسل بول الجارية » (²) .

ترجمه : « از خیره - رحمها الله - مرویست : که او ام سلمه را دید در حالیکه بالای ادرار طفلیکه نان خور نبود آب می ریخت ، و چون غذا خور می شد می شست ، و اما ادرار طفل دختر را همیشه می شست » .

2- کتاب الطب ، باب السعوط بالقسط الهندی و البحری ، 2155/5 رقم (5368) .

ب- مرویات شان در صحیح مسلم :

مجموع مرویات خیره ام حسن بصری در صحیح مسلم به (4) حدیث میرسد ، که در (2) حدیث با بخاری اتفاق نموده ، و در (2) حدیث تفرد نموده ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- « عن سعيد بن ابی الحسن عن امه عن أم سلمة رضي الله عنها:-

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لعمار: تقتلك الفئة الباغية » (³) .

(¹) ترجمه شان در فصل دوم ، زیر عنوان کبار تابعیات گذشت .

(²) کتاب الوضوء ، باب الصبیان 90/5 رقم (5).

(³) صحیح مسلم ، کتاب الفتن ، و أشراف الساعة ، باب لا تقوم الساعة حتى يمر الرجل بقبر الرجل رقم (72،73، 2236/4) .

ترجمه: « از سعید بن ابی حسن از مادرش ، از ام سلمه - رضي الله عنها - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - برای عمار فرمود: " توسط گروه باغی به قتل خواهی رسید " .

2- کتاب الطهارة ، باب حکم بول الرضيع و كيفية غسله 238/1 رقم (86).

3- کتاب الأشربة ، باب إباحة النبیذ 1590/3 رقم (85).

4- کتاب السلام ، باب التداوی بالعود الهندي و هو الکست ، 734/4 رقم (86) .

10- مرویات صفیة بنت ابی عبید (¹) در صحیحین :

الف - مرویات شان در صحیح بخاری :

یک حدیث به روایت شان آمده ، و آنها به شکل تعلیق :

1- « عَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ أَبِي عُبَيْدٍ - رَحِمَهَا اللَّهُ -

أَنَّ عَبْدًا مِنْ رَقِيقِ الْإِمَارَةِ وَقَعَ عَلَى وَلِيدَةٍ مِنَ الْخُمْسِ فَاسْتَكْرَهَهَا حَتَّى اقْتَضَّهَا فَجَلَدَهُ عُمَرُ الْحَدَّ وَنَفَاهُ وَلَمْ يَجْلِدِ الْوَلِيدَةَ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ اسْتَكْرَهَهَا » (²) .

ترجمه: « یکی از غلام های حکومتی با کنیزک که در حصه خمس غنیمت بود به زور همبستر شده ، و بکارت او را زایل کرد ، پس عمر بالای غلام حد را جاری کرده و از شهر خارجش نمود ، بر کنیزک حد جاری نکرد ، چون درین عمل مکره شده بود . »

ب- مرویات شان در صحیح مسلم :

مجموع مرویات صفیة بنت ابو عبید در صحیح مسلم به (3) حدیث میرسد ، که در هر سه حدیث امام مسلم تفرد نموده ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- عن صفیة ، عن حفصة أو عن عائشة رضي الله عنهما : أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لا يحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر (أو تؤمن بالله ورسوله) أن تحد على ميت فوق ثلاثة أيام إلا على زوجها » (¹) .

(¹) ترجمه مختصر شان در فصل اول تحت عنوان کبار تابعیات گذشت .

(²) صحیح بخاری ، کتاب الإکراه ، باب إذا إستكرهت المرأة على الزنا فلا حد عليها (2548/6) .

ترجمه : « از صفیه ، از حفصه یا از عائشه - رضي الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: حلال نیست به زنیکه بخدا و روز آخرت ایمان دارد (یا بخدا و رسول او ایمان دارد) ، که بر میت بالا تر از سه روز عزا داری نماید ، مگر بر شوهرش » .

2- کتاب السلام ، باب تحریم الکهانة 1751/4 رقم (125).

3- کتاب اطلاق ، باب عدة الوفاة 1127 /2 رقم (6).

11- مرویات عائشه بنت سعد ابن سعد ابن أبی وقاص ⁽²⁾ در صحیحین:

الف - مرویات شان در صحیح بخاری :

مجموع مرویات عائشه بنت سعد در صحیح بخاری به (3) حدیث میرسد، که دو حدیث را متصلاً آورده ، که در یک حدیث با مسلم اتفاق نموده ، که ذیلاً به ذکر کتاب و باب و شماره حدیث ، بصورت اجمال میپردازیم :

1- «عن عائشة ، عن سعد - رضي الله عنه - قال :

سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول لا يكيد أهل المدينة أحد إلا انماع كما ينماع الملح في الماء» ⁽³⁾

ترجمه : « از عائشه ، از سعد - رضي الله عنه - روایت است که میگوید : از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - شنیدم که میفرمود : هیچ کسی علیه اهل مدینه مکر نمیکند ، مگر اینکه ذوب میشود ، چنانچه نمک در آب حل میشود » .

2- کتاب المرضى ، باب وضع اليد على المريض 2142/5 رقم (5335)

و نیز همین حدیث را بشکل تعلیق در جای دیگر آورده است :

3- کتاب المرض ، باب دعاء العائد للمريض 2147/5.

ب - مرویات شان در صحیح مسلم :

⁽¹⁾ صحیح مسلم ، کتاب الطلاق ، باب عدة الوفاة 1126/2 رقم (63.65).

⁽²⁾ عائشه بنت سعد بن ابی وقاص بن وهب بن عبد مناف قریشی مدنی . خواهر مصعب بن سعد . (الطبقات الكبرى 468/8) در خانواده دیندار پرورش یافته ، و با شش تن از ازواج مطهرات دیدار نموده است . از شیوخ شان در علم حدیث : پدرش سعد بن ابی وقاص و ام ذره میباشد . واز تلامیذش ، ایوب سختیانی ، أبوزناد عبدالله بن ذکوان ؛ و مالک بن انس را میتوان نام برد .

در سنه [117] به عمر [84] سالگی وفات یافته . آخرین فرد از مهاجرات است که وفات یافته است . (أعلام النساء ، 3/135). عمر طولانی داشت تا اینکه امام مالک توانست او را ببیند . ابن حجر میگوید : " ثقة من الرابعة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8733 ، ص 1364) .

⁽³⁾ صحیح بخاری ، کتاب فضائل المدینة ، باب إثم من كاد أهل المدينة (664/2 رقم 1778).

یک روایت دارد ، که امام مسلم با امام بخاری در نقل این روایت اتفاق نموده اند :

کتاب الحج ، باب من أراد أهل المدينة بسوء أذابه الله ، رقم (1387).

12- مرویات هند بنت حارث فراسیه (1) در صحیحین:

الف - مرویات شان در صحیح بخاری :

مجموع مرویات هند بنت حارث فراسیه در صحیح بخاری (2) حدیث است ، که در هر دو روایت از مسلم تفرد نموده است ، که ذیلاً به بصورت اجمال میپردازیم :

1 - « عن هند عن أم سلمة - رضي الله عنها - قالت :

استيقظ النبي صلى الله عليه وسلم ذات ليلة فقال (سبحان الله ماذا أنزل الليلة من الفتن وماذا فتح من الخزائن أيقظوا صواحب الحجر فرب كاسية في الدنيا عارية في الآخرة » (2) .

ترجمه : « از هند ، از ام سلمه - رضي الله عنها - روایت است که فرمود : شبی رسول الله - صلى الله عليه وسلم - از خواب بیدار شد و گفت : سبحان الله ! امشب چه فتنه های نازل شده است ، و چه دروازه ی گنجهای گشوده شده است ، آنهایی که در اطاق ها خواب اند (ازواج مطهرات) را بیدار کنید ، چه بسا کسانی که در دنیا پوشیده هستند ولی در آخرت لخت و عریان می شوند » .

2- کتاب الصلاة ، باب صلاة النساء خلف الرجال 73/1 رقم (8) ،

کتاب صفة الصلاة ، باب التسليم 167/1 رقم (837).

ب - مرویات شان در صحیح مسلم :

(1) حافظ ابن حجر میگوید: گمان می رود که نسبش قرشی است ، که تصحیف شده. و یا اینکه نسبت او به قریش ازین باب میشود که از بنی کنانه بوده ، و فراس بطن کنانه است. (الإصابة، 209/8).

از ام سلمه و صفیه بنت عبد المطلب - رضي الله عنها - سمع حدیث داشته ؛ و از او امام زهري روایت نموده است. (الطبقات الكبرى، 483/8). ابن حجر میگوید : " ثقة ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8793 ، ص 1375) . ابن سعد در جمله راویانی قرارش میدهد که از زوجات نبی - صلى الله عليه وسلم - روایت دارد (الطبقات الكبرى، 483/8)، و ابن حبان در ثقات حسابس میکند (الطبقات الكبرى، 517/5)، دار قطنی در جمله تابعیات شمارش کرده است (الطبقات، 395/1) ، و ذهبی از مجهولاتش میخواند (المیزان، 61/4) ، حافظ بن حجر در موردش گفته " ثقة ، من الثالثة " (التقریب، 754، 8695) .

(2) صحیح بخاری ، کتاب العلم ، باب العلم والعظة باللیل 54/1 رقم (115).

روایتی از او در مسلم نقل نشده .

13 - مرویات أم کلثوم بنت ابی بکر صدیق - رضي الله عنه - (1) در صحیحین :

الف - مرویات شان در صحیح بخاری :

روایت ندارند .

ب - مرویات شان در صحیح مسلم :

مجموع مرویات ام کلثوم بنت ابو بکر در صحیح مسلم به (2) حدیث میرسد ، که در هر دو حدیث تفرد نموده :

1- «عن أم کلثوم ، عن عائشة - رضي الله عنها - :

إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- عَنِ الرَّجُلِ يُجَامِعُ أَهْلَهُ ثُمَّ يَكْسِلُ هَلْ عَلَيْهِمَا الْغُسْلُ وَعَائِشَةُ جَالِسَةٌ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم-: إِنِّي لَأَفْعَلُ ذَلِكَ أَنَا وَهَذِهِ ثُمَّ نَغْتَسِلُ « (2).

ترجمه : « از حضرت عائشه - رضي الله عنها - روایت است ، که مردی از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در مورد مردی که با همسر خود همبستر شده ، که بعد کسل میشود ؛ آیا بر این دو غسل لازم است ؟ عائشه آنجا حضورداشت ، رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود : " من با این همنگونه میکنم ، بعد غسل میکنیم » .

2- کتاب المساجد ومواضع الصلاة ، باب وقت العشاء و تأخيرها 117/2 رقم (116).

14 - مرویات مرجانه (3) در صحیحین :

الف - مرویات شان در صحیح بخاری :

در صحیح بخاری یک حدیث دارد ، که به شکل تعلیق آنرا نقل کرده است :

« عن أم علقمة - رحمها الله - : « كنا نحتجم عند عائشة فلا تنهى » (1) .

(1) به ترجمه مختصر شان قبلا در فصل دوم زیر عنوان کبار تابعیات ، پرداخته شد .

(2) صحیح مسلم ، کتاب الحيض ، باب نسخ الماء من الماء ، ووجوب الغسل بالتقاء الختانين 187/1 رقم (813).

(3) از زنان محدث وعالمه تابعیات محسوب شده؛ مادر علقمه مولاة ام المؤمنین عائشة- رضي الله عنها -، که به همین کنیه خود از او روایت کرده است . فرزندش علقمه بن ابی علقمه و بکیر بن أشج از او روایت میکنند.(طبقات الكبرى ، 490/8) . ابن حجر در مورد شان میگوید : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8778 ، ص 1372) .

ترجمه: « از ام علقمه روایت است که میگوید : ، ما حجامت مینمودیم در حالیکه نزد عائشة بودیم ، و مارا منع نمیکرد
«

ب - مرویات شان صحیح مسلم :

ندارد.

15- مرویات هولة یا هالة (²) در صحیحین :

الف- مرویات شان در صحیح بخاری :

یک حدیث را روایت مینماید ، که امام بخاری آنرا در صحیح خود نقل نموده است:

« قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ حَدَّثَنِي أُمِّي عَنْ أَبِي بَكْرَةَ أَنَّهُ قَالَ : لَوْ دَخَلُوا عَلَيَّ مَا بَهَشْتُ بِقَصْبَةٍ » (³) .

ترجمه : « عبدالرحمن میگوید : مادرم برایم از ابو بکره روایت نموده که میگوید : " اگر در خانه من داخل شوند (بخاطر کشتنم) من دست خود را به نی (چیزیکه بواسطه آن از خود دفاع میکنند) دراز نمی کردم ، تا از خود دفاع کنم » .

ب- مرویات شان در صحیح مسلم :

ندارد .

(¹) صحیح بخاری ، کتاب الصوم ، باب الحجامة والقيء للصائم (684/2) .

(²) هولة از متابعات شهیر بصره میباشد . و گفته میشود هاله بنت غلیظ عجلیه ام عبدالرحمن بن ابوبکره ثقفی - اولین مولود مسلمان در شهر بصره میباشد - ، محسوب میشود. از همسرش ابوبکره ثقفی روایت ؛ و از او فرزندش عبدالرحمن بن ابوبکره روایت مینماید. (تراجم طبقة المحدثات ، 508،509) .

(³) صحیح بخاری ، کتاب الفتن ، باب لا ترجعوا بعدي كفارا يضرب بعضكم رقاب بعض (2593/6 رقم 6667) .

16- مرویات حفصة بنت عبدالرحمن ابن ابوبکر صدیق (1) در صحیحین :

الف - مرویات شان در صحیح بخاری :

روایت ندارد .

ب - مرویات شان در صحیح مسلم :

تنها یک حدیثش را امام مسلم در صحیح خود نقل نموده است :

« عن حفصة بنت عبدالرحمن ابن ابی بکر عن عائشة - رضي الله عنها - :

أَنَّهَا كَانَتْ تَغْتَسِلُ هِيَ وَالنَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي إِثَاءٍ وَاحِدٍ يَسَعُ ثَلَاثَةَ أَمْدَادٍ أَوْ قَرِيبًا مِنْ ذَلِكَ » (2).

ترجمه : « از حفصه بنت عبدالرحمن بن ابوبکر ، از حضرت عائشة - رضي الله عنها - روایت است که ، او با نبی - صلى الله عليه وسلم - در ظرفیکه به اندازه سه مُد یا بیشتر از آن گنجایش آب داشت ، غسل مینمود . »

17 - مرویات أمينة بنت أنس بن مالک انصاري (3) در صحیحین :

الف - مرویات شان در صحیح بخاری :

یک حدیث شانرا امام بخاری در صحیح خود نقل نموده است :

« عن أنس بن مالک - رضي الله عنه - قال :

(1) پدر بزرگش حضرت ابوبکر صدیق ، مادر بزرگش ام رومان بنت عامر بن عویمر کنانی ؛ عمه شان حضرت عائشه ، و أم سلمه خاله شان - رضي الله عنها - میباشد.

مادرش قریبه بنت ابو امیه ؛ همسر منذر بن زبیر بن عوام است . از جمله تابعیات مشهور در روایت حدیث پنداشته میشود .
بیشترین روایاتش از اقارب نزدیکش بوده چون پدرش ابی عبدالرحمن بن ابی بکر الصدیق ، عمه ی شان حضرت عائشه و ، ام سلمه - رضي الله عنهم - میباشد . کسانیکه از او روایت مینمایند کبار تابعین و عاملین در فنون حدیث هستند ، چون : عراق بن مالک ، عبدالرحمن بن ثابت ، و یوسف بن ماهک ، و عون بن عباس . یک روایت شان در صحیح مسلم ، و متباقی در سنن وارد است (الطبقات الكبرى، 468/8). ابن حجر در مورد شان گفته : " ثقة ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8660، ص 1349) ، عجلی در موردش میگوید : " تابعیه مدنیه و ثقه " (الثقات، 518، 2090)، ابن حبان در ثقات قرارش میدهد (الثقات، 194/4).

(2) صحیح مسلم ، کتاب الحيض ، باب القدر المستحب من الماء في غسل الجنابة (176/1 رقم 756).

(3) أمينة - به نون تصغیر آمنة - بنت أنس بن مالک أنصاري. از پدرش أنس روایت نموده اند . در کتب ستة تنها یک روایت دارد که امام بخاری انرا در کتاب صحیح خود نقل نموده است . (تهذیب الکمال، 132/35) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8835، ص 1345) .

وحدثني ابنتي أمينة : أنه دفن لصلبي مقدم حجاج البصرة بضع وعشرون ومائة» (1).

ترجمه: «از انس ابن مالک - رضي الله عنه - روایت است که میگوید: دخترم امینه برایم گفت: که یکصد و بیست و چند اولاد که از پشت خودت بود (بدون نواسه هایت) تا قبل از آمدن حجاج بن یوسف به بصره، وفات شدند».

ب - مرویات شان در صحیح مسلم:

ندارد.

مطلب دوم: مرویات تابعیات در سنن أربعه:

1- مرویات عمرة بنت عبدالرحمن در سنن أربعه:

الف - در سنن أبي داود:

مجموع مرویات عمره بنت عبدالرحمن ر در سنن أبي داود به (21) حدیث میرسد، که ذیلاً به ذکر کتاب، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم:

(1) صحیح بخاری، کتاب الصوم، باب من زار قوما فلم یفطر عندهم (692/2 رقم 1881).

1- « عن عمرة بنت عبد الرحمن عَنْ عَائِشَةَ - رضي الله عنها - : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - نَحَرَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ بَقَرَةً وَاحِدَةً » (1)

ترجمه : « از عمره بنت عبد الرحمن از حضرت عائشه - رضي الله عنها - روایت است كه رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در حجة الوداع گاوی را از طرف آل محمد قربانی كرد . »

2- كتاب الأضاحي ، باب في حبس لحوم الأضاحي 108/2 رقم (2812).

3- كتاب الصلاة ، باب الرجل يخطب على قوس 288/1 رقم (1102).

4- كتاب الحدود ، باب في الحد يشفع فيه 133/4 رقم (4375).

5- كتاب الطهارة ، باب من روى أن المستحاضة تغسل لكل صلاة 128/1 رقم (289).

6- كتاب الحج ، باب في رمي الجمار 202/2 رقم (1978).

7- كتاب الصلاة ، باب في وقت الصبح 162/1 رقم (423).

8- كتاب الصلاة ، باب الرجل يأتى بالإمام و بينهما جدار 293/1 رقم (1126).

9- كتاب الصوم ، باب في الإعتكاف 331/2 رقم (2464).

10- كتاب الطب ، باب كيف رقي 459/3 رقم (3895).

11- كتاب الحدود ، باب ما يقطع به يد السارق 185/4 رقم (4384).

12- كتاب الطلاق ، باب في الخلع 236/2 رقم (2230).

13- كتاب الجنائز ، باب الجلوس عند المصيبة 192/35 رقم (3122).

14- كتاب الصوم ، باب المعتكف يخرج لحاجته أم لا 232/2 رقم (2468).

15- كتاب الحج ، باب من بعث بهدية و اقام 78/2 رقم (1758).

16- كتاب الصلاة ، باب في تخفيفها 407/1 رقم (1255).

(1) سنن أبو داود ، كتاب الحج ، باب في هدي البقر (79/2 رقم 1752). حكم حديث : اسنادش صحيح، سنن أبي داود، شعيب ارنؤوط، باب في هدي البقر، جزء 3، صفحہ 169، دار الرسالہ العالمیہ.

کتاب الجنائز ، باب في الحفار يجد العظم هل ينتكب ذلك المكان 231/2 رقم (2307).

17- کتاب الحدود ، باب في حد القذف 276/4 رقم (4476).

18- کتاب الصلاة ، باب التشديد في ذلك 223/1 رقم (569).

19- کتاب الجائز ، باب في الصلاة على الطفل 57/3 رقم (3187).

20- کتاب الأدب ، باب في حق الجوار 503/4 رقم (5153).

21- کتاب النکاح ، باب هل يحرم ما دون خمس رضعات 222/2 رقم (2062).

ب- در سنن ترمذی:

مجموع مرویات عمره بنت عبدالرحمن ر در سنن ترمذی به (7) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- «عن عمرة أنها أخبرته أنها سمعت عائشة - رضي الله عنها - قالت : إنما مر رسول الله صلى الله عليه وسلم على يهودية يبكي عليها فقال إنهم ليبكون عليها وإنها لتعذب في قبرها» (1).

ترجمه: «از عمره روایت است که عائشه - رضي الله عنها - برایش خبر داده میگفت : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - از بالای زن یهودی که وفات شده بود ، گذشت در حالیکه اهلش بر او میگریست ؛ فرمود : بر او اشک می ریزند در حالیکه در قبر عذاب میشود».

2- کتاب الصلاة ، باب ما جاء في التغليس بالفجر 102/1 رقم (103).

3- کتاب الصوم ، باب الإعتكاف 157/3 رقم (791).

4- کتاب الصلاة ، باب ما يقول عند إفتتاح الصلاة 11/2 رقم (243).

5- کتاب القدر ، باب 17 ، 397/4 رقم (2154).

کتاب الصوم ، باب المعتكف يخرج لحاجته أم لا 167/3 رقم (804).

¹ - سنن ترمذی ، کتاب الجنائز ، باب في الرخصة في البكاء على الميت (236/2 رقم 1009). حکم حدیث : صححه الالبانی، جزء 3/319، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

6- کتاب البر والصلة ، باب ما جاء في حق الجوار 332/4 رقم (1942).

7- کتاب الرضاع ، باب ما جاء لا تحرم المصّة والمصتان 455/3 رقم (1150).

ج- در سنن نسائي :

مجموع مرویات عمره بنت عبدالرحمن ر در سنن نسائي به (23) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- « عن عمرة عن عائشة - رضي الله عنها - :

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَسْتَعِيدُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ وَقَالَ إِنَّكُمْ تُفْتَنُونَ فِي قُبُورِكُمْ » (1) .
ترجم: « از عمره از عائشه - رضي الله عنها - روایت میشود که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - از عذاب قبر و فتنه دجال به الله پناه میبرد ، و می افزود : هرآینه شما در قبر هایتان مورد آزمون قرار میگیرید » .

2- کتاب الأضاحي ، باب الأدخار من الأضاحي 235/7.

3- کتاب الصلاة ، باب القراءة في الصبح بقاف 329/1 رقم (1021).

4- کتاب الرضاع ، باب ما يحرم من الرضاعة 99/6.

5- کتاب الرجم ، باب التجاوز عن ذلة ذي الهيئة 310/4 رقم (7293).

6- کتاب الحيض ، باب ذكر الاقراء 111/1 رقم (215).

7- کتاب الحج ، باب النحر على النساء 452/2 رقم (4127).

8- کتاب صلاة الكسوف ، باب نوع آخر من صلاة الكسوف 571/1 رقم (1860).

9- کتاب المناسك ، باب هل يوجب تقليد الهدي إحراما 175/5.

10- کتاب الرجم ، باب إقامة الرجل الحد على وليدتها إذا زنت 303/4 رقم (7264).

¹ - سنن نسائي ، كتاب الجنائز ، باب العوذ من عذاب القبر (410/4 رقم 2064) . حكم حدیث : صححه الالبانی ، جزء 4 ، صفحہ 105 ، تحقیق: عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب.

- 11- كتاب الصلاة ، باب التغليس في الحضر 293/1 رقم (544).
- 12- كتاب الجنائز ، باب النياحة على الميت 398/6 رقم (1855).
- 13- كتاب المساجد ف باب متى يأتي المعتكف معتكفه 44/2.
- كتاب الحدود ، باب القدر الذي إذا سرقه السارق قطعت يده 452/8 رقم (49359).
- 14- متاب الطلاق ، باب ما جاء في الخلع 356/3 رقم (3462).
- 15- كتاب الحج ، باب نحر الرجل عن نسائه بغير أمرهن 452/2 رقم (4132).
- 16- كتاب الصلاة ، باب الفضل في قراءة قل هو الله أحد 341/1 رقم (1065).
- 17- كتاب الجنائز ، باب النهي عن البكاء عن الميت 14/4.
- 18- كتاب الطهارة ، باب المرأة تحيض بعد الإفاضة 194/1 رقم (391).
- 19- كتاب الصلاة ، باب كيف يفعل إذا افتتح الصلاة 220/3 رقم (1650).
- 20- كتاب المناسك ، باب فتل القلائد 171/5 ، كتاب الصلاة ، باب تخفيف ركعتي الفجر 156/2.
- 21- كتاب الرجم ، أبواب التعزير 325/4 رقم (7351).
- 22- كتاب الرضاعة ، باب القدر الذي يحرم من الرضاعة 100/6 رقم (3307).
- 23- كتاب الأشربة ، باب إدخار التمر 1618/3 رقم (153).

د- در سنن ابن ماجه :

مجموع مرويات عمره بنت عبدالرحمن ر در سنن ابن ماجه به (23) حديث ميرسد ، كه ذيلاً به ذكر كتاب ، و باب و
شماره حديث به صورت اجمال ميپردازيم :

1- «عن عمرة بنت عبدالرحمن عن عائشة - رضي الله عنها - :

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال " إذا زنت الامة فاجلدوها . فإن زنت فاجلدوها . فإن زنت فاجلدوها . فإن زنت فاجلدوها . ثم بيعوها ولو بضعفير » ⁽¹⁾ .

ترجمه : « از عمره بنت عبدالرحمن از عايشه - رضي الله عنها - روايت است ، كه رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود : هرگاه كنيزى زنا نمايد ، او را دره بزنيد ، اگر بازهم زنا كرد دره بزنيد ، و اگر برگشت بازهم دره زنيد . و در بار چهارم او را بفروشيد ، هر چند به ريسانى هم باشد » .

2-كتاب الإستحاضة ، باب ماجاء في المستحاضة إذا اختلط عليها الدم 205/1 رقم (626).

3-كتاب الطلاق ، باب الإيلاء 164/2 رقم (2060).

4-كتاب الأضاحي ، باب عن كم تجزي البدنة والبقرة 327/3 (3143).

5-كتاب الحدود ، باب إقامة الحدود على الإيماء 857/2 رقم (2566).

6-كتاب الطب ، باب ما عوذ به النبي صلى الله عليه وسلم - 1163/2 رقم (3521).

7-كتاب الحدود ، باب حدالسارق 862/2 رقم (2585).

8-كتاب المناسك ، باب فسخ الحج 993/2 رقم (2981).

9-كتاب إقامة الصلاة ، باب افتتاح الصلاة 264/1 رقم (806).

10-كتاب الطلاق ، باب الإيلاء 164/2 رقم (2059).

11-كتاب الصيام ، باب في المعتكف يعود المريض 565/1 رقم (1776).

12-كتاب إقامة الصلاة ، باب في صلاة النافلة قاعدا 387/1 رقم (1226).

13-كتاب المناسك ، باب تقليد البدن 313/3 رقم (3094).

14-كتاب إقامة الصلاة ، باب إتمام الصلاة 337/1 رقم (1063).

15-كتاب الجنائز ، باب في النهي عن كسر عظام الميت 516/1 رقم (1616).

16-كتاب الطهارة ، باب الوضوء بسور الهرة 130/1 رقم (368).

17-كتاب الحدود ، باب في حد القذف 857/2 رقم (2567).

18-كتاب الأدب ، باب حق الجوار 491/3 رقم (3673).

19-كتاب الكفارات ، باب من قال كفارتها تركها 682/1 رقم (2110).

20-كتاب اللباس ، باب ما نهى عنه من اللباس 459/3 رقم (3560) و

21-كتاب النكاح ، باب لاتحرم المصّة والمصتان 625/1 رقم (1942).

22-كتاب الزكاة ، باب من استفاد مالا 571/1 رقم (1792).

23-كتاب الرهون ، باب النهي عن منع الماء 108/3 رقم (2472)

مجموع مرويات عمره بنت عبدالرحمن در كتب سته به (53) حديث ميرسد ، كه از جمله (23) حديث در صحيح بخارى ، و (28) حديث در صحيح مسلم نقل شده ، و در (23) حديث ، صحيحين و سنن اربعة اتفاق ، و در (20) روايت كتب سنن تفرد نموده است .

¹ - سنن ابن ماجة ، كتاب الحدود ، باب إقامة الحدود على الإيماء 857/2 رقم (2566) . حكم حديث : حسن لغيره ، مسند الإمام أحمد بن حنبل ، باب مسند عايشه بنت الصديق ، جزء 40 ، صفحہ 421 ، مؤسسة الرسالة .

2- مرویات صفیه بنت شیبہ ⁽¹⁾ در سنن اربعه :

الف : در سنن أبو داود :

مجموع مرویات صفیه بنت شیبہ ر در سنن ابی داود به (14) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

1 - « عن صفية بنت شيبة عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - كَانَ يَغْتَسِلُ بِالصَّاعِ وَيَتَوَضَّأُ بِالْمُدِّ . قَالَ أَبُو دَاوُدَ : " رَوَاهُ أَبَانُ عَنْ قَتَادَةَ قَالَ سَمِعْتُ صَفِيَّةَ " ⁽²⁾ .

ترجمه : « از صفیه بنت شیبہ ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که میگفت : رسول الله صلى الله عليه وسلم - با یک صاع غسل نموده ، و با یک مُد آب غسل میگرفت » . ابو داود میگوید : این حدیث را ابان از قتاده روایت نموده ، قتاده میگوید : از صفیه آنرا شنیده ام » .

2- کتاب اللباس ، باب في قوله تعالى : [يدنين عليهن من جلابيهن] 61/4 رقم (4100).

3- کتاب الطهارة ، باب مؤاكلة الحائض و مجامعتها 68/1 رقم (260).

4- کتاب اللباس ، باب في لبس الصوف والشعر 44/4 رقم (4032).

5- کتاب المناسك ، باب في الحجر 164/2 رقم (2032).

6- کتاب الطهارة ، باب الإغتسال من الحيض 85/1 رقم (315).

7- کتاب الطهارة ، باب في المرأة هل تنقض شعر رأسها 66/1 رقم (253).

8- کتاب الحج ، باب الطواف الواجب 576/1 رقم (1878).

9- کتاب اللباس ، باب لباس النساء 43/4 رقم (4101).

⁽¹⁾ معرفی مختصر شان در فصل سوم ، مبحث اول زیر عنوان مرویات آنعده تابعیاتی که به اسم شان معروف اند ، گذشت.

⁽²⁾ سنن ابو داود ، کتاب الطهارة ، باب ما یجزئ من الماء في الوضوء 34/1 رقم (92). اسناد صحیح ، سنن ابی داود ، تحقیق الارنوط ، باب ما یجزئ من الماء فی الوضوء ، جزء 1 صفحه 68 ، دار الرسالة العالمية.

10- کتاب الحج ، باب الحلق والتقصير 150/2 رقم (1987) ، کتاب الحج ، باب الحلق والتقصير 607/1 رقم (1985).

11- کتاب الأدب ، باب الرخصة في الجمع بينها 710/2 رقم (4968).

12- کتاب الطلاق ، باب فيما تجتنبه المعتدة في عدتها 2660/2 رقم (2304).

13- کتاب الحيض ، باب الإغتسال 124/1 رقم (316).

14- کتاب الطلاق ، باب الطلاق على غلط 666/1 رقم (2193).

ب- در سنن ترمذی:

مجموع مرویات صفیه بنت شبیه ر در سنن ترمذی به (2) حدیث میرسد :

1- «عن صفية بنت شبية عن أم حبيبة عن أبيها - رضي الله عنها -:

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال : " كلام ابن آدم عليه لا له إلا أمر بمعروف أو نهى عن المنكر أو ذكر الله » (1)

.

ترجمه: «از صفیه بنت شبیه از ام حبیبه از پدرش - رضي الله عنها - از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - روایت است که فرمود : تمام سخنان فرزند آدم بر علیه اوست نه به نفعش ، مگر امر به معروف یا نهی از منکر ، و یاد و ذکر الله متعال » .

2- کتاب الأدب ، باب ما جاء في الثوب الأسود 110/5 رقم (2813).

ج- در سنن نسائی:

مجموع مرویات صفیه بنت شبیه ر در سنن نسائی به (11) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- «عن صفية بنت شبية عن عائشة رضي الله عنها - قالت : كان رسول الله صلى الله عليه وسلم - إذا رأى ما يحب قال : "الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات" وإذا رأى ما يكره قال "الحمد لله على كل حال » (1) .

(1) سنن ترمذی ، کتاب الزهد ، باب 62 ، (608/4 رقم 2412) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، سنن الترمذی ، باب ما جاء في حفظ اللسان ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر جزء 4 ، صفحہ 408

ترجمه : « از صفیه بنت شیبہ از عائشہ - رضی اللہ عنہا - روایت است کہ میگوید : رسول اللہ - صلی اللہ علیہ وسلم - وقتی چیزی را کہ موجب خوشی او میشد میدید ، میگفت : حمد و ستایش خدایی را کہ بہ واسطہ نعمت خود نیکی ہارا تکمیل میکند . و چون چیزی را کہ دوست نمی داشت می دید میگفت : در تمام حالات حمد و ستایش برای خداوند است » .

2- کتاب الحج ، باب الحجر 218/5 رقم (2911).

3- کتاب الطہارۃ ، باب فی الذی یقرأ القرآن و رأسہ فی حجر امرأته و ہی حائض 147/1.

4- کتاب الطہارۃ ، باب ما جاء فی مقدار الماء للوضوء والغسل 179/1.

5- کتاب الغسل ، باب ذکر العمل فی الغسل من المحيض 119/1 رقم (248).

6- کتاب الحج ، باب السعی فی بطن المیل 242/5.

7- کتاب الزینۃ ، باب المستوصلة 146/8 رقم (5097).

8- کتاب الجنائز ، باب تلقین المیت 5/4 رقم (1827).

9- کتاب الطلاق ، باب ما تجتنبه الحادة من الثیاب المصبغة 392/3 رقم (3535).

10- کتاب الحج ، باب ما یفعل من أهل بعمرة و أهدى 245/5 رقم (2990).

11- کتاب الجنائز ، باب النهی عن ذکر الهلکی إلا بخیر 52/4 رقم (1935).

د- در سنن ابن ماجہ :

مجموع مرویات صفیہ بنت شیبہ ر در سنن ابن ماجہ بہ (11) حدیث میرسد ، کہ ذیلاً بہ ذکر کتاب ، و باب و شہارہ حدیث بہ صورت اجمال میپردازیم :

1- عن صفیة بنت شیبة عن عائشة رضي الله عنها- قالت : « لا طلاق ولا عتاق فی غلاق » ⁽²⁾ .

⁽¹⁾ (سنن نسائی ، باب ما یقول إذا رأى ما یحب) 135 رقم (378) . حکم بر حدیث : حسنه الالبانی، سنن ابن ماجہ، باب فضل الحامدین، جزء 2، صفحہ 1250.

⁽²⁾ (سنن ابن ماجہ ، کتاب الطلاق ، باب طلاق المکره) 660/1 رقم (2046) . حکم بر حدیث : حسنه الالبانی، جزء 1، صفحہ 660.

ترجمه : « از صفیه بنت شبیه ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت میشود که گفت : طلاق و آزاد کردن برده در حال اکراه واقع نمیشود ، واقع نمیشود . »

2- کتاب الطهارة ، باب الحائض تتناول شيئاً من المسجد 208/1 رقم (634).

3- کتاب الطهارة ، باب ما جاء في مقدار الماء للوضوء والغسل 99/1 رقم (268).

4- کتاب المناسک ، بابفضل مكة 1038/1 رقم (3109).

5- کتاب الأدب ، باب فضل الحامدين 1250/2 رقم (3803).

6- کتاب الطهارة ، باب الحائض كيف تغتسل 210/1 رقم (642).

7- کتاب المناسک ، باب السعي بين الصفا و المروة 955/2 رقم (2987).

8- کتاب الفتن ، باب كف اللسان في الفتن 1315/2 رقم (3974).

9- کتاب المناسک ، باب فسخ الحج 993/2 رقم (2983).

10- کتاب الطهارة ، باب في الحائض كيف تغتسل 210/1 رقم (211).

11- کتاب المناسک ، باب من إستلم الركن بمحجنه 982/2 رقم (2947).

مجموع مرویات صفیه بنت شبیه در کتب سته به (28) حدیث میرسد ، که از آن جمله (9) حدیث در صحیح بخاری ، و (11) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، و در (13) حدیث ، صحیحین و سنن اربعه اتفاق ، و در (15) روایت سنن اربعه تفرد نموده است .

3- مرویات زینب بنت ابو سلمة (1) در سنن اربعه :

الف - در ابی داود:

مجموع مرویات زینب بنت ام سلمه در سنن ابی داود به (10) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- «عن زینب - رضي الله عنها- قالت :

(¹) معرفی مختصر شان در فصل سوم ، مبحث اول زیر عنوان مرویات آنعده تابعیاتی که به اسم شان معروف اند در صحیحین ، گذشت.

كان إسمي برة فسماني رسول الله - صلى الله عليه وسلم - زينب . قالت : و دخلت عليه زينب بنت جحش ، و إسمها برة ، فسمها زينب «⁽¹⁾ .

ترجمه : « از زينب - رضي الله عنها - روايت است كه ميگويد : اسم من برة بود ، رسول الله - صلى الله عليه وسلم - مرا زينب نام گذاشت . ميگويد : زينب بنت جحش بر او وارد شد كه اسمش برة بود ، او را به زينب مسمى كرد »

2- كتاب الطهارة ، باب من روى أن المستحاضة تغتسل لكل صلاة 118/1 رقم (293).

3- كتاب النكاح ، باب يحرم من الرضاعة ما يحرم من النسب 222/2 رقم (2056).

4- كتاب الأفضية ، باب في قضاء القاضيين إذا أخطأ 301/3 رقم (3583).

5- كتاب المناسك ، باب الطواف الواجب 116/2 رقم (1884).

6- كتاب الطلاق ، باب وجوب النهي عن الكحل للحادة 396/3 رقم (5734).

7- كتاب اللباس ، باب الفراش 72/4 رقم (4148).

8- كتاب الطلاق ، باب إحداد المتوفى عنها زوجها 263/2 رقم (2299).

9- كتاب الأدب ، باب الحكم في المختنن 283/4 رقم (4929).

10- كتاب المناسك ، باب الإفاضة في الحج 156/2 رقم (2001).

ب - در سنن ترمذي :

مجموع مرويات زينب بنت ام سلمه در سنن ترمذي به (5) حديث ميرسد ، كه ذيلاً به ذكر كتاب ، و باب و شماره حديث به صورت اجمال ميپردازيم :

1- « عن زينب بنت أبي سلمة - رحمها الله - قالت : فدخلت علي زينب بنت جحش حين توفي أخوها فدعت بطيب فمسست منه ثم قالت والله ! مالي في الطيب من حاجة غير أنني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا يحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر أن تحد على ميت فوق ثلاث ليال إلا على زوج أربعة أشهر وعشرا »⁽²⁾ .

⁽¹⁾ سنن ابي داود ، كتاب الأدب ، باب تغيير الاسم القبيح (288/4 رقم 4953) . حكم حديث : صحيح مسلم ، باب استحباب تغيير الاسم القبيح إلى حسن ، جزء 3 ، صفحه 1687 .

⁽²⁾ سنن ترمذي ، كتاب الطلاق ، باب ما جاء في عدة المتوفى عنها زوجها (501/3 رقم 1196) . صححه الالباني ، جزء 3 ، صفحه 493 .

ترجمه: « از زینب بنت ابو سلمه - رحمها الله - روایت است که ، بر زینب بنت جحش وارد شدم هنگامیکه برادرش وفات شده بود ، او خوشبویی خواسته و از آن بر خود مالید ، و سپس گفت : سوگند به الله که من به خوشبویی نیاز ندارم ، جز اینکه از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - شنیدم که میفرمود : " زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد روا نیست که بر مرده بیش از سه روز عزا داری کند ، جز بر شوهرش که چهار ماه و ده روز باید عزا دار باشد » .

2- کتاب الأحکام ، باب ماجاء في التشديد على من يقضي له بشيء 624/3 رقم (1339).

3- کتاب الأدب ، باب ما جاء في المرأة في منامها ما يرى الرجل 209/1 رقم (122).

4- کتاب الطلاق ، باب ما جاء في عدة المتوفى عنها زوجها 500/3 رقم (1195).

5- کتاب الطلاق ، باب ما جاء في عدة المتوفى عنها زوجها 501/3 رقم (1196).

د- در سنن نسائي :

مجموع مرویات صفیه بنت شبیه ر در سنن نسائي به (12) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1 - « زَيْنَبُ بِنْتُ أُمِّ سَلَمَةَ أَخْبَرَتْهُ أَنَّ أُمَّهَا أُمَّ سَلَمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - : أَنَّهُ سَمِعَ خُصُومَةَ بَبَابِ حُجْرَتِهِ فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ وَإِنَّهُ يَأْتِينِي الْخَصْمُ فَلَعَلَّ بَعْضَكُمْ أَنْ يَكُونَ أَبْلَغَ مِنْ بَعْضٍ فَأَحْسَبُ أَنَّهُ صَدَقَ فَأَقْضِي لَهُ بِذَلِكَ فَمَنْ قَضَيْتُ لَهُ بِحَقِّ مُسْلِمٍ فَإِنَّمَا هِيَ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ فَلْيَأْخُذْهَا أَوْ فَلْيَتْرُكْهَا » (1) .

ترجمه: « از زینب بنت ام سلمه روایت است که مادرش ام سلمه - رضي الله عنها - میگفت : رسول الله - صلی الله علیه و سلم - سر و صدا ها را در پشت دروازه (حجره) خود شنید ، بسوی آنها بیرون شده و فرمود : هانا من بشرم ، و شما دعوا های تان را به من عرضه میکنید ، و شاید بعضی از شما از بعضی دیگر در اظهار دلیلش دانا تر باشد ، و من به نفع او طوری که می شنوم حکم کنم . هر گاه من حکم کنم برای کسی حق برادرش را ، در واقع قطعه ای از آتش است که آنرا بر میدارد یا رها میکند » .

2- کتاب الرضاع ، باب إرضاع الكبير 106/1 رقم .

3- کتاب الطهارة ، باب ترك الوضوء مما مسته النار 107/1 رقم (187).

(1) سنن نسائي ، باب الأحکام ، باب ما يقطع القضاء (482/3 رقم 5984). الحديث من هذا الطريق في صحيح البخاري ، جزء 2، صفحه 148، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض.

- 4- كتاب النكاح ، باب تحريم جمع بين الأختين 291/3 رقم (5417).
- 5- كتاب النكاح ، باب تحريم الربيبة التي في حجرها 94/6 رقم (3284).
- 6- كتاب الطهارة ، باب غسل المرأة ترى في منامها ما يرى الرجل 115/1 رقم (198).
- 7- كتاب المناسك ، باب كيف طواف المريض 245/5 رقم (2925).
- 8- كتاب الطلاق ، باب سقوط الإحداد عن الكتائبية 198/6.
- 9- كتاب الطلاق ، باب ترك الزينة للحادة المسلمة 513/6 رقم (3534).
- 10- كتاب الطلاق ، باب ترك الزينة للحادة المسلمة دون اليهودية 201/6 رقم (3533).
- 11- كتاب الطلاق ، باب ما جاء في عدة المتوفى عنها زوجها 501/3 رقم (1197).
- 12- دخول المخنث على النساء و ذكر الاختلاف 396/5 رقم (9242).

د- در سنن ابن ماجه :

مجموع مرويات زينب بنت ام سلمه در سنن ابن ماجه به (13) حديث ميرسد ، كه ذيلاً به ذكر كتاب ، و باب و شماره حديث به صورت اجمال ميپردازيم :

1- « عن زينب بنت أم سلمة ، عن أمها أم سلمة رضي الله عنها - قالت :

جاءت أم سليم إلى النبي صلى الله عليه وسلم فسألته عن المرأة ترى في منامها ما يرى الرجل ؟ قال " نعم . إذا رأت الماء فلتغتسل " فقلت : فضحت النساء . وهل تحتلم المرأة ؟ قال النبي صلى الله عليه وسلم " تربت يمينك . فبم يشبهها ولدها إذا ؟ » (1) .

ترجمه : « از زينب بنت ام سلمه از مادرش ام سلمه - رضي الله عنها - روايت است كه ميگويد : أم سليم نزد رسول الله - صلى الله عليه و سلم - آمده و در مورد چيزي كه زنان آنرا در حال خواب می بینند ، طوريكه مردان مي بینند پرسيد ؟ رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمودند : آری ، بر وی غسل است چون آب ببیند . أم سلمه گفت : زنان را رسوا كردی ؛ آیا زن هم احتلام میشود؟ رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : دست ات خاك آلود باد ، چگونه است كه فرزندش به او مشابهت دارد».

2- كتاب النكاح ، باب الإرضاع بعد فصال 262/1 رقم (1947).

3- كتاب الطهارة ، باب الوضوء مما مسته النار 165/1 رقم (491).

4- كتاب النكاح ، باب يحرم من الرضاعة ما يحرم من النسب 624/1 رقم (1939).

5- كتاب النكاح ، باب ما يكون فيه اليمن والشؤم 642/1 رقم (1995).

6- كتاب المناسك ، باب المريض يطوف راکبا 987/2 رقم (2961).

7- كتاب النكاح ، باب كراهية الزينة للمتوفى عنها 673/1 رقم (2084).

8- كتاب الصلاة ، باب من صلى بينه وبين القبلة شيء 207/1 رقم (957).

9- كتاب الجنائز ، باب في النهي عن كسر عظام الميت 516/1 رقم (1617).

10- كتاب الزكاة ، باب الصدقة على ذي القربة 87/2 رقم (1834).

11- كتاب الفتن ، باب ما يكون من الفتن 1305/2 رقم (3953).

12- كتاب الطلاق ، باب كراهية الزينة للمتوفى عنها زوجها 673/1 رقم (2084).

(1) سنن ابن ماجه ، كتاب الطهارة ، باب في المرأة ترى في منامها ما يرى الرجل (197/1 رقم 600). صححه الالباني ، جزء 1 صفحه 197 ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.

13- کتاب النکاح ، باب فی المخنث 872/1 رقم (2614).

مجموع مرویات زینب بنت ابی سلمة در کتب سته به (24) حدیث میرسد ، که از آن جمله (15) حدیث در صحیح بخاری ، و (14) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، که در (17) حدیث ، صحیحین و سنن اربعة اتفاق ، و در (7) روایت سنن تفرّد دارد .

4 - مرویات هجیمة بنت حی (أم درداء صغری) ⁽¹⁾ در کتب سنن :

الف - در سنن أبی داود :

مجموع مرویات هجیمة بنت حی (أم درداء صغری) در سنن أبی داود به (11) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1 - «عن أم الدرداء عن أبي الدرداء - رضي الله عنها - قال :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الدَّاءَ وَالِدَوَاءَ وَجَعَلَ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءً فَتَدَاوَوْا وَلَا تَدَاوَوْا بِحَرَامٍ» ⁽²⁾.

ترجمه : « از ام درداء ، از ابو درداء - رضي الله عنها - روایت میشود که ، رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود : خداوند مرض و دوا را یکجا نازل فرمود ، و برای هر مرض دوايي قرار داده ، پس خود را با حلال تداوی نمایید ، نه حرام » .

2 - کتاب الأدب ، باب فی اللعن 694/2 رقم (4905) .

3 - کتاب الأدب ، باب فی إصلاح ذات البین 463/4 رقم (4919) .

4 - کتاب الصوم ، باب فیمن أختار الفطر 317/2 رقم (3409) .

5 - کتاب الفتن ، باب فی تعظیم قتل المؤمن 505/2 رقم (4270) .

6 - کتاب الأدب ، باب حسن الخلق 400/4 ، رقم (4801) .

⁽¹⁾ معرفی شان در فصل اول زیر عنوان افضل تابعیات گذشت .

⁽²⁾ سنن أبو داود ، کتاب الطب ، باب فی الأدوية المكروهة (6/4 رقم 3876) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، جزء 4 ، صفحه 7 ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت

7 - كتاب الصلاة ، باب الدعاء بظهر الغيب 480/1 رقم (1534) .

8 - كتاب الأدب ، باب ما يقول إذا أصبح 742/2 رقم (5081) .

9 - كتاب الفتن ، باب في تعليم قتل المؤمن 4 / 167 رقم (4272) .

10 - كتاب الأدب ، باب اللعن 695/2 رقم (4907) .

11 - كتاب الجهاد ، باب في الشهيد يشفع 19/2 رقم (2522) .

ب - در سنن ترمذی :

مجموع مرويات هجيمه بنت حي (أم درداء صغرى) در سنن ترمذی به (7) حديث ميرسد ، كه ذيلاً به ذكر كتاب ، و باب و شماره حديث به صورت اجمال ميپردازيم :

1 - « عن هجيمة ، عن أبي الدرداء - رضي الله عنه - قال :

قال رسول الله صلى الله عليه و سلم ألا أخبركم بأفضل من درجة الصيام والصلاة والصدقة قالوا بلى قال صلاح ذات البين فإن فساد ذات البين هي الحالقة » ⁽¹⁾ .

ترجمه : « از هجيمه ، از ابو درداء - رضي الله عنه - روايت است كه رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : ايا شما را به عملی كه بهتر از درجه روزه و نماز و صدقه است با خبر نسازم ؟ گفتند : آری ، گفت : اصلاح نمودن ميان مردم ، زيرا فساد ذات البين تراشنده (دين) است » .

2 - كتاب أبواب الصلاة ، باب ما جاء في سجود القرآن 335/1 رقم (1055) .

3 - كتاب تفسير القرآن ، باب من سورة الكهف 293/5 رقم (3152) .

4 - كتاب البر و الصلة ، باب في حسن الخلق 363/4 رقم (2003) .

5 - كتاب البر و الصلة ، باب ما جاء في الرفق 367/4 رقم (2013) .

6 - كتاب البر و الصلة ، باب في الذنب عن عرض المسلم 327 /4 رقم (1931) .

(¹) سنن ترمذی ، كتاب صفة القيامة و الرقائق ، باب في إصلاح ذات البين ، (4/663 رقم 2509) . حكم حديث : صححه الالباني ، جزء 4 ، صفحه 663.

7 - کتاب صفة جهنم ، باب ما جاء في صفة طعام أهل النار 707/4 رقم (2856) .

ج - در سنن نسائي :

هجيمه بنت حي در سنن نسائي تنها يك روايت دارد :

« عن أم الدرداء قالت قال أبو الدرداء - رضي الله عنه - لقد رأيتنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في بعض أسفاره في يوم حار شديد الحر حتى أن الرجل ليضع يده على رأسه من شدة الحر وما منا أحد صائم إلا رسول الله صلى الله عليه وسلم وعبد الله بن رواحة » ⁽¹⁾ .

ترجمه : « از ام درداء روايت است ، كه ابو درداء - رضي الله عنه - ميگويد : در در يكي از سفرها با رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بوديم ، در روزي كه هوا خيلي گرم بود ، حتي از شدت گرما دست خود به سر مي گذاشتيم ، از ميان ما هيچ كس روزه نداشت به جز از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - و عبدالله بن رواحه » .

د - در سنن ابن ماجه :

مجموع مرويات هجيمه بنت حي (أم درداء صغرى) در سنن ابن ماجه به (7) حديث ميرسد ، كه ذيلاً به ذكر كتاب ، و باب و شماره حديث به صورت اجمال ميپردازيم :

1 - « عن أم الدرداء عن أبي هريرة - رضي الله عنه - قال :

عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال : " إن الله يقول : أنا مع عبدي إذا هو ذكرني و تحركت بي شفتاه » ⁽²⁾ .

ترجمه : « از ام درداء ، از ابو هريره - رضي الله عنه - از نبی - صلى الله عليه وسلم - روايت ميكند كه گفت : خداوند متعال ميفرمايد : " من با بنده خود هستم چون مرا ذكر نمايد و لبهايش به ياد من حركت كند » .

2 - كتاب الفتن ، باب الصبر على البلاء 1339/2 رقم (3043) .

3 - كتاب إقامة الصلاة ، باب عدد سجود القرآن 335/1 رقم (568) .

4 - كتاب الجهاد ، باب فضل غزو البحر 928/2 رقم (2777) .

5 - المقدمة ، باب فيما أنكرت الجهمية 73/1 رقم (202) .

⁽¹⁾ كتاب الصيام ، باب ما يكره من الصيام في السفر 174/6 .

⁽²⁾ سنن ابن ماجه ، كتاب الأدب ، باب فضل الذكر (1246/2 رقم 3792) . صححه الالباني ، جزء 2 ، صفحه 1246 .

6- کتاب الصيام ، باب ما جاء في الإفطار في السفر 32/2 رقم (532) .

7- کتاب الدعاء ، باب فضل دعاء الحاج 966/2 رقم (2895) .

مجموع مرویات هجیمه بنت حی (أم درداء صغری) در کتب سته به (22) حدیث میرسد ، که آن جمله (3) حدیث در صحیح بخاری ، و (3) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، و در (4) حدیث ، صحیحین و سنن اربعه اتفاق ، و در (18) روایت سنن تفرّد نموده است .

5-مرویات حفصة بنت سیرین ⁽¹⁾ در سنن أربعة :

الف - در سنن أبي داود:

مجموع مرویات حفصة بنت سیرسن در سنن أبي داود به (8) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- « عن حفصة بنت سيرين ، عن الرباب ، عَنْ سَلِيْمَانَ بْنِ عَامِرٍ الضَّبِّيِّ عَمِّهَا - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- « إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا فَلْيُفْطِرْ عَلَى التَّمْرِ فَإِنْ لَمْ يَجِدِ التَّمَرَ فَعَلَى الْهَاءِ فَإِنَّ الْهَاءَ طَهُورٌ » ⁽²⁾ .

ترجمه : « از حفصة بنت سیرین ، از رباب از سلیمان ابن عامر ضبی ، کاکایش - رضي الله عنه - روایت است که میگوید : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود : هرگاه یکی از شما روزه داشت ، با خرما افطار نماید ، و اگر آنرا نیافت ، پس با آب افطار کند ، زیرا آب پاک کننده است . »

2- کتاب الجنائز ، باب كيف غسل الميت 166/3 رقم (343،344).

3- کتاب الجنائز ، باب في النوح 193/3 رقم (3127).

4- کتاب الطلاق ، باب فيما تجتنبه المعتدة في عدتها 292/2 رقم (3302).

5- کتاب الطهارة ، باب في المرأة ترى الكدرة و الصفرة بعد الطهر 122/2 رقم (307).

⁽¹⁾ معرفی شان در فصل اول ، تحت عنوان افضل تابعیات گذشت .

⁽²⁾ سنن أبو داود ، کتاب الصوم ، باب ما يفطر عليه (278/2 رقم 2357). حکم حدیث : اسناد حسن ، جزء ، صفحه 38 ، المحقق: شعيب الأرناؤوط ، دار الرسالة العالمية.

6- کتاب الصلاة ، باب خروج النساء إلى العيد 296/1 رقم (1138).

7- کتاب الأضاحي ، باب في العقیقة 118/2 رقم (2839).

8- کتاب الجنائز ، باب اتباع النساء الجنائز 219/2 رقم (3167).

ب - در سنن ترمذی :

مجموع مرویات حفصه بنت سیرین در سنن ترمذی به (6) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال به آن میپردازیم :

1- « عن حفصة بنت سيرين ، عن الرباب أم الرائح ، بنت صليح ، عن سليمان بن عامر - رضي الله عنه - قال :
"الصدقة على المسكين صدقة وهي على ذي الرحم ثنتان صدقة وصلة" » ⁽¹⁾

ترجمه : « از حفصه بنت سیرین ، از رباب ام رائح بنت صلیح از سلیمان ابن عامر - رضی الله عنها - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود : ثواب صدقه بر مسکین یک صدقه است ، و بر اقارب دو ثواب میباشد : صدقه ، و پیوند صله رحم» .

2- کتاب الجنائز ، باب غسل الميت أكثر من سبعة 315/3 رقم (995).

3- کتاب الزکاة ، باب ما جاء في الصدقة على ذي القرابة 77/3 رقم (694).

4- کتاب المناقب ، باب مناقب الحسن والحسين 659/5 رقم (3778).

5- کتاب الصلاة ، باب في خروج النساء إلى العیدین 340/3 رقم (540).

6- کتاب الأضاحي ، باب الأذان في أذن المولود 97/4 رقم (1515).

ج- در سنن نسائی :

مجموع مرویات حفصه بنت سیرسن در سنن نسائی به (5) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

⁽¹⁾ (سنن ترمذی ، کتاب الزکاة ، باب ما جاء في الصدقة على ذي القرابة (46/3 رقم 658). حکم حدیث : حدیث حسن، جزء 2 صفحه 40.

1- «عن حفصة عن ام عطية - رضي الله عنها - قالت : كنا ننهي ان نحد على ميت فوق ثلاث الا على زوج اربعة اشهر وعشرا ولا نكتحل ولا نتطيب ولا نلبس ثوبا مصبوغا الا ثوب عصب وقد رخص لنا عند الطهر إذا اغتسلت احدانا من محيضها في نبذة من كست اظفار وكنا ننهي عن اتباع الجنائز» (1).

ترجمه : « از حفصه از ام عطيه - رضي الله عنها - روايت است كه ميگويد : از عزا داري بالاي ميت به بالاتر از سه روز منع شديد ، مگر بر كسيكه شوهرش وفات شود ، چهار ماه و ده روز است . پس سرمه نمى زدیم ، خوشبویی استفاده نمى كرديم ، و نه لباسی كه زعفران داده شده بود ، مگر لباس یمى ، و حالانكه برای یکی از ما زمانيكه از حیض پاک میشدیم ، و غسل می كرديم كه تكه بخور (ماده خوشبو) به كار بگیریم (تا بوى بد اثر خون را از بین ببرد) . و از مشايعت بر جنازه ها منع شده بودیم » .

2- كتاب الجنائز ، باب نقض رأس الميت 616/1 رقم (2008) ، كتاب الجنائز ، باب الكافور في غسل الميت 619/1 رقم (2017).

3- كتاب الصيام ، باب ما يستحب للصائم أن يفطر عليه 254/2 رقم (3324).

4- كتاب الزكاة ، باب الصدقة على الأقارب ، 92/5

5- كتاب العيدين ، باب التكبير أيام منى 330/1 رقم (928).

د - در سنن ابن ماجه :

مجموع مرويات حفصه بنت سيرسن در ابن ماجه به (8) حديث ميرسد ، كه ذيلاً به ذكر كتاب ، و باب و شماره حديث به صورت اجمال ميپردازيم :

1- «عن أم هزبل عن أم عطية وكانت بايعت النبي - صلى الله عليه وسلم - قالت كنا لا نعد الكدرة والصفرة بعد الطهر شيئاً» (2).

(1) سنن نسائي ، كتاب الطلاق ، باب ماتجتنب الحادة من الثياب المصبوغة (206/6) . حكم حديث : و الحديث مخرج في البخاري ، جزء 1 ، صفحه 69 ، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي).

(2) سنن ابن ماجه ، كتاب الطهارة و سننها ، باب ما جاء في الحائض ترى بعد الطهر الصفرة والكدره ، (212/1 رقم 674). اسناد حسن ، سنن أبي داود ، باب المرأة ترى الصفرة والكدره ، جزء 1 ، صفحه 226 ، المحقق : شعيب الأرناؤوط ، دار الرسالة العالمية.

ترجمه: «از ام هزیل - که مراد از ام هزیل حفصه است - از ام عطیه در حالیکه از کسانی بود که با رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بیعت کرده بود ، میگوید : ما بعد از طهر اثری را که به رنگ خاکی و زردی میبود حیض نمی شمردیم».

2- کتاب الجنائز ، باب ما جاء في غسل الميت 468/1 رقم (1459).

3- کتاب الصیام ، باب ما جاء على ما يستحب الفطر 542/1 رقم (1699).

4- کتاب الزکاة ، باب فضل الصدقة 591/1 رقم (1844).

5- کتاب الطلاق ، باب هل تحد المرأة على غیر زوجها 674/1 رقم (2087).

6- کتاب اقامة الصلاة ، باب ما جاء في خروج النساء في العیدین 414/1 رقم (1307).

7- کتاب الذبائح ، باب العقیقة 336/3 رقم (3264).

8- کتاب الجنائز ، باب ما جاء في أتباع انساء الجنائز 502/1 رقم (1577).

مجموع مرویات حفصه بنت سیرین در کتب سته به (13) حدیث میرسد ، که از آن جمله (7) حدیث در صحیح بخاری ، و (8) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، و در (9) حدیث ، صحیحین و سنن اربعه اتفاق ، و در (4) روایت سنن تفرّد نموده است .

6- مرویات عائشه بنت طلحه ⁽¹⁾ در سنن أربعة :

الف - در سنن أبی داود:

مجموع مرویات عائشه بنت طلحه در سنن ابی داود به (5) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- عن عائشة بنت طلحة عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

كنا نغتسل و علينا الضماد و نحن مع رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ⁽²⁾

⁽¹⁾ معرفی شان در فصل دوم ، تحت عنوان اوساط تابعیات گذشت .

⁽²⁾ سنن أبو داود ، کتاب الطهارة ، باب في المرأة هل تنقض شعرها 105/1 رقم (254). حکم حدیث : صححه الالبانی، جزء 1 ، صفحه 66، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

ترجمه: «از عائشه بنت طلحه، از عایشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید: ما غسل مینمودیم در حالیکه پارچه تکه ای خوشبو را که بر سر می بستیم با خود میداشتیم، و همراهی ما رسول الله - صلى الله عليه و سلم - میبود، یعنی ما را».

2- کتاب السنة، باب في زراي المشرکين 299/4 رقم (4713).

3- کتاب الحج، باب ما يلبس المحرم 166/2 رقم (1830).

4- کتاب الأدب، باب ما جاء في القيام 776/2 رقم (5217).

5- کتاب الصوم، باب الرخصة في ذالك 329/2 رقم (2455).

ب - در سنن ترمذی :

مجموع مرویات عائشه بنت طلحه در سنن ترمذی به (3) حدیث میرسد، که ذیلاً به ذکر کتاب، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- «عن عائشة بنت طلحة عن عائشة أم المؤمنين - رضي الله عنها - قالت: أراد النبي صلى الله عليه و سلم أن ينحي مخاط أسامة قالت عائشة دعني حتى أكون أنا الذي أفعل قال: "يا عائشة أحبيه فأني أحبه"»⁽¹⁾.

ترجمه: «از عائشه بنت طلحه، عائشه أم المؤمنين - رضي الله عنها - روایت است که میگوید: رسول الله - صلى الله عليه و سلم - خواست که مخاط اسامه را پاک نماید، عائشه گفت: بگذار من این کار را انجام دهم، فرمود: ای عائشه! او را دوست داشته باش، چون من دوستش دارم».

2- کتاب المناقب، باب فضل فاطمة بنت محمد - صلى الله عليه وسلم - 657/5 رقم (3872).

3- کتاب الصوم، باب صيام المتطوع من غير تثبيت 118/2 رقم (730).

ج - در سنن نسائي :

مجموع مرویات عائشه بنت طلحه در سنن نسائي به (3) حدیث میرسد، که ذیلاً به ذکر کتاب، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

(¹) سنن ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب أسامة ابن زيد (341/5 رقم 3818). حکم حدیث: حسنه الالبانی، جزء 5، صفحه 667، تحقیق و تعلیق، شرکة مکتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

1-«عن عائشة بنت طلحة عن خالتها عائشة أم المؤمنين - رضي الله عنها - :

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ إِحْدَى نِسَائِهِ أَنْ تَنْفَرَ مِنْ جَمْعٍ لَيْلَةً جَمَعَ فَتَأْتِي جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ فَتَرْمِيهَا وَتُصْبِحَ فِي مَنْزِلِهَا وَكَانَ عَطَاءٌ يَفْعَلُهُ حَتَّى مَاتَ « (1) .

ترجمه : « از عائشه بنت طلحه ، از خاله ای شان عائشه أم المؤمنين - رضي الله عنها - ، که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - یکی از ازواج مطهرات را امر نمود که در شب دهم از مزدلفه حرکت کند ، تا نزد جمره عقبه آمده رمی کند و پس به جای خود رفته آنجا صبح کند . و عطاء این کار را تا دم مرگ انجام میداد » .

2- کتاب الجنائز ، باب الصلاة على الصبيان 57/4 رقم (1947).

3- کتاب الحج ، باب فضل الحج 114/5.

د - در سنن ابن ماجه :

مجموع مرویات عائشه بنت طلحه در سنن ابن ماجه به (3) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1-«عن عائشة بنت طلحة عن عائشة أم المؤمنين - رضي الله عنها - قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : " أسرع الخير ثوابا ، البر وصلة الرحم . وأسرع الشر عقوبة ، البغي وقطيعة الرحم » (2) .

ترجمه : « از عائشه بنت طلحه ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید :

رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود : سریع ترین خیر از حیث ثواب ، نیکی و صله رحم است . و سریع ترین شر از نگاه عقوبت ، بغاوت و قطع صله رحم است » .

2- کتاب المقدمة ، باب في القدر 32/1 رقم (82).

3- کتاب المناسک ، باب الحج جهاد النساء 968/2 رقم (2901).

(1) سنن نسائي ، كتاب الحج ، باب الرخصة في ذلك للنساء (275/5 رقم 3066). حكم حديث : ضعفه الالباني ، جزء 5 ، صفحه 272 ، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب.

(2) سنن ابن ماجه ، كتاب الزهد ، باب البغي (1408/2 رقم 4212). حكم حديث : قال الالباني ضعيف جدا ، جزء 2 ، صفحه 1408 ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.

مجموع مرویات عائشه بنت طلحه در کتب سته به (10) حدیث میرسد ، که از جمله (2) حدیث در صحیح بخاری ، و (3) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، و در (4) حدیث ، صحیحین و سنن اربعه اتفاق ، و در (6) روایت سنن تفرّد نموده است .

7- مرویات فاطمة بنت المنذر ⁽¹⁾ در سنن اربعه :

الف - در سنن أبی داود :

مجموع مرویات فاطمه بنت منذر در سنن ابی واود به (4) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- «عن فاطمة بنت منذر ، عن أسماء بنت أبی بکر - رضي الله عنها - قالت : أفطرنا على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم في يوم غيم . ثم طلعت الشمس . قلت لهشام : أمروا بالقضاء ؟ قال : فلا بد من قضاء . وقال معمر : سمعت هشاماً : لا أدري أقضوا أولاً» ⁽²⁾ .

ترجمه : «از فاطمه بنت منذر ، از اسماء بنت ابوبکر - رضي الله عنها - روایت است که میگوید : در عهد رسول الله - صلى الله عليه وسلم - افطار نمودیم ، در حالیکه آسمان ابری بود ؛ بعد آفتاب نمودار شد ، برای هشام گفته شد : آیا به قضاء آوردن دستور داده شدند؟ گفت : لازماً باید قضا آورده شود . و معمر میگوید : از هشام شنیدم که میگفت : نمیدانم آیا قضای آنرا آوردند یا خیر» .

2- کتاب الطهارة ، باب المرأة تغسل ثوبها الذي تلبسه في حیضها 99/1 رقم (361).

3- کتاب الصلاة ، باب العتق فیها 310/1 رقم (1192).

4- کتاب الأدب ، باب المتشبع بما لم يعط 457/4 رقم (4999).

د- در سنن ترمذی :

مجموع مرویات فاطمه بنت منذر در سنن ترمذی به (3) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

⁽¹⁾ معرفی این تابعیه در فصل دوم زیر عنوان اوساط تابعیات گذشت .

⁽²⁾ سنن أبو واود ، کتاب الصوم ، باب الفطر قبل غروب الشمس 306/2 رقم (2359). صححه الالبانی، سنن ابن ماجه ، باب ما جاء فیمن أفطر ناسیا، جزء 1، صفحه 535، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.

1- « عن هشام قال حدثني فاطمة عن اسماء رضي الله عنها - قالت : جاءت امرأة النبي صلى الله عليه وسلم فقالت أرأيت احدانا تحيض في الثوب كيف تصنع ؟ قال تحته ثم تقرصه بالماء وتنضحه وتصلي فيه » (1).

ترجمه : « از هشام مرویست که میگوید : فاطمه برایم از اسماء - رضی الله عنها - روایت کرد که وی میگوید : زنی نزد رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آمده گفت : چه میگویی در مورد یکی از ما که در لباسهایش حیض میشود (لباسش با خون آلوده میشود) ؟ فرمود : آنرا مالیده و سپس آب بالایش میریزد و می فشارد بعد در آن نماز بخواند ».

2- کتاب الطهارة ، باب ما جاء في تبريد الحمى بالماء 353/4 رقم (2074).

3- کتاب الرضاع ، باب ما ذكر أن الرضاعة لا تحرم إلا في الصغر 458/3 رقم (1152).

ج- در سنن نسائي :

مجموع مرویات فاطمه بنت منذر در نسائي به (4) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- « عن فاطمة و عباد بن حمزة عن أسماء - رضي الله عنها - قالت : قال النبي صلى الله عليه وسلم أنفقي ولا توعي فيوعي الله عليك ولا تحصي فيحصي الله عليك » (2).

ترجمه : « از فاطمه و عباد بن حمزه از اسماء - رضی الله عنها - روایت است که میگوید : انفاق کن و مالت را جمع نکن ، که خدا با تو چنان خواهد کرد ، و حسابش مکن که الله بر تو حساب خواهد کرد ».

2- کتاب الطهارة ، باب دم الحيض يصيب الثوب 155/1 .

3- کتاب الزينة ، باب الواصلة 145/8.

4- کتاب الأدب ، باب المتشعبة بغير ما أعطيت و ذكر الاختلاف 292/5 رقم (8921).

ج - در سنن ابن ماجه :

(1) سنن ترمذي ، کتاب الطهارة ، باب ما جاء في غسل دم الحيض من الثوب 254/1 رقم (138). صحيح البخاري، باب غسل الدم ، جزء 1، صفحه 55، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي).

(2) سنن نسائي ، کتاب الزكاة ، باب الإحصاء في الصدقة 379/5 رقم (9195). إسناده صحيح على شرط الشيخين، الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان، باب جمع المال من حله وما يتعلق بذلك، جزء 8، صفحه 5، تحقيق شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، بيروت.

مجموع مرویات فاطمه بنت منذر در سنن ابن ماجه به (4) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- «عن فاطمة عن أسماء - رضي الله عنها - قالت :

لعن النبي - صلى الله عليه وسلم - الواصلة و المستوصلة » (1) .

ترجمه : « از فاطمه ، از اسماء - رضي الله عنها - روایت است که ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - زنی پیوند کننده موی و زنی را که مویش پیوند شود ، را لعنت نموده است » .

2- کتاب الصوم ، باب ماجاء فيمن أفطر ناسيا 535/1 رقم (1674).

3- کتاب الطهارة ، باب ما جاء في دم الحيض يصيب الزوج 206/1 رقم (629).

4- کتاب الطب ، باب الحمى من فيح جهنم 1150/2 رقم (2474).

مجموع مرویات فاطمه بنت منذر در کتب سته به (11) حدیث میرسد ، که از آن جمله (8) حدیث در صحیح بخاری ، و (7) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، و در (10) حدیث ، صحیحین و سنن اربعة اتفاق ، و در (1) روایت سنن تفرد نموده است .

8- مرویات معاذة بنت عبدالله عدوية (2) در سنن اربعة :

الف - در سنن أبی داود :

مجموع مرویات معاذة بنت عبدالله عدويه در سنن ابی داود به (4) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- «عن مُعَاذَةَ الْعَدَوِيَّةَ رَحِمَهَا اللَّهُ - : "أَنَّهَا سَأَلَتْ عَائِشَةَ زَوْجَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- أَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- يَصُومُ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ قَالَتْ نَعَمْ . فَقُلْتُ لَهَا مِنْ أَيِّ أَيَّامِ الشَّهْرِ كَانَ يَصُومُ قَالَتْ لَمْ يَكُنْ يُبَالِي مِنْ أَيِّ أَيَّامِ الشَّهْرِ يَصُومُ » (3) .

ترجمه : « از معاذة عدويه - رحمها الله - روایت است که از عائشه همسر رسول الله - صلى الله عليه و سلم - پرسید که آیا رسول الله - صلى الله عليه و سلم - در هر ماه سه روز آنرا روزه میگرفت ؟ گفت : آری . سپس برایش عرض

(1) سنن ابن ماجه ، کتاب النکاح ، باب الواصلة والواشمة 6391/2 رقم (1988). حکمه صحیح، جزء 3، صفحه 154، المحقق: شعيب الأرناؤوط، دار الرسالة العالمية.

(2) معرفی شان در فصل دوم زیر عنوان اوساط تابعیات گذشت .

(3) سنن أبو داود ، کتاب الصوم ، باب من قال : لا يبالي من أي شهر 328/2 رقم (2453). صححه الالبانی، جزء 2 ، صفحه 328، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

کردم ، کدام روز های ماه را روزه میداشت ؟ گفت : به اینکه کدام ایام ماه را روزه بگیرد توجه خاصی نمیکرد ، (روزش مشخص نبود) .

2- کتاب الطهارة ، باب في الحائض لا تقضي الصلاة 118/1 رقم (262).

3- کتاب النکاح ، باب في القسم بين النساء 200/2 رقم (2136).

4- کتاب الطهارة ، باب المرأة تغسل ثوبها الذي تلبسه في حیضها 151/1 رقم (357).

ب - در سنن ترمذی:

مجموع مرویات معاذہ بنت عبد اللہ عدویہ در سنن ترمذی به (3) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- «عن معاذة عن عائشة - رضي الله عنها - قالت : مرن أزواجكن أن يستطيبوا بالماء فإني أستحيهم فإن رسول الله صلى الله عليه و سلم كان يفعله»⁽¹⁾ .

ترجمه : « از معاذه ، از عائشه - رضي الله عنها - مروی است ، شوهران تانرا دستور دهید که با آب خود را خوب پاک بشویند ، (استنجاء نمودن بعد از قضای حاجت) زیرا من از گفتن این سخن برای خود شان حیاء می کنم ، چون رسول الله - صلى الله عليه و سلم - این کار را میکرد » .

2- کتاب الطهارة ، باب ماجاء في الحائض أنها لا تقضي الصلاة 234/1 رقم (130).

3- کتاب الصوم ، باب ما جاء في صيام ثلاثة أيام من كل شهر 135/3 رقم (763).

ج - در سنن نسائی :

مجموع مرویات معاذہ بنت عبد اللہ عدویہ در سنن نسائی به (3) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- «عَنْ مَعَاذَةَ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ :

⁽¹⁾ (سنن ترمذی ، کتاب الطهارة ، باب ماجاء في الاستنجاء بالماء (30/1 رقم 19). حکم حدیث : صححه الالبانی ، جزء 1 ، صفحه 30، تحقیق و تعلیق: أحمد محمد شاکر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

كُنْتُ أَغْتَسِلُ أَنَا وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ إِنَاءٍ وَاحِدٍ أَبَادِرُنِي حَتَّى يَقُولَ دَعِيَ لِي وَأَقُولَ أَنَا دَعِيَ لِي»⁽¹⁾.

ترجمه: «از عایشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید: من و رسول الله - صلى الله عليه و سلم - از آب یک ظرف غسل مینمودیم، من میخوامم از او در گرفتن آب پیشی بگیرم، و او بر من پیشی میگرفت، تا اینکه میگفت: به من بگذار، و من میگفتم: برای من بگذار».

2- کتاب الطهارة، باب سقوط الصلاة عن الحائض 191/1 رقم (382)، کتاب الصيام، باب وضع الصيام عن الحائض 191/4 رقم (2318).

3- کتاب الأشربة، باب النهي عن نبذ الدباء و الحنتم 307/8.

د - در سنن ابن ماجه:

مجموع مرویات معاذ بن عبد الله عدویه در سنن ابن ماجه به (4) حدیث میرسد، که ذیلاً به ذکر کتاب، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم:

1- «عن معاذة - رحمها الله -:

أنها سألت عائشة - رضي الله عنها - : كم كان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يصلي صلاة الضحى، قالت: "أربع ركعات و يزيد ما شاء" ⁽²⁾.

ترجمه: «از معاذه - رحمها الله - روایت است که او از عائشه پرسید: که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - نماز ضحی را چند رکعت میگذارد؟ گفت: چهار رکعت، و در آن هر قدر که میخواست می افزود».

2- کتاب الطهارة، باب الحائض تختضب 214/1 رقم (655).

3- کتاب الطهارة، باب الحائض لا تقضي الا صلاة 207/1 رقم (631).

4- کتاب الصوم، باب ما جاء في صيام الدهر 545/1 رقم (1709).

(1) سنن نسائی، کتاب الطهارة، باب الرخصة في ذلك 221/1 رقم (412). صححه الالبانی، تحقیق: عبد الفتاح أبو غدة، مکتب المطبوعات الإسلامية - حلب.

(2) سنن ابن ماجه، کتاب إقامة الصلاة، باب ما جاء في صلاة الضحی 439/1 رقم (1381). صحیح مسلم، باب عدد ركعات الضحی، جزء 1، صفحه 497، دار إحياء التراث العربي - بیروت.

مجموع مرویات معاذہ بنت عبداللہ عدویہ در کتب سته به (10) حدیث میرسد ، که آن جمله (2) حدیث در صحیح بخاری ، و (6) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، و در (7) حدیث ، صحیحین و سنن اربعه اتفاق ، و در (3) روایت سنن تفرد نموده است .

9- مرویات خیرة أم حسن البصري (1) در کتب سنن :

الف - در سنن أبی داود :

مجموع مرویات خیره أم حسن بصری در سنن ابی واود به (2) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1 - «عَنْ الْحَسَنِ عَنْ أُمِّهِ عَنْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ : كُنَّا نَنْبِذُ لِرَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي سِقَاءٍ يُوَكِّي أَعْلَاهُ وَلَهُ عَزْلَاءٌ نَنْبِذُهُ غُدُوَّةً فَيَشْرَبُهُ عِشَاءً وَنَنْبِذُهُ عِشَاءً فَيَشْرَبُهُ غُدُوَّةً» (2) .

ترجمه: «از حسن از مادرش ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید : ما برای رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در ظرف چرمی نبیذ می ساختیم ، که قسمت بالایش بسته میشد و طرف پائین دهن میداشت ، از طرف صبح نبیذ جور می کردیم که انرا شام میخورد ، و از طرف شام جور میکردیم که صبح میلش می کرد .»

2 - کتاب الطهارة ، باب بول الصبي يصيب الثوب 156/1 رقم (379).

ب - در سنن ترمذی :

مجموع مرویات خیره مادر حسن بصری در سنن ترمذی به (3) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1 - «عن خيرة، عن أم سلمة - رضي الله عنها - :

أن النبي - صلى الله عليه وسلم - شبر لفاطمة شبراً من نطاقها» (3) .

(1) معرفی مختصر این تابعیه در فصل دوم ، تحت عنوان کبار تابعیات گذشت .

(2) سنن أبو داود ، کتاب الأشربة ، باب صفة النبیذ 385/3 رقم (3713). صححه الالبانی ، جزء 3، صفحہ 334، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت.

(3) سنن ترمذی ، کتاب اللباس ، باب ماجاء فی جر ذیول النساء 137/3 رقم (1786) . حکم حدیث : صححه الالبانی ، سنن الترمذی ، باب ما جاء فی جر ذیول النساء ، جزء 4، صفحہ 224، تحقیق وإبراهیم عطوة عوض المدرس فی الأزهر الشریف، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

ترجمه: «از خیره، از ام سلمه - رضي الله عنها - روایت که، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - در کمر بند فاطمه به اندازه یک بلست افزود (در لباسهایش برای ستر بیشتر افزود)».

2 - کتاب الوتر، باب لا وتران في ليلة 292/1 رقم (469).

3 - کتاب الأشربة، باب ما جاء في الإنتباز في السقاء 261/4 رقم (1871).

ج - در سنن نسائي :

مجموع مرویات خیره مادر حسن بصری در سنن نسائي به (2) حدیث میرسد، که ذیلاً به آن میپردازیم :

1 - «عن الحسن عن أمه عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

كان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يتوضأ بالماء و يغتسل بالصاع»⁽¹⁾.

ترجمه: «از حسن، از مادرش از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - با یک مد وضو، و یک صاع غسل مینمود».

2 - کتاب مناقب، باب ذکر قول النبي عمار 155/5 رقم (8544).

د - در سنن ابن ماجه :

مجموع مرویات خیره مادر حسن بصری در سنن ابن ماجه به (2) حدیث میرسد، که در ذیل به آن می پردازیم :

1 - «عن خيرة، عن أم سلمة - رضي الله عنها - :

أن النبي - صلى الله عليه وسلم - كان يصلي بعد الوتر ركعتين»⁽²⁾.

ترجمه: «از خیره، از حضرت أم سلمة - رضي الله عنها - روایت میشود که نبی - صلى الله عليه و سلم - بعد از وتر دو رکعت نماز میگذارند».

(¹) سنن نسائي، کتاب الطهارة، باب القدر الذي يكفي الإنسان للوضوء و الطهر (180/1 رقم 346). حکم حدیث: صححه الالبانی، تحقیق: عبد الفتاح أبو غدة، مکتب المطبوعات الإسلامية - حلب.

(²) سنن ابن ماجه، کتاب إقامة الصلاة، باب ما جاء في الركعتين بعد الوتر جالساً (376/1 رقم 1194). حکم حدیث: صححه الالبانی، جزء 1، صفحه 377، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.

2 - كتاب الطهارة ، باب ما جاء في بول الصبي الذي لم يطعم 175/1 رقم (77) ، كتاب الطهارة ، باب ما جاء في بول الصبي 175/1 رقم (526) .

مجموع مرویات خیره ام حسن بصری در کتب سته به (6) حدیث میرسد ، که آن جمله (1) حدیث در صحیح بخاری ، و (3) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، و در (3) حدیث ، صحیحین و سنن اربعه اتفاق ، و در (3) روایت سنن تفرد نموده است.

10- مرویات صفیه بنت ابو عبید (1) در کتب سنن :

الف - در سنن ابی داود :

مجموع مرویات صفیه بنت ابو عبید در سنن ابی داود به (2) حدیث میرسد ، که اینک در ذیل به آن میپردازیم :

1- «عن صفیه بنت ابی عبید أن عائشة - رضي الله عنها - حدثتها:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - قَدْ كَانَ رَخَّصَ لِلنِّسَاءِ فِي الْخُفَيْنِ فَتَرَكَ ذَلِكَ» (2).

ترجمه : « از صفیه بنت ابی عبید روایت است که عائشه - رضي الله عنها - برایش گفت : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - برای زنان محرم در پوشیدن خفین رخصت داده بود . پس ابن عمر این کار یعنی قطع کردن خفین را ترک کرد . »

2- كتاب اللباس ، باب قدر الذيل 111/4 رقم (4119).

ب - در سنن ترمذی :

ندارد.

ج- در سنن نسائی :

مجموع مرویات صفیه بنت ابو عبید در سنن نسائی به (4) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

(1) معرفی شان در فصل دوم زیر عنوان کبار تابعیات گذشت .

(2) سنن أبو داود ، کتاب المناسک ، باب ما یلبس المحرم (104/2 رقم 1833). حکم حدیث : حسنه الالبانی، جزء 2، صفحه 166، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت.

1- «عن صفية عن حفصة - رضي الله عنها - قالت : أنه كان يصلي ركعتي الفجر ركعتين خفيفتين» (1).

ترجمه : « از صفیه ، از حفصه - رضي الله عنها - روایت است که ، رسول الله - صلى الله عليه وسلم - دو رکعت نماز فجر را خفیف اداء مینمود . »

2- کتاب اللباس ، باب ذیول النساء 209/8 رقم (5339) ، کتاب الزینة ، باب ذیول النساء 495/5 رقم (9742).

3- کتاب الطلاق ، باب عدة المتوفی عنها زوجها 189/6 .

4- کتاب الطلاق ، باب عدة المتوفی عنها زوجها 189/6 .

د - در سنن ابن ماجه :

مجموع مرویات صفیه بنت ابو عبید در سنن ابن ماجه به (2) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1 - «عن امرأة ابن عمر ، عن عائشة - رضي الله عنها - :

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال : من شرب في إناء فضة فكأنما يجر جر في بطنه نار جهنم» (2).

« از همسر ابن عمر ، از عائشه - رضي الله عنها - از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - روایت مینماید که فرمود : " کسیکه در ظرف نقره بنوشد ، گویا در شکم خود آتش جهنم را فرو میبرد . »

2- کتاب الطلاق ، باب هل تحد المرأة على غير زوجها 674/1 رقم (63).

مجموع مرویات صفیه بنت ابی عبید در کتب سته به (8) حدیث میرسد ، که از آن جمله (1) حدیث در صحیح بخاری و آن هم تعلیقاً آمده ، و (3) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، و در (3) حدیث ، صحیحین و سنن اربعه اتفاق ، و در (5) روایت سنن تفرّد نموده است .

11 - مرویات فاطمة بنت حسين (3) در کتب سنن :

(1) سنن ابن ماجه ، کتاب الصلاة ، باب وقت رکعتي الفجر (253/3 رقم 1765).

(2) سنن ابن ماجه ، کتاب الأشربة ، باب شرب في آنية الفضة (1130/3 رقم 3415). حکم حدیث : صححه الالبانی، جزء 2، صفحه 1130، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.

(3) (فرزند حسین بن علی ، سبط رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ، مادرش فرزند صحابی بزرگوار أم کلثوم بنت طلحة بن عبیدالله میباشد ، جده ی ماجده ی شان سیده زنان عالم ، فاطمة بنت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - میباشد

الف - در سنن أبی داود :

تنها یک روایت در سنن ابی داود نقل شده است :

در سنه (40 هـ) متولد شد ، و از همان سن طفولیت حب عبادت و تقوی داشته ، مستقیماً از اصحاب اخذ علم (فقه و روایت حدیث) نموده است. از جمله شیوخ شان در روایت ، بلال مؤذن ، فاطمة کبری ، جده ی شان ، علی بن حسین برادرش ، و عبدالله بن عباس ، عائشة و أسماء بنت عمیس ، و عمه ی شان زینب بنت علی - رضي الله عنهن - روایت کره اند . تلامیذ شان ، فرزندش حسن ، ، و زیاد بن هشام و عمارة بن غزیه انصاری میباشد . (نساء من عصر التابعین 33/1- 34) . در سنه [17] هجری در حالیکه عمرش از هشتاد تجاوز نموده بود . ابن حجر در باره ی شان میگوید : " ثقة ، من الرابعة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8753، ص 1367) .

1 - « عن فاطمة بنت حسين عن حسين بن علي - رضي الله عنهما - قال :

قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : " للسائل حق وإن جاء على فرس » ⁽¹⁾ .

ترجمه : « از فاطمه بنت حسين ، از حسين ابن علي - رضي الله عنهما - روایت است که میگوید :

رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود : " سائل بر شما حق دارد ، و لو اینکه بر اسب سوار آمده باشد » .

ب - در سنن ترمذی :

تنها یک روایت در سنن ترمذی نقل شده است :

1 - « عن عبد الله بن الحسن عن امه فاطمة بنت الحسين عن جدتها فاطمة بنت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قالت :

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا دخل المسجد صلى الله عليه وسلم ، وقال رب اغفر لي ذنوبي وافتح لي ابواب رحمتك ، وإذا خرج صلى على محمد وسلم ، وقال : رب اغفر لي ذنوبي وافتح لي ابواب فضلك » ⁽²⁾ .

ترجمه : « از عبدالله بن حسن ، از مادرش فاطمه بنت حسين ، از جده ای شان فاطمه بنت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - روایت است که ، چون رسول الله - صلى الله عليه وسلم - وارد مسجد میشد ، میگفت : " رب اغفر لي ذنوبي بار خدایا گناهانم را ببخش و دروازه های فضل و احسانت را به رویم باز کن " ، و چون بیرون میشد ، درود فرستاده ، میفرمود : " خدایا گناهانم را مورد آمرزش قرار داده ، و دروازه های رحمتت را بر روی من باز کن " » .

د - در سنن نسائی :

ندارد .

ج - در سنن ابن ماجه :

⁽¹⁾ (سنن أبو داود ، كتاب الزكاة ، باب حق السائل (522/1 ر قم 1665،1666) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی، جزء 2، صفحه 126، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

⁽²⁾ (سنن ترمذی ، كتاب الصلاة ، باب ما جاء ما يقول عند دخول المسجد (253/1 رقم 771) . حکم حدیث : صححه الالبانی، جزء 2، صفحه 127، تحقیق وتعليق: أحمد محمد شاكر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

مجموع مرویات فاطمه بنت حسین در سنن ابن ماجه به (5) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1 - «عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها - رضي الله عنها - قال : قال النبي صلى الله عليه وسلم من أصيب بمصيبة ، فذكر مصيبته ، فأحدث استرجاعاً ، وإن تقادم عهدها ، كتب الله له من الاجر مثله يوم أصيب» (1) .

ترجمه : « از فاطمه بنت حسین از پدرش - رضی الله عنه - روایت است که میگوید : رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود : کسی که به مصیبتی دچار شده باشد ، و چون آن مصیبت به یادش بیاید ، استرجاع نماید ، و لو که زمان زیادی از آن مصیبت سپری شده باشد ، خداوند برایش اجری معادل به اجر روز واقعه را مینویسد » .

2 - کتاب الجائز ، باب ما جاء في الصلاة على ابن الرسول - صلى الله عليه وسلم - 483/1 رقم (1512)

3- کتاب الأطعمة ، باب من بات و في يده ريح غمر 1096/2 رقم (2396) .

4- کتاب المساجد والجماعات ، باب الدعاء عند دخول المسجد 127/2 رقم (314) .

5 - کتاب الطب و الجزام ، باب الجذام 1172/2 رقم (3543) .

پس مجموع مرویات فاطمه بنت حسین در کتب سته به (6) حدیث میرسد ، که این روایات تنها در کتب سنن نقل و روایت شده است .

- مرویات جسرۃ بنت دجاجة (2) در کتب سنن :

الف - در سنن أبی داود :

مجموع مرویات جسرۃ بنت دجاجة در سنن ابی داود به (2) حدیث میرسد :

(1) سنن ابن ماجه ، کتاب الجنائز ، باب الصبر على المصيبة 510/1 رقم (1600) . حکم حدیث: قال الالبانی اسنادہ ضعیف جداً ، جزء 1 ، صفحہ 510 ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

(2) جسرۃ - به فتح جیم و اسکان نون مهملة - بنت دجاجة عامرية كوفية ، از زنان عابد و زاهد عصر خود بوده ؛ حدود چهل عمرة را انجام داده است . (الطبقات الكبرى ، 489/8) .

از خضرت علی و أبو ذر غفاری و عائشة - رضي الله عنهم - روایت نموده است . و اقلت بن خليفة عامري ، و قدامة بن عبدالله عامري ، و مخدوج ذهلي از او روایت حدیث نموده اند . (تهذيب الكمال ، 143/35) .

اختلاف در صحبت شان : ابن أثير از صحابیات شان قرار داده اند (أسد الغابة 49/7 رقم 6805) ، إمام ذهبي میگوید : روز وفات نبی - علیه السلام را بیاد داشت (تجريد أسماء الصحابة ، 254 رقم 3082) ، و عجلي و ابن حجر از تابعیات قرارش میدهند . (الثقات ، ص 518) . و ابن حجر در مورد شان گفته : " مقبولة من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8649 ، ص 1348) .

1 - « عن جصرة بنت دجاجة قالت : قالت : عائشة - رضي الله عنها - : ما رأيت صانعا طعاما مثل صفية ، صنعت لرسول الله صلى الله عليه وسلم طعاما فبعثت به ، فأخذني أفكل فكسرت الاناء ، فقلت : يا رسول الله ، ما كفارة ما صنعت ؟ قال : (إناء مثل إناء وطعام مثل طعام) »⁽¹⁾ .

ترجمه : « از جسر بنت دجاجة روایت است که میگوید : عائشه - رضي الله عنها - گفت : " ندیدم کسی را که مانند صفیه طعام لذیذ ببزد، روزی به رسول الله - صلى الله عليه وسلم - طعام آماده نموده و خدمت شان فرستاد ، دستان مرا لرزه گرفت ، و ظرف افتاد و شکست ، گفتم : یا رسول الله ! كفاره این کار چیست ؟ فرمود : ظرف در مقابل ظرف ، و طعام در مقابل طعام پرداخته میشود » .

2 - کتاب الطهارة ، باب في الجنب يدخل المسجد 92/1 رقم (232) .

ب - در سنن ترمذی :

روایت ندارند .

ج - در سنن نسائی :

مجموع مرویات جسر بنت دجاجة در سنن نسائی به (4) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1 - « عن جصرة قالت : حدثني عائشة - رضي الله عنها - قالت : دخلت علي امرأة من اليهود فقالت إن عذاب القبر من البول فقلت كذبت فقالت بلى إنا لنقرض منه الجلد والثوب فخرج رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى الصلاة وقد ارتفعت أصواتنا فقال ما هذا فأخبرته بما قالت فقال صدقت فما صلى بعد يومئذ صلاة إلا قال في دبر الصلاة رب جبريل وميكائيل وإسرافيل أعذني من حر النار وعذاب القبر »⁽²⁾ .

ترجمه : « از جسر بنت دجاجة روایت است که میگوید : عائشه - رضي الله عنها - برایم روایت نموده گفت : زن یهودی ای بر من داخل شده و گفت : بول موجب عذاب قبر میشود . گفتم : دروغ میگوید . گفت : خیر ، ما پوست و لباسی را که به آن بول میرسید قطع میکردیم . رسول الله - صلى الله عليه وسلم - برای نماز بیرون شد ، در حالیکه

(¹) سنن أبو داود ، کتاب البیوع ، باب فیمن أفسد شیئاً یقدم مثله (3 / 321 رقم 3568) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، جزء 3 ، صفحہ 297 ، المحقق : محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

(²) سنن نسائی ، کتاب الإستغفار ، باب نوع آخر من الذکر و الدعاء بعد التسليم (3 / 72 رقم 1345) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، تحقیق : عبد الفتاح أبو غدة ، مکتب المطبوعات الإسلامية - حلب .

صدای ما بلند شده بود ، فرمود : چه شده ؟ من او را از سخن زن در جریان قرار دادم ، گفت : آن زن راست گفته است . بعد از آن هیچ نمازی را نمی گذاشت مگر اینکه بعد از آن این دعاء را میخواند : " رب جبریل و رب جبریل و میکائیل و اسرافیل ، مرا از گرمای آتش جهنم و عذاب قبر در پناه خود قرار بده " .».

2 - کتاب النکاح ، باب الغيرة 71/7 .

3 - کتاب الصلاة ، باب تردید الآية 177/2 .

4 - کتاب الأشربة ، باب الأخبار التي اعتل بها من أباح شرب المسکر 320/8 رقم (5680) .

ج - در ابن ماجه :

مجموع مرویات جسرہ بنت دجاجة در سنن ابن ماجه به (2) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به آن اشاره میکنیم :

1 - « عن جسرۃ أخبرتنی أم سلمة - رضي الله عنها - ، قالت : دخل رسول الله صلى الله عليه وسلم صرحۃ هذا المسجد . فنادی بأعلى صوته " إن المسجد لا یحل لجنب ولا لحائض » (1) .

ترجمه : « از جسرہ روایت است که ام سلمه - رضي الله عنها - برایم روایت نموده گفت : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در صحن این مسجد داخل شده ، و به صدای بلند فرمود : " داخل شدن به مسجد برای جنب و حائض حلال نیست » .

2- کتاب إقامة الصلاة ، باب ما جاء في القراءة في صلاة الليل 429/1 رقم (1350) .

پس مجموع مرویات جسرہ بنت دجاجة در کتب سته به (6) حدیث میرسد ، که این روایات تنها در کتب سنن نقل شده است .

13 - مرویات حفصة بنت عبدالرحمن (2) در کتب سنن :

الف - در سنن أبی داود :

مجموع مرویات حفصه بنت عبدالرحمن در سنن ابی داود به (2) حدیث میرسد :

1 - « عن حفصة بنت عبدالرحمن عَن عَائِشَةَ - رضي الله عنها - : أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - مِنْ كُلِّ خَمْسِينَ شَاةً شَاةً » (3) .

ترجمه : « از حفصه بنت عبدالرحمن ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بما دستور داد که از هر پنجاه گوسفند ، یک کوسفند را زکات بدهیم » .

(1) سنن ابن ماجه ، کتاب الطهارة ، باب ما جاء في إجتنب الحائض المسجد (211/1 رقم 645) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فیصل عیسی البابی الحلبي .

(2) معرفی مختصر شان در فصل سوم ، مبحث اول زیر عنوان مرویات آنده تابعیاتی که به اسم شان معروف اند ، گذشت .

(3) سنن أبی داود ، کتاب الأضاحي ، باب في العتيرة (64/3 رقم 2835) . حکم حدیث : صححه الالبانی ، جزء 3، صفحه 105، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت.

2 - كتاب الحج ، باب المهلة بالعمرة تحيض فيذكرها الحج 154/2 رقم (1997) .

ب - در سنن ترمذی :

مجموع مرويات حفصه بنت عبد الرحمن در سنن ترمذی به (2) حديث ميرسد ، که ذیلآ به ذکر کتاب ، و باب به آن اشاره میکنیم :

1 - « عن حفصة بنت عبد الرحمن عن أم سلمة - رضي الله عنها - : عن النبي صلى الله عليه و سلم في قوله { نساؤكم حرث لكم فاتوا حرثكم أنى شئتم } يعني صاماً واحداً »⁽¹⁾ .

ترجمه : « از حفصه بنت عبد الرحمن ، از ام سلمه - رضي الله عنها - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - در مورد این فرموده : « زنان تان کشت زار شما یند ، پس بیايید به کشت زار تان هر روش که خواهید » یعنی فقط یک راه » .

2 - كتاب الأضاحي ، باب ما جاء في العقيقة 35/3 رقم (1549) .

د - سنن نسائی :

ندارد .

ج - در سنن ابن ماجه :

1 - « عن يوسف بن ماهك (أنهم) دخلوا على حفصة بنت عبد الرحمن فسألوها عن العقيقة ، فأخبرتهم أن عائشة - رضي الله عنها - : ان رسول الله صلى الله عليه وسلم أمرهم عن الغلام شاتان مكافئتان وعن الجارية شاة »⁽²⁾ .

ترجمه : « از يوسف بن ماهک روایت است که وی بر حفصه بنت عبد الرحمن داخل شده ، و از او در مورد عقیقه پرسید ، او را از قول عائشه - رضي الله عنها - خبر داد که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - اصحاب را به ذبح دو گوسفند برای پسر و یک گوسفند را از برای دختر ، بحيث عقیقه دستور داده بود » .

(¹) سنن ترمذی ، كتاب التفسير ، باب سورة البقرة 215/5 رقم (2979) . حکم حديث : صححه الالبانی ، تحقيق وتعليق: إبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

(²) سنن ابن ماجه ، كتاب الذبائح ، باب في العقية 1056/1 رقم (3163) . حکم حديث : صححه الالبانی ، سنن الترمذی ، جزء 4 ، صفحه 96 ، تحقيق وتعليق: إبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

مجموع مرویات حفصه بنت عبدالرحمن در کتب سته به (5) حدیث میرسد ، که از آن جمله (1) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، و در (1) حدیث ، صحیح مسلم و سنن اربعه اتفاق ، و در (4) روایت ، کتب سنن تفرد نموده است .

14- مرویات أم کلثوم بنت ابی بکر⁽¹⁾ در کتب سنن :

الف - در سنن أبی داود :

ندارد.

ب - در سنن ترمذی :

ندارد .

ج - در سنن نسائی :

مجموع مرویات ام کلثوم بنت ابی بکر در سنن نسائی به (3) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب به آن اشاره میکنیم :

1- «عن أم کلثوم عَنْ عَائِشَةَ - رضي الله عنها - :

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَاهَا فَقَالَ هَلْ عِنْدَكُمْ طَعَامٌ فَقُلْتُ لَا قَالَ إِنِّي صَائِمٌ ثُمَّ جَاءَ يَوْمًا آخَرَ فَقَالَتْ عَائِشَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا قَدْ أَهْدَيْ لَنَا حَيْسٌ فَدَعَا بِهِ فَقَالَ أَمَا إِنِّي قَدْ أَصْبَحْتُ صَائِمًا فَأَكَلُ»⁽²⁾.

ترجمه : « از ام کلثوم ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - نزد عائشه آمده و گفت : آیا نزدت طعامی است ؟ گفتم : خیر ، گفت : من روزه دار هستم . سپس روز دیگری آمد ، عائشه گفت : یا رسول الله ! برای ما حیس (و آن طعامی است که از یکجا کردن خرما و روغن و پینو ترکیب میشود) هدیه شده ، و به آن وی را دعوت نمود ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - گفت : من در حالی صبح کرده بودم که نیت روزه داشتم ، سپس از آن میل نمود .»

2- کتاب الصلاة ، باب آخر وقت العشاء و تأخیرها ، 267/1 رقم (536) .

3- کتاب ، باب الرخصة في أن يحدث الرجل بما يكون بينه ، 352/5 رقم (9126) .

(¹) معرفی مختصر شان در فصل سوم ، مبحث اول زیر عنوان مرویات آنعده تابعیاتی که به اسم شان معروف اند ، گذشت .

(²) سنن نسائی ، (4/508، رقم 2328) . قال الالبانی حسن صحیح، باب النية في الصيام، جزء 4، صفحه 195، تحقیق: عبد الفتاح أبو غدة، مکتب المطبوعات الإسلامية - حلب.

د - در سنن ابن ماجه :

یک روایت شان در سنن ابن ماجه نقل شده است :

« عن أم كلثوم بنت أبي بكر عن عائشة - رضي الله عنها : أن رسول الله صلى الله عليه وسلم علمها هذا الدعاء (اللهم إني أسألك من الخير كله عاجله وآجله ما علمت منه وما لم أعلم . وأعوذ بك من الشر كله عاجله وآجله ما علمت منه وما لم أعلم . اللهم إني أسألك من خير ما سألك عبدك ونبيك . وأعوذ بك من شر ما عاذ به عبدك ونبيك . اللهم إن أسألك الجنة وما قرب إليها من قول أو عمل . وأعوذ بك من النار وما قرب إليها من قول أو عمل . وأسألك أن تجعل كل قضاء قضيت له خيراً)⁽¹⁾ .

ترجمه : « از ام كلثوم بنت ابی بكر ، از عائشه - رضي الله عنها - گفت كه رسول الله - صلى الله عليه و سلم - برایش این دعاء را تعلیم داد : (اللهم أني أسألك من الخير كلهای خدا ! همه خير و خوبی های حال و آینده را از تو میخواهم ، خير و خوبی هایی را كه میدانم و نمیدانم ، و از همه شر و بدی های حال و آینده به تو پناه میبرم ، شر و بدی هایی را كه میدانم و آنرا كه نمیدانم ، بار الها ! همان خير و خوبی هایی را از تو مسألت دارم كه بنده و پیامبرت از تو خواسته است ، و از همان شر و بدی ها به تو پناه می جویم كه بنده و پیامبرت از آنها به تو پناه آورده است ، بار الها ! از تو بهشت و هر سخن یا عملی را مسألت دارم كه مرا به بهشت نزدیک می گرداند ، و از آتش دوزخ و هر سخن یا عملی به تو پناه میبرم كه مرا به آن نزدیک گرداند ؛ و از تو میخواهم هر آنچه برایم مقدر نمودی خير و خوبی باشد » .

مجموع مرویات أم كلثوم بنت ابی بكر در كتب سته به (4) حدیث میرسد ، كه آن جمله (2) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، كه از آن جمله در (2) حدیث ، صحیح مسلم و سنن اربعه اتفاق ، و در (2) روایت سنن تفرّد نموده است .

15 - مرویات عائشة بنت سعد ابن أبي وقاص⁽²⁾ در كتب سنن :

الف - در سنن أبي داود :

مجموع مرویات عائشه بنت سعد ابن ابی وقاص در سنن ابی داود به (3) حدیث میرسد ، كه ذیلآ به ذكر كتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1 - « عن عائشة بنت سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ - رضي الله عنه - قالت :

⁽¹⁾ سنن ابن ماجه، كتاب الدعاء ، باب جوامع الدعاء (1264/2 رقم 3846) . صححه الالبانی، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.

⁽²⁾ معرفی مختصر شان در فصل سوم ، مبحث اول زیر عنوان مرویات آنعه تابعیاتی كه به اسم شان معروف اند ، گذشت.

كَانَ نَبِيُّ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- إِذَا أَخَذَ طَرِيقَ الْفُرْعِ أَهَلَ إِذَا اسْتَقَلَّتْ بِهِ رَاحِلَتُهُ وَإِذَا أَخَذَ طَرِيقَ أَحَدِ أَهْلٍ إِذَا أَشْرَفَ عَلَى جَبَلٍ الْبَيْدَاءِ « (1) .

ترجمه: « از عائشه بنت سعد ابن ابی وقاص - رضي الله عنه - روایت است ، وقتی که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - راه فرع (راه که به طرف مکه میرود) را اختیار می کرد ، و چون سواری اش به راه راست می شد ، تلبیه را شروع می کرد ، و چون راه أحد را اختیار می کرد و بر بلندی کوه بیداء می رسید خواندن تلبیه را شروع می کرد».

2- کتاب الصلاة ، باب التسبیح بالحصی 471/1 رقم (1500) .

3- کتاب الجنائز ، باب الدعاء للمریض بالشفاء عند العیادة 154/3 رقم (3106) .

ب - در سنن ترمذی :

یک روایت شانرا امام ترمذی در سنن خود نقل نموده است:

1- « عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ أَنَّهُ دَخَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- عَلَى امْرَأَةٍ وَبَيْنَ يَدَيْهَا نَوَى أَوْ حَصَى تُسَبِّحُ بِهِ فَقَالَ « أَخْبِرْكِ بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكِ مِنْ هَذَا أَوْ أَفْضَلُ ». فَقَالَتْ « سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي السَّمَاءِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ بَيْنَ ذَلِكَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ. وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ » (2) .

ترجمه: « از سعد ابن ابی وقاص - رضي الله عنه - روایت میشود که وی با رسول الله - صلى الله عليه و سلم - بر زنی داخل شد ، در حالیکه در پیش رویش خسته های خرما یا سنگریزه ها قرار داشت که توسط آنها مشغول به خواندن تسبیح بود . برایش گفت : تو را به ذکر بهتر و افضل از آن رهنمایی میکنم . سپس گفت : سبحان الله عدد ما پاک و منزّه است الله به تعداد آنچه در آسمان خلق نموده ، و پاک است به تعداد آنچه در زمین آفریده است ، و به تعداد آنچه میان آسمان و زمین خلق کرده ، و مبرا و پاک است الله به اندازه مخلوقاتش ، و الله ذات بس بزرگ است ، مثل این ، و حمد باد او را به مثل این . و نیست معبودی سواى وی مثل این . و نیست هیچ تحول و توانایی مگر بواسطه او مثل این » .

(1) سنن أبو داود ، کتاب الحج ، باب وقت الإحرام (55/1 رقم (1775) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، جزء 2، صفحه 151، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

(2) سنن ترمذی ، کتاب الدعوات ، باب في دعاء النبي صلى الله عليه وسلم و تعوذہ دبر كل صلاة 562/5 رقم (3568). قال الالبانی: منکر، تحقیق وتعلیق: إبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

ج و د- در سنن نسائي و ابن ماجه :

روایت ندارد.

مجموع مرویات عائشه بنت سعد بن ابی وقاص در کتب سته به (4) حدیث میرسد ، که آن جمله (2) حدیث در صحیح بخاری ، و (1) حدیث در صحیح مسلم نقل شده ، و در (2) حدیث ، صحیحین و سنن اربعه اتفاق ، و در (2) روایت سنن تفرّد نموده است .

16 - مرویات أمیة بنت عبدالله⁽¹⁾ در کتب سنن:

الف - در سنن أبی داود :

مجموع مرویات أمیة بنت عبدالله در سنن ابی داود به (2) حدیث میرسد :

1 - « عن أمیة عن عائشة - رضي الله عنها - : أَنَّ النَّبِيَّ -صلى الله عليه وسلم- كَانَ لَا يَرْقُدُ مِنْ لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ فَيَسْتَقِظُ إِلَّا تَسَوَّكَ قَبْلَ أَنْ يَتَوَضَّأَ »⁽²⁾ .

ترجمه : « از امیه ، ازعائشه - رضي الله عنها - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در شب و روز نمی خوابید ، و بیدار نمی شد ، مگر اینکه قبل از وضو مسواک مینمود » .

2 - كتاب الأدب ، باب في الإنتصار 691/2 رقم (4898) .

ب - در سنن ترمذی :

1 - « عن أمیة بنت عبدالله - رحمها الله - : أَنَّهَا سَأَلَتْ عَائِشَةَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى { إِنْ تَبَدَّوْا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تَخْفَوْهُ يَحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ } وَعَنْ قَوْلِهِ { مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ } فَقَالَتْ مَا سَأَلَنِي عَنْهَا أَحَدٌ مِنْذُ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ

⁽¹⁾ گفته میشود: امینه ، ام محمد ، همسر پدر علی بن زید بن جدعان ، راویه از روایات کنندگان حدیث بوده ، که از حضرت عائشه - رضي الله عنها - و ، از علي ابن زی ابن جدعان روایت کرده است . (أعلام النساء 90 /1) . ابن حجر در باره ی شان گفته : " من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8637، ص 1345) .

⁽²⁾ سنن أبو داود، کتاب الطهارة، باب السواک لمن قام من اللیل (21/1 رقم 57) . حکم حدیث : حسن لغیره ، جزء 1، صفحه 43، المحقق: شعيب الأرناؤوط - محمّد کامل قره بللی، دار الرسالة العالمية.

صلی الله علیه و سلم فقال هذه معاتبة الله العبد فيما يصيبه من الحمى والنكبة حتى البضاعة يضعها في كم قميصه فيفقدوها فيفزع لها حتى إن العبد ليخرج من ذنوبه كما يخرج التبر الأحمر من الكير»⁽¹⁾.

ترجمه: «از امیه بنت عبدالله - رحمها الله - روایت است که وی از عائشه در مورد قول خداوند { ان تبدوا ما في صدوركم } و از این فرموده { من يعمل سوءا يجز به } پرسید ، عائشه گفت : زمانیکه از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - درین مورد پرسیده بودم ، کسی قبل از من نپرسیده بود ، وی میفرمود : این در حقیقت یک سر زنشی از جانب الله بر بنده میباشد ، از آنچه برایش از تب و خستگی میرسد ، و حتی متاعی را که در آستین پنهان کرده بود گم میکند ، و از آن نا راحت میشود ، تا اینکه بنده از تمام گناهان پاک شده ، مانند طلای سرخی که از کوره آهنگر بیرون میشود » .

ج - در سنن نسائی :

ندارد .

د - در سنن ابن ماجه :

1 - «عن أمية عن عائشة - رضي الله عنها - :

قالت : لما قدم رسول الله صلى الله عليه و سلم المدينة وهو عروس بصفية بنت حيي جئن نساء الأنصار فأخبرن عنها . قالت فتنكرت وتنقبت فذهبت . فنظر رسول الله صلى الله عليه و سلم إلى عيني فعرفني ، قالت فالتفت فأسرعت المشي . فأدركني فاحتضنني ، فقال (كيف رأيت ؟) قالت قلت أرسل . يهودية وسط يهوديات »⁽²⁾ .

ترجمه: «از امیه ، عائشه - رضي الله عنها - روایت است که ، چون رسول الله - صلی الله علیه و سلم - به مدینه برگشت ، در حالیکه ایشان داماد به صفیه بنت حیّی شده بود ، زنان انصار آمده و در مورد وی معلومات میدادند ، عائشه میگوید : من نا خوش شده و نقاب خود را زده و بیرون رفتم . رسول الله - صلی الله علیه و سلم - به چشمانم نظر کرده ، و مرا احساس کرد ، من هم متوجه شده و به سرعت حرکت کردم ؛ به تعقیب من آمده و مرا در یافت و به آغوش کشید ، گفت : اورا چگونه یافتی ؟ گفتم : رهایم کن ، زنی است یهودی میان زنان یهود » .

(¹) سنن ترمذی ، کتاب التفسیر ، باب من سور البقرة (221/5 رقم 2991) . حکم حدیث : قال الالبانی ضعیف الاسناد ، تحقیق وتعلیق : ابراهیم عطوة عوض المدرس فی الأزهر الشریف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

(²) سنن ابن ماجه ، کتاب النکاح ، باب حسن معاشره النساء (636/1 رقم 1980) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

مجموع مرویات أمیه بنت عبدالله در کتب سته به (4) حدیث میرسد ، که این روایات تنها در کتب سنن نقل و روایت شده است .

17 - مرویات مرجانة (1) در کتب سنن :

الف - در سنن أبی داود :

1 - « عَنْ عُلْقَمَةَ عَنْ أُمِّهِ عَنْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ : كُنْتُ أُحِبُّ أَنْ أَدْخُلَ الْبَيْتَ فَأُصَلِّيَ فِيهِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِيَدِي فَأَدْخَلَنِي فِي الْحِجْرِ فَقَالَ « صَلِّ فِي الْحِجْرِ إِذَا أَرَدْتَ دُخُولَ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا هُوَ قِطْعَةٌ مِنَ الْبَيْتِ فَإِنَّ قَوْمَكَ اقْتَصَرُوا حِينَ بَنَوْا الْكَعْبَةَ فَأَخْرَجُوهُ مِنَ الْبَيْتِ » (2) .

ترجمه : « از علقمه از مادرش ، از عائشه رضي الله عنها - روایت است که میگوید : بسیار دوست داشتم که در داخل بیت (بیت الله) نماز بگذارم ، رسول الله صلى الله عليه و سلم - دستم را گرفته و به حجر داخل نموده گفت : وقتی خواستی به خانه داخل شوی در حجر نماز بگذار ، زیرا که این قطعه ای از خانه است که قومت در وقت بنای کعبه آنرا از خانه بیرون ساخت »

ب - در ترمذی :

1 - کتاب الحج ، باب ما جاء في الصلاة في الحجر 225/3 رقم (876) .

ج - در سنن نسائي :

1 - « عَنْ عُلْقَمَةَ بْنِ أَبِي عُلْقَمَةَ عَنْ أُمِّهِ أَنَّهَا سَمِعَتْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ :

قام رسول الله صلى الله عليه و سلم ذات ليلة فلبس ثيابه ثم خرج قالت فأمرت جاريته بريرة تتبعه فتبعته حتى جاء البقيع فوقف في أدناه ما شاء الله أن يقف ثم أنصرف فسبقته بريرة فأخبرتني فلم أذكر له شيئاً حتى أصبحت ثم ذكرت ذلك له فقال إني بعثت إلى أهل البقيع لأصلي عليهم » (3) .

(1) معرفی مختصر شان در فصل سوم ، مبحث اول زیر عنوان مرویات آنعده تابعیاتی که به اسم شان معروف اند ، گذشت.

(2) سنن أبو داود ، کتاب المناسک ، باب في الحجر 163/2 رقم (2030) . الحكم على سند الحديث : صححه الالباني ، جزء 2 ، صفحه 214 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت.

(3) سنن نسائي ، کتاب الجنائز ، باب الأمر بالاستغفار للمؤمنين 93/4 رقم (2038) . حكم لحديث : ضعفه الالباني ، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب.

ترجمه: « از علقمه بن ابی علقمه ، از مادرش ، که وی از عائشه - رضي الله عنها - شنید که میگفت : شبی رسول الله - صلى الله عليه و سلم - از بستر خود بر خاسته لباسهایش را پوشید و بیرون شد ، کنیزم بریره را دستور دادم که او را تعقیب کند ، به تعقیبش رفت تا اینکه رسول الله - صلى الله عليه و سلم - به بقیع رسید ، در پایین آن به اندازه ای که خدا میخواست ایستاد ، بعد دو باره برگشت ، و بریره از وی سبقت جسته ، مرا در جریان گذاشت . من هم برایش چیزی نگفتم تا اینکه صبح شد ، برایش از آن یاد آور شدم ، گفت : بسوی بقیع جهت دعاء فرستاده شده بودم » .

2 - کتاب الحج ، باب الصلاة في الحجر 219/5 رقم (2912) .

د - در سنن ابن ماجه :

ندارد .

مجموع مرویات مرجانه در کتب سته به (3) حدیث میرسد ، که آن جمله (1) حدیث در صحیح بخاری تعلیقاً نقل شده ، و در (2) روایت سنن تفرد نموده است .

18- مرویات رباب بنت صلیع⁽¹⁾ در کتب سنن :

الف - در سنن أبی داود :

مجموع مرویات رباب بنت صلیع در سنن ابی داود به (2) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1 - « عن الرباب عن سلمان بن عامر الضبي - رضي الله عنه - قال :

قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : مع الغلام عقيقة »⁽²⁾ .

ترجمه : « از رباب ، از سلمان ابن عامر ضبی - رضي الله عنه - روایت است که میگوید : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود : " همراهی فرزند عقیقه لازم است " » .

2 - کتاب الصوم ، باب ما يفطر عليه 719/1 رقم (2355) .

(¹) رباب - به فتح راء و باء مخففة معجمة - بنت صلیع از بنی ضبة ، است . از عم شان سلمان بن ضبی روایت نموده است ، و از او حفصة بنت سیرین روایت مینماید . حال اش از حیث جرح و تعدیل : ابن حبان او را از ثقات قرار میدهد ، و سعد از کسانی میخواندش که از زوجات رسول الله - صلى الله عليه وسلم - روایت نموده است . (تراجم طبقة المحدثات و مروياتهن في التنب الستة ، ص 201) . ابن حجر در موردش میگوید : " مقبولة ، من الرابعة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8681 ، ص 1354) .

(²) سنن أبو داود ، کتاب الأضاحي ، باب في العقيقة 118/2 رقم (2839) . حکم حدیث: صحیح مُخْتَصَرٌ صَحِيحُ الْإِمَامِ الْبُخَارِيِّ جزء 3 ، صفحه 443 ، المؤلف: الالبانی ، مکتبة المعارف للنشر والتوزيع ، الرياض .

ب - در سنن ترمذی :

مجموع مرویات رباب بنت صلیع در سنن ترمذی به (2) حدیث میرسد ، که در ذیل به آن اشاره می شود:

1- «عن الرباب عن سلمان بن عامر - رضي الله عنه - قال :

الصدقة على المسكن صدقة وهي على ذي الرحم ثنتان صدقة وصلة» (1).

ترجمه : از رباب ، از سلمان بن عامر - رضي الله عنه - روایت است که میگوید : صدقه بر مسکین صدقه است ، و بر

اقارب هم صدقه و هم ثواب صله رحم است .

2- کتاب الأضاحي ، باب الآذان في أذن المولود 97/4 رقم (1515).

ج - در سنن نسائی :

1 - كتاب الزكاة ، باب الصدقة على الأقارب 92/5 رقم (2582) .

(1) سنن ترمذی ، كتاب الزكاة ، باب ما جاء في الصدقة على ذي القرابة (38/3 رقم 658) . حکم حدیث : حدیث حسن، تحقیق و تعلیق: محمد فؤاد عبد الباقي، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

د - در سنن ابن ماجه :

مجموع مرویات رباب بنت صلیع در سنن ابن ماجه به (3) حدیث میرسد ، که ذیلاً به ذکر کتاب ، و باب و شماره حدیث به صورت اجمال میپردازیم :

1- «عَنْ الرَّبَابِ عَنْ سَلْمَانَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا فَلْيُقِطِرْ عَلَى التَّمْرِ فَإِنْ لَمْ يَجِدِ التَّمَرَ فَعَلَى الْهَاءِ فَإِنَّ الْهَاءَ طَهُورٌ »⁽¹⁾ .

ترجمه: «از رباب ، از سلمان بن عامر - رضي الله عنه - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود : هر گاه یکی از شما روزه داشته باشد ، با خرما افطار نماید ، اگر نیافت پس با آب ، زیرا آب پاک کننده است » .

2 - کتاب الزکاة ، باب فضل الصدقة 591/1 رقم (1844) .

3 - کتاب الذبائح ، باب العقیقة 336/3 رقم (3164) .

مجموع مرویات رباب بنت صلیع در کتب سته به (3) حدیث میرسد ، که این روایات تنها در کتب سنن نقل شده است .

19 - مرویات حمیده بنت عبید بن رفاعه أنصاریة⁽²⁾ در کتب سنن :

الف - در سنن أبی داود :

مجموع مرویات حمیده بنت عبید بن رفاعه در سنن ابی داود به (2) حدیث میرسد :

1- «عن حميدة عن أبيها عبید بن رفاعة بن رافع الأنصاري رضي الله عنه :

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال تشمت العاطس ثلاثاً فإن شئت أن تشمته فشمته وإن شئت فكف »⁽³⁾ .

(¹) سنن ابن ماجه ، کتاب الصیام ، باب ما جاء علی ما يستحب الفطر (542/1 رقم 1699) . حکم حدیث : صحیح من فعل النبی صلی الله علیه وسلم و اسناد حسن فی الشواهد، سنن ابی داود، جزء 4 ، صفحه 38، المحقق: شعیب الأرئوط - محمّد کامل قره بللی، دار الرسالة العالمية.

(²) حمیده - یا حمیده - تصغیر حمیده ، بنت عبید بن رفاعه أنصاریه ، همسر اسحاق بن عبدالله بن ابو طلحه ، مادر یحیی می باشد . از مادرش کبشه بنت کعب بن مالک ، و از او همسرش اسحاق بن عبدالله بن ابو طلحه ، و پسرش یحیی بن ابو عبدالله روایت میکنند.

حالش در جرح و تعدیل : این حبان از ثقات قرارش میدهد ، و امام ذهبی در موردش سکوت نموده است . (تراجم طبقة المحدثات و مرویاتهن فی الکتب الستة ص 183) . ابن حجر میگوید : " مقبولة ، من الخامسة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8666، ص 1359) .

(³) سنن ابو داود ، کتاب الأدب ، باب کم مرة تشمت العاطس ، (727/2 ، رقم 5036) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی، جزء 4 ، صفحه 308 ، محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت.

ترجمه : « از حمیده ، از پدرش عبید ابن رفاع انصاری - رضي الله عنه - از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - روایت است که میفرمود : جواب دادن برای عطسه زننده سه بار است ، و از آن بیشتر، اگر خواستی پاسخ بگو ، و اگر نخواستی اشکالی نیست » .

2 - کتاب الطهارة ، باب سؤر الهرة 28/1 رقم (75) .

ب - در سنن ترمذی :

مجموع مرویات حمیده بنت عبید بن رفاعه در سنن ترمذی به (2) حدیث میرسد :

1 - « عن حميدة بنت عبید بن رفاعة عن كبشة بنت كعب و كانت تحت ابن أبي قتادة ، -رحمها الله - : أَنَّ أَبَا قَتَادَةَ دَخَلَ فَسَكَبَتْ لَهُ وَضُوءًا فَجَاءَتْ هِرَّةً فَشَرِبَتْ مِنْهُ فَأَصْغَى لَهَا الْإِنَاءَ حَتَّى شَرِبَتْ قَالَتْ كَبْشَةُ فَرَأْنِي أَنْظُرُ إِلَيْهِ فَقَالَ اتَّعَجِبِينَ يَا ابْنَتَهُ أَخِي فَقُلْتُ نَعَمْ. فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « إِنَّهَا لَيَسْتُ بِنَجَسٍ إِنَّهَا مِنَ الطَّوَافِينَ عَلَيْكُمْ وَالطَّوَافَاتِ »⁽¹⁾ .

ترجمه : « از حمیده بنت عبید بن رفاعه ، از كبشة بنت كعب (همسر ابو قتاده) از ابو قتاده ، - رحمها الله - روایت است که ، که ابو قتاده داخل شده و من برایش آب وضو گذاشته می ریختم ، پشکی آمد و به نوشیدن آب شروع کرد ، ظرف را مایل نمود تا به خوبی بنوشد ، به من متوجه شده و گفت : ای برادر زاده آیا ازین کار تعجب میکنی ؟ گفتم : آری ، گفت : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرموده : پشک نجس نبوده ، بلکه از جمله گردنده ها بر شما است » .

2 - کتاب الأدب ، باب ما جاء في إيجاب التشميت بحمد العاطس 79/5 رقم (2744) .

ج - در سنن نسائی :

1 - کتاب الطهارة ، باب سؤر الهرة 55/1 رقم (68) .

د - در سنن ابن ماجه :

1 - کتاب الطهارة ، باب الوضوء بسؤر الهرة 331/1 رقم (367) .

(¹) سنن ترمذی ، کتاب الطهارة ، باب سؤر الهرة (153/1 رقم 92) . حکم حدیث : صححه الالبانی، المحقق: أحمد محمد شاكر ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

مجموع مرویات حُمَیدَه بنت عبید در کتب سته به (2) حدیث میرسد ، که این روایات تنها در کتب سنن نقل و روایت شده است .

20 - مرویات هند بنت حارث (1) در کتب سنن :

الف - در سنن أبی داود :

ندارد .

ب - در ترمذی :

« عَنْ هِنْدَ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ : اسْتَيْقَظَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَاذَا أُنْزِلَ اللَّيْلَةَ مِنَ الْفِتَنِ وَمَاذَا فُتِحَ مِنَ الْخَزَائِنِ أَيْقَظُوا صَوَاحِبَاتِ الْحَجَرِ قَرَّبَ كَاسِيَةَ فِي الدُّنْيَا عَارِيَةً فِي الْآخِرَةِ » (2) .

ترجمه : « از هند ، از ام سلمه - رضی الله عنها - روایت است که شبی رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بیدار شده فرمود : سبحان الله ! امشب چی فتنه های نازل شده است ، و چه دروازه های گنج هایی گشوده شده است . آنهایی که در اتاق ها خوابند (ازواج مطهرات) را بیدار کنید ، چه بسا کسانی که در دنیا پوشیده هستند ، در حالیکه در آخرت لخت و عریان می شوند » .

ج - در سنن نسائی :

1 - « عَنْ هِنْدَ بِنْتِ الْحَارِثِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا سَلِمَ قَامَ النِّسَاءَ حِينَ يَقْضَى تَسْلِيمُهُ وَيَمْكُثُ هُوَ فِي مَقَامِهِ يَسِيرًا قَبْلَ أَنْ يَقُومَ قَالَ نَرَى وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ ذَلِكَ كَانَ لِكَيْ يَنْصَرِفَ النِّسَاءُ قَبْلَ أَنْ يَدْرِكَهُنَ الرِّجَالُ » (3) .

ترجمه : « از ام سلمه - رضی الله عنها - روایت میشود که گفت : رسول الله - صلی الله علیه و سلم - وقتی از نماز با گفتن سلام فارغ میشد ، زنان برای بر آمدن بیرون میشدند ، و وی قبل از ایستادن اندکی در جای خود می نشست ،

(1) معرفی مختصر شان در فصل سوم ، مبحث اول زیر عنوان مرویات آنعده تابعیاتی که به اسم شان معروف اند ، گذشت.

(2) (سنن ترمذی ، کتاب الفتن ، باب ستكون فتن كقطع الليل المظلم (487/4) ، رقم 2196) . حکم حدیث : صححه الالبانی ، تحقیق وتعلیق : ابراهیم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

(3) (سنن نسائی ، کتاب سجود السهو ، باب جلسة الإمام بين التسليم والإنصراف (67/3) . حکم حدیث :

راوی میگوید : ما فکر میکردیم که این کار بخاطر آن بود - والله أعلم - ، تا زنان قبلا از اینکه مردان آنها را دریابند برگردند .»

د - در ابن ماجه :

1 - كتاب اقامة الصلاة ، باب الإنصراف من الصلاة 301/1 رقم (932) .

مجموع مرویات هند بنت حارث در کتب سته به (2) حدیث میرسد ، که آن جمله (2) حدیث در صحیح بخاری نقل شده ، و در همین (2) حدیث ، صحیح بخاری و سنن اربعة اتفاق دارند .

21 - مرویات سعدی بنت عوف ⁽¹⁾ در کتب سنن :

ج- در سنن نسائي :

1 - « قالت سُدَي - رحمها الله - : مر عمر بطلحة بعد وفاة رسول الله صلى الله عليه و سلم فقال مالك مكتئبا أساءك إمرة بن عمك قال لا ولكني سمعت رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول إني لأعلم كلمة لا يقولها عبد عند موته إلا كانت نورا لصحيفته وإن جسده وروحه ليجدان لها روحا فقبض ولم أسأله قال أنا أعلمها هي التي أراد عليها عمه ولو علم شيئا أنجي منه لأمره » ⁽²⁾ .

ترجمه : « سعدی میگوید : عمر بعد از وفات رسول الله - صلى الله عليه و سلم - نزد طلحه رفته ، و گفت : تورا غمگین و افسرده می بینم ، آیا همسر فرزند کاکایت برایت ضرری رسانیده ؟ گفت : خیر ، اما من از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - شنیده بودم که میفرمود : من کلمه ای را میدانم که هیچ کسی آنرا در وقت مرگش نمیگوید مگر اینکه نوری برای صحیفه شده ، روح و جسدش آنرا احساس میکند. اما رسول الله - صلى الله عليه و سلم - وفات کرد و من آنرا نپرسیدم . عمر گفت : من آنرا میدانم این همان کلمه است که بر آن کاکایش را خواست (یعنی برایش میگفت : قل لا اله الا الله) ، و اگر نجات دهنده تر از آن را می دانست ، به یقین کای کای خود را به آن امر می کرد .»

⁽¹⁾ سعدی بنت عوف بن خارجه بن سنان (أسد الغابة 142/7) ، از شریفترین زنان عرب ، که با سه تن از اشراف قریش ازدواج نموده است . از همسرش طلحه بن عبیدالله و عمر بن خطاب روایت دارد ، و از او فرزندش طلحه بن یحیی و محمد بن عمران طلحي روایت میکنند . ابن حبان از جمله تابعیات ثقة قارش داده است . (تراجم طبقة المحدثات من التابعيات ، ص 253-254) .

⁽²⁾ سنن نسائي ، كتاب الأدب ، باب ما يقول عند الموت (271/6 رقم 10940) . حکم حدیث : صححه الالبانی ، سنن ابن ماجه ، جزء 2 ، صفحه 1247 ، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

د - در سنن ابن ماجه :

« قالت سُعدى - رحمها الله - :

أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - دخل على ضباعة بنت عبدالمطلب فقال : ما يمنعك يا عمتاه من الحج ؟ فقالت : أنا امرأة سقيمة ، و أنا أخاف الحبس ، فقال : " فأحرمني و اشترطي أن محلک حيث حبست » (1) .

ترجمه : « سعدی - رحمها الله - میگوید : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بر ضباعه بنت عبدالمطلب داخل شده ، و گفت : ای عمه ! چه چیزی تورا از انجام حج منع نموده است ؟ گفت : من یک زن مریض هستم ، و از این میترسم ، (که مریضی ام) مرا از (رفتن) بند سازد ، . برایش گفت : نیت احرام نموده و شرط بگذار که هر جای که حبس شدی همان محلت باشد » .

مجموع مرویات سعدی بنت عوف در کتب سته به (2) حدیث میرسد ، که این روایات تنها در کتب سنن نقل و روایت شده است .

22 - عُدیسه بنت اهبان (2) :

الف - در سنن ابی داود :

1 - « عن ابنِ أَبِي حَكَمٍ الْغِفَارِيِّ يَقُولُ حَدَّثَتْنِي جَدَّتِي عن عم أبي رافع بن عمرو الغفاري - رضي الله عنه - قال : كنت غلاماً أرمي نخل الأنصار فأتني بي النبي صلى الله عليه وسلم فقال " يا غلام لم ترمي النخل ؟ " قال آكل قال " فلا ترم النخل وكل مما يسقط في أسفلها " ثم مسح رأسه فقال " اللهم أشبع بطنه » (3) .

ترجمه : « از ابن ابی حکم غفاری مرویست که میگوید : مادر بزرگم برایم ابو رافع ابن عمرو غفاری - رضي الله عنه - نقل میکرد ، که میگفت : من بچه نو جوان بودم ، و درختان خرماي انصار را به سنگ میزد ، رسول الله - صلى الله عليه -

(1) سنن ابن ماجه ، کتاب المناسک ، باب الشرط في الحج (259/3 ، رقم 2936) حکم احديث : صححه الالباني ، جزء 2 ، صفحه 979 ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

(2) عُدیسه بنت اهبان بن دصیفی غفاری ، از جمله تابعیات و روات حدیث است . از پدرش روایت میناید ، و کسانی که از او شنیده اند میتوان عبدالله بن هبید مؤذن ، و عبدالکریم بن حکم بن عمرو ، و ابو عمرو قسحلی و عبدالله بن دعبه را نام برد . روایاتش را ابو داود و ابن ماجه در سنن شان نقل نموده اند . (اعلام النساء ، ج3/ص 259) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8739 ، ص 1364) .

(3) سنن ابو داود ، کتاب الجهاد ، باب من قال انه يأكل مما سقط (45/2 رقم 2622) . سنن ابن ماجه ، کتاب التجارات ، باب ما للعبد أن يعطى و يتصدق (771/2 ، رقم 2299) . حکم حدیث : ضعفه الالباني ، جزء 3 ، صفحه 39 ، المحقق : محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

نزدیکم آمده گفت : ای جوان چرا این گونه درختان را به سنگ میزنی ؟ گفتم : برای خوردن . فرمود : آنرا به سنگ نزن ولی از آنچه در زیر درختان می ریزد بخور . سپس سرش را با دستش مسح نموده و چنین دعاء نمود : بار الها ! شکم او را سیر بساز .
ب- در سنن ترمذی :

1 - « عن عديسة بنت بن صفى الغفاري - رضي الله عنه - : جاء علي بن أبي طالب إلى أبي فدعاه إلى الخروج معه فقال لي أبي إن خليلي وابن عمك عهد إلى إذا اختلف الناس أن اتخذ سيفاً من خشب فقد اتخذته فإن شئت خرجت به معك قال فتركه » (1) .

ترجمه : « از عديسه بنت اهبان ابن صيفی غفاری - رضي الله عنه - روایت است که علی ابن ابو طالب نزد پدرم آمد و او را برای برآمدن در جنگ با خود امر کرد ، پدرم برایم گفتم : خلیل و فرزند عمویت با من عهد بسته که هر گاه مردم اختلاف نمودند ، شمشیری از چوب بگیرم ، اکنون آنرا گرفته ام ، اگر خواسته باشی با تو بیرون می‌شوم . میگوید : پس آنرا ترک کرد .»

مجموع مرویات عديسه بنت اهبان در کتب سته به (2) حدیث میرسد ، که این روایات تنها در کتب سنن نقل و روایت شده است .

23 - مرویات مُسَّة اُزدیة (2) در کتب سنن :

الف - در سنن أبی داود :

مجموع مرویات مسة اُزدیة در سنن ابی داود به (2) حدیث میرسد :

1 - « عن مُسَّة - رحمها الله - قالت :

" حججت فدخلت على أم سلمة فقلت يا أم المؤمنين إن سمرة بن جندب يأمر النساء يقضين صلاة المحيض فقالت لا يقضين كانت المرأة من نساء النبي صلى الله عليه وسلم تقعد في النفاس أربعين ليلة لا يأمرها النبي صلى الله عليه وسلم بقضاء صلاة النفاس » (1) .

(1) سنن ترمذی ، کتاب الفتن ، باب ما جاء في اتخاذ سيف من خشب في الفتنة ، (490/4 ، رقم 2203) . سنن ابن ماجه ، کتاب الفتن ، باب ما يكون من الفتن (1309/2 ، رقم 3960) . حکم حدیث : صححه الالبانی ، إبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

(2) به ضم اول ، و تشدید دوم ، اُزدیة ، یکن از تابعیات روایت کننده در علم حدیث میباشد ، که از ام سلمة - رضي الله عنها - روایت نموده ، واز او ابو سهل کثیر بن زیاد روایت میناید . (أعلام النساء 53/5) . ابن حجر میگوید : " مقبولة ، من الرابعة " (تقریب التهذیب ، شماره 8780 ، ص 1372) .

ترجمه: « از مسه - رحمها الله - روایت است که میگوید: چون حج را انجام دادم، نزد ام سلمه رفتم و گفتم: ای أم المؤمنین! سمره بن جندب زنان را به قضاء آوردن نمازهای ایام حیض دستور میدهد. او گفت: خیر، قضای نماز بالایشان نمی باشد. زنی از زنان رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در زمان نفاس چهل شب نماز نمی گذارد، و رسول الله - صلی الله علیه و سلم - او را به قضاء آوردن امر نمیکرد.»

2 - کتاب الطهارة، باب ما جاء في وقت النفساء 123/1 رقم (311) .

(¹) سنن أبو داود، کتاب الصلاة، باب ما جاء في وقت النفساء (123/1 رقم 312). حکم حدیث: حسن لغیره، صفحه 83، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت.

ب - در سنن ترمذی :

1 - « عن مسة عن أم سلمة - رضي الله عنها - قالت :

"كانت النفساء على عهد رسول الله صلى الله عليه و سلم تقعد بعد نفاسها أربعين يوما أو أربعين ليلة وكنا نظلي على وجوهنا الورس تعني من الكلف" (1).

ترجمه : « از مسه از ام سلمه - رضي الله عنها - روایت میشود که گفت : زنان عهد رسول الله - صلى الله عليه و سلم - بعد از نفاس چهل شب روز یا چهل شب می نشستند (نماز اداء نمیکردند) ، و ما به روی های ما نباتی را که بخیث رنگ استفاده میشود میگذاشتیم ، یعنی مقصودش از لکه ها و دانه ها است » .

ج- در ابن ماجه :

1 - كتاب الطهارة و سننها ، باب النفساء كم تجلس 213/1 رقم (648) .

مجموع مرویات مُسه اُزدیه در کتب سننه به (2) حدیث میرسد ، که این روایات تنها در کتب سنن نقل و روایت شده است .

24 - مرویات زینب بنت کعب بن عجرة (2) در کتب سنن :

1 - « عن سَعْدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ كَعْبِ بْنِ عَجْرَةَ عَنْ عَمَّتِهِ زَيْنَبِ بِنْتِ كَعْبِ بْنِ عَجْرَةَ أَنَّ عَنْ الْفَرِيعَةِ بِنْتِ مَالِكٍ - رضي الله عنها - :

أنها جاءت إلى رسول الله صلى الله عليه و سلم تسأله أن ترجع إلى أهلها في بني خدره فإن زوجها خرج في طلب أعبد له أبقوا حتى إذا كانوا بطرف القدوم (موضع على ستة أميال من المدينة) لحقهم فقتلوه فسألت رسول الله صلى الله عليه و سلم أن أرجع إلى أهلي فإني لم يتركني في مسكن يملكه ولا نفقة قالت فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم " نعم " قالت فخرجت حتى إذا كنت في الحجرة أو في المسجد دعاني أو أمر بي فدعيت له فقال " كيف قلت ؟ " فرددت عليه القصة التي ذكرت من شأن زوجي قالت فقال " امكثي في بيتك حتى يبلغ الكتاب

(1) سنن ترمذی ، كتاب أبواب الطهارة ، باب ما جاء كم تمكث النفساء 256/1 رقم (139) . الحكم على سند الحديث : إسناده حسن لغيره ، سنن أبي داود ، باب ما جاء في وقت النفساء ، جزء 1 ، صفحہ 229 ، المحقق: شعیب الأرنؤوط - محمّد کامل قره بللی ، دار الرسالة العالمية .

(2) ترجمه مختصر این تابعیه در فصل دوم ، زیر عنوان کبار تابعیات گذشت .

أجله " قالت فاعتددت فيه أربعة أشهر وعشرا قالت فلما كان عثمان بن عفان أرسل إلي فسألني عن ذلك فأخبرته فاتبعه وقضى به « (1) .

ترجمه : « از سعد بن اسحاق بن كعب بن عجرة از عمه اش زينب بنت كعب بن عجرة از فریعه بنت مالك - روایت است كه وی نزد رسول الله - صلى الله عليه و سلم - آمده در مورد برگشت به قوم خود ، بنی خدره پرسید ، زیرا همسرش بخاطر پیدا كردن برده هایش كه گریخته بودند ، بر آمده بود ، تا اینکه به ناحیه قدوم (جایی است به فاصله شش میل دور از مدینه) بود ، برده هایش به او پیوستند و او را به قتل رسانیدند ، بدین منظور از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - پرسیدم كه به خانواده خود برگردم ، زیرا شوهرم مسكن كه مالكش بوده باشد ، برایم نگذاشته و نه هم نفقه ای . فریعه گوید : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : آری ، گفت : پس بر آمدم در حجره یا در مسجد بودم كه رسول الله - صلى الله عليه و سلم - مرا خواست ، یا کسی را امر كرد كه من خواسته شده ام ، فرمودند : چه گفتی ؟ داستان را برایشان تکرار كردم و قصه شوهرم را برایش گفتم . فریعه گفت : پس فرمودند : در خانه خود باقی بمان ، تا مدتی را كه كتاب تعیین نموده به سر رسد . گفت : پس در همان خانه چهار ماه و ده روز عدت نشستم ، هنگامی كه عثمان بن عفان کسی را به من فرستاد و از آن (مدت عدت) پرسید ، برایش گزارش دادم . بعد از آن عثمان از آن اتباع نموده و به آن فیصله ميكرد . »

2 - « عن زينب بنت كعب بن عجرة عن أبي سعيد الخدري - رضي الله عنه - قال : نهى عن لحوم الأضاحي فوق ثلاثة أيام فقدم قتادة بن النعمان وكان أخا أبي سعيد لأمه وكان بدریا فقدموا إليه فقال أليس قد نهى عنه رسول الله صلى الله عليه و سلم قال أبو سعيد إنه قد حدث فيه أمر أن رسول الله صلى الله عليه و سلم نهانا أن نأكله فوق ثلاثة أيام ثم رخص لنا أن نأكله وندخره « (2) .

ترجمه : « از زينب بنت كعب بن عجرة ، از ابو سعيد خدری - رضي الله عنه - روایت است كه رسول الله - صلى الله عليه و سلم - از خوردن گوشت قربانی بیشتر از سه روز را منع كرد . ابو قتاده كه برادر مادری ابو سعيد ، واز جمله

(1) سنن أبو داود ، كتاب الطلاق ، باب المتوفى عنها زوجها (701/1 ، رقم 2300) . سنن ترمذی ، كتاب الطلاق ، باب ما جاء این تعتد المتوفى عنها زوجها (338/2 ، رقم 1219) . حكم حديث : صححه الالبانی ، سنن ابی داود ، باب في المتوفى عنها تنتقل ، جزء 2 ، صفحه 291 ، المحقق : محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(2) سنن نسائي ، كتاب الأضاحي ، باب الإذن في أكل لحوم الأضاحي بعد ثلاثة أيام (234/7 ، رقم 4428) . حكم حديث : صححه الالبانی ، تحقيق : عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب .

بدری ها بود نزد برادرش آمد [و برایش از گوشت قربانی آورد] ، گفت : آیا رسول الله صلی الله علیه و سلم - از خوردن آن منع نمیکرد ؟ ابو سعید گفت : در مورد آن حکم شد ، و رسول الله - صلی الله علیه و سلم - ما را از خوردن آن بالاتر از سه روز منع کرد ، سپس برای ما اجازه خوردن و ذخیره کردن را دادند .

مجموع مرویات زینب بنت کعب بن عجره در کتب سته به (2) حدیث میرسد ، که این روایات تنها در کتب سنن نقل و روایت شده است .

25- مرویات سمیه بصریه (1) در کتب کتب سنن :

1- « عن سمیة عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

أن رسول الله صلی الله علیه وسلم وجد علی صفیة بنت حیى فی شیء . فقالت صفیة : یا عائشة ! هل لك أن ترضی رسول الله صلی الله علیه وسلم عنی ، ولك یومی ؟ قالت : نعم . فأخذت خمارا لها مصبوغا بزعفران . فرشته بالماء لیفوح ریحہ . ثم قعدت إلی جنب رسول الله صلی الله علیه وسلم . فقال النبی صلی الله علیه وسلم " یا عائشة ! إلیک عنی . إنه لیس یومک " فقالت : ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء . فأخبرته بالامر ، فرضی عنها » (2).

ترجمه : « از سمیه ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است ، که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - از صفیه ناراحت شده بود ، صفیه گفت : ای عائشه ! آیا میتوانی که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - را از من راضی بسازی ، و در عوض آن یک روز نوبتم از آن تو باشد ؟ گفت : آری . پس خمار صفیه را که با زعفران رنگ شده بود ، گرفته آب را بر آن پاشید تا عطر آن پخش شود . بعد کنار رسول الله - صلی الله علیه و سلم - نشست . نبی - صلی الله علیه و سلم - فرمود : ای عائشه ! از من دور باش ، که این روزت نیست . عائشه گفت : این فضل و مرحمت از جانب الله است ، به هر که خواهد آنرا عنایت میفرماید . پس او را از موضوع آگاه ساخت ، پس از وی راضی شد » .

مجموع روایات سمیه بصریه در سنن اربعه (2) حدیث است ، که آنرا امام نسائی در سنن خود نقل نموده است .

2- سنن نسائی ، کتاب السنة ، باب ترک السلام علی اهل الأهواء ، (327/4 ، رقم 4604) .

(1) از جمله ی راویان حدیث بوده ، از عائشة ام المؤمنین - رضي الله عنها - روایت میکند ، و از وی ثابت بنانی ، متوفای سنه [127] یا [123] روایت نموده است . (أعلام النساء ، 261/2) . ابن حجر در موردش میگوید : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8709 ، ص 1357) .

(2) سنن نسائی ، کتاب عشرة النساء ، باب المرأة تهب یومها لإمرأة من نساء زوجها (300/5 رقم 8933) . سنن ابن ماجه ، کتاب النکاح ، باب المرأة تهب یومها لصاحبته (634/1 رقم 1973) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، جزء 1 ، صفحه 634 ، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فیصل عیسی البابي الحلبي .

مجموع مرویات سمیه بصریه در کتب سته به (2) حدیث میرسد ، هر دو روایت در کتب سنن نقل و روایت شده است .

26 - مرویات کریمه بنت همام ⁽¹⁾ در سنن :

1 - « عن کریمه بنت همام - رحمها الله - :

أن امرأة أتت عائشة رضي الله عنها فسألتها عن خضاب الحناء فقالت لا بأس به ولكنني أكرهه كان حبيبي [رسول الله] صلى الله عليه و سلم يكره ريحه » . قال أبو داود تعني خضاب شعر الرأس ⁽²⁾ .

ترجمه : « از کریمه بنت همام - رحمها الله - روایت است که زنی نزد عائشه حضور یافت و در مورد رنگ نمودن موها با خینه پرسید ، گفت : در آن کدام حرج نیست ، اما من دوست ندارم ، محبوب من رسول الله - صلى الله عليه و سلم - از بوی آن کراهیت داشت » .

2 - « عن کریمه بنت همام أنها سمعت عائشة أم المؤمنين - رضي الله عنها - تقول : نهيتم عن الدباء نهيتم عن الحنتم نهيتم عن المزفت ثم أقبلت على النساء فقالت إياكن والجر الأخضر وإن أسكركن ماء جبن فلا تشربنه » ⁽³⁾ .

ترجمه : « از کریمه بنت همام روایت است که وی از عائشه - رضي الله عنها - شنیده بود که میفرمود : شما منع کرده شدید از جور کردن نبیذ (چون عادتاً درین ظروف شراب جور می کردند) در ظرفی که از کدو جور می شد ، و در ظرفی که اهل مصر آنرا می ساخت ، و در ظرفی که در داخلش موادی مانند قیر استفاده می شد ، و در تنه درخت ، که آنرا کوره کرده به جای ظرف استعمال می کردند . باز رو بطرف زنهای کرده گفت : جر الاخضر (آوند سفالین و دسته دار که عادتاً در آن آب و شراب می ریزند) پرهیز کنید ، و اگر آب موجود در ظروف سفالین مستی بار آورد آنرا ننوشید » .

مجموع مرویات کریمه بنت همام در کتب سته به (2) حدیث میرسد ، که در کتب سنن روایت شده است .

⁽¹⁾ از جمله راویان حدیث میباشد ، از أم المؤمنين عائشه - رضي الله عنها - استماع نموده است ، و از وی یحیی بن کثیر متوفای سنه [129] یا [132] هجری ، و محمد بن بهزم عبدی و علی بن مبارک روایت مینمایند . البته روایاتش را ابو داود و نسائی نقل نموده اند . (أعلام النساء ج 4/ص 244) . ابن حجر در موردش میگوید : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8771، ص 1370) .

⁽²⁾ سنن ابو داود ، کتاب الترجل ، باب فی الخضاب للنساء (2/475 ، رقم 4164) . سنن نسائی ، کتاب الزينة ، باب کراهية ریح الحناء 8/142 ، رقم (5090) . حکم حدیث : اسناد ضعیف ، جزء 6 ، صفحه 241 ، المحقق : شعيب الأرناؤوط - محمد کامل قره بللي ، دار الرسالة العالمية .

⁽³⁾ سنن نسائی ، کتاب الاشربة ، باب الأخبار التي اعتل بها من أباح شرب المسكر ، (8/320 ، رقم 5681) . حکم حدیث : قال الالبانی حسن الإسناد ، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب .

ملاحظه : از شماره 27 به بعد تابعیاتی معرفی می شوند که تنها یک روایت دارند که در یکی از کتابهای سنن اربعه و یا در بیشتر از یک کتاب ، روایات شان نقل شده ، و اسمای شان به اساس حروف معجم ترتیب شده ، که به آنها می پردازیم :

27 - مرویات آمنة⁽¹⁾ در کتب سنن :

« عن آمنة - رحمها الله - :

أَنَّهَا سَأَلَتْ أُمَّ سَلَمَةَ مَاذَا تُصَلِّي فِيهِ الْمَرْأَةُ مِنَ الثِّيَابِ ؟ فَقَالَتْ تُصَلِّي فِي الْخِمَارِ وَالذَّرْعِ السَّابِغِ الَّذِي يُغَيِّبُ ظُهُورَ قَدَمَيْهَا »⁽²⁾ .

ترجمه : « از آمنة مروی است که وی از ام سلمه - رضي الله عنها - در مورد چگونگی لباس نماز زن پرسید ، فرمودند : در هر چادر و قمیص گشاد که پشت پاهایش را پنهان نماید ، نماز بخواند » .

28 - مرویات اسماء بنت زید ابن خطاب قرشی عدوی⁽³⁾ در کتب سنن :

« عن أسماء بنت زيد بن خطاب أن عبد الله بن حنظلة بن أبي عامر - رضي الله عنه - حدثها :

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- أَمَرَ بِالْوُضُوءِ لِكُلِّ صَلَاةٍ طَاهِرًا وَغَيْرَ طَاهِرٍ فَلَمَّا شَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِ أَمَرَ بِالسَّوَاكِ لِكُلِّ صَلَاةٍ »⁽⁴⁾ .

(¹) آمنة مادر محمد بن زید بن مهاجر ، کنیه اش أم حرام میباشد . (التقريب ، ص 755 رقم 8716) .

از ام سلمه - رضي الله عنها - روایت کرده ، و از او فرزندش محمد بن زید بن مهاجر روایت نموده است . (تهذيب الكمال 343/35) .
حال شان از حيث جرح و تعديل : ذهبى ميگويد : " لا تعرف " يعنى مجهول عين است (ميزان 612/4) ، و ابن حجر در طبقه چهارم در موردش سكوت کرده ، (التقريب ص 755) .

(²) سنن نسائي ، كتاب الصلاة ، باب في كم تصلي المرأة (244/1 رقم 639) . حكم حديث : ضعفه الالباني ، سنن ابى داود ، جزء 1 ، صفحه 173 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(³) راويه ی از راویان حدیث است ، از عبدالله ابن حنظله بن عامر ، متوفای سنه [63] ، روایت کرده اند . و از او عبدالله ابن عبدالله ابن عمر متوفای سنه [105] ، روایت میکند . ابن حبان و ابن منده از صحابه قرارش میدهند ، ام قول راجح تابعیه بودنش را تاکید میکند . (أعلام النساء 54/1) .

(⁴) سنن ابو داود ، كتاب الطهارة ، باب السواك 17/1 رقم (48) . حكم حديث : إسناده حسنه الالباني ، صفحه 12 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

ترجمه: « از أسماء بنت زید بن خطاب روایت است که عبدالله ابن حنظله بن ابی عامر برایش گفت: که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - برای هر نماز به وضوء امر میکرد، خواه طهارت داشته و یا نداشته باشد. ولی وقتی برایش مشقت شد، برای هر نماز به مسواک زدن دستور داد. »

29 - مرویات أسماء بنت سعید ابن زید (1) در کتب سنن:

« عن رباح بن عبد الرحمن عن جدته عن أبيها (سعید ابن زید) - رضي الله عنه - قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا وضوء لمن لم يذكر اسم الله عليه » (2).

ترجمه: از رباح بن عبد الرحمن، از جده اش، از پدرش (سعید بن زید) - رضي الله عنه - روایت میشود که میگوید: از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که فرمود: وضوی هیچ کس درست نمیشود مگر وقتی که نام الله در آن ذکر نماید. »

30 - مرویات أمية بنت أبي صلت غفاري (3) در کتب سنن:

« عَنْ أُمِّيَّةَ بِنْتِ أَبِي الصَّلْتِ عَنْ إِمْرَأَةٍ مِنْ غَفَارٍ لَهَا صَحْبَةٌ - رضي الله عنها - قالت:

أَرَدَنِي رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- عَلَى حَقِيْبَةٍ رَحَلِهِ - قَالَتْ - فَوَاللَّهِ لَمْ يَزَلْ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- إِلَى الصُّبْحِ فَأَنَاحَ وَنَزَلْتُ عَنْ حَقِيْبَةٍ رَحَلِهِ فَإِذَا بِهَا دَمٌ مِنِّي فَكَانَتْ أَوَّلَ حَيْضَةٍ حَضَّتْهَا - قَالَتْ - فَتَقَبَّضْتُ إِلَى النَّاقَةِ وَاسْتَحْيَيْتُ فَلَمَّا رَأَى رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- مَا بِي وَرَأَى الدَّمَ قَالَ « مَا لَكَ لَعَلَّكَ نَفِسْتِ ». قُلْتُ نَعَمْ. قَالَ « فَأَصْلِحِي مِنْ نَفْسِكَ ثُمَّ خُذِي إِنَاءً مِنْ مَاءٍ فَأَطْرَحِي فِيهِ مِلْحًا ثُمَّ اغْسِلِي مَا أَصَابَ الْحَقِيْبَةَ مِنَ الدَّمِ ثُمَّ

(1) أسماء بنت سعید بن زید بن عمرو بن نفیل قریشی عدوی، جده ی رباح بن عبدالله است. (الإصابة 6/8 رقم 42)، (الثقات 594/5) و از پدرش سعید بن زید، یکن از عشرة مبشرة به جنت، روایت کرده، و از او تنها نواسه اش رباح بن عبد الرحمن بن ابو سفیان روایت میکند. (تراجم طبقة المحدثات و مروياتهن في الكتب الستة ص 120). (تقريب التهذيب، شماره 8624، ص 1343).

(2) سنن ترمذی، کتاب الطهارة، باب ما جاء في التسمية عند الوضوء (37/1 رقم 25)، سنن ابن ماجه، کتاب الطهارة، باب التسمية عند الوضوء 139/1 رقم (397). الحكم على الحديث: حسنه الالبانی، تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

(3) و گفته میشود: آمنه [به مدنون]، از جمله تابعیات میباشد. از زنی که از قبیله غفار بود و شرف صحبت داشت، روایت نموده است، و از او فرزندش سلیمان بن سحیم روایت کرده است. (تهذيب الكمال 35/132 رقم 7791). ابن حجر میگوید: "لا يعرف، من الثالثة". (تقريب التهذيب، شماره 6836، ص 1345).

عُودِي لِمَرْكَبِكَ». قَالَتْ فَلَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- خَيْبَرَ رَضَخَ لَنَا مِنَ الْفَيْءِ - قَالَتْ - وَكَأَنَّهُ لَا تَطَهَّرُ مِنْ حَيْضَةٍ إِلَّا جَعَلَتْ فِي طَهْوَرِهَا مِلْحًا وَأَوْصَتْ بِهِ أَنْ يُجْعَلَ فِي غُسْلِهَا حِينَ مَاتَتْ « (1).

ترجمه: «از امیه بنت ابی صلت، از زنی که از قبیله غفار بود، و گفته میشود: که برایش صحبت حاصل بود - رضی الله عنها - میگوید: که مرا رسول الله - صلی الله علیه و سلم - پشت سر خود در حقه کجاوه (خورجین یا هر آن چیزیکه در عقب شتر و در آخر کجاوه بسته کرده شود) نشان داد. باز قسم به الله که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - متواتر تا صبح راه می رفت، باز شتر را خواباند، و من از کجاوه پائین شدم، و نشان خون حیض خود را در آن دیدم، و این اولین حیض من بود. میگوید: از فرط شرم خود را به شتر چسباندم، و وقتی رسول الله مرا و خون را دید، فرمود: ترا چی شده؟ شاید حیض آمده باشد؛ من گفتم: بلی، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود: خود را درست کن (چیزی را ببند تا که خون بیرون نشود)، ظرفی از آب را بگیر و در آن نمک بینداز و خونی که در حقه اصابت کرده بشوی، باز به طرف سواری خود بیا (به سواری خود بنشین). و گفت: چون رسول الله - صلی الله علیه و سلم - خیبر را فتح کرد، از مال فای مرا هم یک حصه داد، گفت: هر وقتیکه از حیض پاک می شد؛ در آب غسل حیض خود نمک می انداخت. وقتی که لحظات وفاتش نزدیک شد وصیت کرد که در آب غسل اش هم نمک بیندازند».

31 - مرویات بنانة مولاة عبدالرحمن ابن حبان أنصاري (2) در سنن:

«عن بنانة عن عائشة - رضي الله عنها -:

بَيْنَمَا هِيَ عِنْدَهَا إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا بَجَارِيَةٌ وَعَلَيْهَا جَلَاجِلٌ يُصَوِّنَنَّ فَقَالَتْ لَا تَدْخُلْنَهَا عَلَيَّ إِلَّا أَنْ تَقْطَعُوا جَلَاغِلَهَا وَقَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ جَرَسٌ» (3).

ترجمه: «از بنانه، از عائشه - رضی الله عنها - روایت میشود که من در نزد عائشه بودم، ناگهان کنیزکی آمد که در لباسهایش زنگوله بود که صدایش بلند بود، فرمود: بر من اجازه داخل شدنش را ندهید تا اینکه زنگوله را قطع نکند،

(1) سنن ابی داود، کتاب الطهارة، باب الإغتسال من المحيض 123/1 رقم (313). الحكم على سند الحديث: ضعفه الالباني، صفحه 84، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

(2) از حضرت عائشة - رضی الله عنها - روایت حدیث داشته، و اما از او ابن جریج روایت کرده است، که آنرا ابو داود نقل کرده است. (تهذیب الکمال، 35/ 138 رقم 7799).

حالش از حیث جرح و تعدیل: ذهبی در کاشف (504/2)، و المیزان (353/2) موردش سکوت اختیار نموده است. حافظ ابن حجر (التقریب، 463، رقم 4193) میگوید: "لا تعرف من الطبقة الرابعة"، پس مجهول عین است.

(3) سنن نسائي، کتاب الخاتم، باب في الجلال 492/2 رقم (4231). حكم حديث: اسناده ضعيف، سنن ابی داود، باب في الجلال، المحقق: شعيب الأرناؤوط - محمد کامل قره بللي، دار الرسالة العالمية.

و فرمود : از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - شنیدم که میفرمود : ملائکه به خانه ای که در آن زنگ باشد داخل نمیشود .»

32 - بُنَانَةُ بِنْتُ يَزِيدَ الْعَبْشُمِيَّةِ (1) در سنن :

« عن بُنَانَةَ بِنْتُ يَزِيدَ الْعَبْشُمِيَّةِ ، عَنْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ :

كُنَّا نَنْبِذُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَقَاءٍ . فَنَأْخُذُ قَبْضَةً مِنْ تَمْرٍ ، أَوْ قَبْضَةً مِنْ زَبِيبٍ فَنَطْرَحُهَا فِيهِ . ثُمَّ نَصُبُ عَلَيْهَا الْمَاءَ ، فَنَنْبِذُهُ غَدُوةً فَيُشْرِبُهُ عَشِيَّةً . وَنَنْبِذُهُ عَشِيَّةً فَيُشْرِبُهُ غَدُوةً . وَقَالَ أَبُو مُعَاوِيَةَ : نَهَارًا فَيُشْرِبُهُ لَيْلًا . أَوْ لَيْلًا فَيُشْرِبُهُ نَهَارًا » (2).

ترجمه : « از بنانه بنت یزید عبشمیه روایت است که ، عائشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید : ما برای رسول الله - صلى الله عليه و سلم - در جام شیر می ساختیم ، یک مشت از خرما و یک مشت کشمش گرفته و آنرا در ظرف مذکور مینداختیم ، و آب را بر آن علاوه می نمودیم ، صبح تر میکردیم و شام آنرا می نوشید ، و چون شب آنرا آماده میکردیم ، صبح میل مینمود . و ابو معاویه میگوید : "در روز آنرا آماده میکردند ، شب آنرا می نوشید ، یا از شب را روز می نوشید " .

33 - بَهِيْسَةُ الْفَزَارِيَّةِ (3) :

« بَهِيْسَةُ الْفَزَارِيَّةِ - رَحِمَهَا اللَّهُ - قَالَتْ :

اسْتَأْذَنَ أَبِي النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَدَخَلَ بَيْتَهُ وَبَيْنَ قَمِيصِهِ فَجَعَلَ يَقْبَلُ وَيَلْتَزِمُ ثُمَّ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مَعَهُ قَالَ « الْمَاءُ » . قَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مَعَهُ قَالَ « الْمِلْحُ » . قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مَعَهُ قَالَ « أَنْ تَفْعَلَ الْخَيْرَ خَيْرٌ لَكَ » (1) .

(1) از راویان حدیث شمرده میشود ، که از عائشه - رضي الله عنها - در نبیذ روایت کرده است ، و عاصم احوال از او نقل حدیث میکند . در سنه [142] وفات کرده است . (أعلام النساء 1/ 149) . ابن حجر در موردش گفته : " لا تعرف ، من الثالثة " . (التقريب التهذيب ، شماره 8643، ص 1346).

(2) سنن ابن ماجه ، كتاب الأشربة ، باب صفة النبذ و شربه 406/3 رقم (3398) . الحكم على إسناد الحديث : قال الالباني صحيح لغيره ، جزء 2، صفحه 1126، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

(3) از راویان حدیث است ، از پدرش از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - روایت نموده است ، ابو داود آنرا نقل نموده است . (أعلام النساء ، 175/1) . گفته میشود : که صحبت برایش حاصل بود ، و ابن حجر در موردش میگوید : " 8645، ص 1346) .

ترجمه : « بهیسه فزاریه - رحمها الله - میگوید : پدرم از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - اجازه داخل شدن گرفت ، پس در بین رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و لباسش داخل شد ، (پیرهن رسول الله را بلند کرد و خود را همواره به او می چسپاند و از بدن مبارکش بوسه میگرفت) ، سپس گفت : ای رسول الله ! چیزیکه منع آن از کسی جواز ندارد چیست ؟ فرمود : آب . گفت : ای نبی الله ! آن چیزیکه منع آن برای کسی حلال نیست ؟ فرمود : نمک . گفت : ای رسول الله ! چیزیکه منع آن حلال نیست چیست ؟ فرمود : اینکه کار خیری را انجام دهی در حالیکه آن برایت خیر و بهتر است » .

34 - بُهِيَّةُ (2) :

«عن بهيئة - رحمها الله - قالت :

سَمِعْتُ امْرَأَةً تَسْأَلُ عَائِشَةَ عَنِ امْرَأَةٍ فَسَدَ حَيْضُهَا وَأَهْرَيْقَتْ دَمًا . فَقَالَتْ : فَأَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- أَنْ أَمْرَهَا فَلْتَنْظُرُ قَدْرَ مَا كَانَتْ تَحِيضُ فِي كُلِّ شَهْرٍ وَحَيْضُهَا مُسْتَقِيمٌ فَلْتَعْتَدَ بِقَدْرِ ذَلِكَ مِنَ الْإَيَّامِ ثُمَّ لْتَدْعِ الصَّلَاةَ فِيهِنَّ أَوْ بِقَدْرِهِنَّ ثُمَّ لْتَغْتَسِلَ ثُمَّ لْتَسْتَفِرَّ بِثَوْبٍ ثُمَّ لْتُصَلِّيَ » (3) .

ترجمه : « از بهیة - رحمها الله - روایت است که میگوید : شنیدم زنی را که از عائشه در مورد زنیکه نظام حیضش مختل شده و خون می ریخت ، سوال کرد ، گفت : رسول الله صلی الله علیه و سلم - به من گفت که دستورش دهم تا به اندازه ای ایام حیض هر ماه خود انتظار نماید ، و حیضش مستقیم است ، پس باید به همان تعداد ایام را حساب نماید ، و نماز را به اندازه روزها ترک نماید ، سپس غسل نموده و پارچه را سخت بسته نماید (تا از سیلان خون جلو گیری شود) ، و نمازهای خود را ادا نماید » .

(1) سنن أبو داود ، کتاب الزکاة ، باب ما لا يجوز منعه 523/1 رقم (1669) ، کتاب البیوع ، باب فی منع الماء 295/3 رقم (3478) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، 127/2 ، المحقق : محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

(2) بهیة به تصغیر ، یا بهیمة ، مولای عائشه ، از روایات حدیث بوده ، که از حضرت عائشة - رضي الله عنها - روایت کرده ، و از ابو عقیل یحیی بن متوکل متوفای سال [167] ، روایت میکند . یک حدیث روایت کرده که آنرا أبو واود در کتاب سنن خود نقل نموده است . (أعلام النساء ، 175/1) . ابن حجر در موردش میگوید : " لا تعرف ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8646 ، ص 1346) .

(3) سنن أبو داود ، کتاب الطهارة ، باب من قال إذا أقبلت الحيضة تدع الصلاة 114/1 رقم (284) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، 74/1 ، المحقق : محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

35 - جميلة بنت عَبَّاد (1) :

« عن زينب بنت نصر وجميلة بنت عباد أنهما سمعتا عائشة - رضي الله عنها - قالت :

سمعت رسول الله صلى الله عليه و سلم ينهى عن شراب صنع في دباء أو حنتم أو مزفت لا يكون زيتا أو خلا »
(2).

ترجمه : « از زينب بنت نصر و جميلة بنت عباد روايت است كه از عائشه - رضي الله عنها - شنيدند كه ميگفت : از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - شنيدم كه از نوشيدن در دباء ، حنتم ، و مزفت منع ميفرمود ، مگر اينكه تيل زيتون يا سرکه ميبود » .

36 - حبيبة بنت ميسرة (3) :

« عن حبيبة بنت ميسرة عن أم الكرز الكعبية - رضي الله عنها - قالت :

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ « عَنِ الْغُلَامِ شَاتَانِ مُكَافَتَتَانِ وَعَنِ الْجَارِيَةِ شَاةٌ » (4) .

ترجمه : « از حبيبه بنت ميسره ، از ام كرز كعبيه - رضي الله عنها - مرويست كه ميگويد : از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - شنيدم كه ميفرمود : براي پسر دو گوسفند ، و براي دختر يك گوسفند بحيث عقيقه ذبح ميشود » .

37 - حسناء بنت معاوية بصرية (5) :

« عن حسناء بنت معاوية ، عن أسلم بن سليم - رضي الله عنه - قال :

(1) از جمله راويان حديث حضرت عائشة - رضي الله عنها - است . عوف بن صالح و بارقي از او روايت کرده اند . نسائي روايت اورا نقل ميكند . (أعلام النساء ، 214/1) . ابن حجر در باره ي شان گفته : " لا تعرف ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8650 ، ص 1348) .

(2) سنن نسائي ، كتاب الأشربة ، باب النهي عن نبيذ و الحنتم و المزفت 306/8 رقم (5636) . حكم حديث : إسناده حسنه الالباني ، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب .

(3) فهرية ، راويه از راويان حديث است ، از ام كرز كعبيه صحابية روايت کرده است ، و از او مولايش عطاء بن أبو رباح روايت ميكند . ابن حبان در ثقات قرارش داده است . (أعلام النساء 243/1) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الرابعة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8657 ، 1349) .

(4) سنن أبو داود ، كتاب الأضاحي ، باب في العقيقة 116/2 رقم (2834) . سنن نسائي ، كتاب العقيقة ، باب في الجارية 165/7 رقم (4216) .

حكم حديث : صححه الالباني ، 105/3 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(5) و گفته ميشود : خنساء . از كاكاي خود اسلم بن سليم از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - روايت کرده ، و از او عوف بن ابو جميله اعرابي ، متوفای سنه [146] ، روايت مينمايد . (أعلام النساء ، 262/1) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الرابعة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8658 ، ص 1349) .

قُلْتُ لِلنَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم- : مَنْ فِي الْجَنَّةِ قَالَ : « النَّبِيُّ فِي الْجَنَّةِ وَالشَّهِيدُ فِي الْجَنَّةِ وَالْمَوْلُودُ فِي الْجَنَّةِ وَالْوَيْدُ فِي الْجَنَّةِ » (1) .

ترجمه : « از حسناء بنت معاویه ، از اسلم بن سلیم - رضي الله عنه - روایت میشود که ، میگوید : به رسول الله - صلى الله عليه وسلم - گفتم : در جنت چه کسی است ؟ فرمود : نبی در جنت است ، و شهید در جنت است ، طفل در جنت ، و زنده در گور شده در جنت است » .

38 - حَكِيمَةُ بِنْتُ أُمِّمَةَ بِنْتِ رَقِيقَةَ (2) :

« عَنْ حَكِيمَةَ بِنْتِ أُمِّمَةَ رَقِيقَةَ عَنْ أُمِّهَا (أُمِّمَةَ بِنْتِ رَقِيقَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا -) قَالَتْ :

كَانَ لِلنَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم- قَدَحٌ مِنْ عَيْدَانٍ تَحْتَ سَرِيرِهِ يَبُولُ فِيهِ بِاللَّيْلِ » (3) .

ترجمه : « از حکیمه بنت امیمه بنت رقیقه از مادرش (أمیمه بنت رقیقه - رضي الله عنها -) مروی است که میگوید : برای رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ظرفی که از چوب ساخته شده بود ، زیر تخت اش بود ، که در آن از طرف شب ادرار میکرد » .

39 - حَكِيمَةُ بِنْتُ أُمِّمَةَ بِنْتِ أَخْنَسِ بْنِ عُبَيْدٍ (4) :

« عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي سُفْيَانَ الْأَخْنَسِيِّ عَنْ جَدَّتِهِ حَكِيمَةَ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا :

أَنَّهَا سَمِعَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ : مَنْ أَهْلُ بِحْجَةِ أَوْ عَمْرَةٍ مِنَ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى إِلَى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ " أَوْ " وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ » (1) .

(1) سنن أبو داود ، كتاب الجهاد ، باب في فضل الشهادة 322/2 رقم (2523) . حكم حديث : صححه الألباني في صحيحه .

(2) از راویان حدیث است ، از مادرش أمیمه رقیقه صحابیة روایت نموده است . و از او ابن جریج متوفای سال [150] ، روایت میکند . ابن حبان در ثقات قرارش داده است . (أعلام النساء ، 287/1) . ابن حجر میگوید : " لا تعرف ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8663 ، ص 1349) .

(3) سنن أبو داود ، كتاب الطهارة ، باب في الرجل يبول بالليل في الإناء 11/1 رقم (24) . سنن نسائي ، كتاب الطهارة ، باب البول في الإناء 34/1 رقم (32) . حكم حديث : إسناده حسن لغيره .

(4) حَكِيمَةُ - به ضم حاء و فتح كاف - بنت أمية بن اخنس بن عبید ، ام حکیم ، خواهر زینب ، جده یحیی بن ابو سفیان اخنس ، گفته میشود که عمه و یا خاله اش میباشد . (تهذیب الکمال ، 1157/35 ، رقم 7820) . ابتداء با مصعب ، و بعد با طلحه نکاح نمود ، ام ولد دو فرزند طلحه : عمران و محمد بود . و گفته میشود : ام حبیبه . (تقریب التهذیب ، شماره 8664 ، ص 1350) .

از ام سلمه - رضي الله عنها - روایت نموده ، و از او سلیمان بن سحیم ، و یحیی بن ابو سفیان روایت میکنند . (تراجم طبقة المحدثات و مرویاتهن في الكتب الستة ص 178-179) .

ترجمه: « از یحیی بن ابی سفیان اخنسی از جده ای شان ، حکیمه ، از ام سلمه - رضي الله عنها - مروی است که از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمودند : هر که برای ادای حج و عمره از مسجد اقصی الی مسجد حرام احرام ببندد ، تمام گناهان گذشته و آینده اش مورد بخشش قرار میگیرد . یا بهشت برایش واجب میشود» .

40 - حُميدة (2) :

« عن حميدة - رحمها الله - :

أنها سألت أم سلمة زوج النبي صلى الله عليه وسلم فقالت إني امرأة أطيّل ذيلي وأمشي في المكان القذر فقالت أم سلمة قال رسول الله صلى الله عليه وسلم " يطهره ما بعده » (3) .

ترجمه: « از حُميدة - رحمها الله - روایت میشود که او از ام سلمه - رضي الله عنها - همسر رسول الله - صلى الله عليه وسلم - پرسید ، من زنی هستم که دامن دراز میپوشم ، و در جاهای که نجاست است راه میروم ، ام سلمه گفت : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود : ما بعد آن ، آنرا پاک میسازد» .

41 - حُمَيْضَةُ بنت شمردل (4) :

« عن حميضة بنت الشمردل عن قيس بن حارث الأسدي - رضي الله عنه - قال :

(1) سنن أبو داود ، كتاب الحج ، باب في المواقيت (543/1 رقم 1741) . حكم حديث : ضعفه الالباني ، 143/2 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(2) ام ولد عبدالرحمن بن عوف ، مادر هودبن عبدالرحمن بن عوف میباشد . (الطبقات الكبرى ، 56/5) .
از عائشة - رضي الله عنها - روایت نموده است ، و از او ابن جريج متوفای سال [149] ، روایت دارد . (أعلام النساء ، 297/1) . ابن حجر میگوید :
" مقبولة ، من الرابعة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8667 ، ص 1350) .

(3) سنن أبو داود ، كتاب الطهارة ، باب في الأذى يصيب الذيل (158/1 رقم 383) . سنن ترمذي ، كتاب الطهارة ، باب ما جاء في الوضوء الموطأ (226/1 رقم 134) . سنن ابن ماجه ، كتاب الطهارة ، باب في الأرض يطهر بعضها بعضا 177/1 رقم (531) . حكم حديث : صححه الالباني ، 104/1 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(4) از جمله راویان حدیث شمرده میشود ، که از قیس بن حارث روایت حدیث دارد ، و از او محمد بن عبدالرحمن بن ابو لیلی روایت کرده است . روایتش را أبو داود و ابن ماجه در سنن خود نقل نموده اند . (أعلام النساء ، 302/1) .

أُسْلِمْتُ وَعِنْدِي ثَمَانُ نِسْوَةٍ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ " اخْتَرِ مِنْهُنَّ أَرْبَعًا " (1).

ترجمه: « قیس بن حارث - رضی الله عنه - میگوید: وقتی اسلام آوردم، هشت همسر داشتم، موضوع را به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - عرض نمودم، برایم فرمود: از میان شان چهار تن را انتخاب کن.»

42 - حَمِيْضَةُ بِنْتُ يَاسِرٍ (2):

« عَنْ حَمِيْضَةَ بِنْتِ يَاسِرٍ عَنْ يَسِيْرَةٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا -:

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَهُنَّ أَنْ يَرَاعِينَ بِالتَّكْبِيرِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّهْلِيلِ، وَأَنْ يَعْقِدْنَ بِالْأَنَامِلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطَقَاتٌ » (3).

ترجمه: « از حَمِيْده بنت ياسر از يسيره - رضي الله عنها - روایت است، که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - زنان را به مراعات کردن به گفتن تکبیر، و تقدیس، و تهلیل دستور میداد، و اینکه این اذکار را بواسطه انگشتان شان انجام شود، زیرا که این انگشتان مسئول و گواه میباشند.»

43 - دُحْيِيَّةُ بِنْتُ عَلِيْبَةَ عَنَبْرِيَّة (4):

« عَنْ دُحْيِيَّةِ بِنْتِ عَلِيْبَةَ، عَنْ قَيْلَةَ بِنْتِ مَخْرَمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا -:

أَنَّهَا رَأَتْ النَّبِيَّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- وَهُوَ قَاعِدٌ الْقُرْصَاءَ فَلَمَّا رَأَتْ رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- الْمُخْتَشِعَ - وَقَالَ مُوسَى: الْمُتَخَشِّعُ فِي الْجُلْسَةِ - أُرْعِدْتُ مِنَ الْفَرْقِ » (1).

(1) سنن أبو داود، كتاب الطلاق، باب في من أسلم و عنده نساء أكثر من أربع أو أختان (680/1 رقم 2241).
سنن ابن ماجه، كتاب النكاح، باب الرجل يسلم و عنده أكثر من أربع نسوة (628/1 رقم 1952). حكم حديث: صححه الالباني، 272/2، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

(2) از روايان حديث بوده، از جده اش يسيره روايت کرده اند و، و فرزند شان هاني بن عثان، که از او عبدالله بن داود خريبي متوفای [213] روايت میکند. ابن حبان از ثقاتش شمرده. أبو داود، و ترمذي روايت اش را نقل کرده اند. (أعلام النساء، 303/1). ابن حجر ميگويد: " مقبولة، من الرابعة ". (تقريب التهذيب، شماره 8668 ص1350).

(3) سنن أبو داود، كتاب الصلاة، باب التسبيح بالحصي (487/1 رقم 1501). سنن ترمذي، كتاب الدعوات، باب في فضل تسبيح و التهليل و التقديس (3583 57/5). احكم حديث: حسنه الالباني، 81/2، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

(4) از روايت کنندگان ثقات در حديث ميباشد، از جد خود حرمله بن عبدالله عنبري صحابي، و از جده ی پدری شان قيلة بنت مخرمه روايت كوده اند. و از وی عبدالله بن حسان عنبری روايت میکند. روايت اش أبو داود و ترمذي روايت نقل نموده اند. (أعلام النساء، 405/1). ابن حجر در موردش گفته: " مقبولة، من الثالثة ". (تقريب التهذيب، 8678، ص1353).

ترجمه: « از دُحیه بنت علیّه ، از قبیله بنت مخرمه - رضی الله عنها - روایت میشود ، که وی رسول الله - صلی الله علیه و سلم را دید در حالیکه بر رانها نشسته ، زانو هایش را به شکم چسبانیده بود ، میگوید : چون او را دیدم که خیلی متواضعانه نشسته بود . موسی میگوید : یعنی نشستن متواضعانه . که با شنیدن آن احساس خوف نمودم » .

44 - رباب جده عثمان بن حکیم أنصاری (2) :

« عن عُثْمَانَ بْنِ حَكِيمٍ حَدَّثَنِي جَدَّتِي الرَّبَابُ قَالَتْ سَمِعْتُ سَهْلَ بْنَ حَنْفٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ :

مَرَرْنَا بِسَيْلٍ فَدَخَلْتُ فَأَغْتَسَلْتُ فِيهِ فَخَرَجْتُ مَحْمُومًا فَنَمِيَ ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ « مُرُوا أَبَا ثَابِتٍ يَتَعَوَّذُ » . قَالَتْ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي وَالرَّقَى صَالِحَةٌ فَقَالَ « لَا رُقِيَّةَ إِلَّا فِي نَفْسٍ أَوْ حِمَّةٍ أَوْ لَدَغَةٍ » (3) .

ترجمه: « از عثمان بن حکیم روایت است که میگوید : مادر بزرگم برایم گفت که شنیدم سهل بن حنیف - رضی الله عنه - که میگفت : از بالای سیلی گذشتیم ، داخل آن شده و در آن غسل نمودم ، با تب شدید از آن بیرون شدم . کسی رسول الله - صلی الله علیه و سلم - را در جریان گذاشت ، فرمود : ابو سعید را امر کنید که به خدا پناه ببرد . میگوید : پس گفتم : ای آقایم ! آیا رقیه صالحه نکنم ؟ فرمود : رقیه جز در نفس یا زهر و گزیدگی نمی باشد » .

45 - رقیة بنت عمرو (4) :

« عن رقية بنت عمرو - رحمها الله - قالت :

كُنْتُ فِي حَجَرِ ابْنِ عُمَرَ فَكَانَ يَنْقَعُ لَهُ الزَّبِيبُ فَيَشْرَبُهُ مِنَ الْغَدِ ثُمَّ يَجْفَفُ الزَّبِيبُ وَيُلْقَى عَلَيْهِ زَبِيبٌ آخَرٌ وَيُجْعَلُ فِيهِ مَاءٌ فَيَشْرَبُهُ مِنَ الْغَدِ حَتَّى إِذَا كَانَ بَعْدَ الْغَدِ طَرَحَهُ » (5) .

(1) سنن أبو داود ، كتاب الأدب ، باب جلوس الرجل (412/4 رقم 4849) . سنن ترمذي ، كتاب الأدب ، باب ما جاء في الثوب الأصفر (111/5 رقم 2814) . احکم حدیث : حسنه الالبانی ، 262/4 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(2) از جمله راویان حدیث است ، از سهل بن حنیف از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - روایت کرده ، و از وی عثمان بن حکیم متوفای [138] روایت میکند . ابو داود روایتش را نقل کرده است . (أعلام النساء ، 441/1) . ابن حجر در موردش میگوید : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8682،1354) .

(3) سنن أبو داود ، كتاب العين ، باب ما جاء في الرقي (13/4 رقم 3890) . حکم حدیث : قال الالبانی ضعيف الاسناد ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(4) رقیة - به ضم راء و فتح قاف و یای مشدده - ، بنت عمر (تهذیب الکمال ، 88/4) ، از بن عمر روایت کرده اند ، و از وی سعیدی روایت مینماید . نسائی روایتش را نقل کرده است . (المیزان ، 606/4 رقم 7840) .

(5) سنن نسائی ، كتاب الشربة ، باب الأخبار التي اعتل بها من أباح شرب المسكر (325/8 رقم 5702) . حکم حدیث : قال الالبانی ضعيف الإسناد موقوف ، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب .

ترجمه: « از رقیه بنت عمرو - رحمها الله - مرویست ، که میگوید : در خانه ابن عمر و تحت پرورش شان قرار داشتیم ، برایش کشمش را در آب میگذاشتند ، که آنرا فردای روز مینوشید ، و کشمش آن خشک میشد ، که بر آن مقدار دیگری مینداختند و آب را بر آن علاوه میکردند ، که فردای آنروز آنرا مینوشید ، و بعد از آن کشمش را دور مینداختند . »

46 - رُمَيْثَةُ (1) :

« عن رُمَيْثَةَ عن عائشة - رضي الله عنها - قالت : أتعجز إحدا كن أن تتخذ ، كل عام ، من جلد أضحيتها سقاء

؟ ثم قالت : نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم أن ينبذ في الجر ، وفي كذا ، وفي كذا . إلا الخل » (2) .

ترجمه: « از رُمَيْثَةُ ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت میشود ، که میگوید : آیا یکی از شما عاجز میشود که هر سال از پوست حیوان قربانی مشک بسازد ؟ بعد از آن گفت : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - از اینکه فشرده انگور در کوزه ، و در چنین و در چنان ، نهی نمود مگر سرکه » .

47 - رُمَيْثَةُ بنت الحارث بن طفيل بن سخبرة أزدية (3) :

« عن رُمَيْثَةَ عن أم سلمة - رضي الله عنها - :

أن نساء النبي صلى الله عليه وسلم كلمنها أن تكلم النبي صلى الله عليه وسلم إن الناس كانوا يتحرون بهدياهم

يوم عائشة وتقول له إنا نحب الخير كما تحب عائشة فكلمته فلم يجبها فلما دار عليها كلمته أيضا فلم يجبها وقلن

(1) رُمَيْثَةُ أنصارية از روات حدیث است ، که از عائشة - رضي الله عنها - روایت میکند ، و از وی فرزندش سلیمان تیمی روایت کرده است . ابن ماجه در سنن خود روایت او را نقل کرده است . (أعلام النساء ، 469/1) . ابن حجر در موردش گفته : " لا تعرف ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8690، ص1355) .

(2) سنن ابن ماجه ، كتاب الأشرية ، باب نبذ الجر (1128/2 رقم 3407) . حكم حديث : ضعفه الالباني ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

(3) از راویان حدیث است ، از ام سلمة - رضي الله عنها - روایت کرده ، و از وی برادرش عوف ابن حارث روایت میکند . (أعلام النساء ، 470/1) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الرابعة " . (تقريب البتهذيب ، شماره 8688، ص1355) .

إبن حبان از ثقات قرارش میدهد (الثقات ، 244/4) ، و ذهبی از مجهولاتش خوانده است . (الميزان ، 606/4) .

ما رد عليك قالت لم يجبني قلن لا تدعيه حتى يرد عليك أو تنظرين ما يقول فلما دار عليها كلمته فقال : " لا تؤذيني في عائشة فإنه لم ينزل على الوحي وأنا في لحاف امرأة منكن إلا في لحاف عائشة » (1).

ترجمه : « از رُمیته ، از ام سلمه - رضي الله عنها - مروی است که همسران رسول الله - صلى الله عليه و سلم - از او خواستند که با پیامبر صحبت کند و به او بگوید که مردم تلاش دارند تا هدیه های خود را بیاورند ، و به او بگویند که ماهم خیر را دوست داریم همانند که تو عائشه را دوست داری ، من برایش می گفتم ، مگر برایم جواب نداد ، وقتیکه نوبت او دوباره رسید ، بار دیگر برایش گفت ، مگر رسول الله - صلى الله عليه و سلم - جواب نداد . ازواج مطهرات پرسیدند که چه جواب داد ؟ گفت : جوابی نگفته ، گفتند : ز او پیوسته پرسیده باش تا جواب دهد و ببینی که چه میگوید . هنگامی که نوبت او دو باره رسید ، باز هم با رسول الله - صلى الله عليه و سلم - در مورد صحبت کرد ، او فرمود : مرا در مورد عائشه اذیت نکنید زیرا بدون بستر عائشه در بستر هیچ یکی از شما برایم وحی نیامده است » .

48- زينب السهمية (2) :

« عن زينب السهمية عن عائشة - رضي الله عنها - :

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يتوضأ ثم يقبل ويصلي ولا يتوضأ . وربما فعله بي » (3).

(1) سنن نسائي ، كتاب النكاح ، باب حب الرجل بعض نسائه أكثر من بعض (68/7 رقم 3950) . حكم حديث : صححه الالباني ، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب.

(2) زينب بنت محمد بن عبد الله بن عمرو بن عاص سَهْمِي ، (الأنساب ، 343/3) عمه عمرو بن شعيب (تهذيب الكمال ، 35/189) ، از عائشة - رضي الله عنها - روایت میکند ، و از وی تنها برادر زاده اش عمرو بن شعيب تفرد به روایت کرده است . ابن ماجه روايتش را در كتاب سنن خود نقل کرده است . (تراجم طبقة المحدثات من التابعيات و مروياتهن في الكتب الستة ، ص 241 - 242) . ابن حجر گفته : " لا تعرف ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8696 ، ص 1356) .

(3) سنن ابن ماجه ، كتاب الطهارة ، باب الوضوء من القبلة (167/1 رقم 503) . حكم حديث : ضعفه الالباني ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.

ترجمه: « از زینب سهمیه ، از عائشه - رضي الله عنه - روایت میشود ، که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - وضوء ساخته و همسر شانرا بوسه مینمود ، سپس نماز میگذاشت در حالیکه وضوء نمیساخت . و گاهی با من هم چنین میکرد . »

49 - زینب بنت نبیط مدنیة أنصاریة (1) :

« عن زینب بنت نبیط عن أنس بن مالک - رضي الله عنه :

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أعلم قبر عثمان بن مظعون بصخرة » (2) .

ترجمه: « از زینب بنت نبیط ، از انس بن مالک - رضي الله عنه - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قبر عثمان بن مظعون را با سنگی نشانی کرد . »

50 - زینب بنت نصر (3) :

« عن زینب بنت نصر عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْهَى عَنْ شَرَابٍ صُنِعَ فِي دُبَاءٍ أَوْ حَنْتَمٍ أَوْ مُزَفَّتٍ لَا يَكُونُ زَيْتًا أَوْ خَلًّا » (4)

ترجمه: « از زینب بنت نصر ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید : شنیدیم که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - که از نوشیدنی که در دبء ، حنتم و مزفت منع می نمود ، مگر اینکه تیل زیتون یا سرکه باشد . »

51 - سارة بنت مقسم ثقفية (5) :

« عن سارة بنت مقسم عن ميمونة بنت كردم - رضي الله عنها - قالت :

(1) ترجمه مختصر این تابعیه در فصل دوم ، زیر عنوان کبار تابعیات گذشت .

(2) سنن ابن ماجه ، کتاب الجنائز ، باب ما جاء في العلامة على القبر (498/1 رقم 1561) . حکم حدیث : صححه الالبانی ، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

(3) از راویان حدیث است ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت نموده ، و از وی عون بن صالح باروقی روایت کرده است . نسائی روایتش را نقل میکند . (أعلام النساء ، 2 / 122) .

(4) سنن نسائی ، کتاب الأشربة ، باب النهي عن نبذ الدباء و الحنتم و المزفت (306/8 رقم 5636) . حکم حدیث : حسنه الالبانی ، تحقیق: عبد الفتاح أبو غدة ، الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب .

(5) از میمونه بنت کردم از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - روایت کرده است ، و از وی خواهر زاده شان عبدالله بن یزید بن مقسم ثقفی روایت میکند . أبو داود روایتش را نقل نموده است . (أعلام النساء ، 2 / 141) . ابن حجر میگوید : " لا تعرف من الرابعة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8701 ، ص 1357) .

خَرَجْتُ مَعَ أَبِي فِي حَجَّةِ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَدَنَا إِلَيْهِ أَبِي وَهُوَ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ فَوَقَفَ لَهُ وَاسْتَمَعَ مِنْهُ وَمَعَهُ دَرَّةٌ كَدْرَةٌ الْكَتَّابُ فَسَمِعْتُ الْأَعْرَابَ وَالنَّاسَ وَهُمْ يَقُولُونَ الطَّبْطَبِيَّةَ الطَّبْطَبِيَّةَ فَدَنَا إِلَيْهِ أَبِي فَأَخَذَ بِقَدَمِهِ فَأَقَرَّ لَهُ وَوَقَفَ عَلَيْهِ وَاسْتَمَعَ مِنْهُ فَقَالَ إِنِّي حَضَرْتُ جَيْشَ عِثْرَانَ - قَالَ ابْنُ الْمُثَنَّى جَيْشَ عِثْرَانَ - فَقَالَ طَارِقُ بْنُ الْمُرْقَعِ مَنْ يُعْطِينِي رُمْحًا بِثَوَابِهِ قُلْتُ وَمَا ثَوَابُهُ قَالَ أَزَوَّجُهُ أَوَّلَ بِنْتٍ تَكُونُ لِي. فَأَعْطَيْتُهُ رُمْحِي ثُمَّ غِبْتُ عَنْهُ حَتَّى عَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ وَلِدَ لَهُ جَارِيَةً وَبَلَغَتْ ثُمَّ جِئْتُهُ فَقُلْتُ لَهُ أَهْلِي جَهْزُهُنَّ إِلَيَّ. فَحَلَفَ أَنْ لَا يَفْعَلَ حَتَّى أَصْدِقَهُ صَدَاقًا جَدِيدًا غَيْرَ الَّذِي كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَحَلَفْتُ لَا أُصْدِقُ غَيْرَ الَّذِي أُعْطَيْتُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « وَبَقَرْنِ أَيُّ النِّسَاءِ هِيَ الْيَوْمَ ». قَالَ قَدْ رَأَتْ الْقَتِيرَ. قَالَ « أَرَى أَنْ تَتْرُكَهَا ». قَالَ فَرَاعَنِي ذَلِكَ وَنَظَرْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ مِنِّي قَالَ « لَا تَأْتُمْ وَلَا يَأْتُمْ صَاحِبُكَ ». (1) قَالَ أَبُو دَاوُدَ الْقَتِيرُ الشَّيْبُ » .

ترجمه : « میمونه میگوید : در سال که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - به حج تشریف برد ، من همراهی پدرم یکجا بر آمدم ، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بر شتر خود سوار بود ، پدرم نزدیک پیامبر رسید و پیش وی ایستاده و سخنانش را می شنید . نزد رسوالله - صلی الله علیه و سلم - درهء مانند دره معلمان بود (چیزیکه بخاطر تأدیب اطفال میباشد ، مانند عصا) . شنیدم که برای اعراب و مردم میفرمود : طبطیبه (صدای پای که بر زمین بزنند یا صدای دره و قتیکه در حرکت میاید) ، پدرم قریب رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آمده و پایش را محکم گرفته و به رسالتش اقرار کرد ، و پیش وی ایستاده و به سخنانش را درست گوش میکرد . گفت : من در لشکر عثران (جنگی در زمان جاهلیت بود) حاضر بودم ، (در روایت ابن مثنی بجای جیش عثران ، غثران است) ، طارق بن مرقع گفت : کی باشد تا برایم یک نیزه بدهد تا عوضش را بدهم ؟ پرسیدم که عوضش چیست ؟ گفت : هر گاه در خانه من اولین دختری که به دنیا بیاید ، نکاحت را با وی عقد میکنم . من نیزه خود را برایش دادم ، و از نزد غایب شد ، وقتی خبر شدم که دخترش به دنیا آمده ، و جوان هم شده ، نزدش رفته و برایش گفتم : که زن مرا برایم بده ، او قسم یاد کرده گفت : که چنین نمیکند تا برایش مهریه جدید نپردازم ، بدون آن عهدی که در میان من و او بسته شده بود ، و من هم قسم یاد کردم که بدون همان عهدی که بسته ایم هیچ مهریه جدید برایش نمی دهم . رسول الله - صلی الله علیه و سلم - پرسید که آن زن فعلا در عمر کدام قسم از زنان مییابد ؟ (چند ساله میباشد) ، گفت : در عمر پیری بسر می برد . رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود : " نظر من این است که او را رها کن " . من ازین سخن شان ترسیده و به طرف شان نگاه کردم ، چون حالتهم را دید فرمود : (نترس) نه تو گنهکار شده ای و نه دوست ات » .

(1) سنن أبو داود ، کتاب النکاح ، باب فی تزویج من لم یولد (639/1 رقم 2103) . حکم حدیث :ضعفه الالبانی، 233/2، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت.

52 - سائبة مولاة فاكه ابن مغیره مخزومي (1) :

« عن سائبة - رحمها الله - :

دخلت على عائشة فرأت في بيتها رمحا موضوعا . فقالت يا أم المؤمنين ما تصنعين بهذا ؟ قالت نقتل به هذه الأوزاغ . فإن نبي الله صلى الله عليه و سلم أخبرنا أن إبراهيم لما ألقى في النار لم تكن في الأرض دابة إلا أطفأت النار . غير الوزغ . فإنها كانت تنفخ عليه . فأمر رسول الله صلى الله عليه و سلم بقتله » (2) .

ترجمه : « از سائبة - رحمها الله - روایت میشود که وی بر عائشه - رضي الله عنها - داخل شد ، در خانه نیزه ی گذاشته شده را دید . پرسید : ای أم المؤمنين ! با این چه کاری میکنید ؟ گفت : بواسطه این چلباسه را میکشیم ، چون نبي الله - صلى الله عليه و سلم - به ما خبر داده ، وقتیکه ابراهيم به آتش انداخته شد ، هیچ حیوانی در زمین نبود مگر اینکه کوشش میکردند که آتش را خاموش سازد ، جز چلباسه ، که آنرا میخواست بر افروزد . پس رسول الله - صلى الله عليه وسلم - به کشتن آن دستور داد »

53 - سلمی بکریة (3) :

« قالت سلمی البکریة - رحمها الله - :

دخلت على أم سلمة وهي تبكي فقلت ما يبكيك ؟ قالت رأيت رسول الله صلى الله عليه و سلم تعني في المنام وعلى رأسه ولحيته التراب فقلت ما لك يا رسول الله قال : " شهدت قتل الحسين أنفا " (4) .

ترجمه : « سلمی بکریه - رحمها الله میگوید : بر ام سلمه داخل شدم در حالیکه گریه میکرد ، پرسیدم چه چیز موجب شده گریه کنی ؟ گفت : رسول الله - صلى الله عليه وسلم - را دیدم - یعنی در خواب - که سر و ریشش خاک نشسته است ، گفتم : چه اتفاقی افتاده یا رسول الله ، فرمود : همین اکنون شاهد کشتن حسین بودم » .

(1) از جمله راویان ثقات بوده ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت مینماید ، و از او نافع مولای بن عمر متوفای [117] ، یا [119] ، یا [120] ، روایت کرده است . و ابن ماجه آنرا نقل میکند . (أعلام النساء ، 135/2) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8702 ، ص 1357) .

(2) سنن ابن ماجه ، کتاب الصيد ، باب قتل الوزغ (1076/2 رقم 3231) . حکم حدیث : صححه الالبانی ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

(3) از جمله راویان حدیث است ، که از عائشه و ام سلمه - رضي الله عنها - روایت مینماید . و از وی زین الجهنی روایت کرده است . (أعلام النساء ، 240/2) . ابن حجر در موردش گفته : " لا تعرف ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8606 ، ص 1357) .

(4) سنن ترمذی ، کتاب المناقب ، باب مناقب الحسن و الحسين علیهما السلام (5 / 657) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، تحقیق و تعلیق : و ابراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

54 - سلمی عمه عبدالرحمن بن أبو رافع (1) :

« عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ عَمَّتِهِ سَلْمَى عَنْ رَافِعٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ :
أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - طَافَ ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى نِسَائِهِ يَغْتَسِلُ عِنْدَ هَذِهِ وَعِنْدَ هَذِهِ . قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ
أَلَا تَجْعَلُهُ غُسْلًا وَاحِدًا قَالَ « هَذَا أَزْكَى وَأَطْيَبُ وَأَطْهَرُ » (2) .

ترجمه : « از عبدالرحمن بن ابو رافع ، از عمه اش ، از رافع - رضي الله عنه - روایت است ، که میگوید : در یکی از
روزها رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بر هر یک از همسران خود داخل شد ، و نزد هر کدام شان جدا جدا
غسل ساخت . میگوید : برایش گفتم : ای رسول الله ! آیا نمیشد که یک غسل انجام میدادی و کفایت میکرد ، فرمود :
این کار پاکیزه تر ، خوبتر و طاهر تر است . »

55 - شعثاء بنت عبدالله أسدی کوفی (3) :

عن عبدالله بن أوفى - رضي الله عنه - :

« أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - صَلَّى يَوْمَ بَشَّرَ بِرَأْسِ أَبِي جَهْلٍ ، رَكَعَتَيْنِ » (4) .

ترجمه : « از عبدالله بن اوفی - رضي الله عنه - روایت میشود که ، رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در روزیکه به
سر ابو جهل مژده داده شد ، دو رکعت نماز گذارد . »

56 - صفیة بنت جریر (5) :

« عَنْ صَفِيَّةِ بِنْتِ جَرِيرٍ عَنْ أُمِّ حَكِيمٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ :

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ : " دَعَاءُ الْوَالِدِ يَفْضِي إِلَى الْحِجَابِ » (1) .

(1) از جمله راویان حدیث است ، از محمد بن فضل رافعی از جده ی شان سلمی روایت دارد ، و از وی ابراهیم بن علی بن حسن روایت میکند .
(أعلام النساء ، 245/2) . ابن حجر گوید : " مقبولة من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8708 ، ص 1357) .

(2) سنن أبو داود ، کتاب الطهارة ، باب الوضوء لمن أراد أن يعود (88/1 رقم 219) . سنن نسائي ، في الكبرى ، کتاب عشرة النساء ، باب طواف
الرجل على نساءه (329/5 رقم 9035) . سنن ابن ماجه ، کتاب الطهارة ، باب فيمن يغتسل عند كل واحدة غسلا (194/1 رقم 590) . حکم حدیث :
حسنه الالبانی ، 56/1 ، المحقق : محمد محبی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

(3) ترجمه شان در فصل دوم ، تحت عنوان ضغار تابعیات گذشت .

(4) سنن ابن ماجه ، کتاب إقامة الصلاة و السنة فيها ، باب ما جاء في الصلاة و المسجد عند الشکر 444/1 رقم (1391) . حکم
حدیث : ضعفه الالبانی ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

(5) محدثه ی از محدثات حدیث است ، که از ام حکیم بنت وداع خزاعی از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - روایت نموده است . و از وی أم
حفص روایت میکند . ابن ماجه روایتش را نقل نموده است . (أعلام النساء ، 332/2) . ابن حجر در موردش گفته : " لا تعرف ، من الثالثة " . (تقریب
التهذیب ، شماره 8718 ، ص 1360) .

ترجمه: «از صفیه بنت جریر، از ام حکیم - رضی الله عنها - روایت است که میگوید: از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - شنیدم که میگفت: دعای پدر در حق فرزند، بالا رفته، و بین آن و قبولیت حجابی باقی نمی ماند».

(¹) سنن ابن ماجه، كتاب الدعوات، باب دعاء الوالد 1271/2 رقم (3863). حکم حدیث: ضعفه الالبانی، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.

57 - صفية بنت حارث (1) :

« عن صفية بنت الحارث عن عائشة - رضي الله عنها - :

عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنَّهُ قَالَ « لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ حَائِضٍ إِلَّا بِخِمَارٍ » (2) .

ترجمه : « از صفیه بنت حارث ، از عائشه - رضي الله عنها - از رسول الله - صلى الله عليه و وسلم - مروی است که میفرماید : خداوند نماز دختر بالغ را قبول نمیکند ، مگر با خمار » .

58 - صفية بنت عصمة (3) :

« عن صفية بنت عصمة عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

أَوَمَتِ امْرَأَةٌ مِنْ وَرَاءِ سِتْرِ بَيْدِهَا كِتَابَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَبَضَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَدَهُ فَقَالَ « مَا أَدْرِي أَيْدِ رَجُلٍ أَمْ يَدِ امْرَأَةٍ » . قَالَتْ بَلِ امْرَأَةٌ . قَالَ « لَوْ كُنْتُ امْرَأَةً لَغَيَّرْتُ أَظْفَارَكَ » . يَعْنِي بِالْحِنَاءِ » (4) .

ترجمه : « از صفیه بنت عصمه ، از عائشه - رضي الله عنه - روایت است که ، زنی از پشت پرده اشاره کرد ، در حالی که در دستش نامه ای به رسول الله - صلى الله عليه و سلم - داشت ، نبی - صلى الله عليه و سلم - دست شانرا گرفته و فرمودند " نمیدانم دست مرد است ، یا زن " زن گفت : نه از زن ، فرمود : " اگر زن میبودی رنگ ناخن هایت را تغییر میدادی " ، (یعنی با خینه) » .

(1) از جمله راویان ثقه حدیث است ، که از عائشه - رضي الله عنها - روایت نموده ، آن هم زمانیکه عائشه در واقعه جمل در قصر عبدالله بن خلف در بصره بود . واز او محمد بن سیرین متوفای سنه [110] ، روایت مینماید . أبو داود ، ترمذی و ابن ماجه از نقل نموده اند . (أعلام النساء ، 2/ 232)

(2) سنن ابو داود ، کتاب الصلاة ، باب المرأة تصلي بغير خمار (244/1 رقم 641) . سنن ترمذی ، کتاب الصلاة ، باب ما جاء لا تقبل صلاة المرأة إلا بخمار (215/2 رقم 377) . سنن ابن ماجه ، کتاب الطهارة ، باب إذا حاضت الجارية لا تصلي إلا بخمار (215/1 رقم 655) .

حكم حديث : صححه الالباني، 173/1، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

(3) از عائشه - رضي الله عنها - روایت میکند ، و از وی مطيع بن ميمون به روایت تفرد نموده است . أبو داود و نسائي از او نقل میکنند . (تراجم طبقة المحدثات و مروياتهن في الكتب الستة ، ص 305) . ابن حجر ميگوید : " لا تعرف من الثالثة " . (تهذيب التهذيب ، شماره 8823، ص 1360) .

(4) سنن أبو داود ، کتاب الترجل ، باب الخضاب للنساء (77/4 رقم 4165) . سنن نسائي ، کتاب الزينة ، باب (142/8) . حكم حديث : حسنه الالباني، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

59- صفیه بنت عطیه (1) :

« عن صفیه بنت عطیه - رحمها الله - قالت :

دخلت مع نسوة من عبدالقيس على عائشة ، فسألنا عن التمر و الزبيب ، فقالت : كنت آخذ قبضة من تمر و قبضة من زبيب ، فألقيه في إناء ، فأمرسه ، ثم أسقيه النبي - صلى الله عليه و سلم » (2) .

ترجمه : « از صفیه بنت عطیه - رحمها الله - روایت که میگوید : همراه با یک تعداد از زنان قبیله عبد القیس نزد عایشه رفتیم ، و در مورد خرما و کشمش پرسیدیم ، فرمود : من یک مشت خرما و یک مشت کشمش را گرفته ، در ظرفی انداخته ، و میالیدم ، سپس به رسول الله - الله علیه و سلم - آنرا می نوشانیدم » .

60 - صفیه بنت علّیه عنبریه (3) :

« عن صفیه بنت علیبه عن قیلة بنت مخرمة - رضي الله عنها - :

أنمها أخبرتها أنها رأت النبي صلى الله عليه وسلم وهو قاعد القرفصاء ، فلما رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم المختشع ، - وقال موسى و هو ابن اسماعيل :- المختشع ، في الجلسة أرعدت من الفرق » (4) .

ترجمه : « از صفیه بنت علیبه ، از قیله بنت مخرمه - رضي الله عنها - روایت میشود ، که وی رسول الله - صلى الله عليه و سلم را دید در حالیکه بر رانها نشسته ، زانو هایش را به شکم چسبانیده بود ، میگوید : چون او را دیدم که خیلی متواضعانه نشسته بود ، موسی میگوید : یعنی نشستن متواضعانه . که با شنیدن آن احساس خوف نمودم » .

(1) از اوایان حدیث است ، که از عائشه - رضي الله عنها - روایت میکند ، و اما از وی غیاث بن عبدالعزیز و مطیع بن میمون عنبری روایت مینمایند . روایتش را أبو داود در کتاب خود نقل نموده است . (أعلام النساء ، 2/ 347) . ابن حجر در موردش گفته : " لا تعرف من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8724 ، ص 1360) .

(2) سنن ابو داود ، کتاب الأشربة ، باب في الخليتين (33/3 رقم 3708) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت .

(3) از اوایان حدیث شمرده شده ، که از جده خود قیلة بنت مخرمة و جد شان حرمله ابن عبدالله عنبری روایت میکند ، و از او گثیر بن قیس بن صلت عنبری و عبدالله بن حسان عنبری روایت مینمایند . روایتش را أبو داود ، در سنن خود نقل میکند . (أعلام النساء 2/ 348) . ابن حجر در باره ی شان میگوید : " مقبولة من الرابعة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8725 ، ص 1360) .

(4) (سنن أبو داود ، کتاب الأدب ، باب جلوس الرجل (433/4 رقم 4847) . حکم حدیث : حسنه الالبانی ، 262/4 ، محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت .

61 - ضباعة بنت مقداد ابن أسود⁽¹⁾:

« عن ضباعة بنت المقداد عن المقداد بن أسود - رضي الله عنه - قال :

مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يُصَلِّيَ إِلَى عُودٍ وَلَا عَمُودٍ وَلَا شَجَرَةٍ إِلَّا جَعَلَهُ عَلَى حَاجِبِهِ الْأَيْمَنِ أَوْ الْأَيْسَرِ وَلَا يَصُمُّدُ لَهُ صَمْدًا » (2).

ترجمه : « از ضباعه بنت مقداد ، از مقداد ابن اسود - رضي الله عنه - روایت است که میگوید : ندیدم - رسول الله صلى الله عليه و سلم - را که نماز خوانده باشد بسوی چوب ، و نه عمود و نه درخت (یعنی ستره) ، مگر اینکه آنرا بطرف راست ، و یا چپ خود قرار میداد ، و مستقیم در مقابل آن قرار نمیگرفت » .

62 - طلحة أم غراب⁽³⁾ :

« عن طلحة أم غراب عن عقيلة عن سلامة بنت الحر - رضي الله عنه - قالت :

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ : إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَتَدَافَعَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ لَا يَجِدُونَ إِمَامًا يُصَلِّي بِهِمْ » (4).

ترجمه : « از طلحه ام غراب ، از عقيله ، از سلامه بنت حر - رضي الله عنها - روایت است که میگوید : از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - شنیدم که میفرمود : از جمله علامات قیامت اینست که اهل مسجد جمع میشوند و از همدیگر درخواست امامت مینمایند ، اما کسی را به امامت نمی یابند » .

(1) یا گفته میشود : ضبیعه بنت مقداد بن معدیکرب . (تقریب التهذیب ، شماره 8729، ص 1362) . از پدر شان مقداد بن أسود ، متوفای سنه [33] ، از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - روایت مینماید . و از وی مهلب بن حجر بهرانی روایت نموده است . أبو داود روایت شانرا نقل نموده است . (أعلام النساء 2/ 356) . ابن حجر در موردش گفته : " لا تعرف من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8729، ص 1362)

(2) سنن ابو داود ، کتاب الصلاة ، باب الصلاة إلى الراحلة (256/1 رقم 693) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی، باب إذا صلى إلى سارية أو نحوها أين يجعلها منه 184/1، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

(3) از جمله ثقات در روایت حدیث شمرده میشود ، که از عقيلة زنی از بنی فزاره ، و از بنانه از غثان بن عفان روایت دارد ، و از وی وکیع بن جراح و هارون بن عباد و مروان بن معاوية روایت مینمایند . أبو داود ، و ابن ماجه روایتش را در سنن شان نقل نموده اند . (أعلام النساء 2/ 370) . ابن حجر در موردش گفته : " لا يعرف حالها ، من الخامسة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8730 ص 1363) .

(4) سنن أبو داود ، کتاب الصلاة ، باب في كراهية التدافع على الإمامة (227/1 رقم 581) . سنن ابن ماجه ، کتاب إقامة الصلاة ، باب ما يجب على الإمام (314/1 رقم 982) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی، 158/1، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

63 - عالیة بنت سبیع (1) :

« عن عالیة بنت سبیع عن میمونة - رضي الله عنها - :

أَنَّهَا قَالَتْ كَانَ لِي غَنَمٌ بِأَحَدٍ فَوَقَعَ فِيهَا الْمَوْتُ فَدَخَلْتُ عَلَى مَيْمُونَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم- فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهَا فَقَالَتْ لِي مَيْمُونَةُ لَوْ أَخَذْتَ جُلُودَهَا فَاثْتَفَعْتَ بِهَا. فَقَالَتْ أَوْيَحِلُّ ذَلِكَ قَالَتْ نَعَمْ. مَرَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ يَجْرُونَ شَاةً لَهُمْ مِثْلَ الْحِمَارِ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « لَوْ أَخَذْتُمْ إِبَاهِبَهَا ». قَالُوا إِنَّهَا مَيْتَةٌ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « يُطَهَّرُهَا الْمَاءُ وَالْقَرْطُ » (2).

ترجمه : « از عالیة بنت سبیع ، از میمونه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید : گوسفندی داشتم در اُحد ، که مرد ، نزد میمونه همسر رسول الله - صلى الله عليه و سلم - رفته و برایش از مرگ حیوان یاد کردم ، میمونه برایم گفت : اگر پوست آنرا میبردستی و از آن مستفید میشدی . پس گفت : آیا حلال است ؟ گفت : بلی . بر رسول الله - صلى الله عليه و سلم - تعدادی از مردم قریش میگذشتند ، که گوسفند مرده را مانند مرکب کش میکردند ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - برایشان فرمود : اگر پوست آنرا بر میداشتید . گفتند : این که خود مرده است ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : " آب و پوست درخت آنرا پاک میکند » .

64 - عقیلة بنت أسمر بنت مضر (3) :

« عن عقیلة عن أبيها أسمر بن مضر - رضي الله عنه - :

قَالَ أَتَيْتُ النَّبِيَّ -صلى الله عليه وسلم- فَبَايَعْتُهُ فَقَالَ « مَنْ سَبَقَ إِلَى مَاءٍ لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَيْهِ مُسْلِمٌ فَهُوَ لَهُ ». قَالَ فَخَرَجَ النَّاسُ يَتَعَادُونَ يَتَخَاطُونَ » (4).

ترجمه : « از عقیله ، از پدرش اسمر ابن مضر - رضي الله عنه - روایت است که میگوید : خدمت رسول الله - صلى الله عليه و سلم - آمده و بیعت نمودم ، پس فرمود : کسیکه به یافتن آب نسبت به دیگران سبقت جوید ، که از او

(1) از میمونة أم المؤمنین - رضي الله عنها - روایت ک ، ده از وی عبدالله بن مالک بن حذافة روایت نموده اند . أبو داود و نسائي از وی نقل نموده اند . (أعلام النساء 3/ 223) . عجلی توثیق اش نموده ، و ابن حجر در موردش گفته : " من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8730 ، ص 1364) .

(2) سنن أبو داود ، کتاب اللباس ف باب أهب الميتة (465/2 رقم 1426) . سنن نسائي ، کتاب الفرع و العتيرة ، باب ما یدبغ به جلود الميتة (174/7 رقم 4248) . حکم حدیث : حسن لغیره .

(3) به فتح اول ، بنت اسمر بن مضر ، از پدرش اسمر بن مضر روایت نموده اند ، و از او دخترش سَویدة بنت جابر روایت میکند . أبوداود روایت اش را نقل نموده است . (أعلام النساء ، 320/3) . ابن حجر در موردش میگوید : " لا یرف حالها ، من الرابعة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8740 ، ص 1364) .

(4) سنن أبو داود ، کتاب الخراج ، باب إقطاع الأرضین (194 /2 رقم 3071) . حکم حدیث : إسناده ضعیف جدا .

گذشته مسلمانان به آن دست نیافته باشد ، پس آب از آن اوست . میگوید : مردم بر آمده و با همدیگر میدویدند و از هم دیگر سبقت می گرفتند ، و جاه های را که رسیده بودند نشانی میکردند .»

65 - عقيلة مولاة بني فزارة (1) :

« عن عقيلة عن سلامة بنت الحر - رضي الله عنها - قالت :

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ : إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَتَدَافَعَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ لَا يَجِدُونَ إِمَامًا يُصَلِّي بِهِمْ » (2) .

ترجمه : « از عقيله ، از سلامه بنت حر _ رضي الله عنها - روایت است که میگوید : از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - شنیدم که میفرمود : از جمله علامات قیامت اینست که اهل مسجد جمع میشوند و از همدیگر درخواست امامت مینمایند ، اما کسی به امامت نمی یابند .»

66 - عمرة عمه مقاتل بن حيان نبطي (3) :

« عن عمرة عن عائشة - رضي الله عنها - :

أَنَّهَا كَانَتْ تَتَبَدُّ لِلنَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم- غُدُوَّةً فَإِذَا كَانَ مِنَ الْعَشِيِّ فَتَعَشَى شَرِبَ عَلَى عَشَائِهِ وَإِنْ فَضَلَ شَيْءٌ صَبَّئَتْهُ - أَوْ قَرَعَتْهُ - ثُمَّ تَتَبَدُّ لَهُ بِاللَّيْلِ فَإِذَا أَصْبَحَ تَغْدَى فَشَرِبَ عَلَى غَدَائِهِ قَالَتْ نَغْسِلُ السَّقَاءَ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً فَقَالَ لَهَا أَبِي مَرَّتَيْنِ فِي يَوْمٍ قَالَتْ نَعَمْ » (4) .

ترجمه : « از عمره از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که وی به رسول الله - صلى الله عليه و سلم - نبیذ تیار میکرد ، وقتیکه طعام شب را تناول میکرد پیوسته از نبیذ می نوشید ، اگر اضافه میکرد ، آنرا می ریختم ، یا اینکه ظرف

(1) ترجمه این محدثه در فصل دوم یر عنوان اوساط تابعین گذشت .

(2) سنن أبوداود ، کتاب الصلاة ، باب في كراهية التدافع على الإمامة (227/1 رقم 581) . سنن ابن ماجه ، کتاب إقامة الصلاة ، باب ما يجب على الإمام (314/1 رقم 982) . حکم حدیث : ضعیف .

(3) از جمله مشاهیر تابعین در خراسان است ، از عائشة - رضي الله عنها - روایت کرده ، و از او مقاتل بن حیان روایت دارد . (تراجم طبقة المحدثات من التابعيات و مروياتهن في الكتب الستة ، ص 392) . ابن حجر در موردش گفته : " لا يعرف حالها ، من الرابعة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8743، ص 1365) .

(4) سنن أبو داود ، کتاب الأشربة ، باب صفة النبذ (385/3 رقم 3714) . حکم حدیث : قال الالبانی حسن الاسناد، 334/3، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

را خالی میکردم ، باز از طرف شب برایش نبیذ جور میکردم ، که در وقت نماز صبح آنرا میل مینمود . میگوید : ظرف آنرا صبح و شام می شستیم . پدرم پرسید که روز دو بار ؟ گفت : آری .»

67 - فاخنة أم موسى ⁽¹⁾ :

« عن فاخنة عن علي - رضي الله عنه - قال :

" كان آخر كلام رسول الله - صلى الله عليه وسلم - : الصلاة ، الصلاة ، اتقوا الله فيما ملكت أيمانكم » ⁽²⁾ .

ترجمه : « از فاخنة ، از حضرت علي - رضي الله عنه - روایت که میگوید : آخرین سخنان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بود : نماز تانرا اداء نمائید ، نماز تانرا اداء نمائید ، و از الله در مورد زیر دستان تان بترسید .»

68 - فُسَيْلَةُ بنت واثلة بن أسقع بن عامر ⁽³⁾ :

« عن فُسَيْلَةَ عن أبيها واثلة بن الأسقع - رضي الله عنه - قالت :

قلت يا رسول الله ما العصبية ؟ قال " أن تعين قومك على الظلم » ⁽⁴⁾ .

ترجمه : « از فُسَيْلَةَ ، از پدرش واثلة بن أسقع - رضي الله عنه - روایت نموده ، میگوید : گفتم : ای رسول الله - صلى الله عليه وسلم - عصبیت چیست ؟ فرمود : " اینکه قومت را در ظلم معاونت نمایی .»

69 - قرصافة ذُهَيْلِيَّة ⁽⁵⁾ :

« عن قرصافة عائشة - رضي الله عنها - قالت :

(¹) از علی بن ابی طالب ، و ام سلمة - رضي الله عنها - روایت میکند ، و از او مغیره بن مقسم ضبی روایت مینماید . بی داود و ابن ماجه روایت شانرا نقل کرده اند . (تراجم طبقة المحدثات من التابعيات و مروياتهن في الكتب الستة ، ص 393) .

(²) سنن ابو داود ، كتاب الأدب ، باب حق المملوك (504/4) رقم 5158 . سنن ابن ماجه ، كتاب الوصايا ، باب هل أوصى رسول الله - صلى الله عليه وسلم (901/2 ، رقم 2698) . حكم حديث : صححه الالباني ، 339/4 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(³) و گفته میشود : اسم شان جميله ، و يا گفته میشود : خصلة بود . از تابعيات محدثات است ، از پدرش ، از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - روایت میکند ، و از او عباد بن كثير فلسطينی روایت مینماید . (أعلام النساء ، 170/4) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من اربعة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8759،1368) .

(⁴) سنن أبو داود ، كتاب الأدب ، باب في العصبية (753/2 رقم 5119) . سنن ابن ماجه ، كتاب الفتن ، باب في العصبية (1302/2 رقم 3949) .

حكم حديث : ضعفه الالباني ، 331/4 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(⁵) از عائشه ام المؤمنين - رضي الله عنها - روایت نموده ، و از او سبک بن حرب در روایت تفرد نموده است . نسائي روایتش را نقل میکند . (تراجم طبقة المحدثات من التابعيات و مروياتهن في الكتب الستة ، ص 418) . ابن حجر گفته : " لا يعرف حالها ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8761،1369) .

اشربوا و لا تسكروا» (1).

ترجمه: « شراب بنوشید مگر تا اندازه‌ای که مست نشوید ».

70 - قُرَيْبَةُ بِنْتُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَهَبٍ بِنْتُ زَمْعَةَ بْنِ الْأَسَدِ الْأَسَدِيَّةِ (2) :

« عَنْ قُرَيْبَةَ بِنْتِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أُمِّهَا كَرِيمَةَ بِنْتِ الْمُقْدَادِ عَنْ ضِبَاعَةَ بِنْتِ الزَّبِيرِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَتْ : ذَهَبَ الْمُقْدَادُ لِحَاجَتِهِ بِبَقِيعِ الْخَبْخَبَةِ فَإِذَا جَرَذٌ يَخْرُجُ مِنْ جَحْرٍ دِينَارًا ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَخْرُجُ دِينَارًا دِينَارًا حَتَّى أُخْرِجَ سَبْعَةَ عَشَرَ دِينَارًا ثُمَّ أُخْرِجَ خَرْقَةٌ حُمْرَاءُ يَعْنِي فِيهَا دِينَارٌ فَكَانَتْ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ دِينَارًا فَذَهَبَ بِهَا إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْبَرَهُ وَقَالَ لَهُ خُذْ صَدَقَتَهَا فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ " هَلْ هُوَ إِلَيَّ الْجَحْرُ ؟ " . قَالَ لَا فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِيهَا » (3).

ترجمه: « از قریبه بنت عبدالله وهب ، از مادرش کریمه بنت مقداد ، از ضباعه بنت زبیر روایت است که گفت : مقداد بخاطر ضرورت که داشت به بقیع خبخبه (نام یک قریه در اطراف مدینه) رفت ، دید که موشی از سوراخ (خانه خود) یک دینار را بیرون می‌آورد ، و همینطور یک یک دینار بیرون می‌آورد ، حتی اینکه هفده دینار شد ، باز یک خریطه سرخ را کشید که در آن یک دینار بود ، که جمله هجده دینار شد ، مقداد این دینار ها را نزد پیامبر - صلی الله علیه و سلم - برد ، و از واقعه با خبرش ساخت و گفت : که زکات اینها را بگیر ، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود : آیا قصد این غار را کرده بودی ؟ گفت : نخیر ، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود : " خداوند درین مال برایت برکت بیندازد " »

71 - قَمِيرُ بِنْتُ عَمْرِو كُوفِيَّةِ (4) :

« عَنْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا -

(1) سنن نسائی ، کتاب الأشربة ، باب الأخبار التي اعتل بها من أباح شرب المسكر (230/8 رقم 5679) . حکم حدیث : قال الالبانی ضعیف الاسناد، 320/8، تحقیق: عبد الفتاح أبو غدة، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب.

(2) از روایان حدیث است ، که از پدر و مادرش ، کریمه بنت مقداد بن الأسود ، و زینب بنت أبو سلمه روایت میکند . از او برادر زاده اش موسی بن یعقوب زعمی روایت کرده است . أبی داود ، و ابن ماجه از وی نقل میکنند. (أعلام النساء 4 / 205 - 206) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة من الرابعة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8762، 1369) .

(3) سنن أبو داود ، کتاب الخراج ، باب ما جاء في الركاز 197/3 رقم (3087) . سنن ابن ماجه ، کتاب القطة ، باب التقاط ما أخرج الجرذ 838/2 رقم (2508) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی، 181/3، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت.

(4) بفتح حرف اول ، از روایات تقه حدیث است ، که از همسر شان مسروق بن اجدع ، و عائشه - رضي الله عنها - روایت میکند ، و از وی شعبی، و محمد بن سیرین متوفای سال [110] ، و مقدم بن شریح بن هانی ، و عبدالله بن شبرمة روایت مینمایند . (أعلام النساء 4 / 221) . ابن حجر در موردش میگوید : " ثقة ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8763، 1369) .

عن النبي - صلى الله عليه و سلم - في المستحاضة تغتسل ، تعنى مرة واحدة ، ثم توضع إلى أيام أقرائها »⁽¹⁾ .

ترجمه : « از عائشة - رضي الله عنه - ، از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - روایت میشود که : مستحاضة غسل مینماید ، یعنی یکبار ، و سپس تا روز های حیض وضو مینماید .

72 - كبشة بنت كعب بن مالك أنصاري⁽²⁾ :

« عن كبشة بنت كعب - رحمها الله - :

أَنَّ أَبَا قَتَادَةَ دَخَلَ فَسَكَبَتْ لَهُ وَضُوءًا فَجَاءَتْ هَرَّةً فَشَرِبَتْ مِنْهُ فَأَصْغَى لَهَا الْإِنَاءَ حَتَّى شَرِبَتْ قَالَتْ كَبْشَةُ فَرَأَنِي أَنْظُرُ إِلَيْهِ فَقَالَ أَتَعْجَبِينَ يَا ابْنَةَ أَخِي فَقُلْتُ نَعَمْ. فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « إِنَّهَا لَيْسَتْ بِنَجَسٍ إِنَّهَا مِنَ الطَّوَافِينَ عَلَيْكُمْ وَالطَّوَافَاتِ »⁽³⁾ .

ترجمه : « كبشه بنت مالك - رحمها الله - روایت میکند ، که کعب ابن مالک داخل شد ، برایش آب وضو گذاشتم ، جوجه پشکی آمد ، ظرف وا برایش گذاشت تا اینکه نوشید ، كبشه میگوید ، متوجه شد که به او میبینم ، برایم گفت : حیرت زده شدی ای برادر زاده ؟ گفتیم : آری ، گفت : هر آینه رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : " این پشک نجس نیست ؛ اینها از جمله گردنده های خانه ها بر شما هست " .

73 - كبشة بنت أبي مریم⁽⁴⁾ :

عن كبشة بنت أبي مریم - رحمها الله - قالت :

(1) سنن ابو داود ، كتاب الطهارة ، باب من قال تغتسل من طهر إلى طهر 92/1 رقم (300) . الحكم على سند الحديث : أثر صحيح ، وهذا إسناد ضعيف ، 220/1 ، المحقق : شعيب الأرناؤوط - محمّد كامل قره بللي ، دار الرسالة العالمية .

(2) از راویان در علم حدیث است ، که تا سال [130] زندگی کرده است . از ابو قتاده روایت دارد ، و از وی خواهر زاده اش حمیده بنت عبید بن رفاعة روایت میکند . أبو داود و ترمذی و نسائی از وی در کتب سنن شان نقل نموده اند . (أعلام النساء 4 / 233) .

(3) سنن أبو داود ، كتاب الطهارة ، باب سؤر الهرة 67/1 رقم (75) . سنن ترمذی ، كتاب الطهارة ، باب ما جاء في سؤر الهرة 153/1 رقم (92) . سنن نسائي ، كتاب الطهارة ، باب سؤر الهرة 55/1 رقم (68) . حکم حدیث : صححه الالبانی ، 19/1 ، المحقق : محمد محبی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

(4) از راویان حدیث است ، که از ام سلمة - رضي الله عنها - روایت مینماید ، و از او ریطه بنت حریث روایت کرده است . أبو داود روایتش را نقل میکند . (أعلام النساء 4 / 233) . ابن حجر گفته : " لا يعرف حالها ، من الرابعة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8768 ، ص 1370) .

سألت أم سلمة : ما كان النبي صلى الله عليه و سلم ينهى عنه ؟ قالت كان ينهانا أن نعجم النوى طبخا أو نخلط الزبيب والتمر « (1) .

ترجمه : « از كبشته بنت أبو مریم - رحمها الله - روایت است میگوید : از ام سلمه در مورد آنچه را که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - پرسیدم ، گفت : مارا از از پخته نمودن خسته خرما ، و از مخلوط نمودن کشمش و خرما منع نموده بود » .

74 - کریمه بنت مقداد بن أسود کندي (2) :

« عن کریمه بنت المقداد عن ضباعة بنت الزبير - رضي الله عنها - قالت :

ذَهَبَ الْمُقْدَادُ لِحَاجَتِهِ بِبَقِيعِ الْخَبْخَبَةِ فَإِذَا جُرْذٌ يُخْرِجُ مِنْ جُحْرِ دِينَارًا ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يُخْرِجُ دِينَارًا دِينَارًا حَتَّى أَخْرَجَ سَبْعَةَ عَشَرَ دِينَارًا ثُمَّ أَخْرَجَ خِرْفَةً حَمْرَاءَ - يَعْنِي فِيهَا دِينَارٌ - فَكَانَتْ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ دِينَارًا فَذَهَبَ بِهَا إِلَى النَّبِيِّ - صلى الله عليه وسلم - فَأَخْبَرَهُ وَقَالَ لَهُ خُذْ صَدَقَتَهَا. فَقَالَ لَهُ - صلى الله عليه وسلم - « هَلْ هَوَيْتَ إِلَى الْجُحْرِ ». قَالَ لَا. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - : بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِيهَا » (3) .

ترجمه : « از کریمه مقداد ، از ضباعه بنت زبیر روایت است که گفت : مقداد بخاطر ضرورت که داشت به بقیع خبخبه (نام یک قریه در اطراف مدینه) رفت ، دید که موشی از سوراخ (خانه خود) یک دینار را بیرون میآورد ، و همینطور یک یک دینار بیرون میآورد ، حتی اینکه هفده دینار شد ، باز یک خریطه سرخ را کشید که در آن یک دینار بود ، که جمله هجده دینار شد ، مقداد این دینار ها را نزد پیامبر - صلى الله عليه و سلم - برد ، و از واقعه با خبر ساخت و گفت : که زکات اینها را بگیر ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : آیا قصد این غار را کرده بودی ؟ گفت : نخیر ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : " خداوند درین مال برایت برکت بیندازد " »

(1) سنن أبو داود ، کتاب الأشربة ، باب فی الخلیتین (324/3 رقم 3708) . حکم حدیث : ضعه الالبانی ، 333/3 ، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

(2) مادرش ، ضباعه بنت زبیر بن عبدالمطلب ، از مادرش ضباعه بنت زبیر بن عبدالمطلب از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - روایت کرده ، و از او همسرش عبدالله بن وهب بن زمعة ، و دخترش قریبة بنت عبدالله روایت نموده اند . ابن حبان از جمله ثقات قرار شان میدهد . ابی داود ، و ابن ماجه روایتش را نقل مینمایند . (أعلام النساء 244/4) . ابن حجر در موردش میگوید : " ثقة ، من الثالثة " .

(3) سنن أبو داود ، کتاب الخراج ، باب ما جاء فی الركاز (197/2 رقم 3087) . سنن ابن ماجه ، کتاب اللقطة ، باب التقاط ما أخرج الجرذ (838/2 رقم 2508) . حکم حدیث : ضعه الالبانی ، 181/3 ، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

75 - کَلَّمْ قَرَشِيَّة (1) :

« عن امرأة من قريش (يقال لها كلثم) عائشة - رضي الله عنها - قالت :

قال النبي صلى الله عليه وسلم " عليكم بالبغيض النافع ، التلبينة " يعني الحساء . قالت : وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم ، إذا اشتكى أحد من أهله ، لم تزل البرمة على النار . حتى ينتهي أحد طرفيه . يعني يبرأ أو يموت » (2).

ترجمه : « از زنی از قریش (که برایش کلثم گفته میشد) ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید : نبی - صلى الله عليه وسلم - فرمود : بر شما باد ناخوش آیند نافع ، که تلبینه است (طعامی که از آرد جو و آب آماده میشود) . عائشه میگوید : چون یکی از افراد خانواده رسول الله - صلى الله عليه وسلم - از مریضی شکایت میداشت ، دیگ بالای دیگدان گذاشته میشد ، تا اینکه به یکی از طرفین ، مریض و مرض می انجامید ، یعنی یا جور میشد و یا وفات مینمود » .

76 - ام کلثوم (3) :

« عن أم كلثوم عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

" فِي الْمُسْتَحَاضَةِ تَغْتَسِلُ - تَعْنِي مَرَّةً وَاحِدَةً - ثُمَّ تَوَضُّأُ إِلَى أَيَّامٍ أَقْرَأَهَا " (4) .

ترجمه : « از ام کلثوم ، عائشه - رضي الله عنه - روایت میشود که ، میگوید : زن مستحاضه غسل مینماید ، - یعنی یکبار - سپس وضو مینماید تا رسیدن ایام حیض » .

(1) از راویان حدیث است ، که از عائشه - رضي الله عنها - روایت کرده ، و از وی ایمن بن نابل روایت میکند . (أعلام النساء 248/4) . ابن حجر میگوید : " لا يعرف حالها ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب شماره 8772، ص 1370) .

(2) سنن نسائی ، کتاب الطب ، باب الدواء بالتلبينة (4/ 372 رقم 7575) . سنن ابن ماجه ، کتاب الطب ، باب التلبينة (2/ 1140 رقم 3446) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، سنن ابن ماجه ، کتاب الطب ، باب التلبينة (2/ 1140 ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

(3) بنت ثمامة ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت نموده ، و از او حجاج بن ارطاة و عمر بن عامر اسلمی قاضی روایت مینمایند . حافظ اوزا از جمله مجهولات عین قرار داده است . (أعلام النساء ، 4/ 249) . ابن حجر در موردش میگوید : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8853، ص 1384) .

(4) سنن ابی داود ، کتاب الطهارة ، باب من قال تغتسل من طهر إلى طهر (1/ 220 رقم 299) . حکم حدیث : اسناد حسن ، المحقق : شعيب الأرناؤوط - محمد کامل قره بللي ، دار الرسالة العالمية .

77 - أم كلثوم لثیة مکیة (1) :

« عن أم كلثوم عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

قال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - : " إذا أكل أحدكم طعاما فليقل بسم الله فإن نسي في أوله فليقل بسم الله في أوله وآخره » (2) .

ترجمه : « از ام كلثوم از عائشه - رضي الله عنها - روایت است كه رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمودند : چون یکی از شما طعام بخورد ، پس : بسم الله بگوید ، و اگر فراموش میکرد ، بگوید : بسم الله اوله و آخره » .

78 - کیسه بنت أبو بكرة نفعیة ، بصریة (3) مولای رسول الله - صلى الله عليه و سلم - :

عن کیسه بنت نفعیة ابن حارث - رضي الله عنها - :

أَنَّ أَبَاهَا كَانَ يَنْهَى أَهْلَهُ عَنِ الْحِجَامَةِ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَيَزْعُمُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - أَنَّ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ يَوْمُ الدِّمِّ وَفِيهِ سَاعَةٌ لَا يَرَقَأُ (4) .

ترجمه : « از کیسه بنت نفعیة بن حارث - رضي الله عنها - روایت است كه پدرش اهل خود را از حجامت در روز های سه شنبه منع مینمود ، و به این گمان از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - بود ، كه روز سه شنبه روز خون است ، و در آن ساعتی است كه خون استاد نمی شود » .

79 - لؤلؤة مولاة أنصار (5) :

« عن لؤلؤة عن أبي صرمة - رضي الله عنه - :

عَنِ النَّبِيِّ - صلى الله عليه وسلم - أَنَّهُ قَالَ : مَنْ ضَارَّ أَضَرَّ اللَّهُ بِهِ وَمَنْ شَاقَّ شَاقَّ اللَّهُ عَلَيْهِ (1) .

(1) از راویان حدیث بوده ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت میناید ، و از وی عبدالله بن عبید بن عمیر لثی متوفای [113] ، روایت کرده است . أبو داود و ترمذی روایتش را نقل مینایند . (أعلام النساء ، 4/ 260) .

(2) سنن ابی داود ، كتاب الأطعمة ، باب التسمية على الطعام (288/4 رقم 1858) . سنن ترمذی ، كتاب الأطعمة ، باب التسمية على الطعام (288/4) رقم 1858) . حكم حديث : صححه الالباني ، سنن ترمذی ، كتاب الأطعمة ، باب التسمية على الطعام (288/4) ، تحقيق وتعليق : إبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

(3) ثقفية بصریة ، از پدرش أبو بكرة ثقفي روایت میناید ، برادر زاده اش بكار بن عبدالعزيز بن أبو بكرة از وی در روایت تفرد کرده است . ابی داود روایتش را نقل میکند . (أعلام النساء ، 4/ 269) . ابن حجر در موردش گفته : " لا يعرف حالها " . (تقريب التهذيب ، شماره 8773، ص 1379) .

(4) سنن أبو داود ، كتاب الطب ، باب متى تستحب الحجامة (398/2 رقم 3862) . حكم حديث : ضعفه الالباني ، 5/4 ، المحقق : محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(5) از أبو صرمة انصاري از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - روایت دارد ، و از او محمد بن يحيى بن حبان متوفای [121] روایت میکند . (أعلام النساء ، 4/ 299) . ابن حجر در موردش میگوید : " مقبولة ، من الرابعة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8775، ص 1371) .

ترجمه: « از لؤلؤة ، از أبو صرمه - رضي الله عنه روایت است که ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمودند : هر که انسانی را ضرر برساند ، الله بواسطه آن وی را متضرر میکند ، و کسیکه بر مردم سختی نمود ، الله متعال بر وی سختی میناید . »

80 - لیلی أنصارية مولاة أم عمارة نسيبة بنت كعب بن عمرو⁽²⁾ :

« عن حبيب بن زيد قال سمعت مولاة لنا يقال لها ليلي تحدث عن جدتها أم عمارة كعب الأنصارية - رضي الله عنه - :

أن النبي - صلى الله عليه و سلم - دخل عليها فقدمت إليه طعاما فقال كلي فقالت إني صائمة فقال رسول الله - صلى الله عليه و سلم - : إن الصائم تصلي عليه الملائكة إذا أكل عنده حتى يفرغوا وربما قال حتى يشبعوا⁽³⁾ .

ترجمه: « از حبيب بن زيد روایت است که میگوید : از مولای ما که وی را لیلی میگفتند ، از جدۀ شان ام عماره بنت کعب انصاریه - رضي الله عنها - روایت میکند که گفت : که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - به نزدش آمد ، طعام را خدمت او گذاشت ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - برایش گفت : " بخور " گفت : روزه دارم ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : بر آن روزه داریکه در نزدش نان خورده میشود ملائکه ها درود میگویند تا اینکه از غذا فارغ میشوند ، و یا سیر شوند » .

81 - لیلی بنت مالک⁽⁴⁾ :

« عن الوليد بن عبد الله بن جميع قال حدثتني جدتي وعبد الرحمن بن خالد الأنصاري عن أم ورقة - رضي الله عنها

(¹) سنن أبو واود ، كتاب الأقضية ، باب أبواب من القضاء (315/3 رقم 3637) . سنن ترمذي ، كتاب البر و الصلة ، باب ما جاء في الخيانة و الغش (332/4 1940) . سنن ابن ماجه ، كتاب الأحكام ، باب من بين في حقه ما يضر بجاره (785/2 رقم 2242) . حكم حديث : حسنه الالباني ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(²) از جمله راویان حدیث است که ، از ام عماره بنت کعب روایت نموده ، و از او حبيب بن زيد أنصاری روایت میکند . (أعلام النساء ، 299/4) . ابن حجر میگوید : " مقبولة ، من الرابعة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8777 ، ص 1371) .

(³) سنن ترمذي ، كتاب الصوم ، باب ما جاء في فضل الصائم إذا أكل عنده (144/3 ، 153 رقم 785) . سنن ابن ماجه ، كتاب الصيام ، باب في الصائم إذا أكل عنده (556/1 رقم 1747) . حكم حديث : ضعفه الالباني ، تحقيق وتعليق: محمد فؤاد عبد الباقي ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

(⁴) لیلی بنت مالک جدۀ ولید بن عبد الله بن جميع ، از ام ورقه بنت عبدالله بن الحارث بن عويمر انصاریه روایت کرده ، و از او ولید بن عبدالله بن جميع روایت میناید . روایتش را أبو داود در سنن خود آورده است . (الإستيعاب ، 1965 /4) .

أَنَّ النَّبِيَّ -صلى الله عليه وسلم- لَمَّا غَزَا بَدْرًا قَالَتْ قُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَذُنُّ لِي فِي الْغَزْوِ مَعَكَ أَمْرَضُ مَرْضَاكُمْ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي شَهَادَةً. قَالَ « قَرَى فِي بَيْتِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرْزُقُكَ الشَّهَادَةَ ». قَالَ فَكَانَتْ تُسَمَّى الشَّهِيدَةَ. قَالَ وَكَانَتْ قَدْ قَرَأَتِ الْقُرْآنَ فَاسْتَأْذَنَتِ النَّبِيَّ -صلى الله عليه وسلم- أَنْ تَتَّخِذَ فِي دَارِهَا مُؤَدِّثًا فَأَذِنَ لَهَا قَالَ وَكَانَتْ دَبَّرَتْ غُلَامًا لَهَا وَجَارِيَةً فَقَامَا إِلَيْهَا بِاللَّيْلِ فَعَمَّاهَا بِقَطِيفَةٍ لَهَا حَتَّى مَاتَتْ وَذَهَبَا فَأَصْبَحَ عُمَرُ فَقَامَ فِي النَّاسِ فَقَالَ مَنْ كَانَ عِنْدَهُ مِنْ هَذَيْنِ عِلْمٌ أَوْ مَنْ رَأَاهُمَا فَلْيَجِئْ بِهِمَا فَأَمَرَ بِهِمَا فَصَلَبَا فَكَانَا أَوَّلَ مَصْلُوبٍ بِالْمَدِينَةِ (1)

ترجمه : « از ولید بن عبدالله بن جمیع روایت است که میگوید : مادر بزرگم و عبدالرحمن بن خلاد انصاری ، از ام ورقه - رضی الله عنها - روایت است که میگوید : زمانیکه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بطرف بدر میرفت ، برایش گفتم : مرا با خود درین غزوه اجازه بده ، در خدمت زخمی ها میباشم ، شاید که خداوند مرگ شهادت را نصیبم نماید . فرمود : در خانه خود باش ، زیرا خداوند شهادت را نصیبت میسازد . میگوید : بعد ازین همه او را بنام شهید یاد میکردند ، میگوید : قرآن را خواند و یاد گرفت ، و از رسول الله - صلی الله علیه و سلم اجازه مؤذن خانگی خواست ، برایش اجازه داد . و برایش وصیت کرده بود که بعد از مرگش غلام و کنیزش آزاد میباشند ، چنانچه همین دو (غلام و کنیز) شب برخاسته و او را با قطیفه اش خفک کردند ، تا اینکه وفات نمود ، بعد هر دوی فرار کردند. صبح عمر در بین مردم اعلان نمود هر کس که در باره این هر دو چیزی بداند ، یا آنها را دیده باشد ، دستگیر کرده بیاورد ، چون آورده شدند ، عمر امر به حلق آویز شدن شان نمود . اینها اولین کسانی بودند که در مدینه حلق آویز شدند . »

82- مجيبة باهلیة بنت عبدالله بن حارث (2) :

« عن مجيبة الباهلیة عن أبيها عبدالله بن الحارث - رضي الله عنه - :

أَنَّهُ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- ثُمَّ انْطَلَقَ فَأَتَاهُ بَعْدَ سَنَةٍ وَقَدْ تَغَيَّرَتْ حَالَتُهُ وَهَيْئَتُهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا تَعْرِفُنِي قَالَ « وَمَنْ أَنْتَ ». قَالَ أَنَا الْبَاهِلِيُّ الَّذِي جُنْتُكَ عَامَ الْأَوَّلِ. قَالَ « فَمَا غَيْرُكَ وَقَدْ كُنْتَ حَسَنَ الْهَيْئَةِ ». قَالَ مَا أَكَلْتُ طَعَامًا إِلَّا بَلِيلٍ مُنْذُ فَارَقْتُكَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « لِمَ عَذَّبْتَ نَفْسَكَ ». ثُمَّ قَالَ « صُمْ شَهْرَ الصَّبْرِ وَيَوْمًا مِنْ كُلِّ شَهْرٍ ». قَالَ زِدْنِي فَإِنَّ بِي قُوَّةً. قَالَ « صُمْ يَوْمَيْنِ ». قَالَ زِدْنِي. قَالَ « صُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ». قَالَ

(1) سنن أبو داود ، كتاب الصلاة ، باب إمامة النساء (230/1 رقم 591) . حكم حديث : حسنه الالباني ، 161/1 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت.

(2) و گفته میشود : که او مرد بود . (تقریب التهذيب ، شماره 8771 ، ص 1372) . از پدر و عم خود روایت حدیث دارد ، و از او ابو سلیل روایت میکند . روایتش را ابی داود ، و نسائی ، و ابن ماجه در کتب سنن شان نقل نموده اند . (أعلام النساء ، 25/5) .

زَدْنِي. قَالَ « صُمْ مِنَ الْحَرَمِ وَاتْرُكْ صُمْ مِنَ الْحَرَمِ وَاتْرُكْ ». وَقَالَ بِأَصَابِعِهِ الثَّلَاثَةِ فَصَمَّهَا ثُمَّ أَرْسَلَهَا « (1) ».

ترجمه: « از مجبیه باهلیه ، از پدرش عبدالله بن حارث روایت میشود که ، او نزد رسول الله – صلی الله علیه و سلم – حضور یافت ، بعد رفته و یکسال بعد دو باره برگشت ، در حالیکه هیئت و حالتش خیلی هم تغیر کرده بود ، عرض کرده گفت : ای رسول الله ! آیا مرا نشناختی ؟ فرمود : شما کی هستین ؟ گفت : من باهلی ام که سال اول به حضور تان آمده بودم ، گفت : چه چیزی باعث تغیر ات گشته ، حال آنکه هیأت زیبایی داشتی ؟ گفت : از همان وقتیکه از نزد تان برگشتم جز شب ، غذا نخوردم . رسول الله – صلی الله علیه و سلم – فرمود : چرا اینگونه بر خود عذاب روا داشتی ؟ و گفت : " ماه صبر (ماه رمضان) را و از هر ماه یکروز را روزه بگیر " گفت : برایم بیفزای چون در من توان است ، فرمود : پس دو روز را بگیر ، گفت : بیفزای ، گفت : پس سه روز ، باز گفت : بیفزای ، گفت : " از محرم را بگیر و ترک کن ، و این جمله را سه مرتبه تکرار کرد " ، و به سه انگشت خود اشاره نموده ، جمع شان کرد و دوباره رهایشان کرد ».

83 – مُسَيِّكَةُ مَكِيَّةَ أُمِ يَوْسُفَ (2) :

« عن يوسف بن ماهك عن أمه عائشة – رضي الله عنها قالت :

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا نَبْنِي لَكَ بِمَنْى بَيْتًا أَوْ بِنَاءً يُظِلُّكَ مِنَ الشَّمْسِ فَقَالَ « لَا إِنَّمَا هُوَ مُنَاحٌ مِنْ سَبَقِ إِلَيْهِ » (3).

ترجمه: « از یوسف بن ماهک ، از مادرش ، از عائشه – رضي الله عنه – روایت میشود که گفت : گفتم یا رسول الله ، آیا برایت در منی خانه یا سایه بانی که از آفتاب سایه کند نسازیم ؟ فرمود : خیر ، آنجا جایگاه کسی است که از همه به آن سبقت بجوید » .

(1) سنن أبو داود ، کتاب الصوم ، باب في صوم أشهر الحرم (738/1 رقم 2428) . سنن نسائي ، کتاب الصيام ، باب صوم يوم من الشهر (139/2 رقم 2743) . سنن ابن ماجه ، کتاب الصيام ، باب صيام أشهر الحرم (544/1 رقم 1741) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، 322/2 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا – بيروت .

(2) با تصغير ، مکيه . از ام المؤمنین عائشة – رضي الله عنها – روایت دارد ، فرزندش یوسف ابن ماهک در روایت از مادرش تفرد نموده است . ابی داود ، ترمذی و ابن ماجه روایتش را نقل میکنند . (أعلام النساء ، 56 /5) . ابن حجر در موردش میگوید : " لا يعرف حالها ، من الثالثة " . (تقریب التهذيب ، شماره 8782 ، ص 1372) .

(3) سنن أبو داود ، کتاب المناسک ، باب تحريم حرم مكة (616/1 رقم 2019) . سنن ترمذی ، کتاب الحج ، باب ما جاء أن منى من سبقت (228/3 رقم 881) . ابن ماجه ، کتاب المناسک ، باب النزول بمنى (1000/1 رقم 3006) . حکم حدیث ضعفه الالبانی ، 212/2 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا – بيروت .

84 - مغيرة بنت حسان تميمية (1) :

« عن الحجاج بن حسان - رحمه الله - قال :

دخلنا على أنس بن مالك فحدثتني أختي المغيرة قالت : وأنت يومئذ غلام ولك قرنان ، أو قصتان ، فمسح رأسك ، وبرك عليك ، وقال : احلقوا هذين أو قصوهما ، فإن هذا زى اليهود » (2).

ترجمه : « از حجاج بن حسان - رحمه الله - روایت است که میگوید : بر انس ن مالک داخل شدم ، با من خواهرم مغیره سخن زده گفت : تو در آن روز طفل بودی و در سر تو (موهای به شکل) دو پیچه بود ، انس بر سر تو دست کشیده و دعای برکت نمود و گفت : این دو پیچه را بتراشید ، یا قیچی کنید ، چون این طریقه از یهود است » .

85 - مُمَيَّة بنت عبید أبي برزة أسلمي (3) :

« عن أمية بنت عبید عن جدها أبو برزة أسلمي - رضي الله عنه - قال :

قال رسول الله صلى الله عليه و سلم من عزی ثکلی کسی بردا في الجنة » (4)

ترجمه : « از امیه بنت عبید ، از مادر بزرگش ابو برزه اسلمی - رضي الله عنه - روایت میکند که میگوید : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : کسیکه تعزیت (عزا داری) زنی را کند که پسرش وفات نموده باشد ، در عوض (این تعزیت) در بهشت یک جوهر لباس قیمتی پوشانیده میشود » .

86 - ميمونة بنت وليد بن حارث بن عامر أنصاري (5) :

« عن عبدالله بن أبي مليكة عن أمه عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

(1) از آنس بن مالک روایت نموده ، و از وی برادرش حجاج بن حسان تمیمی روایت میکند . (أعلام النساء ، 65/5) . ابن حجر میگوید : " مقبولة من الخامسة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8783 ، ص 1372) .

(2) سنن ابو داود ، کتاب الترجل ، باب ما جاء فی الرخصة ، (483/2 رقم 4197) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، 84/4 ، المحقق : محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

(3) از محدثات است ، از جده خود روایت مینماید ، و از او ام اسود روایت میکند . روایتش را ترمذی نقل نموده است . (أعلام النساء ، 116/5) . ابن حجر در موردش گفته : " لا يعرف حالها ، من الرابعة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8785 ، ص 1372) .

(4) سنن ترمذی ، کتاب الجنائز ، باب فی فضل التعزية 387/3 ، رقم (1076) . حکم بالای سند حدیث : ضعفه الالبانی ، 379/3 ، تحقیق وتعلیق : محمد فؤاد عبد الباقي ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

(5) از جمله راویان حدیث از عائشه - رضي الله عنه - است ، که از وی فرزندش عبدالله بن عبید بن أبي مليكة ، متوفای [117] و یا [118] روایت مینماید . ابن حبان در ثقات تابعین قرارش میدهد . (أعلام النساء ، 142/5) .

بال رسول الله صلى الله عليه و سلم فقام عمر خلفه بكوز من ماء فقال " ما هذا يا عمر ؟ " فقال هذا ماء تتوضأ به قال " ما أمرت كلها بلت أن أتوضأ ولو فعلت لكانت سنة « (1) .

ترجمه : « از عبدالله بن ابی ملیکه ، از مادرش ، از عائشة - رضي الله عنها - مرویست که میگوید : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - پیشاب نمود ، عمر با آفتابه ی آب به تعقیبش رفت ، گفت : این چیست ای عمر ؟ گفت : آب است تا بواسطه آن وضو بسازی ، فرمود : " دستور داده نشدم به اینکه در هر بار ادارار وضو کنم ، و اگر این کار انجام بدهم ، سنت میشود .»

87 - ندبة مولاة ميمونة (2) :

« عن ندبة مولاة ميمونة عن ميمونة - رضي الله عنها - :

أن رسول الله صلى الله عليه و سلم كان يباشر المرأة من نساءه وهي حائض إذا كان عليها إزار إلى أنصاف الفخذين أو الركبتين تحتجز به « (3) .

ترجمه : « از ندبه مولاى ميمونه ، از ميمونه - رضي الله عنها - روايت است که ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - با زنى از زنانش مباشرت مينمود ، در حال که وى حائضه ميبود ، و با ازارى که تا نصف رانها، و زانو هایش محکم بسته ميبود .»

88 - هند بنت شريك بن زبَّان أنصارية (4) :

« عن هنيذة بنت شريك بن أبان - رحمها الله - قالت :

(1) سنن أبى داود ، كتاب الطهارة ، باب في الإستبراء (15/1 رقم 42) . سنن ابن ماجه ، كتاب الطهارة ، باب من بال و لم يمس الماء (118/1 رقم 327) . حكم حديث : ضعفه الالبانى ، المحقق : محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(2) به ضم حرف اول ، و گفته میشود : به فتح اول و سکون حرف دوم ، از ميمونة - أم المؤمنين روايت میکند ، و از وى حبيب أعور مدني مولاى عروه بن زبير متوفای زمان آخر دولت بني أمية روايت مينمايد . ابن حبان از جمله ثقاتش بر ميشارد . (أعلام النساء ، 166/5) . ابن حجر ميگويد : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8790 ، ص 1374) .

(3) سنن أبى داود ، كتاب الحيض ، باب في الرجل يصيب منها ما دون الجماع (119/1 رقم 267) . سنن نسائي ، كتاب الطهارة ، باب ذكر ما كان يصنعه النبي - صلى الله عليه و سلم - إذا حاضت بعض نساءه (151/1 رقم 287) . حكم حديث : صححه الالبانى ، 69/1 ، المحقق : محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(4) هند ، و يا گفته میشود هنيذه بنت شريك ازديّة بصرية ، از عائشه - رضي الله عنها - روايت میکند ، و از او طود بن عبد الملك و قيسي روايت کرده اند . (أعلام النساء ، ج 5/267) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الرابعة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8795 ، ص 1375) .
إمام نسائي حديثش را در سنن خود نقل میکند . (أعلام النساء ، 5/267) .

لقيت عائشة رضي الله عنها بالخريبة فسألتها عن العكر فنهتني عنه وقالت انبذيه عشيّة ، واشربيه غدوة وأوكي عليه ، ونهتني عن الدباء والنقير والمزفت والحنتم » ⁽¹⁾ .

ترجمه : « از هنیده بنت شریک روایت است که میگوید : با عائشه در منطقه خریبه (نام یک منطقه) ملاقات کردم ، و از او در باره عصاره یا غلیظ شده شراب پرسیدم ؟ عائشه مرا منع فرمود و گفت : شب نبیذ را تیار کو و صبح آنرا بنوش ، و دهن ظرف را ببند ، و مرا از (دباء ، نقیر ، مزفت و حنتم) منع فرمود »

89 - هند بنت وازع بن زارع ⁽²⁾ :

« عَنْ أُمِّ أَبَانَ بِنْتِ الْوَازِعِ بْنِ زَارِعٍ عَنْ جَدِّهَا زَارِعٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ :

لَمَّا قَدِمْنَا الْمَدِينَةَ فَجَعَلْنَا تَبَادُرَ مَنْ رَوَّاحِلَنَا فَنَقَبُلُ يَدَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَرَجُلَهُ - قَالَ - وَانْتَظَرِ الْمُنْذِرُ الْأَشْجَ حَتَّى أَتَى عَيْبَتَهُ فَلَبَسَ ثَوْبِيهِ ثُمَّ أَتَى النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقَالَ لَهُ « إِنَّ فِيكَ خَلْتَيْنِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ الْحِلْمُ وَالْأَنَاءَةُ ». قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا أَتَخَلَّقُ بِهِمَا أَمْ اللَّهُ جَبَلَنِي عَلَيْهَا قَالَ « بَلِ اللَّهُ جَبَلَكَ عَلَيْهِمَا ». قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَبَلَنِي عَلَى خَلْتَيْنِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ » ⁽³⁾ .

ترجمه : « از ان ابان بنت وازع از جدش زارع - رضي الله عنه - روایت میکند که میگوید : چون به مدینه آمدم از همدیگر سبقت می جستیم ، دست و پاه - رسول الله - صلى الله عليه وسلم - را میبوسیدیم . میگوید : اما منذر اشج منتظر ماند تا اینکه پند لباس خود را گرفت و لباسهای خود را پوشید ، سپس نزد رسول الله - صلى الله عليه وسلم - آمد ، برایش فرمود : " در تو دو خصلتی است که خدا و رولش آنرا دوست میدارند ، و آن : حلم و دور اندیشی است " . گفت : یا رسول الله ! آیا خودم به آن خو کردیم یا که خدایم مرا به آن پرورش داده است ؟ فرمود : نه الله تورا به آن آراسته است . گفت : حمد و ستایش مر الله را که به دو خصلت تربیت نمود که نزد الله و رسولش محبوب است » .

(¹) سنن نسائي ، كتاب الأشربة ، باب النهي عن نبذ الدباء والنقير والمزفت (307/8 رقم 5641) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، تحقیق : عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب .

(²) از مشاهیر اعلام بصره است ، روایتش را از جد شان زارع ، و یا گفته میشود از پدرش گرفته ، و از او مطر بن عبدالرحمن اغنق روایت کرده است . ابی داود در سنن خود ، و بخاری در ادب مفرد از او نقل میکند . (تراجم طبقة المحدثات من التابعيات و مروياتهن في الكتب الستة ، ص 506) .

(³) سنن ابی داود ، كتاب الأدب ، باب ما جاء في قبلة الجسد 525/4 رقم (5227) حکم حدیث : قال الالبانی : حسن ، 357/4 ، المحقق : محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

90 - هُنَيْدَة (1) :

« عن عائشة - رضي الله عنها - قالت : نهى عن الدباء بذاته » (2) :

ترجمه : « از عائشه - رضي الله عنها - كه ميگويد : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - از دباء (كدو) به تنهايى منع كرد » .

(1) با تصغير ، از أم المؤمنين عائشة - رضي الله عنه - روايت کرده ، و از او عبدالملك و قيسي روايت ميكند . نسائي روايتش را نقل نموده است . (أعلام النساء ، 5/ 267) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8796 ، ص 1375) .

(2) (سنن نسائي ، كتاب الأشربة ، باب نهى عن نبيذ الدباء و المزفت (307/8) رقم 5639) . حكم حديث : صححه الالباني ، تحقيق : عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب .

جدول اسمای تابعیات که به اسم شان معروف اند ، با مرویات شان در کتب سته

شماره	اسم تابعیه	مجموع مرویات در کتب سته	مرویات شان در صحیحین	در کتب سنن اربعه			
				ابن داود	صحیح مسلم	صحیح بخاری	
						مو	مع
1	عمرة بنت عبدالرحمن	53		21	28	23	2
2	صفیة بنت شیبة	28		14	11	9	1
3	زینب بنت ابی سلمه	24		10	15	15	
4	أم درداء صغری	23		11	3	2	3
5	حفصه بنت سیرین	13		8	8	7	
6	فاطمة بنت منذر	11		4	7	8	
7	عائشه بنت طلحة	10		5	3	2	
8	جسره بنت دجاجة	10		4	6	2	1

2	4		2	3	1		8	صفیه بنت ابو عبید	9
2	2	3	2	4		2	6	خیره ام حسن بصری	10
2	4		2				6	جسره بنت دجاجة	11
2	4		2				6	فاطمه بنت حسین	12
1		2	2	1			5	حفصه بنت عبدالرحمن	13
1		1	2				4	امینه بنت عبدالله	14
1	3			2			4	ام کلثوم	15
		1	3	1	1	2	4	عائشه بنت سعد	16
1	1	2	2				3	رباب بنت صلیع	17
	2	1	1			1	3	مرجانہ	18
1	1	1				2	2	هند بنت حارث	19

1	1	2	2				2	حميدة بنت عبيد	20
1	1						2	سُعدى بنت عوف	21
1		1	1				2	عديسه بنت أهبان	22
1		1	2				2	مُسه أزدية	23
1			1				2	زينب بنت كعب بن عجره	24
	2						2	سمية بصرية	25
	1		1				2	كريمة بنت همام	26
						1	1	أمينة بنت أنس	27
	1						1	آمنة	28
			1				1	أساء بنت زيد	29
		1					1	أساء بنت سعيد	30

			1				1	أُمِيَّة بنت أَبِي صَلت	31
	1						1	بُنَانة مَوْلَاة عبد الرحمن	32
1							1	بُنَانة بنت يَزِيد	33
			1				1	بَهِيَّسة الْفَزَارِيَّة	34
			1				1	بَهِيَّة	35
	1						1	جَمِيلَة بنت عَبَاد	36
			1				1	حَبِيبَة بنت مَيْسَرَة	37
			1				1	حَسَنَاء بنت مَعَاوِيَة	38
			1				1	حَكِيمَة بنت أُمِيَّة	39
			1				1	حَكِيمَة بنت أُمِيَّة	40
1		1	1				1	حُمَيْدَة	41

1			1				1	حَمِيدَة بنت شمر دل	42
		1	1				1	دُحْيَة بنت عَلِيَّة	43
			1				1	رباب جدّه عثا بنت حكيم	44
	1						1	رُقِيَّة بنت عمرو	45
1							1	رُمَيْثَة	46
	1						1	رُمَيْثَة بنت الحارث	47
1							1	زينب السهمية	48
1							1	زينب بنت نبيط	49
	1						1	زينب بنت نصر	50
			1				1	سارة بنت مقسم	51
1							1	سائبة مولاة فاكة	52

		1					1	سلمى بكريه	53
1	1		1				1	سلمى عمه عبدالرحمن بن أبي رافع	54
1							1	شعشاء بنت عبدالله	55
1							1	صفية بنت جرير	56
1		1	1				1	صفية بنت حارث	57
	1		1				1	صفية بنت عصمة	58
			1				1	صفية بنت عطية	59
			1				1	صفية بنت علكية	60
			1				1	ضباعة بنت مقداد	61
1			1				1	طلحة أم غراب	62
	1		1				1	عالية بنت سبيح	63

			1				1	عُقَيْلَة بنت أُسْمَر	64
1			1				1	عُقَيْلَة مولاة بني فزارة	65
1			1				1	عَمْرَة عمة مقاتل	66
1			1				1	فاخِثَة أم موسى	67
1			1				1	فُسَيْلَة بنت وائلة	68
	1						1	قِرْصافة ذهيلية	69
1			1				1	قُرَيْبَة بنت عبدالله	70
			1				1	قُمَيْر بنت عمرو	71
1	1	1	1				1	كَبْشَة بنت مالك	72
			1				1	كَبْشَة بنت آبو مريم	73
1			1				1	كُرَيْمَة بنت مقداد	74

1	1						1	كَلَّم قُرْشِيَّة	75
			1				1	أُم كَلْثُوم	76
		1	1				1	أُم كَلْثُوم لَيْثِيَّة	77
			1				1	كَيْسَة بِنْت أَبِي بَكْرَة	78
1		1	1				1	لَوْلُؤَة مَوْلَاة أَنْصَار	79
1	1	1					1	لَيْلَى أَنْصَارِيَّة مَوْلَاة أُم عِمَارَة	80
			1				1	لَيْلَى بِنْت مَالِك	81
1	1		1				1	مُجِيبَة بَاهِلِيَّة	82
1		1	1				1	مُسَيِّكَة مَكِيَّة	83
			1				1	مَغِيرَة بِنْت حَسَان	84
		1					1	مُنِيَّة بِنْت عَبِيد	85

1			1				1	ميمونة بنت وليد	86
	1		1				1	ندبة مولاة ميمونة	87
						1	1	هالة /هولة	88
	1						1	هند بنت شريك	89
			1				1	هند بنت وازع	90
	1						1	هَئيدة	91

مطلب اول مرویات شان در صحیحین :

الف - در صحیح بخاری :

1 - أم يعقوب أسدي (1) :

« عن عبدالله بن مسعود - رضي الله عنه - قال :

لعن رسول الله - صلى الله عليه و سلم - الواصلة » فقال سمعته من امرأة يقال لها أم يعقوب عن عبد الله مثل حديث منصور (2) .

ترجمه : « از عبدالله ابن مسعود - رضي الله عنه - روایت است که میگوید :

رسول الله - صلى الله عليه و سلم - زنانی را که به موهای خود مو پیوند میکنند ، لعنت کرده است » میگوید : شنیدم از زنی که برایش ام یعقوب گفته میشد ، از عبدالله مانند حدیث منصور .

مجموع روایات ام یعقوب در کتب سته یک حدیث است ، که آنرا امام بخاری در صحیح خود نقل نموده است .

دو روایت ذیل را امام بخاری از تابعیاتی که به کنیه شان معروف اند ، در تعلیقات خود نقل کرده است :

1 - أم زيد بن أسلم (3) :

« عن أم زيد ، عن حفصة - رضي الله عنها - قالت :

قال عمر - رضي الله عنه - : اللهم ارزقني شهادة في سبيلك واجعل موتي في بلد رسولك صلى الله عليه و سلم » (4).

ترجمه : « از ام زيد ، از حفصه - رضي الله عنها - مرویست که ، عمر - رضي الله عنه - میگفت : بار خدایا ! شهادت را در راهت نصیب کن ، و مرگم را در شهر رسولت - صلى الله عليه و سلم - قرار بده ».

(1) ام یعقوب اسدی - از بنی اسد بن خزیمه - از جمله راویان حدیث است ، از عبدالله بن مسعود روایت کرده ، و از او عبدالرحمن بن عباس بن ربیعہ ، متوفای [119] روایت دارد . (أعلام النساء ، 299/5) . و گفته میشود : که وی صحابی بود ، و قصه ای با ابن مسعود داشت . (تقریب التهذیب ، شماره 8881، ص 1386) .

(2) صحیح بخاری ، کتاب التفسیر ، باب و ما آتاکم الرسول فخذوه (4/1853 ، رقم 4605) .

(3) مادر زيد بن اسلم ، از تابعین مشهور در مدینه ، از أم المؤمنین حفصة - رضي الله عنها - روایت حدیث میکند ، و از او فرزندش زيد بن اسلم روایت مینماید . یک حدیث روایت نموده که آنرا امام بخاری در صحیح خود بشکل تعلیق آورده است . (التقریب ، ص 1391 ، رقم 8896) .

(4) صحیح بخاری ، کتاب فضائل المدینة ، باب کراهية النبي - صلى الله عليه و سلم - أن تعری المدینة (2/666 رقم 1791) . حکم حدیث:

2- أم عمرو بنت عبدالله بن زبیر بن عوام (1) :

« عن أم عمرو بن عبدالله ، عن عمر - رضي الله عنه - قال :

قال النبي - صلى الله عليه و سلم - : من لبس الحرير في الدنيا لم يلبسه في الآخرة » وَقَالَ أَبُو مَعْمَرٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَارِثِ عَنْ يَزِيدَ قَالَتْ مُعَاذَةُ أَخْبَرَتْنِي أَنَّ أُمَّ عَمْرِو بِنْتُ عَبْدِ اللَّهِ سَمِعَتْ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الزُّبَيْرِ سَمِعَ عُمَرَ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَحْوَهُ

(2) .

ترجمه : « از ام عمرو بن عبدالله ، از عمر - رضي الله عنه - روایت است که گفت :

رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمودند : کسیکه در دنیا لباس ابریشم بپوشد ، در آخرت آنرا نمیپوشد » و ابو معمر میگوید : " از عبدالوارث از یزید روایت است که ، معاذه میگوید : برایم ام عمرو بنت عبدالله خبر داد که وی از عبدالله بن زبیر شنیده بود که وی از عمر ، و عمر از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - مثل آنرا شنیده بود.

ب - در صحیح مسلم :

امام مسلم روایتی از تابعیاتی را که به کنیه شان معروف اند نقل نکرده است .

مبحث دوم : مرویات شان در کتب سنن :

1 - أم مساور الحميري (3)

الف - در سنن أبی داود :

ندارد.

ب- در سنن ترمذی :

1 - « عن مساور الحميري ، عن أمه ، قالت : سمعت عن أم سلمة - رضي الله عنها - قالت :

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول " أيما امرأة ماتت ، وزوجها عنها راض ، دخلت الجنة » (1) .

(1) ابن زبیر بن عوام ، اسدی ، از جمله روات حدیث بوده ، از پدرش ، عمر روایت حدیث دارد ، و از وی معاذه عدویه متوفای سنه [83] ، روایت نموده است . روایتش را امام بخاری نقل نموده است . (أعلام النساء ، 3/365) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة من الرابعة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8848، ص1382) .

(2) صحیح بخاری ، کتاب اللباس ، باب لبس الحریر ، (2194/5 رقم 5496) . حکم حدیث :

(3) از روات حدیث است ، از أم المؤمنین أم سلمه - رضي الله عنها- روایت دارد ، و از او فرزندش مساور الحميري روایت مینماید . (أعلام النساء ، 5/53) . ابن حجر در باره ی شان گفته : " لا يعرف حالها ، من الرابعة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8869، ص1385) .

ترجمه: « از مساور حمیری ، از مادرش روایت میشود که گفت : از ام سلمه - رضي الله عنها - شنیدم که میگفت : که از رسول الله - صلى الله عليه و سلم - شنیدم که میفرماید : " هر گاه زنی وفات نماید ، در حالیکه شوهرش از او راضی باشد ، به بهشت داخل میشود » .

2 - « عن المساور الحميري عن أمه - رحمها الله - قالت : دخلت على أم سلمة فسمعتها تقول : كان رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول : " لا يحب عليا منافق ولا يبغضه مؤمن » (2).

ترجمه: « از مساور حمیری ، از مادرش روایت است که میگوید : بر ام سلمه داخل شدم ، شنیدم که میگفت : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - میفرمود : منافق هرگز علی را دوست نمیدارد ، و مؤمن با او بغض نمیورزد » .

مجموع روایات ام مساور حمیری در کتب سته (2) حدیث است که آنرا امام ترمذی در سنن خود نقل نموده است.

2 - ام أبان بن صمعة (3) :

1 - « عن أم أبان بن صمعة عن عائشة - رضي الله عنها - :

أنها سئلت عن الأشربة فقالت: كان رسول الله صلى الله عليه و سلم ينهى عن كل مسكر » (4).

ترجمه: « از ام ابان بن صمعه از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که از وی در مورد نوشیدنی ها سوال شد ، گفت : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - از هر نوشیدنی نشه آور منع فرمود » .

2 - « عن أبان بن صمعة عن أمه قالت : سمعت عائشة - رضي الله عنها - تقول: نهى رسول الله صلى الله عليه و سلم عن الواشمة والمستوشمة والواصلة والمستوصلة والنامصة والمتنمصة » (5).

(1) سنن ترمذی ، کتاب الرضاع ، باب ما جاء في حق الزوج على المرأة 466/3 ، رقم (1161) . سنن ابن ماجه ، كتاب النكاح ، باب حق الزوج على المرأة 595/1 ، رقم (1854) . حكم حديث : حسن غريب ، 2 / 457 ، المحقق: بشار عواد معروف ، دار الغرب الإسلامي - بيروت.

(2) سنن ترمذی ، كتاب المناقب ، باب 21 ، 5 / 635 ، رقم (3717) حكم حديث : ضعفه الالباني ، 5 / 634 ، تحقيق وتعليق: إبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر.

(3) بنت وازع ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت مینماید ، فرزندش ابان ابن صمعة در روایت از او تفرد میکند . حال اش از حيث جرح و تعديل : از جمله مجهول عين میباشد . (تراجم طبقة المحدثات من التابعيات ، ص 513) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الرابعة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8798 ، ص 1377) .

(4) سنن نسائي ، كتاب الشربة ، باب الأخبار التي اعتل بها من أباح شرب المسكر 320/8 ، رقم (5682) . حكم حديث : صححه الالباني ، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب.

(5) سنن نسائي ، كتاب الزينة ، باب وصل الشعر 147/8 ، رقم (5101) . حكم حديث : ضعفه الالباني ، تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب.

ترجمه: «از ابان ابن صمعه از مادرش روایت است که میگوید: شنیدم که عائشه - رضي الله عنها - میگفت: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - زنان را ازین کاره منع کرده است: زنیکه خال میکوبد، و زنیکه میخواهد خال کوبی شود، زنیکه موی کسی دیگری را وصل میکند، و زنیکه میخواهد موی اضافی بر مویش وصل شود، و زنیکه موی ابروان را می چیند، و زنی را که میخواهد موی ابروانش چیده شود».

مجموع مرویات ام ابان بن صمعه در کتب سته (2) حدیث است، که آنرا امام نسائی در کتاب سنن خود آورده است.

3- أم بكر و گفته میشود: أم أبو بكر⁽¹⁾:

«عن أم بكر أخبرته أَنَّ عائشة - رضي الله عنها - قالت:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - قَالَ فِي الْمَرْأَةِ تَرَى مَا يَرِيهَا بَعْدَ الطَّهْرِ إِنَّمَا هِيَ - أَوْ قَالَ إِنَّمَا هُوَ - عِرْقٌ أَوْ قَالَ عُرْوٌ»⁽²⁾.

ترجمه: «از ام بكر روایت است که عایشه - رضي الله عنها - برایش خبر داد که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در مورد زنیکه بعد از طهر چیزی را می بیند که او را در شک میندازد، همانا خون رگ است».

مرویات ام بكر در کتب سته یک حدیث است، که ابی داود در سنن خود نقل نموده.

4- أم بلال بنت هلال أسلمي مدني⁽³⁾:

«عن هلال بن أبي هلال سلمی - رضي الله عنه -:

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم - قال: "يجوز الجذع من الضأن أضحية"»⁽¹⁾.

(¹) از راویان حدیث بوده، که از عائشه - رضي الله عنها - روایت کرده، و از وی ابو سلمه بن عبدالرحمن، متوفای سنه [94] روایت میکند. ابی داود روایتش را در کتاب خود نقل مینماید. (أعلام النساء، 193/1). ابن حجر میگوید: "لا يعرف حالها، من الثالثة". (تقريب التهذيب، شماره 8805، ص1377).

(²) سنن أبو داود، کتاب الطهارة، باب من روى أن المستحاضة تغسل لكل صلاة 118/1، رقم (293). حکم حدیث: صحیح، 215/1، المحقق: شعيب الأرناؤوط - محمد کامل قره بللی، دار الرسالة العالمية.

(³) از جمله تابعیات ثقة بوده، و گفته میشود: از صحابیات است، از پدرش هلال بن ابو هلال اسلمی روایت میکند. ابن ماجه روایتش را نقل کرده است. (أعلام النساء، 140/1). در موردش گفته شده: که وی صحابه بود، ابن حجر در موردش گفته: "ثقة من الثانية". (تقريب التهذيب، شماره 8806، ص1377).

ترجمه: « بزى كه به عمر هشت يا نه ماه رسیده باشد ، بحيث قربانى پذيرفته ميشود » .

5 - أم جحدريّة بصرية (2):

« عن أم جحدر البصرية - رحمها الله - :

أَنَّهَا سَأَلَتْ عَائِشَةَ عَنْ دَمِ الْحَيْضِ يُصِيبُ الثَّوْبَ فَقَالَتْ كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- وَعَلَيْنَا شِعَارُنَا وَقَدْ أَلْقَيْنَا فَوْقَهُ كِسَاءً فَلَمَّا أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- أَخَذَ الْكِسَاءَ فَلَبِسَهُ ثُمَّ خَرَجَ فَصَلَّى الْغَدَاةَ ثُمَّ جَلَسَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ لُحْمَةٌ مِنْ دَمٍ. فَقَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- عَلَى مَا يَلِيهَا فَبَعَثَ بِهَا إِلَى مَصْرُورَةٍ فِي يَدِ الْغُلَامِ فَقَالَ « اغْسِلِي هَذِهِ وَأَجْفِيهَا ثُمَّ أَرْسِلِي بِهَا إِلَيَّ ». فَدَعَوْتُ بِقِصْعَتِي فَغَسَلْتُهَا ثُمَّ أَجَفَفْتُهَا فَأَحْرَقْتُهَا إِلَيْهِ فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- بِنِصْفِ النَّهَارِ وَهِيَ عَلَيْهِ (3).

ترجمه: « ام جحدريه بصریه از عائشه در مورد خون حیض که در لباس برسد پرسید ، عائشه گفت : من همراهی رسول الله - صلى الله عليه و سلم - بودم ، و زیر پیراهنی بر تن ما بود ، و بر سر او کمپل (بالا پوش) انداخته بودیم ، چون صبح شد رسول الله - صلى الله عليه و سلم - بالا پوش را پوشیده ، بر آمده نماز صبح را اداء نمود و نشست ، شخصی گفت : یا رسول الله ! نشان خون بر بالا پوش تان است ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - اطراف آن خون را جمع نموده در قبضه خود گرفت و به دست غلامی برایم فرستاد ، و فرمود : این را بشوی و خشک نموده پس برایم بفرست . من هم ظرف آب خود را طلب نموده و آنرا شستم و خشک نموده و برایش روان کردم . رسول الله - صلى الله عليه و سلم - در وقت چاشت آمد در حالیکه همان بالا پوش بر تن شان بود » .

6 - أم الحرير (4):

« عن طلحة بن مالک - رضي الله عنه - قال :

(1) سنن ابن ماجة ، كتاب الأضاحي ، باب ما تجزئ من الأضاحي (1049/2 ، رقم 3139) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

(2) عامريه ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت مینماید ، . از وی أم یونس بنت شداد و عبدالوارث ابن سعید ، متوفای سنه 180 روایت کرده است . (أعلام النساء ، 1/ 189) . ابن حجر در موردش گفته : " لا يعرف حالها ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8807 ، ص 1378) .

(3) سنن أبو داود ، كتاب الطهارة ، باب الإعادة من النجاسة تكون في الثوب (149/1 ، رقم 388) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(4) از مولای خود طلحه بن مالک سلمی روایت مینماید ، و از او ام محمد بنت رزین روایت میکند . روایتش را ترمذی در سنن خود نقل کرده است . (تهذيب الكمال ، 35 / 344) .

كانت أم الحرير إذا مات أحد من العرب اشتد عليها ف قيل لها إنا نراك إذا مات الرجل من العرب اشتد عليك ، قالت : سمعت مولاى يقول : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم " من اقتراب الساعة هلاك العرب » (1).

ترجمه : « از طلحه ابن مالک روایت است که میگوید : وقتی شخص از عرب وفات میکرد بر ام حریر مرگش گران تمام میشد ، برایش گفته میشد : چرا اینگونه مرگ عرب بالایت سنگینی میکند ؟ گفت : از مولایم شنیدم که میگفت : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - میفرمود : " از جمله علایم نزدیکی قیامت مرگ و هلاکت عرب میباشد . »

7- أم أم حکیم بن أسید (2) :

« عن أم أم حکیم - رضي الله عنها -

أَنَّ زَوْجَهَا تُوفَى وَكَانَتْ تَشْتَكِي عَيْنَيْهَا فَتَكْتَحِلُ بِالْجَلَاءِ - قَالَ أَحْمَدُ الصَّوَابُ بِكُلِّ الْجَلَاءِ - فَأَرْسَلَتْ مَوْلَاةً لَهَا إِلَى أُمِّ سَلَمَةَ فَسَأَلَتْهَا عَنْ كُحْلِ الْجَلَاءِ فَقَالَتْ لَا تَكْتَحِلِي بِهِ إِلَّا مِنْ أَمْرٍ لَا بُدَّ مِنْهُ يَشْتَدُّ عَلَيْكَ فَتَكْتَحِلِينَ بِاللَّيْلِ وَتَمْسَحِينَهَ بِالنَّهَارِ. ثُمَّ قَالَتْ عِنْدَ ذَلِكَ أُمُّ سَلَمَةَ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- حِينَ تُوفَى أَبُو سَلَمَةَ وَقَدْ جَعَلْتُ عَلَى عَيْنِي صَبْرًا فَقَالَ « مَا هَذَا يَا أُمُّ سَلَمَةَ ». فَقُلْتُ إِنَّمَا هُوَ صَبْرٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ فِيهِ طِيبٌ. قَالَ « إِنَّهُ يَشُبُّ الْوَجْهَ فَلَا تَجْعَلِيهِ إِلَّا بِاللَّيْلِ وَتَنْزَعِيهِ بِالنَّهَارِ وَلَا تَمْتَشِطِي بِالطِّيبِ وَلَا بِالْحِنَاءِ فَإِنَّهُ خَضَابٌ ». قَالَتْ قُلْتُ بَأَى شَيْءٍ أَمْتَشِطُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ « بِالسِّدْرِ تُغْلَقِينَ بِهِ رَأْسَكَ » (3).

ترجمه « ام ام حکیم روایت میکند که شوهرش وفات نمود و چشمانش تکلیف داشت و از سرمه استفاده مینمود ، کنیز خود را نزد ام سلمه فرستاد تا در باره استعمال سرمه از او بپرسد ، ام سلمه گفت : تا ضرورت شدید نباشد از سرمه استفاده نکن ، یا از طرف شب سرمه بزن و روز پاکش کن ، در همین وقت ام سلمه گفت : که ابو سلمه وفات نمود بود ، و رسول الله - صلى الله عليه و سلم - نزد من تشریف آورد ، در حالیکه من در چشمانم از صبر (4) استفاده نموده بودم ، گفت : ای ام سلمه ! این چیست ؟ گفتم : (صبر) است یا رسول الله - صلى الله عليه و سلم - ، خوشبویی ندارد .

(1) سنن ترمذی ، کتاب المناقب ، باب (70) ، (380/5) ، رقم 4021 . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، باب فی فضل العرب ، 380/5 ، تحقیق وتعلیق : إبراهیم عطوة عوض المدرس فی الأزهر الشریف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

(2) از مادرش از ام سلمه - رضي الله عنها - روایت میناید ، و از او مغیره بن ضحاک ، و بکیر بن عبدالله اشج متوفای سنه [117] ، روایت میکنند . ابی داود از وی نقل نموده است . (أعلام النساء ، 280/1) .

(3) سنن أبی داود ، کتاب الطلاق ، باب فیما تجتنبه المرأة فی عدتها (266/2) ، رقم 2305 . سنن نسائی ، کتاب الطلاق ، باب الرخصة للحادة أن تمتشط بالسدر (204/6) ، رقم 3537 . حکم حدیث : ضعیف .

(4) صبر نام گیاهی است که برگ های نرمی دارد ، و گلهایش به رنگ های زرد یا سرخ میباشد ، عصاره تلخ دارد که در پزشکی از آن استفاده میشود . و جای آن در افریقا میباشد . (معجم المعانی اپلیکیشن موبایل) .

رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : که این در چهره زیبایی به وجود می‌آورد ، لهذا از طرف شب استعمال کن ، و صبح پاکش کن ، و سرت را با خوشبویی و خینه شانه نکو ، زیرا خینه رنگ هست . من گفتم : ای رسول الله ! با چی شانه کنم ؟ فرمود : با برگ های بیر سرت را بپوشان .»

8 - أم حمید (۱) :

« عن أم حمید عائشة - رضي الله عنها - قالت :

قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « هَلْ رَأَيْتِ - أَوْ كَلِمَةً غَيْرَهَا - فِيكُمْ الْمُغْرَبُونَ ». قُلْتُ وَمَا الْمُغْرَبُونَ قَالَ « الَّذِينَ يَشْتَرِكُ فِيهِمُ الْجَنُّ » (۲) .

ترجمه : « از ام حمید ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است ، که رسول الله - صلى الله عليه و سلم - برایم گفت : آیا در بین شما (مغربون) دیده شده است ، یا اینکه دیده اید ، یا همین قسم کدام لفظ استعمال نمود . من پرسیدم (مغربون) کی هست ؟ رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرمود : مردم هستند که جنات در آنان شرکت دارند .»

9 - أم خطاب بن صالح أنصاری (۳) :

« عن خطاب بن صالح عن أمه عن سلامة بنت معقل - رضي الله عنها - قالت :

قَدِمَ بِي عَمِّي فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَبَاعَنِي مِنَ الْحَبَابِ بْنِ عَمْرِو أَخِي أَبِي الْيَسْرِ بْنِ عَمْرِو فَوَلَدْتُ لَهُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ الْحَبَابِ ثُمَّ هَلَكَ فَقَالَتْ امْرَأَتُهُ الْآنَ وَاللَّهِ تَبَاعِينَ فِي دِينِهِ فَاتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي امْرَأَةٌ مِنْ خَارِجَةِ قَيْسِ عَيْلَانَ قَدِمَ بِي عَمِّي الْمَدِينَةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَبَاعَنِي مِنَ الْحَبَابِ بْنِ عَمْرِو أَخِي أَبِي الْيَسْرِ بْنِ عَمْرِو فَوَلَدْتُ لَهُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ الْحَبَابِ فَقَالَتْ امْرَأَتُهُ الْآنَ وَاللَّهِ تَبَاعِينَ فِي دِينِهِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « مَنْ وَلِيَ الْحَبَابِ ». قِيلَ أَخُوهُ أَبُو الْيَسْرِ بْنُ عَمْرِو فَبَعَثَ إِلَيْهِ فَقَالَ « أَعْتَقُوهَا فَإِذَا سَمِعْتُمْ بَرَقِيقَ قَدِمَ عَلَيَّ فَأَتُونِي أُعَوِّضْكُمْ مِنْهَا ». قَالَتْ فَأَعْتَقُونِي وَقَدِمَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ

(۱) و گفته میشود : ام حمیده بنت عبد الرحمن ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت کرده ، و از وی ابن جریج متوفای [149] ، روایت میکند . (أعلام النساء ، 297/1) . ابن حجر در موردش گفته : " لا يعرف حالها ، من الثالثة " . (تقریب التهذیب ، شماره 8824 ، ص 1379) .

(۲) سنن ابی داود ، کتاب الأدب ، باب فی الصبی یولد فیؤذن فی أذنه 749/2 ، رقم (5107) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، 749/2 ، المحقق : محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

(۳) از سلامة بنت معقل خزاعی روایت کرده ، و از او فرزندش خطاب بن صالح روایت میکند . (أعلام النساء ، 353/1) .

-صلی الله علیه وسلم- رَقِيقٌ فَعَوَّضَهُمْ مِّنِّي غُلَامًا « (1) .

ترجمه: « از خطاب بن صالح از مادرش ، از سلامه بنت معقل روایت است که میگوید: در دوران جاهلیت کاکایم مرا آورد و برای حباب بن عمر برادر ابوالسیر بن عمرو فروخت ، و از او عبدالرحمن بن حباب را به دنیا آمد ، باز او (حباب بن عمرو) وفات نمود ، زنش برایم گفت: قسم به الله که تو در عوض قرضهای او فروخته می شوی . این خبر را شنیده نزد رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آمده گفتم: یا رسول الله! من زنی از قبیله بنی خارجه قیس بن عیلان هستم ، در دوران جاهلیت کاکایم مرا مدینه آورده ، و برای برادر ابوالیسر بن عمرو که حباب بن عمرو نام داشت فروخت ، و از او عبدالرحمن بن حباب را به دنیا آوردم ، حالا زنش میگوید: قسم به الله که حالا تو در عوض قرضهایش فروخته میشوی . رسول الله - صلی الله علیه و سلم - پرسید که وارث حباب بن عمرو کیست ؟ مردم گفتند: که برادرش ابوالیسر بن عمرو هست ، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - برایش پیغام فرستاد که او (سلامه) را آزاد کنید ، و چون شنیدید که نزد من غلام یا کنیز آمد ، آمده تا عوض را برایش بدهم . سلامه میگوید: وقتی که این سخن را شنیدند مرا آزاد کردند ، باز وقتی که نزد رسول الله - صلی الله علیه و سلم - غلام یا کنیز آمد در عوضم برایشان یک غلام داد .»

10 - أم داود بن صالح تَمَّار (2) :

« عن أم داود - رحمها الله - :

أَنَّ مَوْلَاتَهَا أَرْسَلَتْهَا بِهَرَيْسَةَ إِلَى عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَوَجَدَتْهَا تُصَلِّي فَأَشَارَتْ إِلَيَّ أَنْ ضَعِيهَا فَجَاءَتْ هَرَّةً فَأَكَلَتْ مِنْهَا فَلَمَّا انْصَرَفَتْ أَكَلْتُ مِنْ حَيْثُ أَكَلَتِ الْهَرَّةُ فَقَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « إِنَّهَا لَيَسْتَبْنَجِسُ إِنَّمَا هِيَ مِنَ الطَّوَّافِينَ عَلَيْكُمْ » . وَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَتَوَضَّأُ بِفَضْلِهَا « (3) .

ترجمه: « از أم داود - رحمها الله - روایت است که مولایش او را با حلیم (1) ، نزد عائشه فرستاد ، پس عائشه اشاره نمود که آنرا بگذارد ، پشکی آمد و از آن خورد ، چون از نماز فارغ شد ، از همان طرف که پشک خورده بود ، خورد ، و

(1) سنن ابی داود ، کتاب العتق ، باب عتق أمهات الأولاد 46/4 ، رقم (3955) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، 26/4 ، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

(2) از أم مؤمنین عائشه - رضي الله عنها - روایت میکند ، و از او ابن صالح بن دینار تمار مدنی روایت کرده است . از مجهولات عین میباشد . تراجم طبقة المحدثات من التابعيات و مروياتهن في الكتب الستة ، ص 528) . ابن حجر در موردش گفته: " لا نعرف ، من الثالثة " . (تقرب التعذيب ، شماره 8826 ، ص 1380) .

(3) سنن أبو داود ، کتاب الطهارة ، باب سؤر الهرة (29/1) ، رقم (76) . حکم حدیث : صححه الالبانی ، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید ، المكتبة العصرية ، صیدا - بیروت .

گفت: رسول الله - صلى الله عليه و سلم - فرموده اند: "پشک نجس نیست، بلکه از گشت کنندگان بر شما میباشد" به تحقیق دیدم رسول الله - صلى الله عليه و سلم - را که با آب پس مانده پشک وضو می نمود».

11- أم ذرة مولاة عائشة - رضي الله عنها (2):

«عن أم ذرة عن عائشة - رضي الله عنها - قالت: كُنْتُ إِذَا حَضْتُ نَزَلْتُ عَنِ الْمِثَالِ عَلَى الْحَصِيرِ فَلَمْ نَقْرُبْ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- وَلَمْ نَذَنْ مِنْهُ حَتَّى نَطْهَرَ» (3).

ترجمه: «از ام ذره، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید: چون حائضه می شدم از رختخواب پائین شده بر بوریا میخوابیدم، و تا زمانیکه پاک نمی شدم به رسول الله - صلى الله عليه و سلم - نزدیک نشده و نه قریب اش میرفتم».

12 - أم سالم بنت مالک راسبيّة (4):

«عن جعفر بن برد الراسبي . حدثني مولاتي أم سالم الراسبية ، قالت سمعت عائشة - رضي الله عنها - تقول : كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا أتى بلبن قال بركة أو بركتان» (5).

ترجمه: «از جعفر بن برد راسبی روایت میشود که میگوید: مولای من ام سالم راسبی برایم گفت: از عائشه - رضي الله عنها - شنیدم که میگفت: وقتی به رسول الله - صلى الله عليه و سلم - شیر آورده میشد، میگفتند: "برکت و یا دو برکت».

(1) به معنی پیه، و شتر فربه، در فارسی آشی را گویند که از گوشت و گندم، پخته شده و له شده درست میکنند. (فرهنگ فارسی معین، ص 571).

(2) از تابعیات مدنیّه بوده، بیشتر اوقات در خدمت عائشه - رضي الله عنها - قرار داشت، یک زن عابده و زاهده بود، چندین بار ادای حج و عمره نمودند. از عائشه و ام سلمه - رضي الله عنها - روایت نموده، و از وی محمد بن منکدر و أبو یحی و عائشه بنت سعد، و ابن جریج، و زید بن اسلم روایت مینمایند. ابی داود روایتش را نقل نموده است. (تراجم طبقة المحدثات من التابعيات و مروياتهن في الكتب الستة، ص 530). ابن حجر در موردش گفته: "مقبولة من الثالثة". (تقریب التهذیب، شماره 8828، ص 1380).

(3) سنن ابی داود، کتاب الطهارة، باب الرجل یصیب منها ما دون الجماع (110/1 رقم 271). حکم حدیث: ضفه الالبانی، 110/1، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت.

(4) ترجمه ابن راویه در فصل دوم، زیر عنوان ضغار تابعیات گذشت.

(5) سنن ابن ماجه، کتاب الأطعمة، باب اللبن (1103/2، رقم 3321). حکم حدیث: ضعه الالبانی، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.

13 - أم شراحيل (1) :

« عن أم شراحيل عن أم عطية - رضي الله عنها - قالت :

بعث النبي صلى الله عليه و سلم جيشا فيهم علي قالت فسمعت النبي صلى الله عليه و سلم وهو رافع يديه يقول : " اللهم لا تمنني حتى تريني عليا " (2) .

ترجمه : « از ام شراحيل ، از عطيه - رضي الله عنها - روايت است كه ميگويد : نبي - صلى الله عليه و سلم - لشكري را كه در آن علي بود ، فرستاد . ميگويد : شنيدم رسول الله - صلى الله عليه و سلم - را در حاليكه دستان خود را به دعاء بلند کرده ، ميگفت : بار الها ! مرا نميران تا اينكه علي را ببينم »

14 - أم عاصم (3) :

« عن المعلى بن راشد أبو اليمان حدثني جدتي عن رجل من هذيل يقال له نبیشه الخير ، قالت :

دخل علينا نبیشه ونحن نأكل في قصعة لنا ، فقال حدثنا رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال " من أكل في قصعة ثم لحسها ، استغفرت له القصعة " (4) .

ترجمه : « از معلى بن راشد ابو يمان روايت است كه جد بزرگم برايم از مرديكه از قبيله هزيل بود ، و برايش نبیشه خير ميگفتند ، نقل کرده ميگفت : نبیشه بر ما داخل شد در حاليكه ما مصروف غذا خوردن در كاسه بوديم . پس گفت : " رسول الله - صلى الله عليه و سلم - براي ما فرمود : " كسيكه در كاسه نان بخورد ، و آنرا بليسد ، كاسه برايش استغفار ميخواهد " .»

(1) از راويان حديث محسوب ميشود كه از ام عطيه انصاريه روايت دارد ، و از او جابر بن صبيح راسبي روايت مينمايد . ابن حجر در موردش گفته : " لا يعرف حالها ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8837 ، ص 1381) .

(2) سنن ترمذي ، كتاب المناقب ، باب (5) ، (643/5) ، رقم (3737) . حكم حديث : ضعفه الالباني ، باب مناقب علي بن أبي طالب رضي الله عنه ، تحقيق وتعليق : إبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

(3) جده ي معلى بن راشد بصرى ، و علاء بن راشد ، از نبیشه خير ، و از وى حسن بن عماره قاضى بغداد متوفى [153] ، و نائله ازديه روايت مينمايند . (أعلام النساء ، 221/3) .

(4) سنن ترمذي ، كتاب الأطعمة ، باب ما جاء في اللقمة تسقط (259/4) ، رقم (1804) . سنن ابن ماجه ، كتاب الأطعمة ، باب تنقية الصحيفة 1089/2 ، رقم (3272) . حكم حديث : ضعفه الالباني ، تحقيق وتعليق : إبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

15 - أم عبد الحميد مولاي بنی هاشم ⁽¹⁾:

« عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ أَنَّ أُمَّهُ حَدَّثَتْهُ وَكَانَتْ تَخْدُمُ بَعْضَ بَنَاتِ النَّبِيِّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- أَنَّ بِنْتَ النَّبِيِّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- حَدَّثَتْهَا أَنَّ النَّبِيَّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- كَانَ يَعْلَمُهَا فَيَقُولُ: « قُولِي حِينَ تَصْبِحِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا فَإِنَّهُ مَنْ قَالَ هُنَّ حِينَ يُصْبِحُ حَفِظَ حَتَّى يُمْسِيَ وَمَنْ قَالَ هُنَّ حِينَ يُمْسِي حَفِظَ حَتَّى يُصْبِحَ » ⁽²⁾ .

ترجمه: « از عبد الحميد مولای بنی هاشم روایت است که مادرش برایش گفت: در حالیکه یکی از دختران نبی -صلی الله علیه و سلم- را خدمت میکرد، برایش میگفت که رسول الله -صلی الله علیه و سلم- برایش تعلیم اش داده میگفت: چون صبح کردی بگو: سبحان الله و بحمده لا قوة الا پاک است الله و حمد ستایش باد اورا، نیست قوتی به انجام نیکی ها مگر به کمک خدا، آنچه را الله بخواهد موجود میشود، و آنچه را نخواسته باشد نخواهد شد، میدانم که الله بر همه چیز توانا است، و اینکه الله بر هر چیز بواسطه علم خود احاطه نموده است. هر که این کلمات را صبح بگوید تا شام حفظ میشود، و آنکه شام بگوید، تا صبح حفظ میشود»

16 - أم عبدالله بن بریده ⁽³⁾:

« عَنْ أُمِّ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ :

لَمْ يَكُنْ ثَوْبٌ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ قَمِيصٍ » ⁽⁴⁾ .

ترجمه: « از ام عبدالله، از ام سلمه -رضی الله عنها- روایت است که میگوید: هیچ لباسی مانند پیراهن برای رسول الله -صلی الله علیه و سلم- دوست داشتنی نبود.»

⁽¹⁾ از بعضی دختران رسول الله -صلی الله علیه و سلم- روایت نموده، و از وی فرزندش عبدالحمید روایت کرده است. (أعلام النساء، 240/2). ابن حجر در موردش گفته: "مقبولة، من الثالثة". (تقريب التهذيب، شماره 8844، ص1382).

⁽²⁾ سنن ابی داود، کتاب الأدب، باب ما یقوله إذا أصبح (740/2، رقم 5075). حکم حدیث: ضعفه الالبانی، 319/4، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت.

⁽³⁾ از تابعیات اهل بصره است، روایت شان از ام سلمه -رضی الله عنها- میباشد، و از او فرزندش عبدالله بن بریده روایت نموده است. (تراجم طبقة المحدثات من التابعيات، 537). ابن حجر در موردش گفته: "لا تعرف، من الرابعة". (تقريب التهذيب، شماره 8843، ص1382).

⁽⁴⁾ سنن ابی داود، کتاب اللباس، باب ما جاء في القميص (440/2، رقم 4026). سنن ترمذی، کتاب اللباس، باب ما جاء في القميص (209/4، رقم 1763). سنن ابن ماجه، کتاب اللباس، باب لبس القميص (1183/2، رقم 3575). حکم حدیث: صححه الالبانی، 42/4، المحقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، المكتبة العصرية، صیدا - بیروت.

17- أم عبدالرحمن بن عبدالله بن كعب بن مالک (1):

« عن أم عبد الرحمن بن عبد الله أو أبيه علي الشك - رضي الله عنها - :

قالت للنبي صلى الله عليه و سلم في مرضه الذي مات فيه ما يتهم بك يا رسول الله ؟ فإني لا أتهم بابني شيئا إلا الشاة المسمومة التي أكل معك بخير وقال النبي صلى الله عليه و سلم :وأنا لا أتهم بنفسي إلا ذلك فهذا أوان قطع أبهرى « (2).

ترجمه: «از ام عبد الرحمن بن عبد الله، یا پدرش، (شک راوی) - رضي الله عنها - روایت است که به رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در مرضی که وفات یافت گفته بود: یا رسول الله! چه کسی را به این مرض متهم میکنی؟ چون من کسی را متهم نمیکنم، مگر گوسفند مسمومی را که همراهیت در خبیر خورده بودم، و رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود: من نیز در باره خود همان شک را دارم، و حالا همان وقتی رسیده که شاهرگ مرا قطع نمود (مرا می کشد)» .

18- أم عبد الملك بن أبي محذورة (3):

« عن أبي محذورة - رضى الله عنه - قال :

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي سُنَّةَ الْأَدَانِ. قَالَ فَمَسَحَ مُقَدَّمَ رَأْسِي وَقَالَ « تَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ تَرْفَعُ بِهَا صَوْتَكَ ثُمَّ تَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ تَخْفِضُ بِهَا صَوْتَكَ ثُمَّ تَرْفَعُ صَوْتَكَ بِالشَّهَادَةِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ فَإِنْ كَانَ صَلَاةُ الصُّبْحِ قُلْتَ الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » (4) .

(¹) از راویان حدیث بوده ، که از او روایت شده است . (أعلام النساء 240/3) .

(²) سنن أبي داود ، كتاب الديات ، باب فيما سقى رجلاً سباً أو أطمعه 582/2 ، رقم (4513). حكم حديث : صححه الالباني ، 175/4 ، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت.

(³) راویه از اوایان حدیث است، از ابو محذوره، از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - روایت دارد، و از وی عثمان بن سائب مکی روایت نموده است. (أعلام النساء، 241/3). این حجر در موردش گفته: "مقبولة، من الثانیة". تقریب التهذیب، شماره 8845، ص 1382).

(⁴) سنن أبي داود، كتاب الصلاة، باب كيفية الأذان (189/1، رقم 500). سنن نسائي، كتاب الأذان، باب الأذان في السفر (7/2).

حكم حديث : صححه الالباني، 136/1، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

ترجمه: « از ابی محذوره روایت است که میگوید: گفتم یا رسول الله! برایم طریقه آذان دادن را بیاموزان، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بر حصه پیشروی سرم مسح کرده و فرمود: الله أكبر، الله أكبر، اینهارا با صدای بلند بگو، باز اشهد ان لا إله الا الله، اشهد ان لا إله الا الله، و أشهد أن محمد رسول الله، اشهد ان محمد رسول الله را با آواز بلند بگو، باز حي على الصلاة، حي على الفلاح، حي على الفلاح بگو. اگر آذان صبح باشد، الصلاة خير من النوم، الصلاة خير من النوم بگو، باز الله أكبر الله أكبر گفته، و لا إله الا الله بگو».

19 - أم عون بنت محمد بن جعفر بن أبي طالب قرشی (1):

« عن أم عون ابنة محمد بن جعفر عن جدتها أسماء - رضي الله عنها - قالت:

لما أصيب جعفر رجع رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى أهله فقال " إن آل جعفر قد شغلوا بشأن ميتهم، فاصنعوا لهم طعاما » (2).

ترجمه: « از ام عون فرزند محمد بن جعفر، از جده اش أسماء - رضي الله عنها - روایت است که میگوید: چون جعفر به شهادت رسید، رسول الله - صلی الله علیه و سلم - نزد خانواده اش رفته و فرمود: خانواده جعفر مشغول میت خود شدند، پس برایشان طعام آماده نمایید ».

20 - أم محمد ابی یحیی أسلمی (3):

عن أم بلال بنت هلال عن أبيها - رضي الله عنه -:

"يجوز الجذع من الضأن أضحية" (4).

ترجمه: « بزى که کم تر از یک سال باشد، بحيث قربانی پذیرفته میشود ».

(2) گفته میشود: برایش ام جعفر گفته میشد. از جده اش اسماء بنت عمیس - رضي الله عنها - روایت نموده، و از او فرزندش عون، و ام عیسی جزار، و عبدالله بن ابوبکر بن محمد بن عمر بن حزم انصاری متوفای [130] یا [135]، روایت مینمایند. (أعلام النساء، 380/3). ابن حجر در موردش گفته: "مقبولة، من الراية". (تقریب التهذیب، شماره 8849، ص1383).

(3) سنن ابن ماجه، کتاب الجنائز، باب ما جاء في الطعام يبعث إلى أهل الميت (2/14، رقم 1611). حکم حدیث: حسنه الالبانی، 514/1، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عیسی البابی الحلبي.

(4) از سهل بن سعد از رسول الله - صلی الله علیه و سلم -، و ام بلال بنت هلال روایت کرده، و از او فرزندش محمد بن دابو یحیی روایت نموده است. (أعلام النساء، 30/5).

(4) سنن ابن ماجه، کتاب الأضاحي، باب ما تجزئ من الأضاحي 1049/2، رقم (3139). حکم حدیث: ضعفه الالبانی، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عیسی البابی الحلبي.

21- أم محمد بن سائب بن بركة مكي (1) :

« عن بركة عن أمه عن عائشة - رضي الله عنها - قالت : كان رسول الله صلى الله عليه وسلم ، إذا أخذ أهله الوعك ، أمر بالحساء . قالت : وكان يقول " إنه ليرتو فؤاد الحزين ، ويسرو عن فؤاد السقيم ، كما تسروا إحداكن الوسخ عن وجهها بالماء » (2) .

ترجمه : « از بركة ، از مادرش ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید : وقتی که اهل رسول الله - صلى الله عليه و سلم - را تب یا درد میگرفت ، باز امر میکرد که حساء (نوعی طعام است که از آرد و آب آماده می شود) آماده کنند ، و میفرمود : این قلب حزین را تقویت می بخشد ، و تکلیف را از قلب مریض چنان دور میکند مانند اینکه یکی از شما چرک را توسط شستن با آب از روی خود دور میکند » .

22- أم محمد بن عبدالرحمن بن ثوبان قرشي عامري (3) :

« عن محمد بن عبدالرحمن عن أمه عن عائشة - رضي الله عنها - قالت :

أمر رسول الله صلى الله عليه و سلم أن يستمتع بجلود الميتة إذا دبغت » (4) .

ترجمه : « از محمد بن عبدالرحمن از مادرش ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت است که میگوید : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - دستور داد ، که از پوست حیوان خود مرده در صورت که دباغت شده استفاده کنید » .

23- أم محمد بن قيس (5) :

« عن محمد بن قيس عن أبيه عن أم سلمة - رضي الله عنها - قالت :

(1) والده محمد بن سائب بن بركة ، از أم المؤمنين عائشة - رضي الله عنها - روایت مینماید ، و از او فرزندش محمد بن سائب روایت کرده است . (طبقات الكبرى ، 489/8) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8865 ، ص 1385) .

(2) سنن ترمذی ، کتاب الطب ، باب ما جاء ما يطعم المريض 383/4 ، رقم (2039) . سنن ابن ماجه ، کتاب الطب ، باب التلبينة 1140/2 ، رقم (3445) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، تحقیق وتعلیق : إبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف ، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر .

(3) از روایات حدیث است ، از عائشه - رضي الله عنها - روایت میکند ، و از او محمد بن عبدالرحمن ، فرزندش روایت کرده است . (أعلام النساء ، 29/5) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8866 ، ص 1385) .

(4) سنن ابی داود ، کتاب اللباس ، باب أهب الميتة 66/4 ، رقم (4124) . سنن نسائي ، کتاب الفرع و العشرة ، باب الرخصة في الاستمتاع بجلود الميتة اذا دبغت 176/7 . سنن ابن ماجه ، کتاب اللباس ، باب لبس جلود الميتة 1194/2 ، رقم (3612) . حکم حدیث : ضعفه الالبانی ، المحقق : محمد محيي الدين عبد الحميد ، المكتبة العصرية ، صيدا - بيروت .

(5) از عائشه - رضي الله عنها - روایت مینماید ، و از او فرزندش محمد بن قيس بن مخرمه مطلى روایت کرده است . (أعلام النساء ، 29/5) . پدرش یکی از قضات زمان عمر بن عبدالعزيز بود . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقريب التهذيب ، شماره 8867 ، ص 1385) .

كان النبي صلى الله عليه وسلم يصلی في حجرة أم سلمة فمر بين يديه عبد الله ، أو عمر بن أبي سلمة . فقال بيده . فرجع فمرت زينب بنت أم سلمة . فقال بيده هكذا . فمضت . فلما صلى رسول الله صلى الله عليه وسلم " هن أغلب » ⁽¹⁾ و وقع في بعض النسخ عن أمه بدل عن أبيه .

ترجمه : « از محمد بن قیس ، از پدرش ، از ام سلمه - رضي الله عنها - روایت میکند که گفت : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - در خانه ام سلمه نماز میخواند ، درین وقت عبد الله یا عمر بن ابی سلمه از پیش رویش عبور کرد ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - با دست خود اشاره (منع) کرد ، او پس گشت ، و باز زينب بنت ام سلمه گذشت ، رسول الله - صلى الله عليه و سلم - همانطور با دست خود اشاره کرد ، مگر او از پیش رویش گذشت ، وقتیکه رسول الله - صلى الله عليه و سلم - از نماز فارغ شد فرمود : " زنها بر مردان غالب تر اند »

24 - أم منبوذ ⁽²⁾ :

« عن منبوذ عن أمه عن ميمونة - رضي الله عنها - قالت :

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يضع رأسه في حجر إحدانا فيتلو القرآن وهي حائض وتقوم إحدانا بخمرته إلى المسجد فتبسطها وهي حائض » ⁽³⁾ .

ترجمه : « از منبوذ ، از مادرش ، از ميمونه - رضي الله عنها - روایت میشود که میگوید : رسول الله - صلى الله عليه و سلم - سر شانرا به آغوش یکی از ما در حالیکه حیض میبودیم گذاشته ، و قرآن تلاوت مینمود ، و یکی از ما با خمار خود به مسجد رفته و آنرا پهن میکرد ، در حالیکه حیض میبودیم » .

⁽¹⁾ (سنن ابن ماجه ، كتاب إقامة الصلاة و السنة فيها ، باب ما يقطع الصلاة 305/1 رقم (948) . حكم حديث : ضعفه الالباني ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي .

⁽²⁾ (والده منبوذ بن ابی سلبان ، از جمله راویان حدیث بوده ، از أم المؤمنین ميمونه - رضي الله عنها - روایت کرده ، و از او فرزندش روایت میکند .)
«علام النساء ، 111/5) . ابن حجر در موردش گفته : " مقبولة ، من الثالثة " . (تقييد التهذيب ، شماره 8874 ، ص 1385) .

⁽³⁾ (سنن نسائي ، كتاب الطهارة ، باب بسط الحائض الخمر في المسجد) 192/1 ، رقم (385) . حكم حديث : حسنه الالباني ، تحقيق : عبد الفتاح أبو غدة ، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب .

جدول اسهای تابعیاتی که به کنیه شان معروف اند ، با مرویات شان در کتب سته

در کتب سنن اربعه				مرویات شان در صحیحین			مجموع مرویات در کتب سته	اسم تابعیه	شماره
سنن ابن ماجه	سنن نسائی	سنن ترمذی	ابن داود	صحیح مسلم	صحیح بخاری				
					معلق	موصول			
						1	1	أم یعقوب	1
					1		1	أم زید بن اسلم	2
					1		1	أم عمر بنت عبدالله	3
		2					2	أم مساور الحمیری	4
	2						2	أم أبان بن صمعة	5
			1				1	أم بکر / أم أبوبکر	6
1							1	أم بلال بنت هلال أسلمي	7
			1				1	أم جحدریة بصریة	8

		1					1	أم الحرير	9
	1		1				1	أم أم حكيم بن أسيد	10
			1				1	أم حميد	11
			1				1	أم خطاب بن صالح انصاري	12
			1 1				1 1	أم داود بن صالح	13
			1				1	أم ذرة مولاة عائشة	14
1							1	أم سالم بنت مالك راسبيه	15
		1					1	أم شراحيل	16
1		1					1	أم عاصم	17
	1		1				1	أم عبد الحميد مولى بنى هاشم	18
1		1	1				1	أم عبدالله بن بريدة	19
								أم عبدالله بن	

			1				1	عبدالله بن كعب	20
	1		1				1	آم عبدالملك بن أبي محذورة	21
1							1	آم عون بنت محمد	22
1							1	آم محمد بن أبي يحيى أسلمي	23
1		1					1	آم محمد بن سائب بن بركة	24
1	1		1				1	آم محمد بن عبدالرحمن	25
1							1	أم محمد بن قيس	26
	1						1	أم منبوز	27

نتیجه گیری

الحمد لله الذي يسر لي إتمام هذا العمل ، و أسأله - جل و علا - أن يحقق لي به النفع العاجل و الآجل ، و أن يجعله مفتاحا للإستزادة من العلم النافع و تحصيله .

از خلال نوشتن این رساله زیر عنوان « جهود حدیثی تابعیات و مرویات شان در کتب سته » به نتایج ذیل دست یافتم :

- مجموع تابعیات که مرویات شان در کتب سته نقل شده، به (118) میرسد ، که از جمله به تعداد (91) نفر ازین میان به اسم شان معروف اند ، و به تعداد (27) نفر تابعیاتی اند ، که به کنیه شان معروف اند .
- مجموع مرویات تابعیاتی که به اسم شان معروف اند ، در کتب سته به (302) روایت میرسد ، و مجموع مرویات انعه ای که به کنیه شان معروف اند به (29) میرسد .
- پس مجموع تمام مرویات (تابعیات که به اسم ، و به کنیه شان معروف اند) ، در کتب سته به (331) حدیث میرسد .
- توجه و سهم داشتن زنان تابعیات در رسانیدن سنت های رسول الله - صلی الله علیه و سلم - برای نسل بعدی شان ؛ همانگونه که تابعین به این مهم توجه و نقش خود را داشتند .
- همان گونه که اصحاب و تابعین در ادای رسالت دین بر این امت احسان و منت نموده اند ، نیز زنان صحابه و تابعین را بر این امت حق و احسان است .
- در بین تمام این زنان محدثه و حتی در قرون بعدی زنی سراغ نمیشود که از طرف علمای جرح و تعدیل متهم به دروغ و یا ضعف شده و روایت اش رد شده باشد .
- آشکار شدن نقش و جایگاه روایت زنان در اسلام ، به اساس قول امام شوکانی که میگوید : " هیچ قولی از عالمی در دست نیست که روایت زنی را از جهت زن بودنش رد کرده باشد ، بلکه بیشترین سنتهایی که امروز در دست است ، از طریق روایت زنان رسیده است " .

پیشنهادات

- پیشنهاد به وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ این است که در مورد زنان محدث تابعیات ، و روشن ساختن رول شان در خدمت احادیث گهر بار رسول الله - صلی الله علیه و سلم - ، اقدامات لازم نماید ؛ چون ، تهیه نمودن برنامه های ماهواره ای در مورد سیرت و نقش شان در نقل علوم به خصوص حدیث ، و ترجمه کردن کتب و رسائل درین مورد ، به زبانهای ملی (پشتو و دری) ، و به چاپ سپردن و نشر آن ، تا فهم عام مورد شان صورت پذیرد .
- از وزارت محترم حج و اوقاف میخواهم تا با نامگذاری مدارس و مکاتب انائیه و مؤسسات خیریه ، به اسمای تابعیات ، خصوص عمره بنت عبدالرحمن ، خیره ام حسن بصری و ام درداء ، و غیرهن ، از آنها تقدیر نماید ، تا از یکطرف این شخصیت ها در میان عوام مردم شناخته شده ، و از طرف دیگر مشوقی باشد برای نسل جوان علم دوست؛ تا جهت مزید معلومات به سیرت و شناخت این شخصیتها ، سری به مطالعه کتب حدیث در مورد شان بزنند، و سیرت آنها را زنده سازند .
- به وزارت محترم امور زنان پیشنهاد میشود که سوانح و بیوگرافی این زنان الگو اعم از صحابیات و تابعیات را به شکل مقاله تهیه در کنفرانس و نشست های علمی مربوط به زنان به خوانش بگیرند ، تا برای قشر زنان ، الگو هایی از تقوی و علم و فقاقت شناسایی شود .
- از تمام پوهنتون های دولتی ، و خصوصی میخواهم تا در مورد شناخت ، و معرفی این زنان الگو، با تدویر کنفرانس ها ، و همایش ها ، و نشر مقالات از زحمات شان قدر دانی نموده و برای محصلین به خصوص ، محصولات آنها را بحیث الگو به معرفی گیرند .
- ازتمام مراکز علمی ، و لیسه ها ، خواهشمندم تا با پخش و نشر بروشر ها ، و اختصاص دادن یک قسمتی از مجلات و ماهنامه ها را درین مورد ، توجه لازم مبذول داشته ، تا فهم عامه را در مورد شان به دسترس نسل جدید و جوان قرار دهد .
- از محصولات ماستری که درحال سپری کردن دروس در رشته های تفسیر ، و حدیث اند میخواهم موضوعات رساله های شانرا در مورد نقش زنان تابعیات در کتب حدیث غیر از کتب سته ، و نیز زنان تبع تابعیات ، و زنان محدثه بعد از آنها ، تا قرن دهم ، را تتبع نموده ، و تحقیق نمایند ، تا هر چه بیشتر از حال و کردار این زنان که با گذشت زمان از اذهان فراموش اند ، معرفی شوند.

فهرست منابع

- (1) إبراهيم مصطفى، أحمد الزيات، حامد عبد القادر، محمد النجار ، المعجم الوسيط ، تحقيق / مجمع اللغة العربية ، ناشر : دار الدعوة ، بيروت ، 1404 هـ
- (2) ابن باز: عبد العزيز بن عبد الله ، ناشر: دار الحديث- القاهرة، چاپ اول ، 1379 هـ
- (3) ابن جوزي ، عبدالرحمن بن علي بن محمد جوزي قرشي بغدادی ، ابو فرج ، صفة الصفوة ، تحقيق : خالد مصطفى طرطوسی ، ناشر : دار الكتاب العربي ، 2013م
- (4) ابن سعد ، محمد بن سعد بن منيع ، ابو عبد الله ، [ت 230هـ] الطبقات الكبرى ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمية – بيروت، چاپ اول
- (5) ابن عساکر: أبو القاسم علي بن حسن ابن هبة الله ابن عبد الله شافعي معروف بابن عساکر (499 - هـ - 571 هـ) ، تاريخ دمشق ، دراسة وتحقيق : علي شيري ، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع
- (6) ابن كثير: اسماعيل بن عمر قرشي دمشقي ، [ت 774] ، تفسير القرآن العظيم ، ناشر : دار ابن حزم ،
- (7) ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، جمال الدين، أبو الفضل، [ت 711هـ] ، لسان العرب ، دار صادر – بيروت، چاپ سوم ،، 1414 هـ
- (8) ابو داود سليمان بن اشعث سجستاني ، سنن أبي داود ، ناشر : دار الكتاب العربي – بيروت.
- (9) ابو شهبة ، محمد بن محمد ، الوسيط في علوم و مصطلح الحديث ، ناشر: دار المعرفة للنشر و التوزيع ،
- (10) انصاری: عمر بن علي بن احمد ، ابن ملقن سراج الدين ابو حفص ، المقنع في علوم الحديث ، تحقيق : عبدالله بن يوسف جديع ، ناشر : دار فواز للنشر ، 1413 – 1992م
- (11) بخاری: ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه جعفی ، [ت 256] ، الجامع الصحيح ، ناشر : دارالفکر للطباعة للنشر و التوزيع.
- (12) بخاری: ابو عبدالله اسماعیل ابن محمد ابن ابراهیم الجعفی ، التاريخ الكبير ، ناشر : دارالکتب العلمیة – بیروت.
- (13) بستانی، فواد افرام – مترجم : مهیار، استاد رضا ، فرهنگ أبجدي عربي- فارسي ترجمه المنجد الابجدي ، ناشر : مکتبه اسلامي، تهران، چاپ اول 1385 هـ ش
- (14) بستنی: ابو الفضل عیاض ابن موسی ابن عیاض ابن عمرو ابن موسی ابن عیاض ، ترتیب المدارک وتقريب المسالك لمعرفة أعلام مذهب مالك.

- (15) بالطو: عالية بنت عبدالله ، تراجم طبقة المحدثات من التابعيات و مروياتهن في الكتب الستة ، ناشر : دار المجتمع للنشر و التوزيع ، چاپ : اول ، سال طبع : 1430 - 2009م ،
- (16) بغدادی: أحمد بن علي بن ثابت الخطيب أبو بكر، الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع، ناشر : مكتبة المعارف - الرياض ، 1403تحقيق : د. محمود الطحان
- (17) بغدادی: أبو بكر أحمد ابن علي خطيب [ت 463]، تاريخ بغداد ، دراسة وتحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، ناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان
- (18) بغدادی: أحمد ابن علي ابن ثابت أبو بكر، الرحلة في طلب الحديث ، ناشر : دار الكتب اتعلمية - بيروت ، چاپ اول ، 1395، تحقيق : نور الدين عتر.
- (19) بيهقي ، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى ، أبو بكر ، [ت 458هـ] المدخل الى السنن الكبرى ، تحقيق : د. محمد ضياء الرحمن الأعظمي ، ناشر: دار الخلفاء للكتاب الإسلامي - الكويت ، چاپ اول ، 1422 هـ
- (20) ترمذی: أبو عيسى ، محمد بن عيسى ، سلمی ، [ت 279] ، الجامع الصحيح سنن الترمذي ، تحقيق : احمد شاکر ، ناشر : دار إحياء التراث العربي
- (21) جزری: مجد الدين أبو سعادات مبارك بن محمد جزري ابن الأثير (المتوفى : 606هـ) ، جامع الأصول في احاديث الرسول ، ناشر : مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان ، چاپ : اول ، تحقيق : عبد القادر الأرئوط
- (22) جلی: الحاج خليفه ، مصطفى بن عبدالله كاتب، معروف به حاج خليفه ، كشف الظنون ، تحقيق : محمد شرف الدين يا التقايا ، ناشر : دار إحياء التراث العربي
- (23) جمعه: احمد خليل ، نساء من عصر التابعين ، ناشر : دار ابن كثير
- (24) حسن عميد ، فرهنگ عميد ، ناشر : مؤسسه انتشارات امير كبير - تهران ، سال 1369 ،
- (25) حکمی ، حافظ بن أحمد بن علي الحكمي [ت 1377هـ] ، معارج القبول بشرح سلم الوصول إلى علم الأصول ، تحقيق : عمر بن محمود أبو عمر ، ناشر : دار ابن القيم - الدمام ، السعودية ، چاپ اول ، 1410 هـ - 1990 م
- (26) خير آبادی، دكتور ابو الليث، معجم المصطلحات الحديث و علومه و اشهر المصنفين فيه ، ناشر : دار النفائس
- (27) ذهبی: محمد بن احمد بن عثمان بن قايماز ، شمس الدين [ت 1274] سير أعلام النبلاء ، تخريج احاديث : شعيب أرئوط ، تحقيق : مأمون صاعرجی ، ناشر : مؤسسة الرسالة

- (28) رازي ، محمد بن أبي بكر بن عبد القادر ، زين الدين ، أبو عبد الله ، [ت 666هـ] ، مختار الصحاح ، تحقيق : يوسف الشيخ محمد ، 1420هـ / 1999م ، المكتبة العصرية - الدار النموذجية ، بيروت - صيدا ، چاپ سوم
- (29) رازي، عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر ، ابن أبي حاتم، أبو محمد ، [ت 327هـ] مقدمة الجرح والتعديل لابن أبي حاتم رازي تحقيق : ابى همام محمد بن علي الصومعي البيضاوي ، دار الكتب العلمية بيروت- لبنان، چاپ اول ، 1433هـ
- (30) راغب ، الحسين بن محمد ، أبو القاسم ، [ت 502هـ] مفردات الفاظ القرآن ، تحقيق : صفوان عدنان الداودي، دار القلم، الدار الشامية - دمشق بيروت، چاپ اول 1412هـ
- (31) زبيدي: مرتضى ، تاج العروس من جواهر القاموس ، ناشر : طبعة الكويت
- (32) سباحي: د. محمد محمد ، المنهج الحديث في علوم الحديث قسم مصطلح الحديث ، ناشر : جامعة ازهر – كلية أصول الدين و الدعوة ، 1962،
- (33) سيوطي ، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين ، [ت 911هـ] ، تدريب الراوي في شرح تقريب النووي ، تحقيق : أبو قتيبة نظر محمد فاريابي دار طيبة ، چاپ اول ، 1418 هـ
- (34) شنيطى: محمد امين بن محمد مختار ، جنكى ، اضاء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن ، ناشر : مكتبة علوم و الحكم ، مدينة منورة ،
- (35) شوكانى: محمد بن على ، نيل الأوطار شرح منتقى الأخبار ، ناشر : دار الجيل – بيروت
- (36) ضياء الدين نخشي، عارف قرن هشتم، سلوك الملوك ، با مقدمه و تصحيح و تعليق : دكتور غلام علي آريا، كتابفروشي زوآر، چاپ اول، زمستان 1369
- (37) صنعانى: أبو بكر عبد الرزاق ابن همام، مصنف عبد الرزاق ، ناشر :المكتب الإسلامي - بيروت ، تحقيق : حبيب الرحمن اعظمي ، چاپ : دوم
- (38) عراقى: ابو الفضل زين الدين عبدالرحيم بن حسين [ت 806] ،، التقويد والإيضاح شرح مقدمة ابن الصلاح ، تحقيق : عبدالرحمن محمد عثمان ، المكتبة السلفية ، المدينة المنورة ، چاپ اول ، 1389-1969 ،
- (39) عسقلاني ، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر ، أبو الفضل [ت 852هـ] ، فتح الباري شرح صحيح البخاري ، ترقيم: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر : دار الحديث – القاهرة ، چاپ : اول 1379.
- (40) عسقلانى: ابن حجر ، احمد بن على بن محمد كتانى عسقلاني ، ابو فضل شهاب الدين بن حجر ، [ت 852] ، [، تقريب التهذيب ، محقق : ابو اشبال صغير احمد پاكستانى، ناشر : دار العاصمة ، 1421.

- (41) عسقلاني: ابن حجر عسقلاني ، احمد بن علي بن محمد كتاني عسقلاني ، ابو فضل شهاب الدين بن حجر ، [ت 852] تهذيب التهذيب ، ناشر : المعرف.
- (42) عسقلاني: شهاب الدين ، احمد بن علي بن حجر عسقلاني [852] ، نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر ، تحقيق : عبد الحميد بن صالح بن قاسم ، ناشر : دار ابن حزم
- (43) عفاف بنت عبد الكريم ، جهود المرأة في نشر الحديث و علومه ، مجلة جامعة أم القرى لعلوم الشريعة و اللغة العربية و آدابها 1427 هـ
- (44) عيني ، محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين ، بدر الدين ، أبو محمد ، [ت 855 هـ] ، عمدة القاري شرح صحيح البخاري دار إحياء التراث العربي - بيروت ، چاپ اول 1404 هـ
- (45) غوري: سيد عبد الماجد ، معجم المصطلحات الحديثية، دار ابن كثير ، دمشق، سوريا.
- (46) فزاري ، إبراهيم بن محمد بن الحارث بن أساء ابن خارجة ، ابو اسحاق ، [ت 188 هـ] كتاب السير ، تحقيق : د. فاروق حمادة ، دار القاسم ، دمشق ، چاپ اول ، 1425 هـ
- (47) فوري: سيد عبد الماجد ، الميسر في علم الرجال ، ناشر : دار الشاكر للطباعة و النشر و التوزيع ، سلانجور - ماليزيا
- (48) فيروزآبادي ، محمد بن يعقوب ، مجد الدين ، أبو طاهر ، [ت 817 هـ] ، القاموس المحيط ، تحقيق : محمد نعيم العرقسوسي مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع ، بيروت - لبنان ، 2005 - 1426 ، چاپ هشتم.
- (49) فيومي ، أحمد بن محمد بن علي ، أبو العباس [ت 770 هـ] المصباح المنير ، دار المعارف - القاهرة ، چاپ اول ، تحقيق : عبد العظيم الشناوي ، 1404
- (50) قرداش: آمال بنت الحسين ، دور المرأة في خدمة الحديث في القرون الثلاثة الاولى ، ناشر : الدوحة ، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية ، 1999 م،
- (51) قزويني: محمد بن يزيد ، ابن ماجه ، سنن ابن ماجه ، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.
- (52) كوفي: ابوبكر عبدالله بن محمد بن ابراهيم ، ابي شيبة ، مصنف ابن ابي شيبة ، ناشر : الفاروق الحديثة للطباعة و النشر ، 1428-2008 ،
- (53) مباركفوري ، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم ، أبو العلا ، [ت 1353 هـ] ، تحفة الأحوزي بشرح جامع الترمذي ، دار الكتب العلمية - بيروت ، لبنان چاپ دوم ، 1426 هـ ،
- (54) محمد عميم احسان مجددی برکتی ، التعريفات الفقهيه ، ناشر دار الكتب العلمية ، 1424-2003 م.

55) المزی: جمال الدين ابو حجاج [ت742]، تهذيب الکمال في أسماء الرجال، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، چاپ اول، 1980م.

56) نيسابوری: ابی عبدالله محمد بن عبدالله [ت 405]، معرفه علوم الحديث و كمية اجناسه، شرح و تحقيق احمد بن فارس السلوم، ناشر: دار ابن حزم

57) نیشاپوری: محمد بن عبدالله بن حمدويه بن نعيم ضبي، طهاني نيشاپوري، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحيحين للحاکم، محقق: مصطفى عبدالقادر عطاء، ناشر: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، سال 1422-

2002

58) نيسابوری: مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری، صحيح مسلم، ناشر: دار الفكر - بيروت

59) شيباني، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، أبو عبد الله، [ت241هـ]، مسند أحمد بن حنبل، تحقق: شعيب ارنؤوط، و عادل مرشد، مؤسسة الرسالة، بيروت، چاپ اول 2001م،

60) نسائي، أحمد بن شعيب بن علي، أبو عبد الرحمن، [ت303هـ]، سنن الكبرى، تحقيق: مكتب تحقيق التراث الاسلامي، 1432 هـ، دار المعرفة، بيروت، لبنان، چاپ اول

61) قزوینی، محمد بن یزید ابن ماجه، أبو عبدالله، [ت273هـ] سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي،، مكتب العلمیة، بيروت، لبنان چاپ اول 1404هـ

62) نيسابوري، محمد بن عبدالله، أبو عبدالله، [ت405هـ]، المستدرک علی الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا،، دار الکتب العلمیة - بيروت، چاپ اول 1411هـ - 1990م،

63) نووی: ابو زکریا محبی الدين یحیی ابن شرف (631هـ - 676هـ)، المنهاج في شرح صحيح مسلم بن الحجاج، ناشر: مؤسسة الرسالة، تحقيق: مركز الرسالة و تحيق التراث

فهرست آیات قرآنی

التوبة آیه 71 صفحه 1 - 23

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ..
71

التوبة آیه 79 صفحه 9

وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ
79

الحشر آیه 7 صفحه 29 - 46

وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا
7

الشعراء آیه 214 صفحه 30

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ
214

الكهف آیه 47 صفحه 58

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً
47

المؤمنون آیه 115 صفحه 58

أَفَحَسِبْتُمْ أَنْنَا خَلْقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ
115

النور آیه 60 صفحه 23

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِرْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
60

فهرست احاديث نبوی

91	الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات
91	الحمد لله على كل حال
73	الطَّاعُونَ شَهَادَةٌ لِّكُلِّ مُسْلِمٍ
133	اللهم أشبع بطنه
122	اللهم إني أسألك من الخير كله عاجله وآجله ما علمت منه وما لم أعلم
192	اللهم لا تمتني حتى تريني عليا
71	المتشبع بما لم يعط كلابس ثوبي زور
72	أبردوها بالماء
37	أبلي وأخلي
160	إتقوا الله فيما ملكت أيمانكم
165	إذا أكل أحدكم طعاما فليقل بسم الله فإن نسي في أوله فليقل بسم الله في أوله وآخره
88	إذا زنت الامة فاجلدوها . فإن زنت فاجلدوها . فإن زنت فاجلدوها . فإن زنت فاجلدوها . ثم بيعوها ولو بضعفير
101, 128	إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا فَلْيُفْطِرْ عَلَى التَّمْرِ
101, 128	إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا فَلْيُفْطِرْ عَلَى التَّمْرِ فَإِنْ لَمْ يَجِدِ التَّمَرَ فَعَلَى الْمَاءِ فَإِنَّ الْمَاءَ طَهُورٌ
68	اسْتَرْقُوا أَلْهَا فَإِنَّ بِهَا النَّظْرَةَ
106	أسرع الخير ثوابا ، البر وصلة الرحم . وأسرع الشر عقوبة ، البغي وقطيعة الرحم
187	أَغْسَلِي هَذِهِ وَأَجْفِيهَا ثُمَّ أَرْسَلِي بِهَا إِلَيَّ
10	أفضل الصدقة جهد المقل
21	ألا احسنوا إلى أصحابي ثم الذين يلونهم ، ثم الذين يلونهم
98	ألا أخبركم بأفضل من درجة الصيام والصلاة والصدقة
197	أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يستمتع بجلود الميتة إذا دبغت
120	أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مِنْ كُلِّ خَمْسِينَ شاةً شاةً
135	أمكثي في بيتك حتى يبلغ الكتاب أجله

- 112 أن النبي - صلى الله عليه وسلم - شبر لفاطمة شبراً من نطاقها
- 113 أن النبي - صلى الله عليه وسلم - كان يصلي بعد الوتر ركعتين
- 70 أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَتَكَبَّرُ فِي حَجْرِي وَأَنَا حَائِضٌ ثُمَّ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ
- 86 أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَسْتَعِيدُّ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ وَقَالَ إِنَّكُمْ تُفْتَنُونَ فِي قُبُورِكُمْ
- 142 أَنْ تَفْعَلَ الْخَيْرَ خَيْرٌ لَكَ
- 114 أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - قَدْ كَانَ رَخَّصَ لِلنِّسَاءِ فِي الْخُفَيْنِ فَتَرَكَ ذَلِكَ
- 84 أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - نَحَرَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ بَقَرَةً وَاحِدَةً
- 151 أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أعلم قبر عثمان بن مظعون بصخرة
- 105 أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ إِحْدَى نِسَائِهِ أَنْ تَنْفِرَ مِنْ جَمْعِ لَيْلَةٍ جَمْعِ فَتَأْتِيَ جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ فَتَرْمِيهَا...
- 151 أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يتوضأ ثم يقبل ويصلي ولا يتوضأ
- 100 أنا مع عبدي إذا هو ذكرني و تحركت بي شفاته
- 67 أنفقي عليهم ، فلك أجر ما أنفقت عليهم
- 185 أيما امرأة ماتت ، وزوجها عنها راض ، دخلت الجنة
- !
- 195 إن آل جعفر قد شغلوا بشأن ميتهم ، فاصنعوا لهم طعاما
- 166 إن الصائم تصلي عليه الملائكة إذا أكل عنده حتى يفرغوا وربما قال حتى يشبعوا
- 97 إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الدَّاءَ وَالِدَوَاءَ وَجَعَلَ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءً فَتَدَاوَوْا وَلَا تَدَاوُوا بِحَرَامٍ
- 77 إن الله خلق للجنة أهلا خلقهم لها وهم في أصلاب آبائهم وخلق للنار أهلا خلقهم لها وهم في أصلاب آبائهم
- 119 إن المسجد لا يحل لجنب ولا لحائض
- 171 إِنَّ فِيكَ خَلَّتَيْنِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ الْجُلْمُ وَالْأَنَاءُ
- 158, 159 إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَتَدَافَعَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ لَا يَجِدُونَ إِمَامًا يُصَلِّي بِهِمْ
- 2, 30 إنما النساء شقائق الرجال
- 196 إنه ليرتو فؤاد الحزين ، ويسرو عن فؤاد السقيم ، كما تسروا إحدان الوسخ عن وجهها بالماء
- 189 إِنَّهُ يَشُبُّ الْوَجْهَ فَلَا تَجْعَلِيهِ إِلَّا بِاللَّيْلِ وَتَنْزِعِيهِ بِالنَّهَارِ وَلَا تَمْنَشِيهِ بِالطَّيِّبِ وَلَا بِالْحِنَاءِ فَإِنَّهُ خِضَابٌ
- 191 إِنَّهَا لَيْسَتْ بِنَجَسٍ إِنَّمَا هِيَ مِنَ الطَّوَافِينَ عَلَيْكُمْ
- 130, 163 إِنَّهَا لَيْسَتْ بِنَجَسٍ إِنَّمَا هِيَ مِنَ الطَّوَافِينَ عَلَيْكُمْ وَالطَّوَافَاتِ

- 72 إنها من فيح جهنم
- 85 إنهم ليبكون عليها وإنها لتعذب في قبرها
- 82 إِنِّي لَأَفْعَلُ ذَلِكَ أَنَا وَهَذِهِ ثُمَّ نَعْتَسِلُ
- 132 إني لأعلم كلمة لا يقولها عبد عند موته إلا كانت نورا لصحيفته...

ت

- 107 تحته ثم تقر صه بالماء وتنضحه وتصلي فيه
- 96 تربت يمينك . فبم يشبهها ولدها إذا ؟
- 32 تربت يمينك ، فبم يشبهها ولدها
- 129 تشمت العاطس ثلاثا فإن شئت أن تشمته فشمته وإن شئت فكف
- 78 تقتلك الفئة الباغية
- 195 تَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ تَرْفَعُ بِهَا صَوْتَكَ...

خ

- 20 خير امتي قرني ، ثم الذين يلونهم ، ثم الذين يلونهم"

د

- 155 دعاء الوالد يفضي إلى الحجاب

س

- 123 سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي السَّمَاءِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ بَيْنَ ذَلِكَ..
- 81, 131 سبحان الله ماذا أنزل الليلة من الفتن وماذا فتح من الخزائن أيقظوا صواحبات الحجر
- 144 سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم ينهى عن شراب صنع في دباء أو حنتم أو مزفت لا يكون زيتا أو خلا
- 151 سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْهَى عَنْ شَرَابِ صُنْعٍ فِي دُبَاءٍ أَوْ حَنْتَمٍ أَوْ مَزَفَّتٍ لَا يَكُونُ زَيْتًا أَوْ خَلًّا

ص

- 126 صَلَّى فِي الْحَجْرِ إِذَا أَرَدْتَ دُخُولَ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا هُوَ قِطْعَةٌ مِنَ الْبَيْتِ فَإِنْ قَوْمَكَ اقْتَصَرُوا حِينَ بَنَوْا الْكَعْبَةَ
- 168 صُمِّمَ مِنَ الْحُرْمِ وَاتْرُكَ صُمِّمٌ مِنَ الْحُرْمِ وَاتْرُكَ صُمِّمٌ مِنَ الْحُرْمِ وَاتْرُكَ

ض

- 144 عَنِ الْغُلَامِ شَاتَانِ مُكَافِئَتَانِ وَعَنِ الْجَارِيَةِ شَاةٌ

عن النبي صلى الله عليه وسلم قوله {نساؤكم حرث لكم فاتوا حرثكم أنى شئتم} يعني صماما واحدا

ف

فأحرمني واشترطي أن مجلك حيث حبست

فَأَصْلِحِي مِنْ نَفْسِكَ ثُمَّ خُذِي إِنَاءً مِنْ مَاءِ فَاطِرٍ جِي فِيهِ مَلْحًا ثُمَّ اغْسِلِي مَا أَصَابَ الْحَقِيْبَةَ مِنَ الدَّمِ..

ق

قام رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات ليلة فلبس ثيابه ثم خرج قالت فأمرت جاريتي

قَرِّئِي فِي بَيْتِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرُزُّكَ الشَّهَادَةَ

قُولِي حِينَ تُصْبِحِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

ك

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا دخل المسجد

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا سلم قام النساء حين يقضى تسليمه ويمكث هو في مقامه يسيرا

كَانَ لَا يَرُقْدُ مِنْ لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ فَيَسْتَنْقِطُ إِلَّا تَسَوَّكَ قَبْلَ أَنْ يَتَوَضَّأَ

كَانَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَخَذَ طَرِيقَ الْفُرْعِ أَهْلًا إِذَا اسْتَقَلَّتْ بِهِ رَاحِلَتُهُ وَإِذَا أَخَذَ طَرِيقَ أَحَدٍ

كان يصلي ركعتي الفجر ركعتين خفيفتين

كَانَ يَغْتَسِلُ بِالصَّاعِ وَيَتَوَضَّأُ بِالْمُدِّ

كلام ابن آدم عليه لا له إلا أمر بمعروف أو نهى عن المنكر أو ذكر الله

كان رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يتوضأ بالمد و يغتسل بالصاع

كنا عند النبي - صلى الله عليه وسلم - فنسمع منه الحديث ، فإذا قمنا تذاكرناه فيما بيننا حتى نحفظه

ل

لَا إِنَّمَا هُوَ مُنَاخٌ مَنْ سَبَقَ إِلَيْهِ

لا تزالون بخير ما دام فيكم من رأني و صاحبي، والله لا تزالون بخير ما دام فيكم من رأى من رأني ، و صاحب

من صاحبي

لا تمس النار مسلماً رأني ، او رأى من رأني

لا تمنعوا النساء من الخروج إلى المساجد بالليل

لَا رُقِيَّةَ إِلَّا فِي نَفْسٍ أَوْ حُمَةٍ أَوْ لَدَغَةٍ

لا لكن أفضل الجهاد حج مبرور

- لا يحب عليا منافق ولا يبغضه مؤمن 185
- لا يحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر (أو تؤمن بالله ورسوله) أن تحد على ميت فوق ثلاثة أيام إلا على زوجها 79
- لا يحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر أن تحد على ميت فوق ثلاث ليال إلا على زوج أربعة أشهر وعشرا 94
- لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ حَائِضٍ إِلَّا بِخِمَارٍ 155
- لا يكيد أهل المدينة أحد إلا انماع كما ينماع الملح في الماء 80
- لعن الله الواشمات والمستوشمات ، و المنتمصات ، و المتفلجات للحسن المغيرات للحسن 47
- لعن النبي - صلى الله عليه وسلم - الواصلة والمستوصلة 108
- لعن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - الواصلة 182
- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا 30
- للسائل حق وإن جاء على فرس 116
- لَمْ يَكُنْ يُبَالَى مِنْ أَيِّ أَيَّامِ الشَّهْرِ يَصُومُ 109
- لَوْ كُنْتُ امْرَأَةً لَعَيَّرْتُ أَظْفَارَكَ 156
- م
- ما أمرت كلما بليت أن أتوضأ ولو فعلت لكانت سنة 170
- ما من عبد مسلم يدعو لأخيه بظهر الغيب إلا قال الملك ولك بمثل 76
- من أصيب بمصيبة ، فذكر مصيبته ، فأحدث استرجاعا ، وإن تقادم عهدها ، كتب الله له من الاجر مثله يوم أصيب 117
- من اقترب الساعة هلك العرب 188
- من أكل في قصعة ثم لحسها ، استغفرت له القصعة 193
- من أهل بحجة أو عمرة من المسجد الأقصى إلى المسجد الحرام غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر 146
- مَنْ سَقَى إِلَى مَاءٍ لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَيْهِ مُسْلِمٌ فَهُوَ لَهُ 159
- من شرب في إناء فضا فکانما یجر جر فی بطنه نار جهنم 115
- مَنْ ضَارَّ أَضَرَّ اللَّهُ بِهِ وَمَنْ شَاقَّ شَاقَّ اللَّهُ عَلَيْهِ 166
- من عزی تكلی کسی بردا فی الجنة 169
- مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ 99
- من لبس الحرير في الدنيا لم يلبسه في الآخرة 183

ن

نضر الله إمرأ سمع منا حديثاً فحفظه حتى يبلغه قرب مبلغ احفظ من سامع

2

نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الواشمة والمستوشمة والواصلة والمستوصلة والنامصة والمتنمصة

186

و

وآخرين منهم لما يلحقوا بهم

19

والذين جاؤوا من بعدهم

19

والذين جاؤوا من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالإيمان

19

وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم ، إذا اشتكى أحد من أهله ، لم تزل البرمة على النار

164

وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

30

هـ

هَذَا أَرْكَى وَأَطْيَبُ وَأَظْهَرُ

154

هَذَا عَرِقٌ

63

هَلْ رَأَيْ - أَوْ كَلِمَةً غَيْرَهَا - فِيكُمْ الْمُعْرِبُونَ

190

هَلْ عِنْدَكُمْ طَعَامٌ

121

هَلْ هُوِيَتْ إِلَى الْجُحْرِ

164

ى

يا عائشة أحبيه فاني أحبه

104

يا معشر قريش اشتروا أنفسكم من الله لا أغني عنكم من الله شيئاً

31

يحشر الله العباد ، أو الناس عرارة غراً لهما

55

يطهره ما بعده

146

يُطَهَّرُهَا الْمَاءُ وَالْقَرَضُ

158

يقتل حسين بأرض بابل

53

فهرست أعلام

إ

26	إبن ابى مريم
14	إبن اكفانى
14	إبن جماعه
17, 23, 25, 39, 42, 43, 46, 66, 108, 127, 129, 132, 139, 141, 144, 145, 147, 150, 163, 170	إبن حبان
5, 12, 17, 20, 25, 26, 33, 34, 39, 40, 42, 43, 44, 45, 46, 57, 58, 66, 80, 81, 82, 83, 116,	إبن حجر
118, 124, 127, 129, 133, 134, 137, 138, 139, 140, 141, 142, 143, 144, 145, 146, 147, 148, 149,	
150, 151, 152, 153, 154, 155, 156, 157, 158, 159, 160, 161, 162, 163, 164, 165, 166, 168, 169,	
170, 171, 172, 183, 185, 186, 187, 189, 191, 192, 193, 194, 195, 196, 197, 198,	
57, 58, 66, 69, 80, 204	إبن سعد
17, 51	إبن صلاح
59	إبن عساكر
57	إبن منيع
23, 48	إياس بن معاويه

أ

23, 42	أبو بكر بن ابى داود
49	أبو معروف
55	أبو يعلى
55, 53, 46, 42, 39, 34, 30, 28, 27, 26, 25, 24, 23, 22, 21, 20, 19, 17, 16, 14, 13, 12, 10, 5, 2,	أحمد ج
209, 208, 207, 206, 205, 204, 189, 140, 130, 116, 110, 88, 60, 57, 56	
25, 39	إصفهاني
139, 140, 175	أسماء بنت زيد
140	أسماء بنت سعيد
171, 186, 199	أم أبان
188, 199	أم الحرير

189, 199	أم أم حكيم
186	أم بكر
187, 196, 199	أم بلال
187, 199	أم جحدريّة
189, 200	أم حميد
191, 200	أم داود
191, 200	أم ذرة
183, 199	أم زيد
57, 192, 200	أم سالم
192, 200	أم شراحيل
193, 200	أم عاصم
193	أم عبد الحميد
58, 82, 194	أم عبدالرحمن
194, 200	أم عبدالله
195, 200	أم عبدالملك
42, 45, 46, 183, 184	أم عمرو
195, 196, 200	أم عون
40, 41, 81, 82, 116, 121, 122, 165, 174, 179	أم كلثوم
124, 188, 196, 197, 200, 201	أم محمد
185, 199	أم مساور
198	أم منبوذ
47, 182, 183, 199	أم يعقوب
140	أمية بنت أبي صلت
83, 84, 124, 174	أمينه
	آ
83, 139, 175	آمنة
	ب

بخارى 4, 5, 6, 20, 26, 32, 37, 44, 55, 56, 60, 63, 64, 65, 66, 67, 68, 69, 70, 71, 72, 73, 74, 75, 76,
77, 78, 79, 80, 81, 82, 83, 84, 89, 93, 97, 100, 104, 106, 109, 111, 114, 115, 124, 127, 131, 173,
182, 183, 199, 204

بستی 25, 205

بن جماعه 14

بنانة 141, 142, 175

بُهَيَّة 143

بهيسة 142, 175

بيهقي 17, 55, 56

ج 118, 119
جسرة

جمحي 26

جميلة بنت عبّاد 144

ح

حافظ حكيمي 17

حاجي خليفه 14

حاكم 17, 20, 23, 25, 37, 39, 55

حبيبة بنت ميسرة 144

حسنا بنت معاوية 144

حفصة بنت بنت عبدالرحمن 83

حكيمه بنت أميمة 145

حُميدة 146, 176

حُمَيْضة بنت شمردل 147

حَمَيْضة بنت ياسر 147

خ

خطيب بغدادى 16

د

دُحْيِيَّة بنت عُليِّبة عَنبرِيَّة 148

ر

رَبَاب 101, 102, 127, 128, 129, 148, 174, 176

رَفِيع بن مَهْران 56

رُقِيَّة بنت عمرو 149

رُمَيْثَة 149, 150, 176

ز

زَهْرَى 25, 48, 81

زَيْنَب السَّهْمِيَّة 151, 176

زَيْنَب بنت كَعْب 39, 135, 136, 137, 175

زَيْنَب بنت نَصْر 144, 151, 152, 177

س

سَارَة بنت مَقْصَم 152

سَائِبَة 153, 177

سَجِسْتَانِي 2, 23, 204

سَلْمَى 205, 177, 154, 153, 55

ش

شَعْبَى 48, 56, 57, 162

شَعْتَاء بنت عَبْدِالله 45, 154, 177

شَنْقِيطَى 19, 206

شَهْرزُورَى 51

ص

صَفِيَّة بنت حَارِث 155

صَفِيَّة بنت عَطِيَّة 156, 177

ض

ضَبَاعَة بنت مَقْدَاد 157, 178

ط

طلحة أم غراب 157, 178

ع

عالية بنت سُبَيْع 158

عبدالرحمن بن ابي حاتم رازى 20

عجلى 25, 39, 42, 43, 44, 66, 158

عديسه 133, 134, 174

عقيلة 157, 159, 178

عَقِيلَة بنت أسمر 159

عمر بن عبدالعزيز 26

عمرة 25, 26, 63, 65, 84, 85, 86, 88, 118, 146, 160, 173, 178

ف

فاختة 160, 178

فاطمة بنت حسين 115, 116

فُسَيْلَة 160, 161, 178

قاسم بن محمد 39, 48

قر صافة 161, 178

قُرَيْبَة بنت عبدالله 161, 178

قَمِير بنت عمرو 162

ك

كَبْشَة بنت أبي مريم 163

كبشة بنت كعب 129, 130, 162

كريمة بنت مقداد 161, 163, 179

كريمه بنت همام 44, 138

كَلْتَم قرشية 164, 179

ل

166, 179	لؤلؤة
34, 147, 166, 167, 179	لإلى

م

168, 179	مجيبة
40, 66	مخزومي
82, 127, 174	مرجانه
134	مُسة أزدية
169, 179	مغيرة بنت حسان
46	موفق الدين
170, 179	ميمونة بنت وليد

ن

170, 180	ندبة
----------	------

هـ

171	هند بنت شريك
171, 180	هند بنت وازع
172, 180	هُنيدة
82, 180	هولة

Abstract

The subject of the science of hadith has a special importance and virtue in itself, but research on women of nationality who are the second superior generation after the age of the Companions is of special importance; Because, in general, public opinion about women is in line with the Shari'a sciences in such a way that it seems that women are located in the corners of houses, and have no role other than performing worships and responsibilities of house and marriage. While after following in the books, their role in this case becomes clear and obvious. This research is inductive in the sense that I have first researched and researched the names of the functions, and then I have searched and researched to find their merits in the Seth books using the Shamleh school, so that in terms of The multiplicity and scarcity of narrations should be arranged first in the correct ones and then in the books of Sunnah of their names, then for a brief knowledge of each of their functions and character in terms of injury and modification, refer to the famous books of translation and then to the books of injury and modification. I have.

After confining the hadiths and extracting them from the books of Seth, in order to express the degree and ruling of the hadith, it was necessary to refer to authentic books such as the Albanian book, and then to the hadiths that are given as examples for each of the functions. Judgment has been made in terms of accuracy, weakness and goodness, or their strangeness.

In addition, in relation to the efforts of the subjects in the narration and tact, I have referred to all the books of hadith and the books of translation, and as far as possible I have collected and quoted all the narrations about their journeys, tolerance, and their role in conveying the hadiths.



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of higher education

DM of Academic Affairs

Hadith Jihads of their nationalities and narrations in six books

A Master's Thesis

Student: Abida “Majidi”

Supervisor: Mohammad Ismail Labib “Balkhi”

Year 2021



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of higher education
DM of Academic Affairs

Hadith Jihads of their nationalities and narrations in six books

A Master's Thesis

Student: Abida "Majidi"
Supervisor: Mohammad Ismail Labib "Balkhi"

Year 2021